

تحليل محتوایی زیارتنامه مبارک و کرد اخلاقی - تربیتی

مجتبی حیدری

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۱۳	دیباچه
۱۵	مقدمه

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱۹	۱. تبیین موضوع تحقیق
۱۹	الف) تعریف اخلاق و تربیت
۲۱	ب) ضرورت فراگیری اخلاق و تربیت
۲۴	ج) حساس بودن تربیت اخلاقی
۲۵	د) اهمیت سازندگی فردی در اسلام
۲۵	ه) اهمیت زیارت و زیارتنامه‌ها
۲۷	و) بیان موضوع پژوهش
۲۸	۲. هدف و ضرورت تحقیق
۲۹	۳. پیشینه تحقیق

فصل دوم: جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در نظام هستی در زیارتنامه‌ها

۳۱	مقدمه
۳۲	۱. برگزیدگان خداوند

۳۴	۲. ولایت تکوینی
۳۵	ابعاد ولایت تکوینی
۳۵	الف) هدایت باطنی انسان‌ها
۳۷	ب) وساطت در روزی‌دهی به انسان‌ها
۳۹	ج) وساطت در موجودیت و بقای جهان مادی
۴۱	۳. ولایت تشریحی
۴۳	۴. پیشوایان و جانشینان خدا و پیامبر ﷺ
۴۴	۵. حجة‌الله
۴۶	۶. ارکان دین و ایمان
۴۹	۷. ناظر بر اعمال امت
۵۰	۸. مرجعیت علمی
۵۰	الف) اهل بیت ﷺ مخزن علوم الهی
۵۱	ب) اهل بیت ﷺ وارثان علوم پیامبران
۵۳	ج) اهل بیت ﷺ عالمان و مفسران قرآن
۵۴	د) اهل بیت ﷺ بیان‌کنندگان احکام الهی
۵۵	۹. مایه قبولی طاعات و آمرزش گناهان
۵۷	۱۰. وسیله آزمایش افراد

فصل سوم: عرضه عقیده و دین به اهل بیت ﷺ در زیارتنامه‌ها

۵۹	مقدمه
۶۰	۱. بیان اعتقاد به عظمت و جایگاه رفیع اهل بیت ﷺ
۶۳	۲. گواهی به شناخت حق اهل بیت ﷺ
۶۷	۳. شهادت به عصمت اهل بیت ﷺ
۶۹	۴. بیان اعتقاد به وجوب اطاعت از اهل بیت ﷺ

۷۲ بیان اعتقاد به بازگشت خلق به سوی اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و حساب خلق با ایشان
۷۵ ۶. شهادت به حیات اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و شنوا و بینا بودن ایشان
۷۸ ۷. بیان اعتقاد به رجعت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۸۰ فواید و آثار تربیتی اعتقاد به رجعت
۸۲ ۸. شهادت به مظلومیت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۸۸ ۹. اعلام دوستی با دوستان اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و دشمنی با دشمنان ایشان
۹۴ ۱۰. بیان اعتقاد به جواز توسل به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و برخورداری ایشان از مقام شفاعت
۹۵ توسل
۹۷ شفاعت
۱۰۰ توسل و شفاعت در زیارتنامه‌ها

فصل چهارم: نکات اخلاقی-تربیتی در آداب زیارت

۱۰۳ مقدمه
۱۰۴ ۱. غسل زیارت
۱۰۴ الف) پاکیزگی تن برای رعایت ادب حضور
۱۰۵ ب) طهارت نفس و پاک شدن از گناهان و لیاقت شرفیابی به محضر معصوم <small>علیه السلام</small>
۱۰۶ ۲. اذن دخول
۱۰۷ الف) کسب توجه و حضور قلب [و بیرون آمدن از غفلت و بی توجهی]
۱۰۷ ب) رعایت ادب و احترام
۱۰۸ ج) توجه به حیات ائمه <small>علیهم السلام</small> و قرار داشتن در محضر ایشان
۱۰۹ د) احساس خضوع و خشوع و رقت قلب
۱۱۱ ۳. سلام به سایر امامان معصوم <small>علیهم السلام</small>
۱۱۲ الف) رعایت ادب و احترام
۱۱۳ ب) ابراز محبت به اولیای پیشین

- ج) قدردانی از انبیا و امامان پیشین، به دلیل زحماتشان..... ۱۱۴
- د) اقرار به نبوت و امامت و اظهار اعتقاد به همه پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام..... ۱۱۵
۴. نماز زیارت..... ۱۱۶
- الف) توحید و خداپرستی در همه احوال..... ۱۱۷
- ب) ایجاد آمادگی برای دعا به درگاه خداوند..... ۱۱۹
- ج) جلوگیری از غلو درباره اهل بیت علیهم‌السلام..... ۱۲۰
۵. وداع و خداحافظی..... ۱۲۳
- الف) احترام به صاحب مرقد..... ۱۲۴
- ب) ابراز علاقه مجدد..... ۱۲۴
- ج) کسب آمادگی روحی برای جدا شدن از حرم اهل بیت علیهم‌السلام..... ۱۲۵
- د) بقاء شوق زیارت..... ۱۲۷
- ه) گرفتن مزد زیارت..... ۱۲۷

فصل پنجم: باریابی به محضر خداوند در زیارتنامه‌ها

- مقدمه..... ۱۲۹
۱. توجه به حضور در محضر خداوند..... ۱۳۰
۲. انجام دادن زیارت، عبادتی دیگر..... ۱۳۲
۳. ابراز خضوع و خشوع در مقابل پروردگار..... ۱۳۵
۴. مناجات با خداوند..... ۱۳۸
۵. گریه در پیشگاه خداوند..... ۱۴۱
- الف) گریه از روی ترس از گناهان..... ۱۴۱
- ب) گریه از روی شوق..... ۱۴۱
- ج) گریه در رثای اهل بیت علیهم‌السلام..... ۱۴۲

فصل ششم: دعا و عرض نیاز به درگاه خداوند در زیارتنامه‌ها

مقدمه	۱۴۵
۱. دعا برای حوائج دنیوی	۱۴۶
۲. دعا برای حوائج اخروی	۱۴۹
الف) دعاهای مربوط به رابطه زائر با خداوند	۱۵۰
یک - آمرزش گناهان	۱۵۰
دو - مصونیت از گناه	۱۵۲
سه - نجات در روز قیامت و ورود به بهشت	۱۵۴
چهار - درخواست شناخت حق و باطل	۱۵۴
پنج - توفیق عمل صالح و سرعت در آن	۱۵۶
شش - رضا به قضای الهی	۱۵۸
ب) دعای زائر برای والدین و مؤمنان	۱۶۰
ج) دعاهای مربوط به رابطه زائر با اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	۱۶۲
یک - صلوات بر محمد و آل محمد	۱۶۲
دو - دعا برای ثبات قدم در مسیر اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>	۱۶۵
سه - قبولی زیارت	۱۶۷
چهار - توفیق زیارت مجدد	۱۶۸
پنج - برخی دیگر از دعاهای قریب المضمون	۱۷۱

فصل هفتم: خصوصیات اخلاقی - رفتاری امامان معصوم علیهم‌السلام در زیارتنامه‌ها

مقدمه	۱۷۵
۱. تقوا	۱۷۶
تقوا در قرآن کریم	۱۷۶

- ۱۷۹ تقوا در زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام.....
- ۱۸۱ ۲. اطاعت از خداوند.....
- ۱۸۵ ۳. اخلاص.....
- ۱۸۷ اخلاص در سیره اهل بیت علیهم‌السلام.....
- ۱۹۰ ۴. عبادت و بندگی.....
- ۱۹۲ الف) ذکر و یاد خداوند.....
- ۱۹۵ جلوه‌های ذکر در زندگی امامان معصوم علیهم‌السلام.....
- ۱۹۷ ب) اقامه نماز.....
- ۱۹۸ نمونه‌هایی از نماز اهل بیت علیهم‌السلام.....
- ۲۰۰ ج) تلاوت قرآن.....
- ۲۰۱ ۵. پرداخت زکات.....
- ۲۰۳ ۶. جهاد در راه خدا.....
- ۲۰۸ ۷. امر به معروف و نهی از منکر.....
- ۲۱۰ امر به معروف و نهی از منکر در سیره اهل بیت علیهم‌السلام.....
- ۲۱۳ ۸. نه‌راسیدن از سرزنش ملامتگران.....
- ۲۱۸ ۹. مهربانی و مهرورزی.....
- ۲۲۱ مهرورزی اهل بیت علیهم‌السلام در زیارتنامه‌ها.....
- ۲۲۳ ۱۰. صداقت.....
- ۲۲۵ ۱۱. نیکی به مردم.....
- ۲۲۸ ۱۲. مهار خشم و گذشت از دیگران.....
- ۲۳۱ ۱۳. امانتداری.....
- ۲۳۴ ۱۴. صبر در برابر مشکلات.....
- ۲۳۸ ۱۵. شکرگزاری بر نعمت‌ها.....
- ۲۴۲ ۱۶. تسلیم و رضا.....
- ۲۴۶ ۱۷. زهد و بی‌اعتنایی به دنیا.....

۲۴۸ دنیا و زهدورزی
۲۵۰ بی‌اعتنایی به دنیا در زیارتنامه‌ها

فصل هشتم: پیام‌های اخلاقی - تریبیتی زیارت و زیارتنامه‌ها

۲۵۵ مقدمه
۲۵۶ ۱. حسن ظن
۲۵۶ اقسام حسن ظن
۲۵۷ الف) حسن ظن به بندگان
۲۵۷ ب) حسن ظن به خداوند
۲۵۸ زیارت و حسن ظن به خدا
۲۵۸ ۲. توجه به لزوم خودسازی و تزکیه نفس
۲۶۰ زیارت و تهذیب نفس
۲۶۱ ۳. بنا گذاشتن بر بخشوده شدن خطاهای گذشته و آغاز به عمل برای آینده
۲۶۳ ۴. کوشش و تلاش در راه خدا
۲۶۵ ۵. آرامش فقط در سایه ارتباط با خدا و اولیای دین
۲۶۹ ۶. اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> واسطه میان خلق و خالق
۲۷۱ ۷. محبت اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> و پذیرش ولایت ایشان، تنها راه نجات
۲۷۴ زیارت، حقیقتی دوسویه
۲۷۶ ۸. امامان معصوم <small>علیهم‌السلام</small> ناظر اعمال انسان
۲۷۹ ۹. اهل بیت، الگوی کامل انسان‌ها
۲۸۲ ۱۰. همدردی با اولیا و تسلیت به ایشان
۲۸۷ کتابنامه

دیباچه

بی تردید انسان با خواندن زیارتنامه‌های مأثور امامان معصوم علیهم‌السلام، شیوه سخن گفتن با پروردگار عالم را در حضور ولیّ خدا و با واسطه او می‌آموزد. این زیارتنامه‌ها، آکنده از معارف ناب اعتقادی، اخلاقی و عرفانی است که در غیر آنها یافت نمی‌شود؛ مانند آنچه در زیارت شریف جامعه کبیره از بیان شریف امام علی النقی علیه‌السلام، به ما رسیده است.

در زیارتنامه‌های امامان معصوم علیهم‌السلام، محورهایی وجود دارد که در بیشتر زیارتنامه‌ها مشترک است. البته محورهایی نیز وجود دارد که مخصوص زیارتگاه و امام خاص می‌باشد. محقق ارجمند جناب آقای «مجتبی حیدری»، این محورها و مفاهیم غنی را در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوایی زیارتنامه‌ها» شناسایی و با رویکرد اخلاقی - تربیتی تبیین کرده و نتیجه آن را پیش‌روی علاقه‌مندان به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام قرار داده است.

ضمن تشکر از زحمات ایشان، امیدواریم خوانندگان عزیز، به ویژه زائران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، با مطالعه آن، با معرفت بیشتری به زیارت امامان معصوم علیهم‌السلام مشرف شوند.

پژوهشکده حج و زیارت

گروه اخلاق و اسرار

مقدمه

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که بندگان خاص خداوندند، در نظام آفرینش، جایگاه ویژه‌ای دارند. آن بزرگواران، با برخورداری از مناصبی از قبیل ولایت تکوینی و تشریحی، وساطت در فیض الهی و مرجعیت علمی، محل رجوع و تمسک همه بندگان و بلکه همه مخلوقات‌اند و اصولاً ورود به درگاه خداوند، تنها از مسیر اهل بیت علیهم السلام میسر است؛ چنان‌که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ... مَنْ آتَاكُمْ نَجَاً وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكٌ»^۱.

از این رو خداوند، دوستی با آنان را از واجبات شمرده و آن را مزد رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حساب می‌آورد و می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۲. همان‌طور که گفتیم یکی از ویژگی‌های اهل بیت علیهم السلام، مرجعیت علمی ایشان است. آن بزرگواران با اتصال به علم بی‌پایان خداوند، می‌توانند جویندگان دانش و معرفت را سیراب سازند و مسیر صحیح بندگی را به همگان بنمایانند. امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»^۳ فرمودند: «نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَنَحْنُ

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۳. «کسی که چنگ به دامان (پاک) شما زند، به ذیل عنایت خدا چنگ زده... هرکس به سوی شما آمد، نجات یافت و آن‌که به سوی شما نیامد، هلاک شد».

۲. «بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیتم)». (شوری: ۲۳)

۳. «تفسیر آنها را جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند». (آل عمران: ۷)

نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ»؛ «ما راسخان در علم هستیم و ما تفسیر آیات قرآن را می‌دانیم».

از این رو لازم است محققان علوم دینی کنار مراجعه به قرآن کریم، با بهره‌گیری از سخنان اهل بیت علیهم‌السلام، علوم دینی را در زمینه‌های گوناگون به پیش برند و معارف بلند اهل بیت علیهم‌السلام را در جامعه گسترش دهند. در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

كَلَامُكُمْ نُورٌ وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَوَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى وَفِعْلُكُمْ الْخَيْرُ وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَ
سَجِيَّتُكُمْ الْكِرَامُ وَشَانُكُمْ الْحَقُّ وَالصَّدْقُ وَالرَّفْقُ وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَمَمٌ وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَ
حِلْمٌ وَحَزْمٌ إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصْلُهُ وَفِرْعَهُ وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ.^۲

از سوی دیگر، یکی از شیوه‌های مهم ابراز علاقه و محبت به اهل بیت علیهم‌السلام، زیارت ایشان است. هر چند آن بزرگواران، به جز حضرت ولی عصر علیه‌السلام، اکنون در قید حیات ظاهری نیستند، ولی با این حال، مطابق روایات، زیارت مراقد مطهر ایشان، همچون زیارت آنان در زمان حیات شریفشان است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي وَكُنْتُ لَهُ شَهِيدًا وَشَافِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^۳

گفتنی است هر چند زیارت مرقد مطهر اهل بیت علیهم‌السلام، با هر کلام و بیانی صحیح است، اما برای زیارت ایشان، زیارتنامه‌های بسیاری به دست ما رسیده است که آکنده از معارف ناب و بلند دینی و الهی می‌باشد. این زیارتنامه‌ها، منبع بسیار با ارزش اعتقادی، اخلاقی و عبادی به حساب می‌آید که در اختیار ما شیعیان قرار دارد و مطالعه و بررسی آنها می‌تواند ضمن افزایش معرفت به اهل بیت علیهم‌السلام، معارف الهی دیگری را نیز در اختیار جویندگان آن قرار دهد.

از این رو، در این نوشتار سعی داریم با تحلیل زیارتنامه‌ها، با رویکردی اخلاقی -

۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۱۳.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۶.

۳. کامل الزیارات، ص ۱۳.

تربیتی، قطره‌ای از دریای بی‌کران معارف دینی را که در زیارتنامه‌های پیشوایان دین آمده است، جست‌وجو و بررسی نماییم. امید است این اثر، مورد رضایت خداوند و مورد قبول آن بزرگواران علیهم‌السلام قرار گیرد.

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱. تبیین موضوع تحقیق

در این نوشتار می‌خواهیم با بررسی و تحلیل محتوایی زیارتنامه‌ها، معارف اخلاقی و تربیتی آنها را به دست آوریم. از این رو، پیش از پرداختن به بحث، لازم است درباره موضوع، توضیحاتی را ارائه نماییم تا خواننده محترم با محتوای کتاب، آشنایی مختصری پیدا کند. بنابراین در اینجا به اختصار، توضیحاتی را درباره تعریف اخلاق و تربیت، ضرورت، اهمیت و حساسیت خودسازی و تربیت و اهمیت زیارت و زیارتنامه‌ها، بیان می‌کنیم.

الف) تعریف اخلاق و تربیت

کلمه اخلاق، جمع «خُلُق» و خُلُق شکل درونی انسان است.^۱ غرایز، ملکات و صفات روحی و باطنی موجود در انسان، اخلاق نامیده می‌شود. به اعمال و رفتاری نیز که از این خلقیات ناشی می‌گردد، اخلاق یا رفتار اخلاقی می‌گویند.^۲ می‌دانیم که فراهم آوردن زمینه برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به

۱. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۸۶.

۲. نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، ص ۱۴.

ظهور و فعلیت رسانیدن امکانات بالقوه موجود درون او را تربیت نامند. هسته سیبی را در نظر بگیرید؛ این هسته استعداد تبدیل شدن به سیب را درون خود دارد و در صورت فراهم بودن شرایط، این استعداد درونی به فعلیت می‌رسد و دانه، به درخت سیب و سپس به میوه‌های سیب تبدیل خواهد شد. دانه مذکور گرچه بالفعل دانه‌ای بیش نیست، اما چون امکان تبدیل شدن به سیب را داراست، بالقوه سیب است.

تربیت این دانه، فراهم آوردن شرایط لازم برای پروراندن همین استعداد درونی و به فعلیت درآوردن خصوصیات بالقوه آن است. در مورد انسان نیز فراهم آوردن شرایط برای شکوفایی همه استعدادهای درونی برای رسیدن به هدف مطلوب، با برنامه‌ای حساب‌شده، تربیت نامیده می‌شود.^۱

گفتنی است در کاربردهای رایج عنوان تربیت، بیشتر مفهوم غیردقیق آن مدنظر است. بر این اساس، مفهوم تربیت، تنها ناظر به پرورش استعدادهای روحی و اخلاقی (تربیت اخلاقی) است؛ برای مثال، وقتی از تقدم تربیت بر تعلیم، سخن گفته می‌شود، منظور این است که از لحاظ اهمیت، تربیت روحی و اخلاقی، بر آموزش‌های فکری مقدم است؛ به طوری که چنان آموزش‌هایی باید با این سازندگی معنوی و اخلاقی همراه باشد و در جهت آن قرار گیرد؛ زیرا اگر فقط به پاره‌ای آموزش‌های فکری و پرورش ذهنی اکتفا شود و از پرورش ابعاد روحانی و اخلاقی انسان غفلت گردد، چه‌بسا همان آموزش‌ها، به سبب استفاده نادرست، منشأ اثرهای منفی گردد. اما اگر این آموزش‌ها، با تعلیماتی به منظور تهذیب نفس و اصلاح درون همراه باشد، در رشد روحی انسان، کارگر خواهد افتاد. بنابراین باید در استفاده از این‌گونه عناوین، به کاربردهای مختلف آن توجه داشت تا بتوان به درک صحیح منظور نایل آمد.^۲

۱. اخلاق اسلامی، محمدعلی سادات، ص ۹.

۲. همان، ص ۱۰.

ب) ضرورت فراگیری اخلاق و تربیت

وجود انسان از دو بُعد حیوانی و انسانی تشکیل شده است. هنگام تولد، بُعد حیوانی انسان که متضمن حفظ و اداره حیات اوست، بالفعل موجود است. اما بُعد انسانی او، عمدتاً همچون بذرهایی درون وجود اوست که در صورت پرورش، به ارزش‌های والای انسانی، تبدیل خواهد شد؛ همچنان‌که اگر این بذرهایی درون انسان، زیر آوار غفلت و فراموشی دفن گردد یا به دست خود انسان ضایع شود، وی از مرز حیوانیت فراتر نمی‌رود و چه بسا به مرحله پست‌تر از حیوانات نیز تنزل یابد؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾ (اعراف: ۱۷۹)

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آنها دل‌ها (عقل‌ها) بی دارند که با آن [اندیشه نمی‌کنند و] نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند؛ آنها همچون چهارپایان‌اند. بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلان‌اند [؛ زیرا امکان هدایت دارند و بهره نمی‌گیرند].

بنابراین، گرچه انسان در بدو تولد، از نظر ساختمان جسمانی و ظاهری، انسان است، اما از نظر روحی و معنوی نیازمند آن است که بذر ارزش‌های انسانی را درون خود رشد دهد و انسانیت را به فعلیت و ظهور برساند. از این رو می‌توان گفت: انسان از نظر ساختار روحی و معنوی، یک مرحله از ساختار جسمانی و حیوانی خود عقب‌تر است. ساختار جسمانی و حیوانی انسان در دوران جنینی شکل می‌گیرد؛ حال آنکه ابعاد روحانی انسان عمدتاً باید در مرحله بعد از تولد، رشد داده شود.

بنابراین می‌توان گفت: انسان به سبب داشتن اختیار، می‌تواند ماهیت‌های گوناگونی بپذیرد؛ درحالی‌که موجودات دیگر، از قبیل حیوان و نبات، دارای چنین خصوصیتی نیستند. هسته سبب در مسیر تربیت، تنها یک ماهیت پیش‌روی خود دارد. یک جوجه

مرغ، تنها توانایی تبدیل شدن به مرغ را دارد؛ درحالی‌که انسان، راه‌های بی‌شماری پیش‌روی خود دارد که می‌تواند یکی از آنها را براساس اراده و اختیار خود برگزیند. از این رو می‌توان گفت در عالم انسان، انسان‌هایی با ماهیت‌های درونی و شخصیت‌های کاملاً متفاوت و گاهی متناقض مشاهده می‌کنیم که هر یک در مسیر تربیت، به راهی رفته و ماهیتی برگزیده‌اند. ولی تردیدی نیست که میان ماهیت‌های گوناگونی که انسان می‌تواند برگزیند، یک ماهیت است که به علت انطباق بر فطرت، ماهیت انسانی است؛ یعنی انسانیت انسان، در گرو تحصیل چنین ماهیتی است که جز در سایه پرورش متعادل و شکوفایی هماهنگ استعدادهای درونی و ابعاد روحی و فطری، به وجود نمی‌آید.^۱

حال می‌توان به نقش علم اخلاق در زندگی انسان پی برد. علم اخلاق است که با شناسایی استعدادهای گوناگون انسان و فضایل و رذایل روح آدمی، چگونگی ایجاد تعادل میان امیال گوناگون و راه و روش تربیت نفس را هموار می‌سازد؛ بدان‌گونه که انسان بتواند به کمال شایسته خود نایل آید.

از اینجا می‌توان دریافت که علم اخلاق، از پراج‌ترین و ضروری‌ترین علوم است که انسان بدان نیازمند است. در واقع بعد از علم الهی که موضوع آن شناخت ذات حق است، هیچ علمی، از نظر اهمیت و ضرورت، همپای علم اخلاق نیست؛ زیرا تمامی علوم، رهاوردهای خود را در اختیار انسان قرار می‌دهند و همگی در خدمت انسان می‌باشند. حال اگر انسان از تربیت روحی و معنوی لازم برخوردار نباشد، از این دستاوردهای علوم نیز نمی‌تواند برای سعادت حقیقی و کمال واقعی خود بهره‌مند شود. امام کاظم علیه السلام فرمود:

الزُّمُّ الْعِلْمُ لَكَ مَا دَلَّكَ عَلَىٰ صَلَاحِ قَلْبِكَ، وَ أَظْهَرَ لَكَ فَسَادَهُ.^۲

لازم‌ترین علم برای تو، آن علمی است که تو را به آنچه خیر و صلاح قلب تو در آن است، راهنمایی کند و آنچه را مایه فساد آن است، به تو بنمایاند.

۱. اخلاق اسلامی، محمدعلی سادات، ص ۱۱.

۲. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۱۲۲.

گسترش بینش مادی در عصر حاضر که از آثار فرهنگ غرب است، سبب شده است که انسان تنها برای اموری ارزش قائل شود که بازده مادی زودرس و قابل توجیهی داشته باشد. در نتیجه، از میان علوم نیز تنها به آن دسته از علوم که او را مستقیماً در رسیدن به مقاصد مادی و اقتصادی یاری می‌رساند، اهمیت داده و علوم معنوی را فراموش کرده است.

بر این اساس، در نظر او علم اخلاق که به بُعد معنوی زندگی انسان می‌پردازد، از ارزش و اهمیت چندانی برخوردار نیست و همین غربت علوم معنوی در فرهنگ غربی و همین‌طور فرهنگ‌های متأثر از فرهنگ غربی، از مدت‌ها پیش آثار و نتایج زیانبار خود را ظاهر ساخته و اعتراض بسیاری از متفکران آن سامان را برانگیخته است؛ تا آنجا که در سال‌های اخیر، در همین کشورها تلاش‌هایی برای گسترش آموزش‌های اخلاقی صورت گرفته است تا شاید خلأ معنوی موجود در این جوامع را به نحوی برطرف سازند و از آثار و عواقب آن بکاهند.

به هر حال، آنجا که انسانیت و ارزش‌های انسانی ارج و بهایی داشته باشد، علم اخلاق از ضروری‌ترین علوم است که باید توجه جدی بدان داشت.

گفتنی است نیاز انسان جدید به آموزش‌های اخلاقی، نه تنها کمتر از انسان قرون گذشته نیست، بلکه بیشتر و عمیق‌تر نیز است. در زمان‌های گذشته، آدمی از امکاناتی که امروزه در اختیار دارد، بی‌بهره بود. از این‌رو در صورت سقوط و تباهی، دامنه تأثیرش محدود بود. اما امکاناتی از قبیل دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، ماهواره‌ها، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و تکنولوژی پیشرفته، سبب شده است که تباهی آدمی، دامنه‌ای نامحدود پیدا کند. فساد اخلاق، مرزها را درهم نوردد و از حصار خانه‌ها بگذرد و هیچ کجا، از تأثیرات ویرانگر آن مصون نماند.

از این‌رو نیاز انسان به عامل کنترل‌کننده و بازدارنده در عصر حاضر، از هر زمان دیگری بیشتر است؛ یعنی همچنان‌که قدرت و امکانات او در مسیر گسترش فساد

اخلاقی بیشتر می‌شود، باید قدرت روحی و اخلاقی او نیز برای مهار نفس افزون‌تر شود. پس جهان معاصر به اخلاق، نیازی حیاتی دارد.

ج) حساس بودن تربیت اخلاقی

در حساسیت تربیت اخلاقی همین بس که توجه داشته باشیم سروکار با نفسی داریم که حضرت سجاده‌علیه‌السلام از آن به درگاه الهی شکوه برده و چنین فرموده است:

إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَّارَةً وَإِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً وَبِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً.^۱

خدایا! از دست نفسی به تو شکایت می‌کنم که به انجام دادن بدی امر می‌کند و به لغزش‌ها مبادرت می‌کند و مشتاق نافرمانی کردن از توست.

حال جای این سؤال است با چنین نفسی چه باید کرد؟! آنچه مسلم است، رها شدن از شرّ نفس و گام برداشتن در راه انسانیت و فضیلت چیزی نیست که به آسانی نصیب کسی شود؛ وگرنه از آن، تعبیر به «جهاد اکبر»^۲ و «جهاد افضل»^۳ نمی‌کردند و فاتحان این این نبرد را «قهرمان»^۴ نمی‌نامیدند.

در واقع آنان که مسئله مبارزه با نفس را آسان می‌پندارند یا آن را برای خود حل‌شده می‌دانند، از ماهیت آن غافل‌اند.

مادر بت‌ها بت نفس شماست زان که آن بت مار و این بت اژدها است
بت شکستن سهل باشد، نیک سهل سهل دیدن نفس را جهل است جهل^۵

بدون تردید برای مبارزه با نفس سرکش، پشتوانه محکمی از بصیرت و ایمان لازم است؛ وگرنه اراده‌ای که تنها متأثر از حالات و احساس‌های زودگذر روحی باشد، پس از چند صبحی شکست می‌خورد و شخص را به شکست می‌کشاند.

۱. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۴۰۷، مناجات دوم از مناجات‌های پانزده گانه امام سجاده‌علیه‌السلام، مناجات الشاکین.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۱۲.

۳. معانی الاخبار، ص ۱۶۰.

۴. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۸.

۵. مثنوی مولوی، دفتر اول.

د) اهمیت سازندگی فردی در اسلام

بی‌تردید فرهنگ‌ها و مکتب‌های بشری، به مسئله اساسی «انسان‌سازی»، توجهی ندارند؛ به گونه‌ای که از حوزه تعلیم و تربیت، تنها به تعلیم اکتفا می‌کنند. اما در دین، نه تنها مسئله اخلاق و سازندگی شخصیت معنوی انسان فراموش نشده است، بلکه اساسی‌ترین مسئله است؛ چنان‌که به فرموده پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هدف از خلقت ایشان، کامل کردن فضایل اخلاقی بوده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛^۱ «همانا من مبعوث شدم تا فضایل اخلاقی را کامل کنم».

بنابراین اگر در جامعه اسلامی، مسئله اخلاق و تربیت، جدی گرفته نشود، باید از حاکمیت و گسترش اسلام در آن قطع امید کرد. اسلام واقعی هنگامی در جامعه مسلمانان تجلی می‌کند که فرد فرد مسلمانان یا دست‌کم بیشتر آنان، از روی ایمان و از صمیم دل، ضمن مبارزه با رذایل و خصلت‌های حیوانی، به تحصیل مکارم اخلاق، همت گمارند.

ه) اهمیت زیارت و زیارتنامه‌ها

زیارت اولیای دین، یکی از سنت‌های همه مسلمانان، به ویژه شیعیان می‌باشد. آنان براساس فرمایشات و دستوره‌های رسیده از امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام، برای زیارت ایشان، ارزش زیادی قائل‌اند و تلاش می‌کنند در فرصت‌هایی که برای آنان پیش می‌آید، خود را به مشاهد مشرفه آن بزرگواران برسانند و از بارگاه ملکوتی آنان برای خود خوشه تقوا و معنویت برچینند.

روایاتی که در تشویق به زیارت و بیان فضیلتی که برای زیارت ایشان برشمرده شده به حدی زیاد است که جای هیچ شک و شبهه‌ای را باقی نمی‌گذارد؛ برای مثال، «زید شحّام»، از اصحاب امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، می‌گوید:

«پاداش کسی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را زیارت کند، چیست؟»

۱. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۲.

فرمود: «كَمَنْ زَارَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَوْقَ عَرْشِهِ»؛ همانند کسی است که خدا را بر عرشش زیارت کرده است». گفتم: «پس پاداش کسی که یکی از شما اهل بیت را زیارت کند چیست؟» فرمود: «كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ»؛ «همانند کسی است که رسول خدا را زیارت کرده است».

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام مِنْ شِيعَتِنَا لَمْ يَرْجِعْ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ كُلُّ ذَنْبٍ وَ يُكْتَبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاَهَا وَ كُلِّ يَدٍ رَفَعْتَهَا دَابَّتْهُ أَلْفُ حَسَنَةٍ وَ مُحِيَّ عَنْهُ أَلْفُ سَيِّئَةٍ وَ تُرْفَعُ لَهُ أَلْفُ دَرَجَةٍ.^۲

هریک از شیعیان ما که مرقد [امام] حسین علیه السلام را زیارت کند، پیش از آنکه بازگردد، همه گناهانش آمرزیده می‌شود و برای هر قدمی که برداشته و هر دست و پای که چهارپایش برداشته است، هزار حسنه برای او نوشته می‌شود و هزار گناه از او پاک می‌گردد و هزار درجه بالا می‌رود.

امام رضا علیه السلام فرمود:

مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَعْدَادٍ كَمَنْ زَارَ قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْ لِرَسُولِ اللَّهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَضْلُهُمَا.^۳

کسی که قبر پدرم (امام موسی بن جعفر علیه السلام) را در بغداد زیارت کند، همانند کسی است که قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و قبر امیرمؤمنان علیه السلام را زیارت کرده است؛ به جز این نکته که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام فضیلت خاص خود را دارند.

همین چند روایت در توصیف ارزش و اهمیت زیارت امامان معصوم علیهم السلام کفایت می‌کند. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که در زیارت آن بزرگواران، چه راز و حکمتی نهفته است که تا این حد به آن، ارزش و اعتبار بخشیده است؟!

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۵.

۲. کامل الزیارات، ص ۱۳۴.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۳.

در پاسخ به این سؤال، سخن بسیار است که در متن کتاب، به برخی از آنها خواهیم پرداخت. با این حال، یکی از مهم‌ترین حکمت‌های اهمیت زیارت پیشوایان دین، به تأثیر زیارت در منش، شخصیت و اخلاق زائران بازمی‌گردد. زائران اهل بیت علیهم‌السلام آنان را پیشوایان خود در همه زندگی می‌دانند و تلاش می‌نمایند با الگو گرفتن از آنان، سعادت دنیوی و اخروی خود را تأمین کنند.

یکی از زمینه‌های تأثیرگذاری زیارت، تأثیر آن در بُعد اخلاقی و تربیتی زائران است. همه مردم و از جمله خود زائران کوی اهل بیت علیهم‌السلام انتظار دارند که پس از بازگشت از سفر زیارتی، اصلاحات عمده‌ای در اخلاق و رفتار آنان به وجود آمده باشد که غالباً نیز همین‌گونه است. برای زیارت اهل بیت علیهم‌السلام، زیارتنامه‌های بسیاری از ایشان به دست ما رسیده و کتاب‌های متعددی در جمع‌آوری این زیارتنامه‌ها نگاشته شده است؛ از قبیل کتاب «المزار»، نوشته محمدبن محمد (شیخ مفید)، «کامل الزیارات»، نوشته جعفر بن محمد ابن قولویه و «المزار»، نوشته محمدبن مکی (شهید اول). این زیارتنامه‌ها گذشته از ابراز سلام و ارادت به اهل بیت علیهم‌السلام، دربردارنده نکات و معارف بسیار مهم و ارزشمند اعتقادی، اخلاقی و تربیتی، رفتاری، عبادی و... می‌باشد که قرائت با حضور قلب آنها کنار بارگاه ملکوتی امامان معصوم علیهم‌السلام می‌تواند شناخت ما را درباره معارف دین افزایش دهد و تأثیرات ماندگاری بر افراد داشته باشد.

(و) بیان موضوع پژوهش

همان‌طور که گفتیم یکی از ابعاد مهم مطرح در زیارتنامه‌های پیشوایان دین، بعد اخلاقی و تربیتی است. نگاهی گذرا به متون برخی از زیارتنامه‌ها، به خوبی این نکته را می‌رساند که زیارتنامه‌ها با شیوه‌های مختلف، درصددند زائران را به سوی اخلاق و رفتار اسلامی و انسانی سوق دهند و آنان را آن‌گونه که اسلام می‌خواهد، تربیت کنند؛ برای مثال در زیارت امام موسی کاظم علیه‌السلام می‌خوانیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَّكَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ وَاجْتَنَبْتَ الْخِيَانَةَ
وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً
مُجْتَهِداً مُحْتَسِباً حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ^۱.

شهادت می‌دهم که تو برای خدا و رسولش و امیرمؤمنان خیرخواهی کردی و امانت را ادا نمودی و از خیانت دوری گزیدی و نماز را به پا داشتی و زکات را پرداخت کردی و امر به معروف کردی و از کار زشت بازداشتی.

این فقره از زیارت، به روشنی، خیرخواهی برای دین، ادای امانت، اجتناب از خیانت، اقامه نماز، پرداخت زکات، امر به معروف و نهی از منکر را به زائران آموزش می‌دهد. بی‌تردید زائری که با توجه و حضور قلب این جملات را بر زبان می‌آورد، درس‌های اخلاقی و تربیتی و رفتاری ارزشمندی را از آنان می‌گیرد و تلاش می‌کند در زندگی به آنها عمل نماید.

استخراج این نکات و کشف محتوای اخلاقی - تربیتی زیارتنامه‌ها گذشته از آنکه به خودی خود کاری ارزشمند است، می‌تواند افراد را با این معارف بلند آشنا کند و آنان را در عمل به آنها یاری دهد. از این‌رو در این تحقیق می‌خواهیم تا با دقت در زیارتنامه‌های چهارده معصوم علیهم‌السلام و بررسی آنها، معارف اخلاقی و تربیتی موجود در آنها را استخراج نماییم و با توضیحی مختصر و در عین حال گویا، آن را در اختیار زائران و خوانندگان محترم قرار دهیم.

۲. هدف و ضرورت تحقیق

همان‌طور که گفتیم، زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام دربردارنده دقیق‌ترین معارف اسلامی در ابعاد مختلف است؛ به گونه‌ای که زیارتنامه‌ها می‌تواند بخشی از منابع

۱. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵.

پژوهشی به حساب آیند. بدین ترتیب، می توان هدف از انجام دادن این پژوهش را از دو جهت مورد توجه قرار داد:

اولاً، از آنجا که این نوشتار، پژوهش بنیادی به حساب می آید، نتایج آن می تواند در انجام دادن پژوهش های بعدی در زمینه زیارت و زیارتنامه ها و نیز در زمینه اخلاق و تربیت به کار گرفته شود. همان طور که خواهیم دید، بعد اخلاقی و تربیتی زیارتنامه ها به قدری قوی است که می تواند منبع علمی بسیار ارزشمندی کنار سایر منابع اخلاقی و تربیتی، به حساب آید.

ثانیاً، یافته های علمی - تربیتی این تحقیق برای عموم مردم، به ویژه جوانان تحصیل کرده از زائران حج و عمره و عتبات مناسب است و می تواند جان تشنه آنان را برای دریافت معارف اهل بیت علیهم السلام سیراب کند و پاسخ های مناسبی برای سؤال های آنان در زمینه های اخلاقی - تربیتی و رفتاری ارائه نماید. از این گذشته، آگاهی افراد از معارف اهل بیت علیهم السلام که در زیارتنامه ها موج می زند و در این پژوهش تا حدودی به آنها خواهیم پرداخت، تأثیرات تربیتی و اخلاقی زیارت را مضاعف می گرداند.

۳. پیشینه تحقیق

زیارت اهل بیت علیهم السلام یکی از اعمال عبادی بااهمیت می باشد که در طول تاریخ، همواره مورد توجه علمای شیعه و دوستان اهل بیت علیهم السلام بوده است. از این رو در طول سالیان دراز، کتاب های بسیاری که در بردارنده زیارتنامه های اهل بیت علیهم السلام می باشد، نوشته شده است که از آن میان می توان به کامل الزیارات، اثر جعفر بن محمد بن قولویه، المزار، اثر شیخ مفید، المزار الکبیر، اثر ابن المشهدی و المزار فی کیفیة زیارة النبی و الائمه علیهم السلام، اثر شهید اول اشاره کرد. برخی از محققان نیز به شرح و تفسیر زیارتنامه ها، به ویژه زیارت جامعه کبیره، زیارت عاشورا، زیارت امین الله، زیارت ناحیه مقدسه و زیارت وارث اقدام

کرده‌اند؛ مانند «الانوار اللمعة فی شرح الزيارة الجامعة»، اثر آیت‌الله سید عبدالله شبّر، «ادبِ فناء مقربان»، آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، «شرح زیارت عاشورا»، اثر سید احمد میرخانی، «شرح زیارت امین الله»، اثر سید هاشم رسولی محلاتی.

اما این‌گونه شرح و توضیح‌دادن زیارتنامه‌ها، نمی‌تواند خواننده را به طور کامل با ابعاد متفاوت مطرح در زیارتنامه‌ها آشنا کند. بی‌تردید این شناخت، از طریق تحلیل موضوعی زیارتنامه‌ها امکان‌پذیر است. در این شیوه، زیارتنامه‌ها از یک جنبه خاص، مانند اعتقادی، اخلاقی - تربیتی و عبادی، بررسی می‌شود و نکات و مطالب مربوط به آن موضوع در زیارتنامه‌ها جمع‌آوری و شرح و تفسیر می‌گردد. هرچند این روش در شناخت محتوای زیارتنامه‌ها بسیار سودمند می‌باشد، ولی تاکنون در شرح زیارتنامه‌ها چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

یکی از ابعاد پراهمیت موجود در زیارتنامه‌ها، بُعد اخلاقی و تربیتی است که براساس بررسی‌های انجام شده، کار درخور توجهی در این زمینه انجام نشده است. از این رو، پژوهش حاضر، درصدد است مسائل و نکات اخلاقی و تربیتی موجود در زیارتنامه‌ها را جست‌وجو کند و ضمن بیان موارد آنها، شرح و توضیح مختصری درباره آنها ارائه نماید.

فصل دوم: جایگاه اهل بیت علیهم السلام در نظام هستی در زیارتنامه‌ها

مقدمه

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به عنوان برترین انسان‌های روی زمین از ابتدا تا انتهای خلقت، نزد خداوند جایگاهی والا دارند؛ به طوری که خداوند، امامت و سرپرستی جامعه انسانی را به ایشان سپرده است. مطابق نص صریح قرآن کریم^۱ و فرمایشات امامان معصوم علیهم السلام^۲، دوست داشتن ایشان امری واجب و شرط ایمان دانسته شده است. از این رو می‌بینیم علاقه‌مندان به آن بزرگواران، همه ساله از دورترین نقاط بار سفر می‌بندند تا خود را به جوار آستان ملکوتی آنان برسانند تا از سویی محبت خود را به ایشان نشان دهند و از سوی دیگر از خرمن معنویت و جایگاه والای آنان نزد خداوند برای خود خوشه برچینند.

یکی از راه‌های شناخت عظمت اهل بیت علیهم السلام مطالعه زیارتنامه‌های ایشان است. زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام صرف سلام و ابراز علاقه به بزرگواران نیست. بلکه نکته مهم‌تر این است که در بسیاری از این زیارتنامه‌ها، اهل بیت علیهم السلام به خوبی معرفی

۱. مانند: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری: ۲۳).

۲. برای مثال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبِّي وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي». ر.ک: دلائل الصدق لنهج الحق، ج ۴، ص ۲۱۵.

می‌شوند و ویژگی‌های ممتاز آنان بیان می‌گردد.

زائر می‌تواند با دقت در متون زیارتنامه‌ها، با خصوصیات والای اهل بیت علیهم‌السلام بیشتر آشنا گردد و این خود می‌تواند علاقه و محبت زائر را به ائمه معصوم علیهم‌السلام افزایش دهد. هرچند بحث از جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در زیارتنامه‌ها، بحثی اخلاقی - تربیتی شمرده نمی‌شود، ولی دور از انصاف است که به جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در زیارتنامه‌ها نگاهی نیفکنیم. از این رو در این فصل می‌کوشیم با واکاوی زیارتنامه‌ها، برخی از ویژگی‌های مهم اهل بیت علیهم‌السلام را که در زیارتنامه‌ها به آنها پرداخته شده است، بررسی کنیم:

۱. برگزیدگان خداوند

اهل بیت علیهم‌السلام در طول حیات شریف خود، نهایت تلاش خود را در راه بندگی خداوند بجای آوردند، ذره‌ای در انجام دادن وظایف خود کوتاهی نکردند و هرگز خطا و گناهی مرتکب نشدند. در مقابل، خداوند نیز آنان را از برگزیدگان درگاه خود انتخاب کرد. عنوان برگزیده خدا بودن، با تعابیر مختلف و غالباً با تعبیر «خیرة الله» در روایات آمده است.

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به علی علیه‌السلام فرمود: «أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَوَلَدَايَ خَيْرَةُ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ»؛ «تو و دو فرزندم (امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام) برگزیدگان خدا از میان بندگانش هستید». امام علی علیه‌السلام نیز درباره آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا»^۱ فرمود: «نَحْنُ الَّذِينَ اصْطَفَانَا اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ وَنَحْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ»^۲؛ «ما آنهایی هستیم که خدا از میان بندگانش برگزید و ما برگزیدگان خداوندیم».

زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام نیز در موارد متعددی به این مسئله پرداخته‌اند و زائران

۱. عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۳، ص ۵۸.

۲. «سپس این کتاب [آسمانی] را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم». (فاطر: ۳۲)

۳. کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، ج ۲، ص ۸۴۷.

کوی اهل بیت علیهم السلام نیز ایشان را به عنوان برگزیده خدا مورد خطاب قرار می‌دهند و به آنان سلام می‌دهند. در اینجا به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم.

در زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ»؛ «سلام بر تو ای برگزیده خدا». همچنین در زیارت آن حضرت می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ»؛ «سلام بر تو ای برگزیده خدا». در زیارت امام علی علیه السلام در روز هفده ربیع الاول چنین آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ حُجَّتَهُ وَ خَالِصَةَ اللَّهِ وَ خَاصَّتَهُ»؛ «سلام بر تو ای ولی خدا و حجت خدا و بنده خالص و مخصوص خدا».

در زیارت امام حسین علیه السلام نیز در روز عاشورا می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَ ابْنَ خَيْرَتِهِ»؛ «سلام بر تو ای برگزیده خدا و پسر برگزیده خدا». همچنین در زیارت امام رضا علیه السلام آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ أَمِينُهُ وَ صَفْوَةُ اللَّهِ وَ حَبِيبُهُ وَ خَيْرَةُ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ.^۵

سلام بر تو ای ابا الحسن! گواهی می‌دهم ای مولای من که تو حجت خدا و امین او و برگزیده او و دوست او و بنده منتخب خدا از میان آفریدگانش هستی.

در زیارت امام جواد علیه السلام نیز چنین می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَئِمَّةِ الْمُعْصومِينَ أَشْهَدُ ... أَنَّكَ جَنْبُ اللَّهِ وَ خَيْرَةُ اللَّهِ»؛ «سلام بر تو ای پسر پیشوایان معصوم! گواهی می‌دهم که تو بنده مقرب و برگزیده خداوند هستی».

۱. کامل الزیارات، ص ۲۰.

۲. همان، ص ۱۸.

۳. المزار فی کیفیت زیارات النبی و الائمة علیهم السلام، ص ۹۶.

۴. کامل الزیارات، ص ۱۷۶.

۵. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۵۱.

۶. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۵۳۶.

در زیارت جامعه کبیره نیز می‌خوانیم:

اَصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ وَ ارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ وَ اخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَ اجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ ... وَ اَنْتَجَبَكُمْ
بِنُورِهِ^۱

خداوند شما را با علم خود برگزید و برای اسرار غیب خود، شما را پسندید و برای راز خود، شما را انتخاب کرد و به قدرتش، شما را اختیار کرد ... و برای نور خود برگزید.

این تعبیر و تعابیر بسیار دیگر، نشان‌دهنده عظمت اهل بیت علیهم‌السلام و مقام قرب ایشان به درگاه خداوند می‌باشد.

۲. ولایت تکوینی

یکی از ویژگی‌های اهل بیت علیهم‌السلام برخورداری ایشان از ولایت تکوینی است. ولایت تکوینی، یعنی سلطه و قدرت تصرف و نفوذ اراده یک انسان در عالم تکوین و جهان آفرینش. انسان بر اثر پیمودن راه بندگی، به مقام قرب الهی راه می‌یابد و در نتیجه می‌تواند در جهان و انسان تصرف کند و آنچه را بخواهد، انجام دهد. ولایت هر فردی به مقدار قرب او به پروردگار است. روح انسان برای ارتباط با موجود لایتناهی «خدا» هر قدر هم که پرواز کند و به مقام والا و ارجمندی برسد، همچنان راه باز و ادامه سیر، ممکن است. روایت شده است که خداوند متعال خطاب به انسان می‌فرماید:

يَا ابْنَ آدَمَ اَنَا حَيٌّ لَا اَمُوتُ اَطِيعْنِي فِيهَا اَمْرُكَ حَتَّى اَجْعَلَكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ؛ يَا ابْنَ آدَمَ اَنَا
اَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ اَطِيعْنِي فِيهَا اَمْرُكَ اَجْعَلَكَ تَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ.^۲

ای فرزند آدم! من زنده‌ام و نمی‌میرم؛ در آنچه به تو دستور داده‌ام فرمانبری کن تا تو را زنده‌ای جاودانی بخشم که نمیری. ای فرزند آدم! من به هر چیز بگویم «باش»، بی‌درنگ موجود می‌شود. از من اطاعت کن تا تو را چنان کنم که به هر چه بگویم «باش»، بی‌درنگ موجود شود.

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۱.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۵۸.

به قول حافظ:

خیال روی تو بر کارگاه دیده کشیدم به صورت تو نگاری نه دیدم و نه شنیدم
هوای خواجگی‌ام بود بندگی تو جستم امید سلطنتم بود خدمت تو گزیدم

معجزات و کرامات پیامبران الهی و اولیای حق نیز این گونه است. خداوند متعال به آنان، قدرت و اراده‌ای بخشیده است که می‌توانند به اذن پروردگار در جهان هستی تصرف کنند؛ عصایی را اژدها، نابینایی را بینا یا مرده‌ای را زنده نمایند. این قدرت در نتیجه فرمان بردن از خداوند و پیمودن صراط تقرب حق و نزدیک شدن انسان به کانون قدرت در جهان هستی، یعنی خدای متعال، حاصل می‌شود.^۱

براساس عقیده شیعه، روی کره زمین، در هر زمانی یک انسان کامل که نفوذ غیبی بر جهان و انسان دارد و ناظر بر ارواح و نفوس و قلوب است و دارای نوعی تسلط تکوینی بر جهان و انسان است، همواره وجود دارد که او را «امام» می‌خوانند.^۲

ابعاد ولایت تکوینی

بررسی دقیق روایات اهل بیت علیهم السلام نشان می‌دهد که از دیدگاه اسلام، ولایت تکوینی از ابعاد گوناگونی برخوردار می‌باشد و شامل موارد متعددی می‌شود که در ادامه به توضیح مختصر آنها می‌پردازیم:

الف) هدایت باطنی انسان‌ها

نقش امام در هدایت انسان‌ها، تنها به نمایاندن راه راست خلاصه نمی‌شود. بلکه امام، افزون بر هدایت عام، افراد مستعد و لایق را در سپردن طریق و رسیدن به مطلوب واقعی خود که همان نیل به کمال مطلق است، یاری می‌رساند؛ به سخن دیگر، نقش

۱. رهبری در اسلام، ص ۷۰.

۲. ولایت در پرتو آیات، ص ۲۳.

امام در تکامل انسان‌ها، تنها نشان دادن راه تکامل نیست. بلکه روح افراد مستعد، به طور تکوینی در پرتو انوار باطنی امام، پرورش می‌یابد.

«ابوخلد کابلی» می‌گوید که از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خدای متعال در آیه ﴿فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾ سؤال کردم. آن حضرت فرمود:

مراد از نور در این آیه، به خدا قسم! امامان از آل محمد علیهم السلام تا روز قیامت می‌باشد. به خدا قسم! آنان نوری هستند که خداوند نازل کرد و به خدا قسم! آنان نور خدا در آسمان‌ها و در زمین‌اند. ای اباخلد! همانا نور امام در قلوب مؤمنان پر نورتر از خورشید درخشان در روز است و ایشان به خدا قسم! قلوب مؤمنان را نورانی می‌سازند و خداوند نور آنان را از هر کسی که بخواهد مانع می‌شود. در نتیجه، چنین قلب‌هایی تاریک و ظلمانی می‌شوند. به خدا ای اباخلد! هر بنده‌ای که ما را دوست داشته باشد و ولایت ما را بپذیرد، خداوند قلب او را پاکیزه می‌گرداند و هر قلبی را که خدا پاکیزه سازد، در مقابل رأی ما تسلیم و با ما در صلح و آشتی خواهد بود. پس هنگامی که با ما در صلح باشد، خدا هم او را از حساب سخت قیامت حفظ می‌کند و او را از فرع روز بزرگ قیامت، ایمن می‌گرداند.^۲

از منظر این روایت، امام در موقعیت ولایت تکوینی همچون مهری تابان است که فروزنده‌تر از خورشید محسوس، باطن نامحسوس جهان را نورافشانی می‌کند و به ملکوت آسمان‌ها و زمین و به ضمیر انسان‌های با ایمان، روشنایی می‌بخشد. مؤمنان راستین، در پرتو این نور، نه تنها راه رسیدن به مقصد اعلای انسانیت را به تماشا می‌نشینند، بلکه به چنین مقصد و مقصودی دست می‌یابند. به سخن دیگر، چنان‌که

۱. «پس به خدا و پیامبرش و نوری که نازل کرده‌ایم، ایمان بیاورید.» (التغابن: ۸)

۲. «يَا أَبَا خَالِدٍ النَّوْرُ وَاللَّهِ الْأَيُّمُّهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ وَهُمْ وَاللَّهُ نُورُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ يَا أَبَا خَالِدٍ لِنُورِ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوَرُ مِنْ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ وَهُمْ وَاللَّهُ يُنَوِّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَبِحُجُبِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ نُورَهُمْ عَمَّنْ يَشَاءُ فَنَنْظِلُهُمْ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ يَا أَبَا خَالِدٍ لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ وَبِعَرْلَانَا حَتَّى يُطَهَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَلَا يُطَهَّرُ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَيَكُونَ سَلْمًا لَنَا فَإِذَا كَانَ سَلْمًا لَنَا سَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ شَلِيدِ الْحَسَابِ وَآمَنَهُ مِنْ فِرْعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْأَكْبَرِ». الكافي، ج ۱، ص ۱۹۴.

خورشید محسوس در آسمان دنیا، افزون بر روشنی بخشیدن ظاهری، به طور تکوینی نیز در تکامل مادی آدمی مؤثر است، خورشید معنوی امام معصوم نیز افزون بر نشان دادن راه تکامل معنوی، به طور تکوینی در تکامل معنوی انسان نیز تأثیر دارد.^۱

بدین سبب است که ما در قسمتی از زیارت برخی از امامان، از جمله در زیارت امام موسی بن جعفر علیه السلام^۲، امام رضا علیه السلام^۳ و یک زیارت جامعه^۴ می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ»، «سلام بر تو ای نور خداوند در تاریکی‌های زمین». همچنین می‌تواند مقصود از عبارت «وَجَعَلَنِي مِمَّنْ ... يَهْتَدِي بِهُدَاكُمُ»^۵ «و خداوند مرا از کسانی قرار دهد که ... با هدایت شما، هدایت یافتند»، در زیارت جامعه کبیره، هدایت باطنی امامان معصوم علیهم السلام باشد.

ب) وساطت در روزی‌دهی به انسان‌ها

امامان معصوم علیهم السلام انسان‌های کاملی‌اند که توانسته‌اند همه ظرفیت‌های معنوی خود را تکمیل نمایند و به مرتبه‌ای برسند که با خدای متعال، ارتباطی نزدیک داشته باشند و آنچه را از صعود و رشد معنوی خویش نزد پروردگار به دست آورده‌اند، به انسان‌های دیگر عرضه نمایند. در واقع شیعه معتقد است ائمه معصوم علیهم السلام، بندگان صالح و واسطه‌های فیض از مبدأ فیاض الهی‌اند. اهل بیت علیهم السلام، مقربان درگاه الهی، هدف اصلی از خلقت جهان و واسطه نزول نعمت‌ها و برکات الهی می‌باشند. هر نعمتی که به صورت عام یا به شخص خاصی داده می‌شود، از مجرای این بزرگواران است.

۱. رهبری در اسلام، صص ۷۳ و ۷۴.

۲. کامل‌الزیارات، ص ۳۰۱.

۳. همان، ص ۳۱۲.

۴. همان، ص ۳۱۸.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

بِنَا أَنْمَرَتِ الْأَشْجَارُ وَ أَيْبَعَتِ الثَّمَارُ وَ جَرَتِ الْأَنْهَارُ وَ بِنَا يَنْزِلُ غَيْثُ السَّمَاءِ وَ يَنْبُتُ عُشْبُ الْأَرْضِ وَ بِعِبَادَتِنَا عِبَدَ اللَّهُ وَ لَوْ لَا نَحْنُ مَا عِبَدَ اللَّهُ.^۱

به برکت ما، درختان بارور می گردند و میوه‌ها می‌رسند و نهرها جاری می‌شوند و باران از آسمان می‌بارد و گیاه از زمین می‌روید و به عبادت ما، خداوند پرستش می‌شود و اگر ما نبودیم، خدا عبادت نمی‌شد.

این مطلب در برخی از ادعیه و زیارتنامه‌ها نیز آمده است؛ از جمله در زیارت

جامعه کبیره می‌خوانیم:

بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ.^۲

خداوند [عالم وجود را] به شما آغاز کرد و به شما نیز ختم می‌کند و به واسطه شما، باران را فرو می‌ریزد و به واسطه شماست که آسمان را از اینکه بر زمین افتد [جز به اذن او] نگه می‌دارد و به واسطه شما، اندوه را می‌زداید و سختی را برطرف می‌کند.

در یکی از زیارتنامه‌های امام حسین علیه السلام چنین آمده است:

بِكُمْ يَبِينُ اللَّهُ الْكَذِبَ وَ بِكُمْ يُبَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ وَ بِكُمْ يَفْتَحُ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ بِكُمْ يُثَبِّتُ وَ بِكُمْ يَفُكُ الذَّلَّ مِنْ رِقَابِنَا وَ بِكُمْ يُدْرِكُ اللَّهُ تَرَةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ تَطْلُبُ وَ بِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا وَ بِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا وَ بِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ بِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكُرْبَ وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ اللَّهُ الْغَيْثَ.^۳

خداوند به واسطه شما، دروغ را آشکار می‌کند و دوران سخت را دور می‌سازد و به واسطه شما، کارها را می‌گشاید و به پایان می‌برد و به واسطه شما، هر آنچه را بخواهد محو یا ثابت

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۵.

۳. همان، ص ۵۹۶.

می‌کند و به واسطه شما، ذلت را از گردن ما باز می‌کند و به واسطه شما، از خون ریخته شده هر مرد و زن باایمان، خونخواهی می‌کند و انتقام می‌کشد و به واسطه شماست که زمین، درختانش را می‌رویاند و به واسطه شماست که درختان میوه می‌دهند. به واسطه شماست که آسمان، قطره‌های برکتش را فرومی‌ریزد. با شما، خدا اندوه را می‌زداید و با شما خدا باران را می‌باراند.

ج) وساطت در موجودیت و بقای جهان مادی

از آنجا که جهان و موجودات آن، قابلیت گرفتن فیوضات الهی را ندارند، به واسطه‌ای نیاز دارند که از طریق آن، حیات یابند و به زندگی ادامه دهند. خداوند مهربان از این ناتوانی، آگاه بود و به همین علت، نخستین مخلوق خود را شاگرد بی‌واسطه خود و مجرای فیض قرار داد. نخستین مخلوق خداوند، وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سپس ارواح مقدس امامان معصوم علیهم السلام بودند که پیش از خلقت حضرت آدم علیه السلام و حتی قبل از خلقت فرشتگان حضور داشتند؛ چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «كُنْتُ نَبِيًّا وَ أَدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطِّينِ»^۱ «من نبی بودم؛ درحالی که آدم بین آب و گل بود».

همچنین حضرت علی علیه السلام فرمود: «كُنْتُ وَصِيًّا وَ أَدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطِّينِ»^۲ «من وصی پیامبر صلی الله علیه و آله بودم؛ وقتی آدم هنوز بین آب و گل بود».

خداوند بزرگ بر آینه دل انسان کامل متجلی می‌شود و تصویر این تجلی از آینه قلب امام معصوم می‌تابد و جهان و تمام موجودات هستی را به وجود می‌آورد. بنابراین، نه تنها انسان و جامعه انسانی برای رشد و شکوفایی و رسیدن به کمال شایسته خویش، به هدایت و رهبری باطنی انسان کامل و ارتباط تکوینی با او نیازمند است، بلکه بقای نظام جهان مادی نیز در گرو حضور انسان کامل در همه زمان‌هاست.

۱. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۴۰۲.

۲. عوالمی اللادکی، ج ۴، ص ۱۲۴.

«ابوحمزه ثمالی» می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟» امام علیه السلام فرمود: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ»؛ «اگر زمین بدون امام بماند، اهل خود را فرو می‌برد».

همان‌طور که به ظاهر، کوه‌ها برای استقرار زمین هستند: ﴿وَالْجِبَالُ أَوْنَادًا﴾^۲، خدای متعال، بقای زمین و آسمان را به بقای معصوم مقرر فرموده است؛ به گونه‌ای که اگر لحظه‌ای امام روی زمین نباشد، زمین در هم فرو ریزد و اهل خود را فرو برد. این مطلب، در احادیث متعددی مورد تأکید قرار گرفته است؛ برای مثال، امام صادق علیه السلام فرمود: «جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا»^۳؛ «خداوند، ائمه اطهار را ستون‌های زمین قرار داد تا جلوی لرزش آن را بگیرد».

در زیارتنامه‌های آن بزرگواران نیز به این نکته توجه شده است و زائران بر ارکان زمین بودن و وساطت آنان در بقای زمین و دنیای مادی، شهادت می‌دهند؛ چنان‌که در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام می‌خوانیم: «أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَدَعَائِمِ الدِّينِ وَ أَرْكَانِ الْأَرْضِ وَ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ»^۴؛ «شما خاندان رحمت و پایه‌های دین و ستون‌های زمین و درخت پاکیزه می‌باشید».

در زیارت ائمه بقیع علیهم السلام نیز چنین آمده است: «أَشْهَدُ... أَنْكُمْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ أَرْكَانِ الْأَرْضِ»^۵؛ «شهادت می‌دهم... که شما پایه‌های دین و ستون‌های زمین هستید». همچنین در زیارت امام حسین علیه السلام چنین می‌گوییم: «وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ عَمُودِهِ وَ رُكْنِ الْأَرْضِ وَ عِزِّهَا»^۶؛ «و شهادت می‌دهم که تو از پایه‌ها و ستون‌های دین و رکن و پایه زمین هستی».

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲. نبأ: ۷.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۹۶.

۴. مصباح المنتهجد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۷۴۴.

۵. المزار الكبير، ص ۸۹.

۶. کتاب المزار - مناسک المزار، مفید، ص ۱۰۹.

۳. ولایت تشریعی

ولایت تشریعی، به معنای اختیار در قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی و راهنمایی مردم در تمام شئون زندگی آنان است. قیام به تشریح، دعوت به سوی دین، تربیت مردم، حکومت میان آنان و قضاوت در حل مشکلات، از شاخه‌های ولایت تشریعی است که برای پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز اوصیای معصوم آن حضرت ثابت است.^۱

آیات متعددی از قرآن کریم بر این مطلب دلالت دارند؛ از جمله می‌خوانیم: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾؛^۲ «اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر [خدا] و پیشوایان [معصوم] خود را». همچنین خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائده: ۵۵)

سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ آنها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

در آیه ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ﴾ همان‌گونه که اطاعت خداوند، بدون قید و شرط واجب است، اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و اولوالامر نیز بدون شرط واجب است. در دو آیه اخیر، بعد از ذکر نام خدا و رسول، کلمه ﴿وَالَّذِينَ﴾، به دو کلمه «الله» و «رسول» عطف شده است و مراد از ﴿الَّذِينَ آمَنُوا﴾ براساس روایاتی که در منابع فریقین آمده، حضرت علی علیه السلام است. لفظ «ولی» در این آیات، به معنای صاحب اراده و تدبیر است.^۳

بنابراین، ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام همان ولایت خداست؛ با این تفاوت که ولایت برای خدا، بالاصاله و برای پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام به تبعیت و اذن خدا ثابت است.

۱. ولایت در پرتو آیات، ص ۲۶.

۲. نساء: ۵۹.

۳. شواهد التنزیل، ج ۱، صص ۲۲۹ - ۲۳۵؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۷.

روایات بسیاری بر ثبوت ولایت تشریحی برای اهل بیت علیهم‌السلام دلالت می‌کند؛ برای مثال امام صادق علیه‌السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَدَّبَ رَسُولَهُ حَتَّى قَوْمَهُ عَلَى مَا أَرَادَ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ فَقَالَ عَزَّ ذِكْرُهُ: ﴿مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^۱ فَمَا فَوَّضَ اللَّهُ إِلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَدْ فَوَّضَهُ إِلَيْنَا.^۲

خدای عزوجل رسولش را تربیت کرد تا همان‌گونه که می‌خواست او را استوار ساخت. سپس امور را به او واگذار کرد و فرمود: «آنچه را رسول خدا برای شما آورده، بپذیرید [و اجرا کنید] و از آنچه نهی کرده، خودداری نمایید» و آنچه را خدا به پیغمبرش واگذار کرده، به ما واگذار فرموده است.

در فرازهای بسیاری از زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام به ولایت تشریحی آن بزرگواران، به اذن پروردگار، اشاره شده است؛ برای مثال، در قسمت‌های متعددی از زیارت جامعه کبیره چنین می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَوْضِعِ الرَّسَالَةِ... وَقَادَةَ الْأُمَمِ... وَسَاسَةَ الْعِبَادِ...
السَّلَامُ عَلَى أئِمَّةِ الْهُدَى... السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ... وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَتَهْمِيهِ...
السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ... وَأُولِي الْأَمْرِ وَبَقِيَّةِ اللَّهِ... وَ
رَضِيكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ... حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَ
أَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ... وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ وَبِقَوْلِهِ
تَحْكُمُونَ... وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَحُجَجُ الْجَبَّارِ...^۳

سلام بر شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت... و پیشوایان امت‌ها... زمامداران بندگان...
سلام بر پیشوایان هدایت... سلام بر دعوت‌کنندگان به سوی خدا... و آشکارکنندگان امر و

۱. حشر: ۷.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۲، صص ۶۱۰ - ۶۱۵.

نهی خدا... سلام بر امامان دعوت کننده [به سوی حق] و پیشوایان راهنما و سروران سرپرست... و اولی الامر و نمایندگان خدا... و شما را برای جانشینی او در زمینش و حجت او بر مخلوقاتش پسندید... تا اینکه دعوت حق را اعلام و واجبات او را بیان داشتید و مقرراتش را برپا داشتید و احکامش را منتشر ساختید و سنت الهی را مقرر داشتید... انسان‌ها را به راه او هدایت می‌کنید و به گفتار او حکم می‌کنید... و شما نور خوبان و راهنمای نیکان و حجت‌های خداوند جتارید.

۴. پیشوایان و جانشینان خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله

یکی از شاخه‌های ولایت تشریحی اهل بیت علیهم السلام، ولایت و سرپرستی ایشان بر مردم است. آن بزرگواران پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پیشوایان دین و جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و مسئولیت مدیریت جامعه اسلامی را برعهده دارند و بر همه مسلمانان واجب است این وظیفه ایشان را به رسمیت بشناسند و از ایشان اطاعت کنند.

خداوند اداره جامعه را پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برعهده ایشان نهاده است؛ هرچند که مغرضان و بدخواهان، اجازه تحقق آن را ندهند. روایات ائمه معصوم علیهم السلام آکنده از سخنانی است که به حق سرپرستی و مدیریت آنان بر جامعه تصریح می‌کند؛ برای نمونه، امام صادق علیه السلام فرمود: «نَحْنُ وِلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ»؛ «ما والیان امر خداییم». امام رضا علیه السلام نیز فرمود: «الْأئِمَّةُ خُلَفَاءُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي أَرْضِهِ»؛ «ائمه، جانشینان خدای عزوجل در زمینش می‌باشند».

در زیارتنامه‌ها نیز به مسئله خلافت و جانشینی ائمه اطهار علیهم السلام، توجه شده است؛ به طوری که در بسیاری از زیارتنامه‌ها، بر ایشان به عنوان جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان دین، سلام داده می‌شود؛ برای نمونه، در زیارت امام علی علیه السلام^۳، امام حسین علیه السلام^۴،

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۹۲.

۲. همان، ص ۱۹۳.

۳. کامل الزیارات، ص ۴۱.

۴. همان، ص ۲۵۴.

امام موسی بن جعفر علیه السلام و امام جواد علیه السلام، زیارت امام رضا علیه السلام^۲، و نیز در یکی از زیارات جامعه^۳ می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ».

همچنین در زیارتنامه امام علی علیه السلام چنین آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ»^۴. در زیارت حضرت علی علیه السلام در روز غدیر نیز می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ وَ يَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامَ الْمُتَّقِينَ»^۵. در زیارت امام موسی بن جعفر علیه السلام آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ»^۶ همچنین در زیارت امام زمان علیه السلام در سرداب مقدس می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أَصْحَابِ الْحَقِّ وَ قَادَةِ الْخَلْقِ»^۷ «خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست؛ آن ملازمان حق و راهبران خلق».

۵. حجة الله

حجت در لغت، به معنای دلیل و برهان و چیزی است که بتوان با آن استدلال و استناد کرد.^۸ اهل بیت علیهم السلام نیز حجت‌های خدایند و با بودن آنها، حجت بر مردم تمام است؛ یعنی خداوند در روز قیامت، با آنها بر مردم استدلال می‌کند و با بودن آنها کسی نمی‌تواند اعتراض کند که دلیل گمراهی‌اش این می‌باشد که خداوند او را بدون حجت رها کرده است. در روایات متعددی، به این مطلب اشاره شده است؛ از جمله، امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. کامل الزیارات، ص ۳۰۱.

۲. همان، ص ۳۱۲.

۳. همان، ص ۳۱۸.

۴. المزار الكبير، ص ۲۰۹.

۵. المزار فی کیفیت زیارات النبی و الأئمة علیهم السلام، ص ۶۷.

۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۱.

۷. المزار الكبير ابن مشهدی، ص ۶۵۹.

۸. لسان العرب، ج ۲، ص ۲۲۸.

مَا زَالَتِ الْأَرْضُ إِلَّا وَ اللَّهِ فِيهَا الْحُجَّةُ بُعْرَفُ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَيَدْعُو النَّاسَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ.^۱

همواره خداوند، روی زمین حجتی دارد که حلال و حرام را مشخص می‌کند و مردم را به سوی خدا فرامی‌خواند.

به دلیل اهمیت این عنوان برای امامان معصوم علیهم السلام، می‌بینیم که در بسیاری از زیارت‌های آن بزرگواران، با تعابیر مختلف، به عنوان حجت خداوند، به ایشان سلام داده می‌شود؛ برای مثال در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَى أُمَّةِ الْهُدَى... وَ حُجِّجِ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى»^۲؛ «سلام بر پیشوایان هدایت... و حجت‌های خدا بر اهل دنیا و اهل آخرت و عالم پیش از آن».

در زیارت امیرمؤمنان،^۳ امام حسین،^۴ امام موسی بن جعفر،^۵ امام رضا علیه السلام و همچنین در یکی از زیارات جامعه^۶ می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ»؛ «سلام بر تو ای حجت خدا». در زیارت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است که چنین می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَى حُجِّجِ اللَّهِ وَأَوْصِيَائِهِ»^۷؛ «سلام بر حجت‌های خدا و اوصیای او».

گفتنی است به ویژه در زیارت امام حسین علیه السلام، با تعابیر مختلفی، به این مطلب اشاره شده است؛ برای نمونه، در زیارت حضرت می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ»^۸؛ «سلام بر تو ای حجت خدا و پسر حجت خدا». همچنین در فراز دیگری آمده است:

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۰.

۳. کامل الزیارات، ص ۴۳.

۴. همان، صص ۱۹۸، ۱۹۹ و ۲۳۲.

۵. همان، ص ۳۰۱.

۶. همان، ص ۳۱۲.

۷. همان، ص ۳۱۸.

۸. المزار الكبير، ابن مشهدی، ص ۲۱۸.

۹. کامل الزیارات، صص ۱۹۸، ۱۹۹ و ۲۳۲.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ»^۱ «سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش و شاهد او بر آفریدگانش». همچنین می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا»^۲ «سلام بر تو ای حجت خدا بر اهل دنیا».

در زیارت امام حسین علیه السلام در شب عید فطر و قربان می‌خوانیم: «سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَنْتَ مَوْلَايَ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ»^۳ «ای آقا و مولای من، تو مولای من، حجت خدا بر همه مردمی». در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام بر حجت‌الله بودن ائمه اطهار علیهم السلام، این‌گونه شهادت می‌دهیم:

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا.^۴

و شهادت می‌دهم که امامان از فرزندان تو، کلمه تقوا و پرچم‌های هدایت و ریسمان محکم الهی و حجت بر مردم دنیا می‌باشند.

همچنین در زیارت امام زمان علیه السلام در سرداب مقدس می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَ مَنْ بَقِيَ»^۵ «شهادت می‌دهم که تو حجت بر کسانی هستی که از دنیا رفته‌اند و کسانی که باقی مانده‌اند».

۶. ارکان دین و ایمان

ما شیعیان معتقدیم امامت، یکی از اصول دین است که ایمان، بدون اعتقاد به آن، تمام نخواهد بود. ضروری است در هر عصری، امامی باشد هدایتگر که جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله گردد. بی تردید هر وظیفه‌ای که برعهده پیامبر صلی الله علیه و آله است، از قبیل هدایت، ولایت عامه بر مردم در تدبیر شئون و مصالح آنان و به پا داشتن عدل و رفع ظلم و عداوت از

۱. کامل‌الزیارات، ص ۲۱۰.

۲. همان، ص ۲۳۲.

۳. المزار فی کیفیت زیارات النبی و الأئمة علیهم السلام، ص ۱۵۸.

۴. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۴.

۵. المصباح، کفعمی، ص ۴۹۵.

بین آنان، بر عهده امام است.

به همین دلیل است که می‌گوییم ولایت اهل بیت علیهم السلام مهم‌ترین رکن دین و ایمان شناخته شده است؛ چنان‌که آیات و روایات بسیاری بر این نکته دلالت دارند؛ برای مثال خداوند متعال خطاب به رسولش می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...﴾ (مائده: ۶۷)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل [به مردم] ابلاغ کن و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای... .

این آیه بنا بر نقل شیعه و سنی، درباره ابلاغ ولایت و امامت امیرمؤمنان علیه السلام نازل شده است؛ خبری که در صورت ابلاغ نکردن آن، گویا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ‌یک از وظایف رسالت و نبوتش را انجام نداده است. این خود به وضوح دلالت دارد بر آنکه امامت از اصول و ارکان دین است که برای ابلاغ آن چنین تأکیدی به پیامبر صلی الله علیه و آله شده است.

شاهد بر این مطلب آن است که مطابق روایات شیعه و سنی، پس از آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ولایت و امامت امیرمؤمنان علیه السلام را ابلاغ کرد، این آیه نازل شد: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾؛ «امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان آیین [جاودان] شما پذیرفتم». مفاد آیه

۱. از منابع اهل سنت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ما نزل من القرآن فی علی، حافظ ابونعیم اصفهانی به نقل از خصائص، ص ۲۹؛ اسباب النزول، ابوالحسن واحدی نیشابوری، ص ۱۵۰؛ الولایه، حافظ ابوسعید سجستانی به نقل از کتاب طرائف؛ ابن عساکر شافعی به نقل از الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۸؛ تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۳، ص ۶۳۶؛ فرائد السمطین، ابواسحاق حموی؛ فصول المهمه، ابن صباغ مالکی، ص ۲۷؛ در المنثور، جلال‌الدین سیوطی، ج ۲، ص ۲۹۸؛ فتح‌التقدیر، قاضی شوکانی، ج ۳، ص ۵۷؛ روح المعانی، شهاب‌الدین آلوسی شافعی، ج ۶، ص ۱۷۲؛ ینابیع الموده، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ص ۱۲۰؛ عمده القاری فی شرح صحیح البخاری، بدرالدین حنفی، ج ۸، ص ۵۸۴؛ تفسیر المنار، شیخ محمد عبده مصری، ج ۶، ص ۴۶۳. (نقل از تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۶ و ۷). و از منابع شیعه می‌توان به تفسیر نورالتقلین، ج ۱، ص ۶۵۲ به بعد مراجعه کرد.

آن است که امامت، سبب کامل شدن دین و متمم نعمت خداوند است.^۱ بی‌شک خداوند، اسلام را با امامت می‌خواهد و اسلام بدون امامت، هرگز مورد رضایت خداوند نخواهد بود.

همچنین امام باقر علیه السلام فرمود:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِبَنِيِّ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ.^۲

اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت. هیچ کدام از چهار اصل قبلی، به اندازه ولایت، مورد سفارش قرار نگرفته است.

در زیارات امامان معصوم علیهم السلام نیز به این ویژگی پرداخته شده است و در موارد متعدد آن بزرگواران به عنوان ستون‌های دین معرفی شده‌اند؛ برای مثال، در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام^۳ و نیز در زیارت امام جواد علیه السلام^۴ چنین می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ»؛ «سلام بر تو ای ستون دین».

در زیارت ائمه بقیع علیهم السلام می‌خوانیم: «وَأَنْتُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ»^۵؛ «به درستی که شما ستون‌های دین و پایه‌های زمین هستید». در زیارت امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: «وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَعَمُودُهُ»^۶؛ «همچنین در زیارت وارث می‌خوانیم: «وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ»^۷.

۱. به منابع ذکر شده درباره آیه ۶۷ سوره مائده مراجعه شود.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۸.

۳. کامل الزیارات، ص ۴۳.

۴. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۵۳۶.

۵. کامل الزیارات، ص ۵۴.

۶. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۹.

۷. المزار فی کیفیت زیارات النبی و الائمه علیهم السلام، ص ۱۲۴.

۷. ناظر بر اعمال امت

اهل بیت علیهم السلام شاهد و ناظر بر اعمال ما می‌باشند. از اعمال نیک ما خوشحال و از رفتارهای ناشایست ما، اندوهگین می‌شوند. آن بزرگواران، همه حرکات و رفتارهای ما را زیر نظر دارند، در خوشحالی‌ها و غم و غصه‌های ما شریک‌اند و برای دوستان خود دعا می‌کنند. به برخی از روایات در این زمینه توجه می‌کنیم:

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كُلَّ صَبَاحٍ أَبْرَارَهَا وَفَجَارَهَا فَأَحْدَرُوا فَلَيْسَتْحِي أَحَدُكُمْ أَنْ يُعْرَضَ عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلُ الْقَبِيحُ.^۱

همانا اعمال بندگان، چه بندگان نیکوکار یا بد کردار، هر روز صبح بر رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود. پس مراقب باشید. انسان باید حیا کند از اینکه عمل ناشایستی از او، بر پیامبرش عرضه شود.

«یعقوب بن شعیب» می‌گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿اعْمَلُوا فَسِيرَى اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾^۲ پرسیدم. آن حضرت فرمود: «منظور [از «مؤمنون» در این آیه] ائمه علیهم السلام هستند».^۳

این مطلب در برخی از زیارتنامه‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ برای مثال، در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ»؛ «شما راه درست و پایدار [به سوی خداوند] و شاهدان [بر اعمال بندگان] در این دنیای فانی هستید». همچنین در اذن ورود به حرم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصوم علیهم السلام می‌خوانیم:

وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ علیهم السلام أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ يَرُونَ مَكَانِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يُرَدُّونَ سَلَامِي وَ أَنْكَ حَبَبْتَ عَن سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ.^۴

۱. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۴۹.

۲. «عمل کنید، خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند». (توبه: ۱۰۵)

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۳.

۵. المصباح، کفعمی، ص ۴۷۳.

و می‌دانم که رسول و جانشینان علیهم‌السلام زنده‌اند و نزد تو به آنها روزی داده می‌شود. آنان مکان مرا می‌بینند و سخن مرا می‌شنوند و سلام مرا پاسخ می‌دهند و تو مانع از آن شده‌ای که من سخن ایشان را بشنوم و [در عوض]، باب فهم مرا به مناجات لذت بخش با ایشان گشوده‌ای. در صلوات مخصوص امام عسکری علیه‌السلام نیز می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ... وَصَلِّ عَلَيَّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي إِلَى دِينِكَ... وَالشَّهِيدَ عَلَى الْأُمَّةِ»^۱ «خدایا... و بر امام حسن بن علی علیه‌السلام، آن هدایت کننده به سوی دینت... و گواه بر امت، درود فرست.»

۸. مرجعیت علمی

درباره علوم اهل بیت علیهم‌السلام تعابیر مختلفی در روایات و نیز در زیارتنامه‌ها به کار رفته است. در اینجا به سه تعبیر مهم اشاره می‌کنیم:

الف) اهل بیت علیهم‌السلام مخزن علوم الهی

اهل بیت علیهم‌السلام مخزن علوم الهی و سرچشمه دانش و منبع اسرار الهی میان انسان‌ها هستند. هرکس به دنبال کسب دانش صحیح است، باید از طریق اهل بیت علیهم‌السلام وارد شود؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا»^۲ «من شهر علم هستم و علی در آن شهر است. پس هرکس می‌خواهد وارد این شهر شود، باید از در آن وارد شود.»

امام باقر علیه‌السلام به دو نفر از اصحاب خود «سَلَمَةَ بْنِ كُهَيْلٍ وَحَكَمَ بْنَ عُتَيْبَةَ» فرمود:

شَرِّقَا وَغَرِّبَا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.^۳

به شرق بروید یا به غرب؛ بدانید که هیچ علم صحیحی نمی‌یابید؛ مگر آنچه از ما اهل بیت تراوش کرده باشد.

۱. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۶۸.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۳۳.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۹۹.

در زیارتنامه‌ها هم به این مطلب اشاره شده است؛ از جمله در زیارت جامعه کبیره آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ... وَ خُزَّانِ الْعِلْمِ... السَّلَامُ عَلَيَّ... مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَ حَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ... وَ رَضِيكُمْ... حَفَظَةَ لِسِرِّهِ وَ خَزَنَةَ لِعِلْمِهِ.^۱

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت... و گنجینه‌های دانش... سلام بر... معدن‌های حکمت خدا و حافظان اسرار الهی... و پسندید شما را به عنوان... حافظان اسرارش و گنجینه‌های دانشش.

در زیارت امام حسن عسکری علیه السلام نیز می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ الْعِلْمِ»؛^۲ «سلام بر تو ای گنجینه دانش».

ب) اهل بیت علیهم السلام وارثان علوم پیامبران

در روایات نیز امامان معصوم علیهم السلام به عنوان وارثان و دارندگان علوم پیامبران پیشین معرفی شده‌اند که بیانگر عظمت جایگاه و عظمت علمی ایشان می‌باشد؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ عليه السلام لَمْ يَرْفَعْ وَ الْعِلْمُ يُنَوَّارُثُ وَ كَانَ عَلِيُّ عليه السلام عَالِمًا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ إِنَّهُ لَمْ يَهْلِكْ مِنَّا عَالِمٌ قَطُّ إِلَّا خَلَفَهُ مِنْ أَهْلِهِ مَنْ عَلِمَ مِثْلَ عِلْمِهِ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ.^۳

آن دانشی که همراه با آدم علیه السلام نازل گردید، بالا نرفت (بازنگشت) و علی علیه السلام عالم این امت بود و همانا کسی از ما (اهل بیت) از دنیا نمی‌رود؛ مگر اینکه کسی از اهل او جانشینش می‌شود که همانند او یا آن‌گونه که خدا بخواهد از دانش برخوردار است.

در زیارتنامه‌های برخی از ائمه اطهار علیهم السلام، ایشان را وارثان علم پیامبران برمی‌شمارند؛ به طوری که با تعبیر «وارث علم النبین»، به این بزرگواران سلام داده می‌شود. این مسئله، به ویژه درباره امام علی علیه السلام، مورد تأکید قرار گرفته و در زیارت‌های متعدد و با

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، صص ۶۱۰ و ۶۱۱.

۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۶۷.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۲۲۲.

تعبیر مختلف، بیان گردیده است؛ چنان‌که در زیارت امام علی علیه السلام می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ»^۱ «سلام بر تو ای امیرمؤمنان و آقای جانشینان و وارث دانش پیامبران».

همچنین می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ وَ وَارِثَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ»^۲ «سلام بر تو ای ستون دین و وارث دانش اولین و آخرین». یا در زیارتی دیگر می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ مُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ»^۳ «سلام بر تو ای وارث دانش پیامبران و محل به ودیعه نهاده شدن دانش اولین و آخرین».

در صلوات بر امام سجاد علیه السلام نیز چنین آمده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْإِمَامِ الْوَصِيِّ وَ السَّيِّدِ الرَّضِيِّ وَ الْعَابِدِ الْأَمِينِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
رَبِّ الْعَابِدِينَ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ.^۴

خدایا بر امام و جانشین پیامبر صلوات الله علیه و آقای خشنود و عبادت‌کننده امین، امام علی بن الحسین زین‌العابدین، پیشوای مؤمنان و وارث دانش پیامبران درود فرست.

در زیارت امام موسی کاظم علیه السلام می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ»^۵ «سلام بر تو ای پیشوای پرهیزکاران و وارث دانش پیامبران».

همچنین در زیارت امام موسی کاظم علیه السلام می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ عِلْمِ الْمُرْسَلِينَ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
مَعْدِنَ الْوَحْيِ الْمُبِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْعِلْمِ الْبَقِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَةَ عِلْمِ الْمُرْسَلِينَ.^۶

۱. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۳۶۰.

۲. کامل‌الزیارات، ص ۴۳؛ المزار فی کیفیت زیارات‌النبی و الأئمة علیهم السلام، ص ۱۰۰، زیارت علی علیه السلام در شب و روز مبعث.

۳. المزار فی کیفیت زیارات‌النبی و الأئمة علیهم السلام، ص ۹۴، زیارت علی علیه السلام در روز غدیر.

۴. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۲۰۹.

۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۶۰۱.

۶. بحارالانوار، ج ۹۹، صص ۱۴ و ۱۵.

سلام بر تو ای خزانه‌دار دانش پیامبران، سلام بر تو ای خزانه‌دار دانش رسولان... سلام بر تو ای معدن وحی آشکار، سلام بر تو ای دارنده دانش یقینی، سلام بر تو ای گنجینه دانش پیامبران مرسل.

در زیارت امام زمان علیه السلام آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ مُسْتَوْدِعِ حِكْمَةِ الْوَصِيِّينَ»؛ «سلام بر تو ای وارث علم و دانش پیامبران و محل به ودیعه گذاشته شدن حکمت جانشینان».

ج) اهل بیت علیهم السلام عالمان و مفسران قرآن

یکی دیگر از دلایل مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام علم ایشان به قرآن و تفسیر آن است. این توانمندی، همه مسلمانان را به امامان معصوم علیهم السلام محتاج می‌کند؛ هرچند پیروان اهل سنت، به دلیل عقاید اشتباهشان، در بهره‌گیری از این بزرگواران، محروم مانده‌اند. امام باقر علیه السلام فرمود:

مَا ادَّعَى أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ كَمَا أَنْزَلَ إِلَّا كَذَّابٌ وَمَا جَمَعَهُ وَحَفِظَهُ كَمَا نَزَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَالْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ علیهم السلام.^۲

هیچ کس جز انسان دروغگو ادعا نکرد که همه قرآن را درست همان‌گونه که نازل شده است، جمع‌آوری کرده است و کسی به جز امام علی بن ابی‌طالب و امامان پس از او، قرآن را درست همان‌گونه که خداوند نازل فرموده، جمع‌آوری و حفظ نکرده است.

امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾^۳ فرمود: «نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ»^۴؛ «ما راسخان در علم هستیم و ما تفسیر آیات قرآن را می‌دانیم». در زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام به این ویژگی ایشان اشاره شده است؛ به ویژه در موارد متعددی از زیارت جامعه کبیره، به این مسئله اشاره شده است؛ از جمله می‌گوییم:

۱. بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۳۱.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۲۸.

۳. «تفسیر آنها را جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند». (آل عمران: ۷)

۴. الکافی، ج ۱، ص ۲۱۳.

السَّلَامُ عَلَىٰ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ... وَ حَمَلَةَ كِتَابِ اللَّهِ... وَ رَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ... وَ تَرَاجَمَهُ لَوْحِيهِ... وَ فَضَّلَ الْخُطَابَ عِنْدَكُمْ وَ آيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ.^۱

سلام بر جایگاه‌های شناخت خدا... و حاملان کتاب خدا... پسندید شما را برای جانشینی او در زمینش... و مفسران وحیش... و سخنی که حق و باطل را جدا کند، نزد شماس و آیات خدا پیش شماس است.

د) اهل بیت علیهم‌السلام بیان‌کنندگان احکام الهی

یکی از مسئولیت‌های مهم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام این است که احکام خداوند را در زمینه همه فعالیت‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، عبادی، سیاسی و... برای انسان‌ها بیان کنند و از این طریق، راه را برای علاقه‌مندان به دین و دینداری و بویندگان راه صحیح هموار کنند.

هنگامی که اهل بیت علیهم‌السلام خود را به عنوان عالمان احکام الهی معرفی می‌کنند، مشتاقان راه هدایت نیز از هر سو به ایشان روی می‌آورند. از این رو می‌بینیم علاقه‌مندان به علوم اهل بیت علیهم‌السلام در زمان ائمه اطهار علیهم‌السلام به ویژه در زمان امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام، از هر جا به سوی ایشان می‌شتافتند و از خرمن دانش بی‌انتهای آنان خوشه برمی‌چیدند. اهل بیت علیهم‌السلام نیز در این باره نهایت سعی و تلاش خود را به عمل آوردند و برای بیان حکم خداوند حتی جان خود را نیز به خطر انداختند و شهادت در این راه را نیز پذیرا شدند.

امام باقر علیه‌السلام در توصیف اهل بیت علیهم‌السلام فرمود:

إِنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ... جَعَلَهُمْ أَغْلَامًا فِي عِبَادِهِ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَ أَدْلَةً إِلَىٰ صِرَاطِهِ فَهُمْ الْأَيْمَةُ الدُّعَاةُ وَ الْقَادَةُ الْهُدَاةُ.^۲

همانا خاندان پیامبرت... خداوند ایشان را پرچم‌هایی میان بندگانش و نشانه‌هایی در

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، صص ۶۱۰ - ۶۱۲.

۲. غرر الاخبار، ص ۸۶.

سرزمین‌هایش و راهنمایی‌هایش برای نشان دادن راهش قرار داد. پس آنان پیشوایان دعوت‌کننده [به سوی حق] و رهبران هدایت می‌باشند.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «نَحْنُ الْهُدَاةُ إِلَى اللَّهِ»؛^۱ «ما هدایت‌گران به سوی خداییم». در زیارتنامه‌های مأثور نیز به جایگاه ویژه اهل بیت علیهم السلام توجه شده است؛ برای مثال، در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ... وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ... وَجَاهِدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ... وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ وَسَنَّتُمْ سُنَّتَهُ.^۲

سلام بر دعوت‌کنندگان به سوی خدا... و آشکارکنندگان امر و نهی خدا... و در راه خدا به گونه‌ای که حق جهاد است جهاد کردید تا اینکه دعوت او را آشکار ساختید و واجبات او را تبیین کردید... و احکام او را نشر دادید و سنت او را مقرر داشتید.

در زیارت امام علی علیه السلام در روز غدیر آمده است: «تَمَّتْكَ سُبُورُ الشُّبُهَةِ بِيَانِكَ وَتَكْشِفُ لُبْسَ الْبَاطِلِ عَنْ صَرِيحِ الْحَقِّ»؛^۳ «پرده‌های شبهه‌ها را با بیان خود کنار می‌زنی و لباس باطل را از حق صریح بیرون می‌آوری». همچنین در زیارت امام حسن مجتبی علیه السلام می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيَانَ حُكْمِ اللَّهِ»؛^۴ «سلام بر تو ای بیان‌کننده حکم خدا».

۹. مایه قبولی طاعات و آمرزش گناهان

امامت یکی از اصول اساسی دین اسلام، از چنان اهمیتی برخوردار است که قبولی اعمال بندگان، به اعتقاد به آن بستگی دارد و بدون اعتقاد به امامت ائمه اثناعشر علیهم السلام عبادات و اعمال صالح آنان هر قدر هم زیاد باشد، ارزشی نخواهد داشت.

۱. غرر الاخبار، ص ۳۰۰.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، صص ۶۱۰ - ۶۱۲.

۳. المزار، شهيد الاول، ص ۸۷.

۴. جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، ص ۳۳.

در واقع، همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، امامت جزء مکمل و متمم دین اسلام است و بدون آن، اسلام کامل نیست. همین‌طور اعتقاد به امامت، باعث کامل شدن دین افراد می‌شود و بدون اعتقاد به امامت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، دین افراد کامل نیست و در نتیجه، اعمال آنان نیز پذیرفته نخواهد شد. به برخی از روایات در این زمینه توجه می‌کنیم:

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

إِنْ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ عَنِ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ وَ
عَنِ الزَّكَاةِ الْمَفْرُوضَةِ وَ عَنِ الصَّيَامِ الْمَفْرُوضِ وَ عَنِ الْحَجِّ الْمَفْرُوضِ وَ عَنِ وَايْتِنَا أَهْلَ
الْبَيْتِ فَإِنْ أَقْرَبَ بَوْلَايَتِنَا ثُمَّ مَاتَ عَلَيْهَا قُبِلَتْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ صَوْمُهُ وَ زَكَاتُهُ وَ حَجُّهُ وَ إِنْ لَمْ
يُقْرَبْ بَوْلَايَتِنَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ شَيْئًا مِنْ أَعْمَالِهِ.^۱

همانا نخستین چیزهایی که از بنده هنگامی که در پیشگاه خداوند متعال ایستاده است، پرسیده می‌شود، عبارت‌اند از نمازهای واجب، زکات واجب، روزه واجب، حج واجب و ولایت ما اهل بیت. پس اگر پیش از مرگ، به ولایت ما اقرار کند، نماز و روزه و زکات و حج او پذیرفته می‌شود. اما اگر در پیشگاه خداوند متعال، به ولایت ما اقرار نکرده باشد، هیچ‌یک از اعمالش پذیرفته نمی‌شود.

در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

وَ جَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا حَصَّنَا بِهِ مِنْ وَايَتِكُمْ طَيِّبًا لِحَلْقِنَا وَ طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَ تَزَكِيَةً
لَنَا وَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا.^۲

و صلوات ما بر شما و نیز ولایت شما را که به ما اختصاص داده است، باعث پاکی خلقت ما و طهارت جان ما و پاکیزگی ما و کفاره گناهان ما قرار داد.

همچنین می‌خوانیم: «بِمَوَالِيكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمَفْرُوضَةُ»؛^۳ «به موالات شما، عبادات واجب

۱. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۶۷.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۱۶.

پذیرفته می‌شوند».

همچنین در زیارت امام زمان علیه السلام در سرداب مقدس می‌خوانیم:

أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ وَتُرَكَّى الْأَفْعَالُ وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ وَتُمْحَى السَّيِّئَاتُ
فَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ وَصُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ وَتُضَاعَفُ حَسَنَاتُهُ
وَ مَحِيَّتْ سَيِّئَاتُهُ وَ مَنْ عَدَلَ عَنْ وِلَايَتِكَ وَ جَهَلَ مَعْرِفَتَكَ وَ اسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ ... لَمْ يَقْبَلِ
اللَّهُ مِنْهُ عَمَلًا وَ لَمْ يُقِمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا^۱.

گاهی می‌دهم که اعمال بندگان به سبب پذیرش ولایت تو پذیرفته می‌گردد و رفتارهای آنها پاکیزه می‌گردد و کارهای نیک آنها مضاعف می‌شود و گناهان آنها محو می‌شود. پس هر که به ولایت تو اعتقاد داشت و به امامت تو اعتراف کرد، اعمال او قبول می‌شود و گفتارش تصدیق می‌گردد و کارهای نیکش، مضاعف می‌شود و بدی‌هایش محو می‌گردد و هر که از ولایت و دوستی تو روبرگرداند و تو را شناسد و دیگران را به جای تو برگزیند... خداوند هیچ عملی را از او نمی‌پذیرد و میزانی برای آنها برپا نمی‌کند.

۱۰. وسیله آزمایش افراد

خدای متعال، انسان‌ها را به روش‌های گوناگونی می‌آزماید تا اسباب رشد آنان را فراهم نماید و خالص و ناخالص را از هم جدا کند. اصولاً هدف از خلقت آدمی، این است که در سایه امتحانات، روبه‌رو شدن با موضعی که در یک طرف آن، خواهش دل و در طرف دیگر، خواسته پروردگار قرار دارد، با انتخاب راه صحیح، به سوی کمال معنوی و افزودن بر ارزش وجودی خود حرکت کند.

یکی از موضعی که خداوند، مسلمانان را با آنها می‌آزماید، چگونگی رفتار با عترت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. از یک سو خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا

۱. المنار، شهید الاول، ص ۲۰۵.

المَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۱ از سوی دیگر، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ النَّقْلَيْنِ مَا إِنِ مَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَاَنْظُرُوا كَيْفَ تَحْلِفُونِي فِيهِمَا.^۲

همانا من دو چیز گرانبها میان شما باقی می‌گذارم؛ مادامی که به آنها تمسک جوید گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و خاندان و اهل بیتم و همانا این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض [کوثر] بر من وارد شوند. پس بنگرید که با آن دو، چگونه رفتار می‌کنید.

دستورهای خداوند و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ محل امتحان افراد می‌باشد؛ افرادی که به آنها عمل کنند، در امتحان موفق می‌شوند و کسانی که بر طبق دستور خدا و رسولش رفتار نکنند، از آزمایش الهی سربلند بیرون نمی‌آیند. در اینجا نیز خدا و رسولش همگان را به محبت و اطاعت از اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سفارش می‌کنند.

عمل به این سفارش، نشانه موفقیت و سرپیچی از آن، نشان‌دهنده شکست در آزمایش است. بدین ترتیب، امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام یکی از وسایل آزمایش الهی‌اند. در زیارتنامه‌ها نیز به این مطلب، اشاره شده است؛ از جمله در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ... وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ»^۳ «شما راه محکم الهی... و دری هستید که مردم به واسطه آن، آزمایش می‌شوند».

۱. «بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم؛ جز دوست‌داشتن نزدیکانم [اهل بیتم]». (شوری: ۲۳)

۲. الإحتجاج علی أهل اللجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۲۶۳.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳.

فصل سوم: عرضه عقیده و دین به اهل بیت علیهم السلام در زیارتنامه ها

مقدمه

دین ابتدا بر قلب و روح انسان می نشیند و سپس با اعضا و جوارح، رفتار می کند. از این رو، آنچه در دین اساسی تر است، عمل جوانحی و قلبی، یعنی ایمان و اعتقاد قلبی است. به همین مناسبت، به عقاید، «اصول دین» و به اعمال، «فروع دین» اطلاق می گردد. آدمی با ایمان و اعتقاد به معارف ضروری یک دین، در جرگه پیروان آن دین قرار می گیرد و در صورتی که برخی از اعتقادات پایه ای دین را منکر شود، از دین خارج می شود و اعمال جوارحی او پذیرفته نمی شود.

بر این اساس، قرآن کریم، آخرین و کامل ترین کتاب آسمانی، بیشتر در بردارنده مسائل اعتقادی است. حجم زیادی از کتاب های حدیثی نیز به مسائل اعتقادی اختصاص یافته است.

اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت معصومش علیهم السلام، از ایشان سؤال های اعتقادی بسیاری پرسیده اند که دلیل آن، اهمیت این گونه مسائل و دغدغه درست بودن عقاید بوده است. یکی از راه های اطمینان به درستی عقاید، عرضه عقاید و معارف دینی به محضر معصومان علیهم السلام است. گاهی در جوامع حدیثی می بینیم که محدث و عالم آشنا به

احادیث اهل بیت علیهم‌السلام که عقاید خود را از معصومان علیهم‌السلام گرفته است، اعتقاداتش را به محضر امام زنده خود عرضه می‌کند.^۱

یکی از این موارد، عرضه دین حضرت عبدالعظیم که از نوادگان امام حسن مجتبی علیه‌السلام و از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهم‌السلام می‌باشد، به محضر امام هادی علیه‌السلام است.^۲ درست است که در زمان کنونی، امام معصوم علیه‌السلام میان ما حاضر نیست؛ اما راه برای عرضه اعتقادات به ایشان بسته نیست. یکی از راه‌هایی که به سادگی در اختیار همگان قرار دارد، قرائت زیارتنامه‌ها در محضر ائمه اطهار علیهم‌السلام است. زیارتنامه‌های ایشان در موارد بسیاری، در بردارنده بیان اعتقادات درست دینی است. زائر هنگام خواندن آنها، در واقع به باورهای دینی خود توجه می‌کند و از سوی دیگر، خود را دارنده آن اعتقادات معرفی می‌نماید.

بررسی همه این موارد، بحثی طولانی را می‌طلبد که از محدوده این نوشتار، خارج است. از این رو، در این فصل مواردی را بیان می‌کنیم که به مقامات و جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام مربوط می‌شود.

۱. بیان اعتقاد به عظمت و جایگاه رفیع اهل بیت علیهم‌السلام

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام نزد خداوند جایگاه والایی دارند و به همین سبب است که ویژگی‌ها و مناصب عظیمی را از خدای متعال دریافت کرده‌اند. می‌توان عظمت مقام اهل بیت علیهم‌السلام را از برخورداری ایشان از علم الهی، ولایت تکوینی و تشریحی، وصایت و جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دریافت که برخی از آنها پیش‌تر گذشت و برخی نیز در ادامه خواهند آمد.

در زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام عباراتی وجود دارد که به بهترین شکل، بیانگر عظمت

۱. ر.ک: بحار الانوار، ج ۶۶، صص ۳ - ۹.

۲. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۶۸.

مقام و جایگاه آن بزرگواران است. برای شناخت اهل بیت علیهم السلام و عظمت مقامشان، شاید بهترین منبع، زیارت جامعه کبیره باشد. از این رو، به فقراتی از این زیارت توجه می‌کنیم: خداوند شما را نورهایی آفرید. پس شما را به گرد عرش خود محیط گردانید تا آن‌گاه که به وسیله شما، بر ما منت نهاد و شما را در خانه‌هایی قرار داد که خداوند اذن فرمود که رفیع باشند و نام خدا در آنها برده شود و خداوند، صلوات بر شما و دوستی شما را که ما امت اسلام را بدان ممتاز ساخت، موجب پاکیزگی آفرینش ما و طهارت جان‌های ما و تزکیه ما و کفاره گناهان ما قرار داد.

... پس خداوند شما را به شریف‌ترین جایگاه بزرگواران و به بالاترین مراتب مقربان و رفیع‌ترین درجات رسولانش رساند؛ آنجا که هیچ فردی بدان نرسد و هیچ خواهان برتری، به آن راه نیابد و هیچ پیشی‌گیرنده‌ای بر آن پیشی‌نگیرد و هیچ طمع‌کاری به ادراک آن طمع نوزد. تا آنجا که هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسلی و هیچ صدیقی و نه شهیدی و نه عالم و نه جاهلی، نه پست و نه ارجمندی و نه مؤمن شایسته و نه بدکار فاسدی و نه جبار باطل‌پیشه و نه شیطان سرکشی و نه خلقی که میان اینها حضور دارند، باقی نماند؛ جز آنکه خداوند جلالت امر شما، عظمت شرف شما، بزرگی شأن، تمامیت نور، درستی منزل‌های شما و استواری مقام و شرافت رتبه شما را نزد خودش و کرامتتان را پیش خودش و ویژگی‌تان و مقرب بودن‌تان را به او بشناساند. ...

هر کس خدا را خواست، از شما آغاز کرد. هر کس او را یگانه خواند، از شما پذیرفت و هر کس آهنگ دیدار خداوند کرد، به شما روی آورد. ای پیشوایان من! از شمارش ثنای شما و ستایش حقیقت شما و توصیف قدر و منزلت شما ناتوانم و از درک آن عاجزم. شما نور خوبان، راهنمایان نیکان و حجت‌های خداوند مقتدرید. ...

آنچه خداوند به شما عنایت فرمود، به هیچ‌یک از جهانیان عطا نکرد. هر شریفی در برابر شرافت شما سر فرو آورد و هر متکبری به اطاعت شما گردن نهاد و هر ستمگری در برابر فضل و برتری شما، فروتنی کرد. همه چیز برای شما خوار و ذلیل گشته است. زمین به نور شما تابان گشته است. ...

نام‌های شما میان نام‌ها، جسدهای شما میان جسدها، ارواحتان میان سایر ارواح، نفوس شما میان سایر نفوس، آثار شما میان دیگر آثار و قبور شما میان دیگر قبرهاست. پس چه شیرین است نام‌های شما و چه گرامی هستید خود شما و چه بزرگ است شأن شما و چه والاست منزلت شما و چه باوفاست پیمان شما و چه راست است وعده شما!

کلام شما نور، فرماتان هدایت، سفارشتان تقوا، کارتان خیر، شیوه‌تان نیکی، خوبتان کرم، شأنتان حق و راستی و مدارا، گفتارتان محکم و قاطع و رأیتان دانش، بردباری و اندیشمندی است. اگر از نیکی و خیر یاد شود، شما آغاز، اصل، فرع، معدن، جایگاه و نهایت آن هستید. پدرم، مادرم و خودم فدایتان باد. چگونه نیکیی ثنای شما را وصف کنم و زیبایی احسانتان را برشمرم، درحالی که به سبب شما خداوند ما را از ذلت و خواری بیرون آورد و از اندوه‌ها و گرفتاری‌های سخت، رهایی بخشید و از سقوط در پرتگاه‌های هلاکت و از آتش دوزخ نجاتمان داد.

پدرم، مادرم و خودم فدای شما، به سبب دوستی و ولایت شما، خداوند معارف دینمان را به ما آموخت و آنچه از امور دنیا مان تباه شده بود، اصلاح فرمود. به برکت دوستی و ولایت شما کلمه توحید، تمام شد و نعمت بزرگ دین به بشر عطا گردید و جدایی و تفرقه به الفت و وحدت مبدل گشت. با دوستی و ولایت شما، عبادت واجب نزد خداوند پذیرفته می‌شود. خداوند، دوستی و ولایت شما را بر خلق واجب کرده است و برای شماست درجات رفیع، مقام ستوده و منزلت معلوم نزد خدای عزیز و جلیل و آبروی بزرگ و شأن عظیم و شفاعت پذیرفته شده.^۱

۱. «خَلَقَكُمْ اللهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بَعْرَ شِهٍ مُخْدِفِينَ حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَيْنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا حَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَا تَيْكُمْ طَيْباً لِحُلُقِنَا وَ طَهَارَةً لَأَنْفُسِنَا وَ تَرْكِيَةً لَنَا وَ كَفَارَةً لِدُنُوبِنَا... فَبَلَّغَ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ حَجَلِ الْمُكْرَمِينَ وَ أَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقْرَبِينَ وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ حَيْثُ لَا يُلْحَقُهُ لَاحِقٌ وَ لَا يُوَفُّهُ فَائِقٌ وَ لَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَ لَا يَطْمَعُ فِي إِذْرَاكِهِ طَامِعٌ حَتَّى لَا يَنْقَى مَلَكٌ مُقْرَبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا صَدِيقٌ وَ لَا شَهِيدٌ وَ لَا عَالِمٌ وَ لَا جَاهِلٌ وَ لَا دَنِيٌّ وَ لَا فَاضِلٌ وَ لَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَ لَا فَاجِرٌ طَالِحٌ وَ لَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَ لَا شَيْطَانٌ مُرِيدٌ وَ لَا خَلْقٌ فِيهَا يَبْنِي ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ وَ عَظَمَ خَطَرَكُمْ وَ كَبَّرَ سَأَانِكُمْ وَ تَمَّامَ نُورَكُمْ وَ صَدَقَ مَقَاعِدَكُمْ وَ بَيَّاتَ مَقَائِكُمْ وَ شَرَفَ مَحَلَّكُمْ وَ مَنَزَلِكُمْ عِنْدَهُ وَ كَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ وَ حَاصَاتِكُمْ لَدَيْهِ وَ قُرْبَ مَنَزَلِكُمْ مِنْهُ... مَنْ أَرَادَ اللهُ ۞

۲. گواهی به شناخت حق اهل بیت علیهم السلام

پیش‌تر گفتیم که اهل بیت علیهم السلام از ویژگی‌ها و مناصب ممتازی برخوردارند که دیگران را دسترسی به آن ممکن نیست و لازم است همه افراد با آنها آشنا باشند تا بتوانند از پرتو نور ایشان، بهره‌مند گردند.

برخی از مهم‌ترین این مناصب که تعدادی از آنها را در فصل قبل بررسی کردیم، عبارت‌اند از:

- ارکان دین و ایمان؛
- محل نزول فرشتگان الهی؛
- جانشینان خداوند روی زمین؛
- برخوردار از ولایت تکوینی؛
- برخوردار از ولایت تشریحی و حق امامت بر جامعه انسانی؛
- وساطت در نزول فیض الهی بر سایر موجودات؛
- مرجعیت علمی؛
- برخوردار از مقام شفاعت.

بَدَأَ بِكُمْ وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنُكُمُ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ مَوَالِي لَا أُخْصِي نَنَاءَكُمْ وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَلْحِ كُنْهَكُمْ وَمِنْ الْوَصْفِ قَلْدَرَكُمْ وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَحُجَجُ الْجَبَّارِ... اتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ طَاطًا كُلُّ شَرِيفٍ لَشَرَفِكُمْ وَبَخَعُ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِبَطَاعَتِكُمْ وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ... ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ وَأَسْتَأْذِنُكُمْ فِي الْأَسْتِئَاءِ وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ وَأَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ وَأَثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ وَفُيُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ فَمَا أَحَلَّ أَسْأَاءَكُمْ وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَأَجَلَّ حَظْرَكُمْ وَأَوْفَى عَهْدَكُمْ كَلَامَكُمْ نُورٌ وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَوَصِيَّتُكُمْ تَقْوَى وَفِعْلُكُمْ حَيْرٌ وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَسَجِيَّتُكُمْ الْكِرَامُ وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَالصَّدَقُ وَالرَّفْقُ وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَنَمٌ وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَجِلْمٌ وَحَزْمٌ إِنَّ ذِكْرَ الْحَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَى وَأَصْلَهُ وَفِرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ تَنَائِكُمْ وَأُخْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ وَبِكُمْ أَخْرَجْنَا اللَّهَ مِنَ الذُّلِّ وَفَرَّجَ عَنَّا عَمَزَاتِ الْكُرُوبِ وَأَتَقَدَّنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي بِمَوَالِيكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا وَبِمَوَالِيكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَاتَّسَلَفَتِ الْفِرْقَةُ وَبِمَوَالِيكُمْ تَقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَلَكُمْ الْمُوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَالذَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَالْمَقَامُ الْمُحْمُودُ وَالْمَقَامُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ وَالشَّانُ الْكَبِيرُ وَالشَّفَاعَةُ الْمُقْبُولَةُ. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، صص ۶۱۳ - ۶۱۶.

انسان بدون آگاهی از مقامات و امتیازات اهل بیت علیهم‌السلام و شناخت درست ایشان، نمی‌تواند بهره لازم را از آنان ببرد. برای آگاهی از جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام و شناخت حق ایشان، به این فرمایش امام باقر علیه‌السلام توجه می‌کنیم:

ما مقربان درگاه خدا و برگزیدگان و در محدوده مورد انتخاب خدا می‌باشیم و موازیث پیغمبران علیهم‌السلام نزد ما ودیعه گذارده شده است و ما امینان خدای عزوجل و حجت‌های خدا و ارکان ایمان و ستون‌های اسلام و از جمله رحمت خدا بر خلقش می‌باشیم و ما میم که به ما آغاز می‌شود و به ما پایان می‌پذیرد و ما امامان هدایت و چراغ‌های در تاریکی و مناره‌های هدایت و سبقت‌گزیدگان و آخرین پیشینیان می‌باشیم و ما پرچم برافراشته برای مردمیم که هر کس به ما تمسک جوید، لاحق گردد و هر کس از ما عقب بماند، غرق شود و ما رهبران نمازگزارانی هستیم که پیشانی و دست و پایشان سفید است و ما برگزیدگان خدا و راه روشن و صراط مستقیم به سوی خدای عزوجل می‌باشیم و ما از جمله نعمت‌های خدا بر خلقش هستیم و ما راه حقیقت و معدن نبوت و جایگاه رسالت می‌باشیم و ما کسانی هستیم که فرشتگان به نزد ما رفت و آمد دارند و ما چراغ راه کسانی هستیم که از ما کسب نور کنند و ما راه از برای کسانی هستیم که به ما اقتدا کنند و ما هادیان مردم به سوی بهشتیم و ما ریسمان محکم اسلام و پل‌هایی هستیم که هر کس از آن بگذرد، کسی بر وی سبقت نگیرد و هر کس از آن تخلف کند، هلاک گردد و ما صاحبان جایگاه برتر و بزرگ‌تر می‌باشیم و ما کسانی هستیم که خدای عزوجل به وسیله ما رحمت خود را نازل فرماید و به وسیله باران، مردم را سیراب سازد و به وسیله ما عذاب از شما برگردانده می‌شود. پس هر کس ما و حق ما را شناخت و فرمان ما را گرفت و به کار بست، از ما و به سوی ماست.^۱

۱. «نَحْنُ جَنْبُ اللَّهِ وَ نَحْنُ صَفْوَتُهُ وَ نَحْنُ حَوْزَتُهُ وَ نَحْنُ مُسْتَوْدِعُ مَوَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ نَحْنُ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ وَ نَحْنُ أَرْكَانُ الْإِيمَانِ وَ نَحْنُ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ وَ نَحْنُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ نَحْنُ مِنْ بِنَا يُفْتَحُ وَ بِنَا يُخْتَمُ وَ نَحْنُ أَيْمَةُ الْهُدَى وَ نَحْنُ مَصَابِيحُ الدُّجَى وَ نَحْنُ مَنَارُ الْهُدَى وَ نَحْنُ السَّابِقُونَ وَ نَحْنُ الْأَخْرُونَ وَ نَحْنُ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ لِلْخَلْقِ، مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقٍّ وَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنَّا غَرِقَ وَ نَحْنُ قَادَةُ الْعُرِّ الْمُحْجَلِينَ وَ نَحْنُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ نَحْنُ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ وَ الصَّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ نَحْنُ مِنْ ۶۴»

در روایات بسیاری، به لزوم شناخت حق اهل بیت علیهم السلام، تأکید شده است؛ برای نمونه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابن عباس فرمود:

وَ الْأَئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْ هُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ بَعْدَهُ سِبْطَايَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ... يَا ابْنَ عَبَّاسٍ مَنْ أَتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَارِفًا بِحَقِّهِمْ أَخَذَتْ بِيَدِهِ فَأَدْخَلَتْهُ الْجَنَّةَ.^۱

امامان پس از من، دوازده نفرند که اولی آنها علی بن ابی طالب علیه السلام است و بعد از او دو نوهام، حسن و حسین علیهم السلام، هستند... ای ابن عباس! کسی که در روز قیامت وارد گردد؛ درحالی که به حق آنان آگاه است، دست او را می‌گیرم و او را وارد بهشت می‌کنم.

پس زیارت اهل بیت علیهم السلام نیز باید همراه با معرفت به ایشان انجام گیرد تا تأثیر دنیوی و اخروی لازم را در زائر بگذارد. از این رو، در روایات اهل بیت علیهم السلام بر زیارت با معرفت ایشان، بسیار تأکید شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ زَارَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ وَ أَنَّهُ الْإِمَامُ الْمُرْتَضِ الطَّاعَةِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِلَا فَضْلِ غَيْرِ مُتَجَرِّبٍ وَ لَا مُتَكَبِّرٍ عَلَى زِيَارَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَكْتُبُ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ يَعْفِرُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يَحْشُرُهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمِينِينَ مِنْ هَوْلِ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ يُسَهِّلُ حِسَابَهُ وَ تَسْتَقْبِلُهُ الْمَلَائِكَةُ فَإِنْ عَادَ مِنْ زِيَارَتِهِ شَايَعَتْهُ حَتَّى بَيْتِهِ وَ إِنْ مَرِضَ عَادَتْهُ وَ إِنْ مَاتَ شَيَعَتْ جَنَازَتَهُ وَ اسْتَعْفَرَتْ لَهُ حَتَّى يَدْخُلُوهُ قَبْرُهُ.^۲

کسی که قبر امیرمؤمنان علیه السلام را با آگاهی از حق او و آگاهی از اینکه او امامی است که اطاعت

﴿هُم نِعْمَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ وَ نَحْنُ الْمُنْهَاجُ وَ نَحْنُ مَعْدِنُ النَّبُوَّةِ وَ نَحْنُ مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ وَ نَحْنُ الَّذِينَ إِلَيْنَا تَخْتَلِفُ الْمَلَائِكَةُ وَ نَحْنُ السَّرَاحُ لِمَنْ اسْتَضَاءَ بِنَا وَ نَحْنُ السَّبِيلُ لِمَنْ افْتَدَى بِنَا وَ نَحْنُ الْهُدَاةُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ نَحْنُ عُرَى الْإِسْلَامِ وَ نَحْنُ الْجُسُورُ وَ الْقَنَاطِيرُ مَنْ مَضَى عَلَيْهَا لَمْ يُسْبِقْ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا حُجِيَ وَ نَحْنُ السَّنَامُ الْأَعْظَمُ وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُنَزَّلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الرَّحْمَةَ وَ بِنَا يُسْقَوْنَ الْعَيْشَ وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُصْرَفُ عَنْكُمْ الْعَذَابُ فَمَنْ عَرَفَنَا وَ أَبْصَرَنَا وَ عَرَفَ حَقَّنَا وَ أَخَذَ بِأَمْرِنَا فَهُوَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا﴾. کمال‌الدین و تمام

النعمة، ج ۱، ص ۲۰۶؛ الأمالی، طوسی، ص ۶۵۴.

۱. کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۱۷.

۲. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۴۵۳.

او واجب است و خلیفه بلا فصل رسول خدا ﷺ است، زیارت کند و در زیارت آن حضرت، زورگو و متکبر نباشد، خدای متعال برای او اجر یکصد هزار شهید می‌نویسد و گناهان گذشته و آینده او را می‌بخشد و در روز قیامت، او را با افراد ایمن از هراس آن روز محشور می‌کند و حساب او را آسان می‌گیرد و فرشتگان او را استقبال می‌کنند. پس اگر از زیارت برگردد، آن فرشتگان او را تا منزلش همراهی می‌کنند و اگر مریض شود، از او عیادت می‌کنند و اگر بمیرد، جنازه او را تشییع می‌کنند و برای او طلب آمرزش می‌کنند تا داخل قبرش گردد.

همچنین امام موسی کاظم علیه السلام فرمود:

أَذْنِي مَا يُنَابُ بِهِ زَائِرُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِسَطِّ الْفَرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ وَ وِلَايَتَهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.^۱

کمترین چیزی که به زائر اباعبدالله الحسین علیه السلام کنار فرات داده می‌شود، مشروط بر اینکه حق او و حرمت و ولایت او را بشناسد و بپذیرد، این است که گناهان گذشته و آینده او آمرزیده می‌شود.

امام رضا علیه السلام نیز فرمود: «مَا زَارَنِي أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِي عَارِفًا بِحَقِّي إِلَّا تَشَفَّعْتُ فِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲؛

«کسی از دوستانم مرا با شناخت حقم زیارت نمی‌کند؛ مگر اینکه در روز قیامت از او شفاعت می‌کنم».

و به همین دلیل در بسیاری از زیارتنامه‌ها، زائر به شناخت حق امام مورد زیارت، شهادت می‌دهد؛ برای نمونه، در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ... مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ مُقَرَّبٌ بِفَضْلِكُمْ...
مُعَرِّفٌ بِكُمْ.^۳

خدای را و نیز شما را شاهد می‌گیرم که من به شما ایمان دارم... مطیع شمایم، حق شما را می‌شناسم، به فضل شما اقرار دارم... به شما [به عنوان امامان خود] اعتراف می‌کنم.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۲.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵۸.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۴.

در زیارت امام علی علیه السلام نیز چنین آمده است:

أَتَيْتُكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُقِرًّا بِفَضْلِكَ، مُسْتَبْصِرًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ.^۱

به زیارت تو آمده‌ام؛ درحالی که حق شما را می‌شناسم، به فضیلت شما اعتراف دارم و به گمراهی کسانی که با شما مخالفت کردند، آگاهی و بصیرت دارم.

در زیارت امام موسی کاظم علیه السلام این گونه می‌گوییم:

أَتَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُوَالِيًّا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًّا لِأَعْدَائِكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ.^۲

ای مولای من! به نزد تو آمده‌ام؛ درحالی که حق تو را می‌شناسم، با دوستانت دوستم و با دشمنانت دشمنی می‌ورزم. پس مرا نزد پروردگارت شفاعت نما.

در زیارت امام جواد علیه السلام نیز می‌خوانیم:

أَتَيْتُكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ مُوَالِيًّا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًّا لِأَعْدَائِكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ.^۳

به نزد تو آمده‌ام؛ درحالی که حق تو را می‌شناسم، با دوستانت دوستم و با دشمنانت دشمنی می‌ورزم. پس مرا نزد پروردگارت شفاعت نما.

۳. شهادت به عصمت اهل بیت علیهم السلام

هرچند این مورد و مورد بعد، دارای جنبه اخلاقی - تربیتی نیستند، ولی به دلیل اهمیتشان، در اینجا از آنها بحث می‌کنیم.

واژه «عصمت»، از ریشه «ع ص م» گرفته شده است. عصمت در لغت، به معنای محافظت، نگهداری، جلوگیری و بازداشتن است.^۴ ویژگی «حفظ و منع» که در معنای لغوی عصمت مورد نظر قرار دارد، در معنای اصطلاحی آن نیز لحاظ شده است. البته با این تفاوت که در مباحث کلامی و اعتقادی، بر حفظ و نگهداری در برابر

۱. المزار الکبیر، ابن مشهدی، ص ۲۳۷.

۲. المزار، شهید اول، ص ۱۸۹.

۳. همان، ص ۱۹۲.

۴. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۰۳.

«گناه» و «اشتباه» به کار می‌رود.^۱

بر این اساس، ما شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام معتقدیم که آن بزرگواران از هرگونه گناه بزرگ یا کوچک و هرگونه اشتباهی معصوم می‌باشند. بدون آنکه بخواهیم درباره این خصوصیت آنان گفت‌وگو نماییم، به آیه‌ای از قرآن کریم و برخی از فرمایشات اهل بیت علیهم‌السلام استشهاد می‌کنیم: خداوند می‌فرماید: «**إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً**»؛ «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی [گناه] را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد». (احزاب: ۳۳) صاحب «تفسیر نمونه» در توضیح این آیه می‌نویسد:

با توجه به اینکه اراده الهی تخلف‌ناپذیر است و جمله «**إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ**» دلیل بر اراده حتمی او می‌باشد، مخصوصاً با توجه به کلمه «**إِنَّمَا**» که برای حصر و تأکید است، روشن می‌شود که اراده قطعی خداوند بر این قرار گرفته که اهل بیت علیهم‌السلام از هرگونه رجس و پلیدی و گناه پاک باشند و این، همان مقام عصمت است.

در حقیقت مفهوم آیه، همان چیزی است که در زیارت جامعه نیز آمده است: «**عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ أَمْنَكُمُ مِنَ الْفِتَنِ وَ طَهَّرَكُمُ مِنَ الدَّنَسِ وَ أَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ طَهَّرَكُمُ تَطْهِيراً**»؛ «خداوند شما را از لغزش‌ها حفظ کرد و از فتنه انحرافات در امان داشت و از آلودگی‌ها پاک ساخت و پلیدی را از شما دور کرد و کاملاً تطهیر نمود». با این توضیح، در دلالت آیه فوق بر مقام عصمت اهل بیت علیهم‌السلام نباید تردید کرد.^۲

همچنین از عایشه (همسر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده که گفته است:

لَقَدْ رَأَيْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا علیهم‌السلام وَ قَدْ جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ يُعْدِفُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ حَامَتِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً.^۳

۱. دلایل عصمت امام از دیدگاه عقل و نقل، ص ۵۲.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۱.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹۷.

۴. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۲۲.

من علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را دیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را جمع کرد و پارچه‌ای روی آنها انداخت و فرمود: «خدایا! اینها اهل بیت من و نزدیکان من هستند. پس پلیدی و گناه را از آنها دور کن و آنها را کاملاً پاک نما».

همچنین در صلوات مخصوص امام حسن عسکری علیه السلام می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ... وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمُهَادِي إِلَى دِينِكَ... الْمُعْصُومِ الْمُهْتَدِي... وَالْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّجْسِ.^۱
خدایا... و بر امام حسن بن علی، آن هدایتگر به سوی دینت... و معصوم پاکیزه... و پاک از هر آلودگی، درود فرست.

۴. بیان اعتقاد به وجوب اطاعت از اهل بیت علیهم السلام

براساس آیات قرآن کریم و روایات امامان معصوم علیهم السلام، اطاعت از اهل بیت علیهم السلام بر همه انسان‌ها واجب است. عمل به دستورها در مسائل عبادی و غیرعبادی، لازم است؛ زیرا سعادت دنیا و آخرت افراد را تأمین می‌کند.

قرآن کریم درباره لزوم اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾. (آل عمران: ۳۱)

بگو: «اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید؛ تا خدا [نیز] شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است».

همان‌طور که پیداست در این آیه، خداوند نشانه محبت انسان‌ها به خدا را اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معرفی می‌کند و کسانی که ادعای دوستی خدا را دارند، باید با اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صدق ادعای خود را نشان دهند. بدین ترتیب، در این آیه، اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله، دلیل بر دوستی خداوند شمرده شده است.

قرآن کریم در آیه‌ای دیگر درباره لزوم اطاعت از پیامبر و امامان علیهم‌السلام می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر (اوصیای پیامبر) را». (نساء: ۵۹)

صاحب تفسیر نمونه در ذیل این آیه می‌نویسد:

همه مفسران شیعه در این زمینه اتفاق نظر دارند که منظور از «اولو الامر»، امامان معصوم می‌باشند که رهبری مادی و معنوی جامعه اسلامی، در تمام شئون زندگی، از طرف خداوند و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به آنها سپرده شده است و غیر آنها را شامل نمی‌شود.^۱

در میان روایات، حدیث ثقلین به بهترین وجه، وجوب اطاعت از اهل بیت علیهم‌السلام را بیان می‌کند. مطابق این حدیث، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابِ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلِ بَيْتِي مَا إِنَّمَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا وَمَنْ تَمَسَّكَ بِعِزَّتِي مِنْ بَعْدِي كَانَ مِنَ الْفَائِزِينَ وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ كَانَ مِنَ الْهَالِكِينَ.^۲

من دو چیز گرانبها را میان شما باقی می‌گذارم: کتاب خدا و عترت و اهل بیتم؛ مادام که به آنها تمسک جوئید، هرگز گمراه نمی‌شوید و هرکس بعد از من به عترتم تمسک جوید، از رستگاران خواهد بود و هرکس از ایشان تخلف کند، از هلاک‌شوندگان خواهد بود.

امام باقر علیه‌السلام فرمود:

ذُرْوَةُ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رِضَا الرَّحْمَنِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ.^۳

بلندی و شرافت و کلید و در همه چیز و خرسندی خدای رحمان تبارک و تعالی، اطاعت از امام، بعد از شناختن اوست.

در زیارتنامه‌های امامان معصوم علیهم‌السلام نیز به صورت‌های مختلفی به مسئله لزوم اطاعت

۱. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۳۶.

۲. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۱.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۸۵.

از ایشان اشاره شده است؛ از جمله در زیارت جامعه کبیره، گاهی زائر بر وجوب اطاعت از امامان معصوم علیهم السلام شهادت می‌دهد. گاهی از خداوند می‌خواهد که توفیق اطاعت از ایشان را نصیب وی سازد. گاهی پیوند اطاعت از اهل بیت علیهم السلام با اطاعت از خدا را ابراز می‌کند و گاهی نیز بر اطاعت خود از ایشان گواهی می‌دهد:

کسی که از شما تبعیت کند، بهشت جایگاه او خواهد بود و کسی که با شما مخالفت نماید، دوزخ جایگاه اوست... خدا و نیز شما را شاهد می‌گیرم که من... فرمانبردار شمایم... به گفتارتان عمل می‌کنم و دستورتان را انجام می‌دهم... پس خداوند مرا همیشه تا زنده‌ام بر موالات و دوستی و دین و آیین شما ثابت قدم بدارد و توفیق فرمانبرداری از شما را به من ارزانی فرماید... و مرا از بهترین دوستانتان قرار دهد که شما را در آنچه به آن دعوت می‌کنید، تبعیت می‌کنند و مرا از کسانی قرار دهد که از آثار شما پیروی می‌کنند و مسیر شما را می‌پیمایند و به راهنمایی شما هدایت می‌شوند... ای ولیّ خدا! همانا میان من و خدای عزوجل گناहانی است که محو و پاک نکند آنها را جز رضایت شما. پس به حق آن خدایی که شما را امین بر اسرار خود قرار داد و سرپرستی کار خلق خود را به شما واگذار کرد و فرمانبرداری از شما را به فرمانبرداری از خود پیوند زد، بخشایش گناهانم را از خدا بخواهید و شفیعان من گردید؛ زیرا من فرمانبردار شمایم؛ کسی که از شما اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده و کسی که شما را نافرمانی کند، خداوند را نافرمانی کرده است.^۱

در صلوات مخصوص ماه شعبان، برای توفیق اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این گونه دعا می‌کنیم:

اللَّهُمَّ... وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعًا حَتَّى الْقَائِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنِّي رَاضِيًا وَعَنْ ذُنُوبِي غَاضِيًا.^۲

۱. «مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَاوَاهُ وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ... أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي... مُطِيعٌ لَكُمْ... آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عَائِلٌ بِأَمْرِكُمْ... فَتَبَتَّنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مَوَالِيكُمْ وَحَبَبِيكُمْ وَدِينِكُمْ وَفَقَنِي لَطَاعَتِكُمْ... وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ النَّائِبِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ أَمْرَكُمْ وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ وَيَهْتَدِي بِهَدَاكُمْ... يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لِمَا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ مِمَّنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ»؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، صص ۶۱۳ - ۶۱۷.

۲. المزار الکبیر، ابن مشهدی، ص ۴۰۲.

خدایا... مرا پیرو پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار بده تا در روز قیامت که تو را ملاقات می‌کنم، از من راضی باشی و از گناهانم چشم‌پوشی کنی.

همچنین در زیارت وداع امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام این گونه از خداوند می‌خواهیم که ما را مطیع اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام قرار دهد: «اللَّهُمَّ وَذَلِّ قُلُوبَنَا لَهُمْ بِالطَّاعَةِ وَالْمَنَاصِحَةِ وَالْمَحَبَّةِ وَحُسْنِ الْمَوَازَرَةِ!»؛ «خدایا! قلب‌های ما را برای فرمانبرداری و خیرخواهی و دوستی و حسن همراهی با ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام رام گردان.».

۵. بیان اعتقاد به بازگشت خلق به سوی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و حساب خلق با ایشان

عالم ماده، نه مبدأ پیدایش انسان و نه پایان هستی اوست. بلکه یکی از منازل و ایستگاه‌های میانه راه سیر آدمی است که برای پرورش استعدادهای وی و به فعلیت رسیدن توانمندی‌هایش در مسیر حرکت او قرار گرفته است. این مسیر طولانی، به همان مبدأ بازمی‌گردد که همه موجودات هستی از آنجا نشئت گرفته‌اند؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۲، «وَإِلَيْهِ تُقَلَّبُونَ»^۳.

مطابق آیات قرآن کریم، همه آدمیان به سوی خداوند باز می‌گردند و در دادگاه عدل

الهی، به حساب اعمال آنان رسیدگی می‌شود: «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ»^۴. نکته درخور توجه این است که در دو آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۵، «وَإِلَيْهِ تُقَلَّبُونَ»^۶، مرجع و محل بازگشت آدمی، با ضمیر مفرد که به خداوند برمی‌گردد، معرفی شده است. ولی در آیه «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ»^۷، با به کار بردن

۱. کامل‌الزیارات، ص ۴۷.

۲. بقره: ۱۵۶.

۳. عنکبوت: ۲۱.

۴. غاشیه: ۲۵ و ۲۶.

۵. بقره: ۱۵۶.

۶. عنکبوت: ۲۱.

۷. غاشیه: ۲۵ و ۲۶.

ضمیر متکلم مع‌الغیر، از تعدد آن سخن به میان آمده است.

این دوگانگی در تعبیر، به معنای تعارض این دو دسته از آیات نیست. بلکه راه جمع معقول و پسندیده‌اش این است که مقصد پایانی که بازگشت همه به سوی اوست، فقط خداوند است: ﴿إِنَّا إِلَٰهٌ رَّاحِمُونَ﴾.^۱ از این رو ضمیر مفرد به کار رفته است. اما آیاتی که با ضمیر متکلم مع‌الغیر آمده است، به کوشش مجموعه‌ای از عوامل دست‌اندرکار اشاره شده است: ﴿إِنَّ إِلَٰهِنَا إِلَٰهٌ بَہْمُ﴾.^۲ در واقع خداوند متعال در انجام دادن امور، علل و وسائط را به کار می‌گیرد. بنابراین، صدور یا ظهور همه اشیا از خداست؛ اما با حفظ ترتیب.^۳ بنابراین هیچ بعید نیست که خداوند در انجام دادن کارهای خود، از واسطه‌هایی همچون فرشتگان یا انسان‌های کامل استفاده می‌کند.

همچنین معرفی فرشتگان یا برخی از آدمیان به عنوان محل بازگشت انسان‌ها و محل حسابرسی آنان، هیچ منافاتی با معرفی خداوند به عنوان محل بازگشت انسان‌ها ندارد. همان‌گونه که خدای متعال در دنیا انسان‌هایی را برانگیخت تا احکام آسمانی‌اش را به مردم بیاموزند و راه رسیدن به سعادت ابدی را نشان دهند، در قیامت نیز حسابرسی اعمال بندگان را با واسطه برخی از بندگان انجام می‌دهد؛ زیرا پروردگار که منزله از جسم و جسمانیت است، با انسان‌های دارای جسم مادی تماس نمی‌گیرد. از این رو، همان‌گونه که در دنیا با وساطت انبیا و امامان علیهم السلام با آدمیان ارتباط برقرار می‌کند، در قیامت نیز با وساطت فرشتگان، انبیا و امامان، با آدمیان ارتباط برقرار می‌کند و به حساب اعمالشان رسیدگی می‌کند. از این رو، حتی اگر ضمیر متکلم مع‌الغیر در آیات ﴿إِنَّ إِلَٰهِنَا إِلَٰهٌ بَہْمُ﴾ * ﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾^۴ را به بازگشت به خدای متعال معنا کنیم،

۱. بقره: ۱۵۶.

۲. غاشیہ: ۲۵ و ۲۶.

۳. ادب فنای مقربان، عبدالله جوادی آملی، ج ۶، صص ۳۸۰ - ۳۸۳.

۴. غاشیہ: ۲۵ و ۲۶.

باز منافاتی ندارد که در این مسیر، واسطه‌هایی بزرگ و بزرگوار نیز در کار باشند.^۱ بنابراین درست است که بازگشت همه به سوی خداست، اما ارجاع حسابرسی بندگان به فرشتگان الهی یا اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، هیچ منافاتی با این مسئله ندارد. از این رو در روایات فراوانی تصریح شده است که محل بازگشت و مرجع حسابرسی بندگان خدا، اهل بیت علیهم‌السلام است؛ چنان‌که در روایتی می‌خوانیم «سماعه» می‌گوید:

نزد امام موسی کاظم علیه‌السلام، کنار خانه خدا، نشسته بودم و مردم در تاریکی شب در حال طواف بودند. در این حال، امام علیه‌السلام مرا خطاب قرار داد و فرمود: «يَا سَمَاعَةَ إِنِّي آتَابُ هَذَا الْخَلْقِ وَعَلَيْنَا حِسَابُهُمْ فَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ ذَنْبٍ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَتَّمْنَا عَلَى اللَّهِ فِي تَرْكِهِ لَنَا فَأَجَابْنَا إِلَى ذَلِكَ وَ مَا كَانَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ النَّاسِ اسْتَوْهَبْنَا مِنْهُمْ وَأَجَابُوا إِلَى ذَلِكَ وَعَوَّضَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ»^۲؛ «ای سماعه! بازگشت این مردم، به سوی ما و محاسبه اعمال آنان با ماست. اگر مردم در حق الله کوتاهی کرده باشند، از خداوند می‌خواهیم که آنان را ببخشاید و خداوند متعال هم می‌پذیرد و اگر در حق الناس کوتاهی کرده باشند از آنان می‌خواهیم که از حق همدیگر بگذرند و ایشان نیز چنین می‌کنند و خداوند در قبال این بخشایش، به آنان پاداش می‌دهد.

در زیارتنامه‌های ائمه معصوم علیهم‌السلام نیز به این مسئله و ابعاد مختلف آن، اشاره شده

است که در اینجا به برخی از این عبارات، توجه می‌کنیم:

در زیارت امام علی علیه‌السلام در روز ولادت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَى نُورِ الْأَنْوَارِ...

وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ»^۳ «سلام بر نور نورها... و قسمت‌کننده بهشت و دوزخ». همچنین در یک

زیارت از آن حضرت، ایشان به عنوان میزان اعمال بندگان معرفی شده است: «السَّلَامُ

عَلَى مِيزَانِ الْأَعْمَالِ»^۴ «سلام بر میزان اعمال».

۱. حبل متین؛ شناخت ارکان دین (شرح زیارت جامعه کبیره)، سید محمد ضیاء آبادی، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۱۶۲.

۳. المزار، شهید اول، ص ۹۵.

۴. همان، ص ۴۶.

در زیارت جامعه کبیره نیز همه امامان علیهم السلام، محل بازگشت بندگان و حسابرس اعمالشان معرفی شده‌اند: «وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ»؛ «بازگشت خلق، به سوی شماست و محاسبه اعمال آنان بر عهده شما نهاده شده است».

۶. شهادت به حیات اهل بیت علیهم السلام و شنوا و بینا بودن ایشان

همه ما می‌دانیم که ماهیت واقعی انسان را روح او تشکیل می‌دهد. جسم در واقع، ابزاری است در دست روح تا با آن بتواند با زندگی در این دنیا و رفتارهای اختیاری، به کمال دست یابد. از این رو، وجود انسان‌ها با مرگ، پایان نمی‌یابد. بلکه ارواح آنان در عالمی دیگر، به حیات خود ادامه می‌دهد.

این مسئله درباره همه انسان‌ها صادق است و فرقی از این جهت، میان آنان وجود ندارد. با این حال، زنده بودن برخی از افراد، حتی پس از پایان حیات دنیوی آنان، مورد تأکید قرار گرفته است؛ برای مثال، خداوند در قرآن کریم درباره شهدا می‌فرماید:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (آل عمران: ۱۶۹)

هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگان اند! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان، روزی داده می‌شوند.

این آیه در مقام اثبات حیاتی حقیقی و برتر برای شهداست و بیانگر آن است که پس از مرگ، نه تنها از حضور و حیات و قدرت روحی آنان کم نمی‌شود، بلکه بر گستره اشراف و وسعت وجودی آن اضافه می‌گردد.

این حقیقت درباره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نیز در مراتبی بالاتر، صادق است. آن بزرگواران با داشتن مناصب و مقاماتی که پیش‌تر به آنها اشاره شد، از چنان قدرت روحی و معنوی برخوردارند که اکنون نیز پس از رحلت، بر تمامی عالم اشراف دارند و

می‌توانند در این عالم، دخل و تصرف کنند.

پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، فقط معلمانی نیستند که تعلیمات خود را ارائه داده و آثار خود را بر جای گذاشته و از میان ما رفته باشند. بلکه آنان وجودهای شریفی‌اند که همواره حاضرند و به ویژه بر پیروان خود و طالبان حقیقت اشراف دارند. هرچند این معنا درباره امام زنده شیعیان (امام زمان)، به طور بارزتری نمایان است، ولی قاعده هدایت باطنی و حضور زنده و مؤثر، به ویژه در مسائل مربوط به توسلات معنوی، درباره همه چهارده معصوم صادق است. امامان معصوم علیهم‌السلام دارای حیات برتری می‌باشند که زنده و مرده و حاضر و غایب آنها تفاوتی در این حیات برتر ندارد و این مسئله، بر سعه وجودی آنان دلالت می‌کند.

از این روست که ما معتقدیم آنان، ما و رفتارهای ما را می‌بینند. از رفتارهای نیک ما شادمان می‌شوند و از رفتارهای زشت ما اندوهگین می‌گردند؛ چنان‌که در روایتی می‌خوانیم امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«مَا لَكُمْ تَسْؤُونَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ؟» «شما را چه شده است که رسول خدا ﷺ را ناراحت می‌کنید؟!» مردی پرسید: «چگونه او را ناراحت می‌کنیم؟» امام علیه‌السلام فرمود: «أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَأَى فِيهَا مَعْصِيَةً سَاءَةً ذَلِكَ فَلَا تَسْؤُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ سُرُوهُ؛» «آیا نمی‌دانید که رفتارهای شما به ایشان عرضه می‌شود؟! پس اگر در آن گناهی مشاهده کنید، باعث ناراحتی‌اش می‌شود. پس رسول خدا ﷺ را ناراحت نکنید. بلکه او را خوشحال کنید».

«عبدالله بن ابان زیات» که نزد امام رضا علیه‌السلام از جایگاه والایی برخوردار بود، می‌گوید: به امام رضا علیه‌السلام گفتم: «برای من و خانواده‌ام دعا بفرمایید». آن حضرت فرمود: «أَوْ كَسْتُ أَفْعَلُ وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ؛» «مگر من این کار را نمی‌کنم؟! به خدا قسم! اعمال شما هر روز و شب بر من عرضه می‌شود». عبدالله بن زیات می‌گوید، من از این

مسئله تعجب کردم. سپس امام رضا علیه السلام فرمود: «أَمَا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿وَقُلِ اَعْمَلُوا فَسِرِّي اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ قَالَ هُوَ وَاللَّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام»؛ «آیا کتاب خدای عزوجل را نخوانده‌ای که می‌فرماید: «بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند»؛ به خدا قسم! منظور [از «مؤمنون» در این آیه]، علی بن ابی‌طالب علیه السلام [و جانشینان آن حضرت] می‌باشد.

از این رو می‌توان به زیارت اهل بیت علیهم السلام مشرف شد و به آنان سلام کرد. آنان زائران خود را می‌بینند، سخنان آنان را می‌شنوند و به سلام آنان، پاسخ می‌دهند. در زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام فقرات بسیاری وجود دارد که زائر با خواندن آنها بر حیات و شنوا و بینا بودن اهل بیت علیهم السلام شهادت می‌دهد و می‌گوید که ایشان، او را می‌بینند، سخن او را می‌شنوند و جواب سلام او را می‌دهند؛ برای مثال، در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ التَّقْوَى وَ سَامِعِ السَّرِّ وَ النَّجْوَى»؛^۳ «سلام بر درخت تقوا و شنونده اسرار و سخنان محرمانه».

در زیارت امام علی علیه السلام در روز ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گوییم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ تَشْهَدُ مَقَامِي»؛^۴ «شهادت می‌دهم که تو سخن مرا می‌شنوی و محل ایستادن مرا می‌بینی». همچنین در زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه ماه رجب آمده است: «وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ تَرُدُّ الْجَوَابَ»؛^۵ «و شهادت می‌دهم که تو سخن [ما] را می‌شنوی و جواب می‌دهی». از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

کسی که حاجتی نزد خداوند دارد، بالای سر امام حسین علیه السلام بایستد و بگوید: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

۱. توبه: ۱۰۵.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳. المزار، ص ۴۷.

۴. همان، ص ۹۷.

۵. همان، ص ۱۶۳.

أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَأَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّكَ تُرْزُقُ فَاسْأَلْ رَبَّكَ وَ رَبِّي فِي قَضَائِي حَوَائِجِي^۱؛ «ای ابا عبدالله! گواهی می‌دهم که تو محل ایستادن مرا مشاهده می‌کنی و سخن مرا می‌شنوی و همانا تو زنده‌ای و نزد پروردگارت، روزی داده می‌شوی. پس از خدای خودت و من بخواه حاجت‌های مرا برآورده سازد».

همچنین در اذن دخول به حرم اهل بیت علیهم‌السلام می‌خوانیم:

وَ أَعْلَمُ أَنَّ رُسُلَكَ وَ خُلَفَاءَكَ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ يَرَوْنَ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يُرْذَوْنَ سَلَامِي وَ أَنَّكَ حَبَبْتَ عَن سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ.^۲

[خدایا] و من می‌دانم که پیامبران و جانشینان زنده‌اند و نزد تو روزی داده می‌شوند. جایگاه مرا می‌بینند و سخن مرا می‌شنوند و جواب سلام مرا می‌دهند و همانا تو گوش مرا از شنیدن کلام آنها مانع شده‌ای و باب فهم مرا به لذت بردن از مناجات با ایشان باز کرده‌ای.

۷. بیان اعتقاد به رجعت اهل بیت علیهم‌السلام

واژه رجعت، در لغت از «رَجَعَ» به فتح «راء»، به معنای بازگشت است^۳ و در اصطلاح، رجعت به معنای زنده شدن پس از مرگ و پیش از قیامت و بازگشت دوباره به این دنیا می‌باشد. در توضیح آن به اختصار می‌توان گفت که بعد از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام، گروهی از مؤمنان خالص و نیز کافران بسیار شرور، به این جهان بازمی‌گردند. گروه اول، مدارجی از کمال را طی می‌کنند و گروه دوم، کیفرهای شدیدی می‌بینند.^۴ همچنین در ادامه دوران حکومت صالحان، دوران رجعت هریک از ائمه اطهار علیهم‌السلام فرا می‌رسد و آنان نیز بر زمین حکومت می‌کنند.^۵

۱. عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۶۴.

۲. المصباح، کفعمی، ص ۴۷۳.

۳. لسان العرب، ابن‌منظور، ج ۵، ص ۱۴۸.

۴. رجعت از نگاه عقل و دین، ص ۱۵.

۵. مقام ولایت (در شرح زیارت جامعه کبیره)، ص ۵۸۱.

درباره اثبات امکان و وقوع رجعت، به آیات بسیاری از قرآن استناد شده است؛ برای

مثال، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ...﴾ (بقره: ۲۴۳)

آیا ندیدی گروهی [از بنی اسرائیل] را که از ترس مرگ، از خانه‌های خود فرار کردند؟ و آنان، هزاران نفر بودند [و به بهانه فرار از طاعون، از شرکت در میدان جهاد خودداری نمودند]. و خداوند فرمان مرگ آنها را صادر کرد [و به همان بیماری، مردند]. سپس خدا آنها را زنده کرد... .

صاحب تفسیر نمونه در استدلال بر این آیه می‌نویسد:

نکته‌ای که شایان توجه می‌باشد مسئله امکان رجعت است که از این آیه به خوبی استفاده می‌شود. توضیح اینکه: در تاریخ گذشتگان مواردی را می‌یابیم که افرادی بعد از مرگ، به این جهان بازگشتند؛ مانند ماجرای جمعی از بنی اسرائیل که همراه موسی علیه السلام به کوه طور رفتند که در آیات ۵۵ و ۵۶ سوره بقره آمده و داستان عَزْریر یا ارمیا که در آیه ۲۵۹ همین سوره آمده است و همچنین حادثه‌ای که در آیه مورد بحث به آن اشاره شده است.

بنابراین مانعی ندارد که همین مسئله در آینده نیز تکرار شود. دانشمند معروف شیعه، مرحوم صدوق، نیز به همین آیه برای امکان مسئله رجعت استدلال می‌کند و می‌گوید: یکی از عقاید ما اعتقاد به رجعت است [که گروهی از انسان‌های پیشین، بار دیگر در همین دنیا به زندگی بازمی‌گردند].^۱

همچنین در روایات بسیاری، به وقوع رجعت پس از قیام قائم آل محمد علیهم السلام اشاره

شده است که در اینجا برخی از آنها را بیان می‌کنیم:

«حسن بن جهم» می‌گوید:

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۲۲.

مأمون از امام رضا علیه السلام پرسید: «ای ابالحسن! نظر تو درباره رجعت چیست؟» امام علیه السلام فرمود: «إِنَّهَا الْحَقُّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ وَ نَطَقَ بِهَا الْقُرْآنُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ حَذُو النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ»^۱؛ «رجعت مطلب حقی است و در امت‌های گذشته واقع شده است و قرآن نیز از آن سخن می‌گوید و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در این امت همه آنچه در امت‌های سابق بوده، واقع می‌شود؛ به طوری که قدم جای قدم آنان می‌گذارند و تیر به همان‌جا که آنان زدند، می‌زنند.

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ أُنَى الْمُؤْمِنِ فِي قَبْرِهِ فَيَقَالُ لَهُ يَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ فَإِنْ تَشَأْ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقُّ
وَ إِنْ تَشَأْ أَنْ تُقِيمَ فِي كَرَامَةِ رَبِّكَ فَاقِمِ.^۲

هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، به نزد مؤمن در قبرش می‌روند و به او می‌گویند: «فلانی! امامت ظهور کرده است؛ اگر می‌خواهی به او ملحق شوی ملحق شو و اگر می‌خواهی که در سایه کرامت پروردگارت بمانی، بمان.»

همچنین در برخی از روایات به بازگشت ائمه اطهار علیهم السلام پرداخته شده است؛ برای نمونه، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا»^۳؛ «از ما نیست کسی که به بازگشت ما ایمان ندارد.»

فواید و آثار تربیتی اعتقاد به رجعت

بی‌تردید، همان‌گونه که انتظار فرج، عبادتی بس بزرگ است که نقش مهمی در پویایی و تحرک جامعه ایفا می‌کند، اعتقاد به رجعت و بازگشت برخی به دنیا در زمان دولت کریمه نیز می‌تواند نقش برجسته‌ای در نشاط دینی و امید به حضور در حکومت جهانی

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۹.

۲. همان، ص ۹۱.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۵۸.

حضرت مهدی علیه السلام داشته باشد؛ زیرا انسان با دیدن افرادی که تمام عمر خود را در انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام سپری کرده‌اند و آن‌گاه بدون درک ظهور از دنیا می‌روند، دچار سرخوردگی می‌شود و حتی در مقام انتظار نیز دچار یأس خواهد شد. اما اگر بداند هنگام ظهور، در صورت دارا بودن شرایط، امکان بازگشت او به دنیا و حضور در محضر آخرین امام علیه السلام را دارد، در امیدواری او نقش بسیاری خواهد داشت.

افزون بر آنچه ذکر شد، از آنجا که در روایات آمده است، گروهی از رجعت‌کنندگان، کسانی‌اند که ایمان محض دارند، شخصِ علاقه‌مند به درک محضر آخرین حجت الهی، نهایت تلاش خود را به کار خواهد بست تا به مرتبه‌های بالای ایمان برسد و در شمار رجعت‌کنندگان باشد. همچنین در روایات فراوانی، مداومت بر دعاها و انجام دادن کارهایی برای بازگشت، هنگام حکومت حضرت مهدی علیه السلام، سفارش شده که جنبه عبادی داشته و در تکامل روح انسان بسیار مؤثر است.^۱

در زیارتنامه‌ها نیز به مسئله رجعت اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است. از این رو زائران با قرائت زیارتنامه، به رجعت اهل بیت علیهم السلام شهادت می‌دهند؛ برای مثال، در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي... مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُتَّظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ... وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ دِينَهُ بِكُمْ وَيُرْدَكُمْ فِي آيَامِهِ وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ وَيُمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِهِ... وَجَعَلَنِي مِمَّنْ... يَكْرُ فِي رَجْعَتِكُمْ وَيُمَلِّكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَيُشَرِّفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَيُمَكِّنُ فِي آيَاتِكُمْ.^۲

خدا و نیز شما را شاهد می‌گیرم که من... به بازگشت شما ایمان دارم و رجعت شما را تصدیق می‌کنم و منتظر امر شمایم. انتظار دولت شما را می‌کشم... نظر من تابع نظر شماست

۱. بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، ص ۴۵.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، صص ۶۱۴ و ۶۱۵.

و یاری من، آماده برای شماس؛ تا اینکه خداوند دینش را به دست شما زنده کند و شما را در روزهای [حکومت] خود بازگرداند و برای [اجرای] عدلش شما را آشکار کند و در زمینش شما را صاحب قدرت گرداند... و مرا از کسانی قرار دهد که... هنگام رجعت شما بازمی‌گردند و در دولت شما به فرمانروایی می‌رسند و هنگام آسایش شما شرافت می‌یابند و در ایام [حکومت] شما مقتدر می‌شوند.

در زیارت امام حسین علیه السلام آمده است:

يَا مَوْلَايَ اَنَا مُوَالٍ لَوْلِيكُمْ وَ مُعَادٍ لِعَدُوِّكُمْ، وَ اَنَا بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَ بِبَايَاكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ
دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي.^۱

ای مولای من! من دوست دوستان شما و دشمن دشمنان شمایم و من به شما ایمان دارم و براساس دینم و پایان کردارم، به بازگشت شما یقین دارم.

همچنین در زیارت اربعین چنین وارد شده است: «وَ أَشْهَدُ اَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِبَايَاكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي»؛^۲ «شهادت می‌دهم که من براساس دینم و پایان کردارم، به شما ایمان دارم و به بازگشت شما یقین دارم».

در زیارت امام زمان علیه السلام، معروف به زیارت آل یاسین، می‌خوانیم: «اَنْتُمْ الْاَوَّلُ وَ الْاٰخِرُ وَ اَنْ رَجَعْتُمْ حَقٌّ لَا شَكَّ فِيهَا»؛^۳ «شما اول و آخر هستید و بازگشت شما، مطلب حقی است که هیچ تردیدی در آن نیست».

۸. شهادت به مظلومیت اهل بیت علیهم السلام

اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از همان ابتدای رحلت آن حضرت صلی الله علیه و آله، از سوی پیروان هوا و هوس و دلبستگیان به مقام و قدرت، همواره مورد ظلم و ستم قرار گرفتند. این

۱. المزار الکبیر، ص ۴۳.

۲. المزار، ص ۱۸۷.

۳. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹.

دنیاطلبان ایشان را از جایگاهی که خداوند برای آنان در هدایت امت مشخص کرده بود، به زیر کشیدند و ناجوانمردانه، انواع ستم‌ها را در حق ایشان روا داشتند. گاهی چنان با ایشان دشمنی می‌کردند که گویا آن بزرگواران، نعوذ بالله، اصلاً مسلمان نیستند.

امام علی علیه السلام را از خلافت امت اسلامی کنار گذاشتند و ۲۵ سال ایشان را خانه‌نشین کردند. پس از این مدت نیز که بر اثر خواست و رغبت مردم، آن حضرت به خلافت رسید، در مدت کمتر از پنج سال، سه جنگ بزرگ و خانمان‌سوز به ایشان تحمیل کردند. درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، فدک را که براساس دستور خداوند، هدیه رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان بود، غصب کردند. جسم و روح او را آزدند؛ به گونه‌ای که در مدت کوتاهی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام نیز به ایشان ملحق گردید. امام حسن علیه السلام که امام بر حق مسلمانان پس از امیرمؤمنان علیه السلام است، با مخالفت و شورش معاویه، مجبور به تسلیم در برابر خلافت وی گردید و سرانجام نیز با سم معاویه به شهادت رسید.

امام حسین علیه السلام نیز به همراه اهل بیت و اصحاب اندکش، به دستور یزید، در سرزمین کربلا با فجیع‌ترین وضع به شهادت رسید و اهل زمین و آسمان را برای همیشه داغدار کرد. بقیه امامان نیز همواره مورد ظلم و تعدی ظالمان و غاصبان خلافت قرار داشتند؛ به طوری که همواره زیرنظر، در تبعید یا در محاصره بودند؛ تا آنجا که پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، در صدد یافتن و به شهادت رساندن خلف صالح ایشان، حضرت مهدی علیه السلام برآمدند که حضرت در آن زمان، کودکی پنج ساله بود و به اذن الهی، از دیدگان غایب گردید.

در روایات امامان معصوم علیهم السلام به موارد بسیاری برمی‌خوریم که آن بزرگواران به مظلومیت و ستم‌دیدگی خود تصریح کرده‌اند؛ برای مثال، امام علی علیه السلام فرمود:

مَا لَقِيَ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّ مِنْ اُمَّتِهِ مَا لَقِينَا بَعْدَ نَبِيِّنَا ﷺ وَ اللهُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰى مَنْ ظَلَمَنَا وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ.^۱

خاندان هیچ پیامبری به آن اندازه که ما پس از رحلت پیامبران آزار دیدیم، از امتش آزار و اذیت ندید و بر هر کس که به ما ستم روا داشت، خدا را به یاری می‌طلبیم و هیچ نیرو و قدرتی جز به خدای بلندمرتبه و بزرگ نیست.

امام حسن علیه السلام نیز فرمود:

نَحْنُ اَوْلٰى النَّاسِ بِالنَّاسِ فِي كِتَابِ اللهِ وَ عَلٰى لِسَانِ نَبِيِّهِ ﷺ وَ لَمْ نَزَلْ اَهْلَ الْبَيْتِ مَظْلُوْمِيْنَ مُنْذُ قَبَضَ اللهُ [تَعَالٰى] نَبِيَّهٖ ﷺ فَاللهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ مَنْ ظَلَمَنَا حَقًّا وَ تَوَثَّبَ عَلٰى رِقَابِنَا وَ حَمَلَ النَّاسَ عَلَيْنَا، وَ مَنَعَنَا سَهْمَنَا مِنَ الْفِيءِ وَ مَنَعَ اُمَّنَا مَا جَعَلَ لَهَا رَسُوْلُ اللهِ ﷺ.^۲

ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس کتاب خدا و فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله، سزاوارترین مردم برای حکومت بر آنانیم. اما از زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت فرمود، همواره مظلوم بوده‌ایم. پس خداوند بین ما و کسانی که درباره حقمان بر ما ستم کردند و از روی ظلم، بر ما مستولی شدند و مردم را ضد ما شوراندند و سهم ما را از غنائم و فیء بازداشتند و آنچه را رسول خدا برای مادر ما قرار داده بود، بازداشتند، حکم می‌کند.

در دعای ندبه نیز چنین آمده است:

وَ لَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَ قَتَلَهُ اَشَقَى الْاٰخِرِيْنَ يَتْبَعُ اَشَقَى الْاَوَّلِيْنَ لَمْ يَمْتَثِلْ اَمْرُ رَسُوْلِ اللهِ ﷺ فِي الْهُدٰىيْنَ بَعْدَ الْهُدٰىيْنَ وَ الْاُمَّةُ مُصْرَّةٌ عَلٰى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلٰى قَطِيْعَةِ رَحْمِهِ وَ اِقْصَاءِ وُلْدِهِ اِلَّا الْقَلِيْلَ مِمَّنْ وَفِي لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ... فَعَلَى الْاَطْيَابِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمَا وَ اٰهْلِهَا فَلْيَبْكُ الْبَاكُوْنَ وَ اِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُوْنَ وَ لِيْلِهِمْ فَلْيَتَدَّرْ الدُّمُوْعُ وَ لِيُصْرَخِ الصَّارِحُوْنَ وَ يَضِحَّ الضَّاحُوْنَ وَ يَعْجَجَّ الْعَاجُوْنَ.^۳

۱. الکافی، ج ۸، ص ۶۳.

۲. الأمالی، طوسی، ص ۵۶۰.

۳. المزار الکبیر، ص ۵۷۸.

و هنگامی که امام علی علیه السلام رحلت فرمود و او را شقی‌ترین پسینیان که از شقی‌ترین پیشینیان پیروی کرد، به شهادت رساند، دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره هدایت‌کنندگان، یکی پس از دیگری، پیروی نشد و امت بر دشمنی با آن حضرت پافشاری کردند و بر قطع رحم او و تبعید کردن [و آواره ساختن] فرزندان اجتماع نمودند؛ به جز گروه اندکی که در رعایت حق درباره ایشان [به عهد خود] وفا کردند... پس باید بر پاکان از خاندان محمد و علی که درود خدا بر هر دو ایشان و آیشان باد، گریه‌کنندگان بگریند و زاری‌کنندگان زاری کنند و باید برای امثال آنها اشک‌ها جاری شود و فریادزندگان فریاد زنند و شیون‌کنندگان شیون کنند و خروش‌کنندگان خروش سردهند.

در زیارتنامه‌ها نیز عبارات بسیاری وجود دارد که زائر با خواندن آنها، مظلومیت اهل بیت علیهم السلام، به ویژه مظلومیت اباعبدالله الحسین علیه السلام را یادآور می‌شود و بر آن گواهی می‌دهد؛ چنان‌که در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام این‌گونه بر مظلومیت همه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله گواهی می‌دهیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْمُظْلُومِينَ أَفْضَلَ وَ أَكْمَلَ وَ أَرْفَعَ وَ اشْرَفَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَصْفِيَاءِكَ.^۱

خدا! بر محمد و خاندان مظلوم او، بافضیلت‌ترین و کامل‌ترین و رفیع‌ترین و شریف‌ترین درودی را فرو فرست که بر یکی از انبیا و فرستادگان و برگزیدگان فرود فرستاده‌ای.

همچنین در زیارت امام علی علیه السلام می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ، وَ أَوَّلُ مَغْضُوبٍ حَقُّهُ، صَبْرَتْ وَ اخْتَسَبَتْ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَقَيْتَ اللَّهَ وَ أَنْتَ شَهِيدٌ، عَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكُمْ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ.^۲

سلام بر تو ای امیرمؤمنان و رحمت و برکات خدا بر شما باد؛ تو نخستین کسی هستی که

۱. المزار، ص ۳۹.

۲. المزار الكبير، ص ۱۹۱.

مورد ظلم واقع شد و نخستین کسی می‌باشی که حق او غصب گردید و بر این پیشامدها صبر کردی و آن را به درگاه خدا محاسبه کردی؛ تا زمانی که مرگت فرا رسید. شهادت می‌دهم که تو خدای را با شهادت ملاقات کردی. خداوند کشته‌شده شما را به انواع عذاب‌ها، عذاب کند. در زیارت امام علی علیه السلام در روز غدیر، این گونه بر مظلومیت امام علی، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام گواهی داده می‌شود:

و الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَ الْخَطْبُ الْأَفْظَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ، عَضْبُ الصَّدِيقَةِ الرَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ
النِّسَاءِ فَدَكًّا، وَ رَدُّ شَهَادَتِكَ وَ شَهَادَةِ السَّيِّدِينَ سُلَالَتِكَ وَ عِزَّةِ أَخِيكَ الْمُصْطَفَى صَلَوَاتُ
اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَ قَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ، وَ رَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ، وَ أَبَانَ فَضْلَكُمْ، وَ
شَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، فَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا.^۱

کار شگفت‌انگیزتر و پیشامد جانگدازتر پس از انکار حق تو، عبارت است از غصب فدک از حضرت صدیقه طاهره، سرور زنان، زهرا علیها السلام و همچنین رد کردن شهادت تو و شهادت دو سرور و سلاله پیامبر اکرم که درود خدا بر همگی تان باد، با اینکه خدای متعال درجه و مقام شما را بر مردم والا گردانیده و منزلتتان را رفیع و فضل و شرفتان را بر جهانیان آشکار کرده و پلیدی را از شما دور ساخته و از هر خطا و لغزش، پاکیزه‌تان کرده است.

در زیارت امام حسین علیه السلام در عید فطر و قربان، این گونه بر مظلومیت ایشان ندا می‌دهیم و می‌گرییم:

سلام بر حسین بن علی علیه السلام، آن مظلوم و شهید، کشته اشک‌ها و گرفتار میان انبوه بلاها... و به تحقیق که همدست شدند علیه او کسانی که دنیا فریشان داد و بهره خود را از آخرت به چیزی پست فروختند و در هواپرستی فرورفتند و تو و پیامبرت را به خشم آوردند و از بندگان تفرقه‌افکن و منافق تو و آنها که بارهای گناه بر دوش می‌کشیدند و سزاوار آتش دوزخ بودند، پیروی کردند.

پس در راه تو، با شکیبایی و پاداش جویانه، با آنها جهاد کرد؛ بدون آنکه به آنها پشت کند

و در راه تو تحت تأثیر هیچ ملامت کننده‌ای قرار نگرفت؛ تا جایی که خون پاکش در راه اطاعت از تو ریخته شد و حرمتش پایمال گردید. خدایا! قاتلان او را به لعنتی و بال‌آور لعنت کن و به عذابی دردناک عذابشان نما.^۱

در زیارت عاشورا نیز این گونه بر عظمت مصیبت و مظلومیت امام حسین علیه السلام

شهادت می‌دهیم:

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ.^۲

ای ابا عبدالله! به تحقیق که مصیبت تو بزرگ و گران است بر ما و بر همه مسلمانان و گران و بزرگ است مصیبت تو در آسمان‌ها بر همه اهل آسمان‌ها.

همچنین در زیارت امام کاظم علیه السلام، این گونه بر مظلومیت و ستم شدن به ایشان

شهادت می‌دهیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقْتُولُ الشَّهِيدُ... أَشْهَدُ أَنَّكَ... وَ صَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنبِ اللَّهِ.^۳

سلام بر تو ای کشته و ای شهید... شهادت می‌دهم که تو بر آزارهایی که در راه خدا بر تو وارد گردید، صبر کردی.

در زیارت امام کاظم و امام جواد علیهم السلام چنین می‌خوانیم:

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ... وَ صَبَرْتُمْ عَلَى الْأَذَى فِي جَنبِ اللَّهِ مُحْتَسِبِينَ حَتَّى أَنْتَكُمُ الْيَقِينُ.^۴

شهادت می‌دهم که شما... بر آزار و اذیت‌هایی که در راه خدا بر شما وارد گردید، صبر کردید؛ تا اینکه مرگتان فرا رسید.

۱. «السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمُظْلُومِ الشَّهِيدِ، قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ وَ أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ... وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ عَرْنَتِهِ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَذَى وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَ أَشْحَطَكَ وَ أَشْحَطَ نَبِيَّكَ وَ أَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَوْلِيَّ الشَّقَاقِ وَ النَّسَاقِ وَ حَلَلَةَ الْأَوْزَارِ وَ الْمُسْتَوْجِبِينَ لِلنَّارِ. فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَيْمٍ، حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ لَعْنًا وَبِلَا وَ عَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا». المزار الكبير، ص ۴۲۴.

۲. المزار، ص ۱۷۹.

۳. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۵۳۵.

۴. المزار، ص ۱۹۴.

و بالاخره در زیارت جامعه کبیره این گونه آمده است: «و بَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَ صَبَرْتُمْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ»^۱ «جانتان را در راه رضای خدا فدا کردید و در راه رضای او بر مصیبت‌هایی که بر شما وارد گردید، صبر کردید».

۹. اعلام دوستی با دوستان اهل بیت (علیهم‌السلام) و دشمنی با دشمنان ایشان

یکی از دستورهای مهم دین اسلام، دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خداوند است؛ همان چیزی که از آن اصطلاحاً به تولی و تبری تعبیر می‌کنیم؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (فتح: ۲۹)

محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار، سرسخت و شدید و میان خود، مهربان‌اند.

دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا، فرمان قاطع قرآن است که باید هر مؤمنی در همراهی با پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مقابل دشمنان خدا، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت (علیهم‌السلام)، شدید و سرسخت باشد و برعکس باید مقابل دوستان خدا، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت (علیهم‌السلام)، مهربان باشد. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:

روزی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از یارانش پرسید: «کدام یک از دستاویزهای ایمان، محکم‌تر است؟» گفتند: خدا و رسولش داناترند؛ برخی از آنها گفتند: نماز. عده‌ای پاسخ دادند: زکات. گروهی گفتند: روزه. پاره‌ای حج و عمره، و برخی نیز جهاد را محکم‌ترین دستاویز ایمان دانستند. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «همه این‌ها ارزشمندند. ولی هیچ یک از آنها محکم‌ترین نیستند. بلکه محکم‌ترین دستاویز ایمان، دوست داشتن برای خدا و بغض برای او و دوستی با دوستان خدا و بیزاری جستن از دشمنان اوست».^۲

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۲.

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِأَصْحَابِهِ أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ فَقَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَغْلَمُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الصَّلَاةُ»

در اهمیت و جایگاه رفیع دوستی و دشمنی ورزیدن برای خداوند همین بس که در روایات متعددی، همه حقیقت ایمان، در دوستی و دشمنی برای خداوند خلاصه شده است؛ از جمله، یکی از یاران امام صادق علیه السلام از ایشان می‌پرسد: «آیا دوستی و دشمنی، از ایمان شمرده می‌شود؟» امام پاسخ داد: «وَهَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ؟» «مگر ایمان چیزی جز دوستی و دشمنی است؟!»^۱

آری! مؤمنان، کانونی از عواطف و محبت به برادران و دوستان و هم‌کیشان و آتشی سخت و سوزان و سدی محکم و پولادین، مقابل دشمنان‌اند. در حقیقت، عواطف آنها در این مهر و قهر خلاصه می‌شود. اما نه جمع میان این دو، در وجود آنها تضادی دارد و نه قهر آنها در برابر دشمن و نه مهر آنها به دوست، سبب می‌شود که از جاده حق و عدالت، قدمی بیرون نهند.^۲

یکی از جلوه‌های بارز تولی و تبری، دوستی با اهل بیت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و دوستانشان و دشمنی با دشمنان ایشان است که خداوند و پیشوایان معصوم علیهم السلام بسیار به آن سفارش کرده‌اند؛ تا جایی که دوست داشتن ایشان، مزد رسالت و دلیل بر پاکی ولادت، معرفی شده است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^۳ «بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم؛ جز دوست داشتن نزدیکانم، اهل بیتم».

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

﴿وَقَالَ بَعْضُهُمُ الرِّكَاءُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الصَّيَّامُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الْحَجُّ وَالْمُؤْمَرَةُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الْجِهَادُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِكُلِّ مَا قُلْتُمْ فَضَلٌّ وَلَيْسَ بِهِ وَلَكِنْ أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَتَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالتَّبَرُّي مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ. الكافي،

ج ۲، ص ۱۲۵.

۱. الكافي، ج ۲، ص ۱۲۵.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۱۳.

۳. شوری: ۲۳.

مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ عَلَى أَوَّلِ النَّعْمِ قَبْلَ: وَمَا أَوَّلُ النَّعْمِ؟ قَالَ ﷺ: طَيْبُ
الْوِلَادَةِ وَلَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ.^۱

کسی که ما اهل بیت را دوست دارد، باید خداوند را بر اولین نعمتی [که به او ارزانی داشته است]، سپاس گوید. پرسیدند: «اولین نعمت چیست؟» پیامبر ﷺ فرمود: «پاکی ولادت. ما را جز افرادی که از ولادت پاک برخوردارند، دوست نمی‌دارند».

همچنین محبت اهل بیت ﷺ از مهم‌ترین عوامل نجات در روز قیامت معرفی شده و

آثار بی‌بدیلی برای آن بیان گردیده است؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

حُبِّي وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَاهُنَّ عَظِيمَةٌ: عِنْدَ الْوَفَاةِ وَ فِي الْقَبْرِ وَ عِنْدَ
النُّشُورِ وَ عِنْدَ الْكِتَابِ وَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ.^۲

دوست داشتن من و اهل بیتم در هفت جا که آدمی را دچار رعب و وحشت شدیدی می‌کند، سودمند است: ۱. هنگام مرگ؛ ۲. در قبر؛ ۳. هنگام زنده شدن مردگان؛ ۴. هنگامی که کتاب اعمال را به دست افراد می‌دهند؛ ۵. هنگام حسابرسی به اعمال؛ ۶. هنگام سنجیدن اعمال؛ ۷. هنگام عبور از صراط.

امام علی عليه السلام نیز فرمود:

مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَظُمَ إِحْسَانُهُ وَ رَجَحَ مِيزَانُهُ وَ قُبِلَ عَمَلُهُ وَ عُفِرَ زَلُّهُ وَ مَنْ أَبْغَضَنَا
لَا يَنْفَعُهُ إِسْلَامُهُ.^۳

کسی که ما اهل بیت را دوست داشته باشد، نیکویی‌اش زیاد گردد و اعمالش هنگام سنجش، برتری یابد و اعمال نیکش، قبول شود و لغزش‌هایش آمرزیده شود و کسی که با ما دشمنی ورزد، مسلمان بودنش سودی به حال او نخواهد داشت.

یکی از آثار و علامت‌های محبت به اهل بیت عليهم السلام، تمایل به زیارت ایشان است.

۱. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۴۶.

۲. الأمالی، صدوق، ص ۱۰.

۳. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۰.

اصولاً علاقه به آن بزرگواران، و کنار آن، بغض و دشمنی با دشمنان ایشان است که شیعیان را به سمت مراقد آنان می‌کشاند. سفر زیارتی و تحمل رنج این سفر، تشریف پیاپی به حرم شریف در مدت اقامت، رعایت آداب زیارت هنگام تشریف و قرائت زیارتنامه با توجه و حضور قلب، همگی از علاقه درونی و خالصانه زائر به آن معصوم مورد زیارت حکایت می‌کند. همچنین یکی از اهداف اصلی زائران از انجام دادن زیارت، آن است که با ابراز علاقه به اهل بیت علیهم السلام و ابراز دشمنی با دشمنانشان، در زمره دوستداران ایشان قرار گیرند.

از این رو می‌بینیم متون زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام آکنده از عبارتهایی است که نشان‌دهنده عشق و علاقه زائر به ایشان و دشمنی او با دشمنان آنان است. می‌توان این عبارات را عمدتاً در دو دسته تقسیم کرد:

الف) عبارتهایی که در آنها زائر صریحاً به اهل بیت علیهم السلام اظهار دوستی می‌کند و از دشمنانشان بیزاری می‌جوید. این دسته از عبارات، در زیارتنامه‌ها بسیار زیاد است و ما تنها برای نمونه، به فرازهایی از برخی زیارتنامه‌ها اکتفا می‌کنیم:

در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

کسی که با شما دوستی کند، با خدا دوستی کرده و کسی که با شما دشمنی ورزد، با خدا دشمنی ورزیده است و کسی که شما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و کسی که شما را دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است و کسی که به شما متوسل شود، به خدا متوسل شده است... خوشبخت است کسی که با شما دوستی کند و هلاک گشته است کسی که با شما دشمنی کند....

خدای و نیز شما را شاهد می‌گیرم که به شما و نیز به هر آنچه شما ایمان دارید، ایمان دارم و به دشمنانتان و نیز به هر آنچه شما کفر می‌ورزید، کافر. به جایگاه شما و گمراهی کسانی که با شما مخالفت می‌کنند، آگاهم؛ دوستدار شما و دوستانتانم و کینه دشمنانتان را در سینه دارم و به آنان دشمنی می‌ورزم. در صلح و آشتی‌ام با هر کس که با شما صلح کند

و در جنگم با هر کس که با شما در جنگ است... .

من با شمایم؛ نه با دشمنانتان و به شما ایمان دارم و آخرین فرد شما را به همان صورت دوست دارم [و ولایتش را می‌پذیرم] که اولین شما را و از دشمنانتان و نیز از جیت و طاغوت و شیاطین و پیروانشان، آن ستمکاران بر شما و منکران حق شما و بیرون‌روندگان از ولایت شما و غضب‌کنندگان میراث شما و تردیدکنندگان درباره شما و منحرف‌شدگان از طریقه شما و از هر همدم و وسیله‌ای غیر از شما و هر فرمانروایی جز شما و از پیشوایانی که مردم را به دوزخ فرا می‌خوانند، بیزاری می‌جویم. پس [از] خدا [می‌خواهم که] مرا همواره تا زنده‌ام، بر دوستی و محبت شما ثابت‌قدم بدارد.^۱

در زیارت عاشورا نیز این‌گونه اظهار تولی و تبری می‌کنیم:

إِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَ حَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبْتُمْ وَ وَيْلٌ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ.^۲

من با هر کس که با شما در صلح باشد، در صلحم و با هر کس که با شما در جنگ باشد در جنگم. با کسی که با شما دوستی کند، دوستم و با کسی که با شما دشمنی ورزد، دشمنم.

در زیارت جامعه صغیره که در زیارت همه امامان خوانده می‌شود، می‌خوانیم:

أَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَ حَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبْتُمْ... لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ.^۳

۱. «مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَ مَنْ اغْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اغْتَصَمَ بِاللَّهِ... سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ وَ هَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ... أَشْهَدُ اللَّهُ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَ بِنَا أَمْنَتُمْ بِه كَافِرٌ بَعْدُكُمْ وَ بِنَا كَفَرْتُمْ بِه مُسْتَبِيرٌ بِشَأْنِكُمْ وَ بَضَالَةٌ مَنْ خَالَفَكُمْ مُوَالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَائِكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَ مُعَادٍ لَهُمْ سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَ حَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبْتُمْ... فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ أَمَنْتُ بِكُمْ وَ تَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِنَا تَوَلَّيْتُ بِه أَوْلَكُمْ وَ بَرَّيْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ مِنَ الْجَبْتِ وَ الطَّاعُوتِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ جَزِيمِ الظَّالِمِينَ لَكُمْ الْجَاهِلِينَ لِحَقِّكُمْ وَ الْمَارِقِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكُمْ وَ الْعَاصِيِينَ لِأَرْزُكُمْ الشَّاكِرِينَ فِيكُمْ الْمُتَحَرِّفِينَ عَنْكُمْ وَ مِنْ كُلِّ وَ لِيَجْهَ دُونَكُمْ وَ كُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ وَ مِنَ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ فَبَيَّنِّي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مُوَالَاةِكُمْ وَ حُبِّيَّتِكُمْ»؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، صص ۶۱۳ - ۶۱۷.

۲. المزار، ص ۱۸۱.

۳. الكافي، ج ۴، ص ۵۷۹.

خدای را شاهد می‌گیرم که من با کسی که شما با او در صلح باشید، در صلحم و با کسی که شما با او بجنگید، در جنگم... خداوند دشمن آل محمد صلی الله علیه و آله از جن و انس را لعنت کند و من از آنها به خدا برائت می‌جویم.

ب) وجود درود و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله در زیارتنامه‌ها یا به طور جداگانه و نیز لعن بر دشمنان ایشان نیز آشکارا توی و تبری زائر را می‌رساند. در اینجا به برخی از این عبارات توجه می‌کنیم:

در زیارت امام علی علیه السلام در شب مبعث این گونه بر اهل بیت علیهم السلام درود می‌فرستیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى عَبْدِكَ وَآمِينِكَ الْأَوْفَى وَعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى وَ
يَدِكَ الْعُلْيَا وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنَى وَحُجَّتِكَ عَلَى الْوَرَى وَصِدِّيقِكَ الْأَكْبَرِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَ
رُكْنِ الْأَوْلِيَاءِ وَعِمَادِ الْأَصْفِيَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَعْسُوبِ الْمُتَّقِينَ وَقُدْوَةِ الصَّادِقِينَ وَإِمَامِ
الصَّالِحِينَ الْمُعْصُومِينَ مِنَ الزَّلَلِ وَالْمَفْطُومِينَ مِنَ الْخَلَلِ... اللَّهُمَّ فَكَمَا لَمْ يُؤْتِرْ فِي طَاعَتِكَ شَكًّا
عَلَى يَقِينٍ وَلَمْ يُشْرِكْ بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةَ زَاكِيَّةٍ نَامِيَةٍ يَلْحَقُ بِهَا دَرَجَةُ النَّبُوَّةِ فِي
جَنَّتِكَ وَبَلَّغُهُ مَنَّا حَيَّةً وَسَلَامًا.^۱

خدایا! بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله درود فرست و بر بندهات و باوفاترین امانتدارت و واسطه ارتباط محکمت بین بندگان و تو و دست [قدرت] والایت و کلمه نیکویت و حجت تو بر مردمان و بزرگ‌ترین راستگو و رکن اولیا و تکیه‌گاه برگزیدگان، امیرمؤمنان و زمامدار پرهیزکاران و مقتدای راستگویان و پیشوای شایستگان، آنکه از لغزش، معصوم و از هر خللی دور است، درود فرست... خدایا! همچنان که او در اطاعت تو، هیچ‌گاه تردید به خود راه نداد و به اندازه چشم بر هم زدنی به تو شرک نوزید، بر او درود فرست؛ درودی پاکیزه و فزاینده که با آن به درجه نبوت در بهشتت برسد و از جانب ما درود و سلام به او برسان.

در صلوات مخصوص امام رضا علیه السلام نیز آمده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الْمُرْتَضَى الْإِمَامِ النَّقِيِّ النَّقِيِّ وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلَاةً كَثِيرَةً نَامِيَةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ.^۱

خدایا! بر امام علی بن موسی الرضا المرتضی، امام پرهیزکار و پاکیزه و حجت تو بر هر کس که روی زمین و زیر خاک است؛ او که صدیق و شهید است، درود فرست؛ درودی بسیار و فزاینده، پاکیزه و پیایی و پشت سر هم؛ همانند برترین درودی که بر یکی از اولیانت فرستاده‌ای.

در زیارت عاشورا این گونه دشمنان اهل بیت علیهم السلام را لعن و نفرین می‌کنیم:

فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَهْلَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجُورِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَبَّبَكُمُ اللَّهُ فِيهَا وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُهَيِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ بَرَأْتُمْ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتِّبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ.^۲

خداوند لعنت کند گروهی را که بنیان ظلم و ستم را بر شما اهل بیت علیهم السلام گذاشتند و خداوند لعنت کند گروهی را که شما را از مقامتان کنار زدند و از درجاتی که خداوند به شما داده بود، دور کردند و خداوند لعنت کند مردمی را که شما را کشتند و خداوند لعنت کند کسانی را که تهیه اسباب کردند برای کشتن شما؛ از ایشان و نیز از پیروان و تبعیت کنندگان و دوستانشان، به سوی خدا و به سوی شما بیزاری می‌جویم.

۱۰. بیان اعتقاد به جواز توسل به اهل بیت علیهم السلام و برخورداری ایشان از مقام شفاعت

از آنجا که توسل و شفاعت، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، در اینجا ابتدا توضیحی درباره هریک داده می‌شود و سپس شواهد آن در زیارتنامه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. کامل الزیارات، ص ۳۰۹.

۲. المزار، ص ۱۷۹.

توسل

واژه «توسل» بر وزن «تَفَعَّل»، از ماده «وَسَّلَ» به معنای تَقَرَّب است و «وَسِيلَةَ» چیزی است که با آن می‌توان به مقصود رسید. «ابن منظور افریقی»^۱ می‌نویسد:

وَسَّلَ فُلَانٌ إِلَى اللَّهِ وَسِيلَةً إِذَا عَمِلَ عَمَلًا تَقَرَّبَ بِهِ إِلَيْهِ، وَالْوَسِيلُ: الرَّاعِبُ إِلَى اللَّهِ.

یعنی عملی را انجام داد که به سبب آن عمل، به خدا نزدیک شد و «واسیل» به معنای راغب به سوی خداست.

اما در اصطلاح، توسل به معنای آن است که بنده، چیزی یا کسی را در پیشگاه پروردگار واسطه قرار دهد تا وسیله نزدیکی او به خدا گردد. همچنین می‌توانیم توسل را به معنای مصطلح در فرهنگ شیعی، به این صورت تعریف کنیم: «توسل عبارت است از خواستن حقیقی، از حقیقت وجودی انسان‌هایی برگزیده و کامل، برای وساطت در کار خیری که مربوط به دنیا یا آخرت است»^۲.

توسل به ذات، جاه و مقام انبیا و اولیای الهی، در حال حیات یا مرگ ایشان، فکر و عملی است که از فطرت انسان‌ها و عواطف و احساسات آنان به ولی نعمت هدایت نشئت می‌گیرد و عشق به انسان‌هایی است که با کسب فضایل الهی و با لطف و فیض خداوندی، مقام نبوت و وصایت و ولی‌اللهی را پیموده و در مسیر هدایت بشر از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند.

انسان متوسل از آنجا که خود را در مقام مواجهه و ارتباط با پروردگار، قاصر می‌بیند و گناهان خویش را مانع از آن می‌داند که دعاهایش به اجابت خداوند رسد، از طریق کسانی اقدام می‌کند که بنده مخلص خدا باشند و ارتباط محکم و شایسته‌ای با پروردگار، برقرار کرده باشند.^۳

۱. لسان العرب، ماده وَسَّلَ، ج ۱۱، ص ۷۲۴.

۲. توسل به اهل بیت علیهم السلام از نگاه قرآن و سنت، صص ۶۲ و ۶۳.

۳. همان، ص ۱۹.

درباره توسل، آیات متعدد و روایات بسیاری از اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده است که برای نمونه، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (مائده: ۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید! و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید! و در راه او جهاد کنید؛ باشد که رستگار شوید!

«وسيله» در اصل به معنای چیزی است که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می‌شود. بنابراین وسیله، در آیه مذکور، معنای بسیار گسترده‌ای دارد و هر کار و هر چیزی را شامل می‌گردد که باعث نزدیک شدن به پیشگاه مقدس پروردگار می‌شود. گفتنی است که هرگز منظور از توسل این نیست که چیزی را به طور مستقل از شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا امام علیه‌السلام تقاضا کنند. بلکه منظور این است که با سوگند دادن خداوند به مقام و مکتب آنها (که خود یک نوع احترام و اهتمام به موقعیت آنها و یک نوع عبادت است)، از خداوند چیزی را بخواهند. این معنا نه بوی شرک می‌دهد، نه برخلاف آیات دیگر قرآن است و نه از عموم آیه مذکور بیرون می‌باشد.^۱

از «سلمان فارسی» نقل شده است که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنیدم که فرمود: خدای

عزوجلّ می‌فرماید:

يَا عِبَادِي أَوْ لَيْسَ مِنْ لَهْ إِلَيْكُمْ حَوَائِجُ كِبَارًا وَلَا تَجُودُونَ بِهَا إِلَّا أَنْ يَخْتَمَلَ عَلَيْكُمْ بِأَحَبِّ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ تَقْضُونَهَا كَرَامَةً لَشَفِيعِهِمْ أَلَا فَاعْلَمُوا أَنَّ أَكْرَمَ الْخَلْقِ عَلَيَّ وَأَفْضَلُهُمْ لَدَيَّ مُحَمَّدٌ وَأَخُوهُ عَلِيٌّ وَمِنْ بَعْدِهِمُ الْأَئِمَّةُ عليهم‌السلام الَّذِينَ هُمْ الْوَسَائِلُ إِلَيَّ أَلَا فَلْيَدْعُنِي مِنْ أَهْمَتِهِ

۱. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۶۵.

حَاجَةٌ يُرِيدُ نَفْعَهَا أَوْ دَهْتُهُ دَاهِيَةً يُرِيدُ كَفَّ ضَرَرِهَا بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
أَفْضِيهَا لَهُ أَحْسَنَ مَا يَقْضِيهَا مَنْ تَسْتَشْفِعُونَ إِلَيْهِ بِأَعَزِّ الْخَلْقِ عَلَيْهِ^۱.

ای بندگان من! آیا چنین نیست که چه بسا کسی حاجات بزرگی از شما می‌خواهد و شما
حوایج او را بر نمی‌آورید؛ مگر اینکه کسی را که محبوب‌ترین مردم نزد شماست، شفیع
قرار دهد. آن‌گاه حاجات او را به احترام آن شفیع برمی‌آورید؟

حال آگاه باشید و بدانید که گرامی‌ترین خلق و افضل آنان نزد من، محمد صلی الله علیه و آله برادر وی
علی علیه السلام و امامان پس از وی می‌باشند؛ آنان که وسیله‌های [مردم] به سوی من می‌باشند.
آگاه باشید! هر کس حاجتی دارد و نفعی را طالب است یا آنکه دچار حادثه‌ای سخت و
زیانبار گشته و رفع آن را خواهان است، باید مرا به محمد صلی الله علیه و آله و خاندان طاهرینش علیهم السلام
بخواند تا به نیکوترین وجه، حاجت او را برآورم.

«ابن شهر آشوب» از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که حضرت ذیل آیه شریفه ﴿وَأَبْتَغُوا

إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ^۲ فرموده است: «أَنَا وَوَسِيلَتُهُ»^۳ «من وسیله خدایم». امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

أَلْ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله هُمْ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي أُمِرَ بِالْاِعْتِصَامِ بِهِ فَقَالَ «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا
تَفَرَّقُوا»^۴.^۵

آن ریسمان خدا که امر به اعتصام به آن نموده و فرموده است: همگی به ریسمان خدا
چنگ بزنید و پراکنده نشوید، آل محمد علیهم السلام هستند.

شفاعت

کلمه «شفاعت»، از ریشه «شفع» و به معنای همراهی، جفت شدن و نیز «ضمّ الشیء

الی مثله» آمده و نقطه مقابل آن، «وتر»^۶، به معنای تک و تنهاست. همچنین به پیوستن

۱. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۰۰.

۲. مائده: ۳۵.

۳. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۷۵.

۴. آل عمران: ۱۰۳.

۵. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۸۵.

فرد برتر و قوی‌تر به فرد ضعیف‌تر، برای کمک به او، شفاعت اطلاق می‌گردد.^۱ اما در اصطلاح، شفاعت به معنای آن است که افراد مقرب درگاه خداوند با واسطه شدن به آستان قدس الهی و با توجه به لیاقت موجود در فرد شفاعت‌شونده، موجبات آمرزش گناهان او را فراهم آورند.

شفاعت یکی از اصول مسلم اسلام است و حقیقتش این است که رحمت گسترده خدا و آمرزش او از طریق اولیای الهی که حاملان فیض و وسائط رحمت‌اند، به افراد گنجهکاری برسد که لیاقت بخشایشگری او را دارند. اراده حکیمانه خداوند بر آن تعلق گرفته است که فیض معنوی وی در آن سرا همانند این سرا و بسان دیگر فیض‌های مادی و معنوی، از طریق اسباب خاصی و علل معینی، به دست افراد برسد. از این نظر، اراده خداوند این است که گروهی به فرمان و اذن صریح او، در روز رستاخیز، با دعا و درخواست خویش، رحمت گسترده او را شامل گروهی از بندگان نمایند و آنان را از چنگال کیفرها و مجازات‌های سنگین برهانند.^۲

در آیات قرآن کریم و روایات امامان معصوم علیهم‌السلام به شفاعت توجه ویژه‌ای شده است. از این رو هیچ مسلمانی نمی‌تواند منکر وجود شفاعت در روز رستاخیز گردد؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا»^۳ «در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی‌بخشد؛ جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده و به گفتار او راضی است».

این آیه، گذشته از آنکه دلیل محکمی بر شفاعت است، نشان می‌دهد که شفاعت در آنجا بی حساب نیست. بلکه برنامه دقیقی دارد؛ هم درباره شفاعت‌کننده و هم درباره

۱. المفردات فی غریب القرآن، ماده شفع.

۲. مقام ولایت (در شرح زیارت جامعه کبیره)، صص ۷۹۵ و ۷۹۶.

۳. طه: ۱۰۹.

شفاعت شونده. در ضمن تا در افراد شایستگی لازم برای شفاعت شدن وجود نداشته باشد، شفاعت معنا ندارد.

حقیقت این است که گروهی پندارهای غلطی از شفاعت دارند و آن را همانند پارتی‌بازی‌های دنیا می‌دانند؛ درحالی که شفاعت از نظر اسلام، کلاس عالی تربیت است؛ درسی است برای آنها که راه حق را با پای تلاش و کوشش می‌پیمایند؛ ولی گاهی نیز گرفتار کمبودها و لغزش‌هایی می‌شوند.

این لغزش‌ها ممکن است موجب ناامیدی شود. در اینجا است که شفاعت، همچون نیروی محرک، به سراغ آنها می‌آید و مانع ناامیدی آنها می‌شود و به آنها امید می‌دهد که اگر لغزشی هم از شما سر زده است، شفیعانی هستند که به اجازه خداوند رحمان که رحمت عامش همگان را فراگرفته است، از شما شفاعت می‌کنند.

شفاعت، دعوت به تنبلی، فرار از مسئولیت یا فراهم نمودن بستر گناه نیست. در واقع شفاعت، دعوت به استقامت در راه حق و کم‌نمودن گناه تا حد امکان است. عالم ربانی، مرحوم یاسری، از علمای محترم تهران، چنین نقل می‌کرد که شاعری به نام «حاجب» که در مسئله شفاعت گرفتار اشتباهات عوام شده بود، شعری به این مضمون می‌سراید:

حاجب اگر معامله حشر با علی است من ضامنم که هر چه بخواهی گناه کن!!

شب هنگام، امیرمؤمنان علی علیه السلام را در خواب می‌بیند و حضرت با ناراحتی می‌فرماید: «شعر خوبی نگفتی!» عرض می‌کند: «چه بگویم؟» حضرت می‌فرماید: شعرت را چنین اصلاح کن:

حاجب اگر معامله حشر با علی است شرم از رخ علی کن و ترک گناه کن!!^۱

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۳، صص ۳۰۴ و ۳۰۵.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَشَفَعُ فِي الْمُذْنِبِينَ مِنْ شِيعَتِنَا فَأَمَّا الْمُحْسِنُونَ فَقَدْ نَجَّاهُمْ اللَّهُ!»؛ «در روز قیامت، ما در حق شیعیان گناهکارمان شفاعت می‌کنیم. اما شیعیان نیکوکار را خداوند نجات‌شان می‌دهد».

توسل و شفاعت در زیارتنامه‌ها

در زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام نیز به حقانیت توسل و شفاعت پرداخته شده است و در واقع زائر با خواندن زیارتنامه‌ها به اهل بیت علیهم السلام متوسل می‌شود و از ایشان می‌خواهد واسطه در برآورده شدن حاجات دنیوی و اخروی او از سوی خداوند گردند. همچنین از ایشان درخواست می‌کند، در روز قیامت او را شفاعت کنند و از بند گناهانش برهانند. در اینجا به برخی از فرازهای زیارتنامه‌ها توجه می‌کنیم:

در زیارت امام علی علیه السلام در روز ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، زائر آن حضرت، این‌گونه از ایشان درخواست شفاعت می‌کند:

يَا مَوْلَايَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ يَا أَمِينَ اللَّهِ يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا قَدْ أَنْقَلَتْ ظَهْرِي وَمَنْعَتْنِي مِنَ الرَّقَادِ، ذِكْرُهَا يُقْلِقُلُ أَحْسَائِي وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَإِلَيْكَ فَبِحَقِّ مَنْ أَيْتَمَّنَكَ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ وَفَرَنْ طَاعَتِكَ بِطَاعَتِهِ وَمَوْلَاكَ بِمَوْلَاتِهِ كُنْ لِي إِلَى اللَّهِ شَفِيعاً وَمِنَ النَّارِ مُجِيراً وَعَلَى الْعُدُوِّ نَصِيراً وَعَلَى الدَّهْرِ ظَهيراً.^۲

ای سرور من! ای حجت خدا! ای امین نزد پروردگار! ای ولی خدا! همانا بین من و خدای عزوجل، گناهی قرار دارد که پشت مرا سنگین ساخته و خواب مرا گرفته و یادآوریشان اعضای درونی‌ام را به لرزه درآورده است و من به سوی خدای عزوجل و به سوی شما گریخته‌ام. پس به حق آن کس که تو را امین بر راز خود کرده و سرپرستی کار خلقش را به تو واگذار کرده و طاعت تو را به طاعت خویش و دوستی تو را به دوستی خودش

۱. فضائل الشیعة، ص ۴۳.

۲. المزار، ص ۹۷.

مقرون ساخته است، در درگاه خدا شفیع من باش و از دوزخ پناه من باش و در مقابل دشمن، یاری گر من باش و در پیشامدهای روزگار، پشت و پناه من باش.

در زیارت جامعه کبیره به برخوردارای امامان از مقام شفاعت، گواهی می‌دهیم و از

ایشان درخواست شفاعت می‌کنیم:

کسی که به شما متمسک شود، به خدا متمسک شده است... کسی که نزد شما آید، نجات یابد و کسی که نزد شما نیاید، هلاک گردد... رستگار شد کسی که به شما متوسل شد و امنیت یافت آن کس که به شما پناه آورد و سالم ماند کسی که شما را تصدیق کرد و هدایت یافت آن کس که به شما متوسل شد... خدای را و نیز شما را گواه می‌گیرم که من... پناه‌جوی شمایم، زیارت‌کننده شمایم، به قبرهای شما پناه آوردم و شما را به درگاه خدای عزوجل شفیع می‌گردانم و به وسیله شما به او تقرب می‌جویم و شما را در همه حالات و کارهایم، پیشاپیش خواسته‌ها و حاجت‌ها و اراده‌ام قرار می‌دهم... ای ولی خدا! همانا بین من و خدای عزوجل گناहانی است که محو نکند آنها را جز رضایت شما. پس به حق آن خدایی که شما را امین به اسرار خود نموده و سرپرستی کار خلق خود را به شما واگذارده و فرمانبرداری از شما را به فرمانبرداری از خودش مقارن ساخته است، از شما درخواست می‌کنم که بخشایش گناهانم را [از خدا] بخواهید و شفیعان من گردید.

۱. «مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ... مَنْ أْتَاكُمْ نَجَا وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ... وَفَارَ مَنْ تَمَسَكَ بِكُمْ وَأَمِنَ مِنْ جَسَا إِلَيْكُمْ وَسَلِمَ مَنْ صَدَقَكُمْ وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ... أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي... مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ لَا يَدُّ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ وَ مُتَقَرَّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَ مُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ إِزَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي... يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنْ اتَّيَمَّنْتُكُمْ عَلَى سِرِّهِ وَ اسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَ قَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لِمَا اسْتَوْهَبْتُمْ دُنُوبِي وَ كُنْتُمْ شُفَعَائِي». من لا يحضره الفقيه، ج ۲، صص ۶۱۳ - ۶۱۶.

فصل چهارم: نکات اخلاقی - تربیتی در آداب زیارت

مقدمه

می‌دانیم که هدف از زیارت، کسب کمالات وجودی و فضایل و سجایای الهی از طریق اتصال به انسان‌های مقرب خداوند است. درباره برخی از پیشوایان معصوم، مانند رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امام حسین علیه السلام و امام رضا علیه السلام، چنین وارد شده است: کسی که ایشان را زیارت کند، مثل آن است که خدا را در عرش زیارت کرده است. بی‌شک زائر برای برقراری ارتباط با آن بزرگواران و بهره‌مند شدن از لطف آن پیشوایان و نیز رسیدن به رستگاری واقعی، به آمادگی روحی و حضور قلب نیازمند است که این مهم نیز رعایت برخی آداب و مقدمات را ضروری می‌سازد.

از این رو در این فصل، به بیان و توضیح مختصری درباره آداب زیارت امامان معصوم علیهم السلام می‌پردازیم. امید است خداوند، توفیق زیارت مقبول و کسب فیض کامل از ایشان را به ما عنایت فرماید.

۱. کامل‌الزیارات، ص ۱۵.

۲. همان، ص ۱۴۷.

۳. همان، ص ۳۰۸.

۱. غسل زیارت

یکی از مستحبات زیارت امامان معصوم علیهم‌السلام، انجام دادن غسل پیش از ورود به حرم آن بزرگواران است. غسل زیارت، هم قبل از آغاز سفر زیارتی و هنگام بیرون رفتن از خانه و شهر و پیش از شروع مسافرت، مستحب است و هم قبل از تشریف به حرم مطهر امامان معصوم علیهم‌السلام.^۱ در استحباب غسل زیارت برای تمام معصومان علیهم‌السلام، به روایات فراوانی استناد شده است؛ برای مثال، «سلیمان بن عیسی» از پدر خود نقل می‌کند که از امام صادق علیه‌السلام پرسید: «اگر قادر به زیارت حضوری نباشم، چگونه می‌توانم شما را زیارت کنم؟» حضرت در پاسخ فرمود:

يَا عِيسَى إِذَا لَمْ تَقْدِرْ عَلَى الْمَجِيءِ، فَإِذَا كَانَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، فَأَغْتَسِلْ أَوْ تَوَضَّأْ وَاصْعَدْ إِلَى سَطْحِكَ وَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَتَوَجَّهْ نَحْوِي، فَإِنَّهُ مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي، فَقَدْ زَارَنِي فِي مَمَاتِي وَ مَنْ زَارَنِي فِي مَمَاتِي فَقَدْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي.^۲

ای عیسی! اگر قادر به آمدن نیستی، در روز جمعه، غسل بجا آور یا وضو بگیر و آن‌گاه به پشت‌بام برو و دو رکعت نماز بگذار و توجه خود را به سوی ما قرار ده. همانا هر کس مرا در حیاتم زیارت کند، گویا پس از مرگ نیز زیارتم کرده است و هر کس مرا پس از مرگ زیارت کند، گویا در حیاتم زیارت کرده است.

درباره استحباب غسل زیارت، حکمت‌ها و نکات اخلاقی - تربیتی متعددی ذکر شده است که می‌توان آنها را در موارد زیر خلاصه کرد:

الف) پاکیزگی تن برای رعایت ادب حضور

نخستین هدف از انجام دادن غسل زیارت، طهارت و پاکیزگی جسمی است. در واقع غسل زیارت، فضای مطلوب‌تری را در اماکن زیارتی ایجاد می‌کند. ادب تشریف به

۱. فرهنگ زیارت، جواد محدثی، ص ۳۳۹.

۲. کامل‌الزیارات، صص ۲۸۷ و ۲۸۸.

محضر یک شخصیت والا ایجاب می‌کند که دیدارکننده با پاکیزگی کامل و با بهترین لباس و نیکوترین وضع و با آراستگی کامل، به حضور آن بزرگوار برود تا ادای احترام کرده باشد. غسل پیش از زیارت، تا حدی تأمین‌کننده این هدف است.

از امام صادق علیه السلام درباره آیه «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۱ پرسیدند؛ حضرت فرمود: «الْغُسْلُ عِنْدَ لِقَاءِ كُلِّ إِمَامٍ»^۲. در واقع حضرت، غسل هنگام دیدار هر امام را مصداقی از آراستگی هنگام عبادت یا حضور در عبادتگاه به شمار آورده است.^۳

ب) طهارت نفس و پاک شدن از گناهان و لیاقت شرفیابی به محضر معصوم علیه السلام

هرچند غسل در ظاهر، شست‌وشویی جسمی است، اما به دلیل آنکه به دستور خدا و به قصد قربت انجام می‌شود، نورانیت و صفای روح را نیز در پی دارد. کسی که برای تشریف به حرم، آلودگی‌های جسمی را می‌شوید، باید آلودگی‌های روحی را هم بزدايد؛ تا لیاقت حضور در محضر معصوم و کسب فیض و معنویت از محضر آن بزرگواران را داشته باشد؛ «شست‌وشویی کن و آن‌گه به خرابات حرام».

شرفیابی به محضری که به نص آیه تطهیر، از طهارت و قداست ویژه برخوردار است و باریابی به صحن و سرایی که نشان از نزاهت و پاکی الهی دارد، ایجاب می‌کند که انسان بدون تحصیل طهارت برتر، یعنی غسل، به آن حریم نزدیک نشود و بدون آراستگی جان و پیراستگی تن، به آن بیت رفیع قدم نهد؛ زیرا غسل ظاهری، نمادی از شست‌وشوی روان و پاکی جان است.

امام صادق علیه السلام درباره چگونگی زیارت امام حسین علیه السلام، به «صفوان جمّال» چنین فرمود:
وقتی خواستی به زیارت بروی، از آب فرات غسل کن و هنگام غسل بگو: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ،

۱. «زینت خود را هنگام رفتن به هر مسجدی، با خود بردارید». (اعراف: ۳۱)

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۱.

۳. فرهنگ زیارت، جواد محدثی، ص ۳۴۱.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُورًا وَطَهْرًا وَحِرْزًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَ اشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَ سَهِّلْ لِي بِهِ امْرِي؛^۱ «به نام خدا و به یاری خدا. خدایا! این آب را نور، پاکی، دفع کننده شرّ و شفا از هر بیماری و مرض و آفتی قرار بده. پروردگارا! قلبم را با آن پاکیزه نما و سینه‌ام را گشاده گردان و امورم را بر من آسان نما».

بنابراین، ادب زیارت اقتضا می‌کند که زیارت با داشتن غسل انجام گیرد؛ به گونه‌ای که طبق بیان مرحوم مفید، حتی اگر غسل نقض و باطل شد، فرد دوباره غسل کند:

و الغسل لزيارة الائمة عليهم السلام سنة... و من اغتسل لزيارة امام من الائمة فلا يحدث ما ينقض الوضوء قبل الزيارة و إن أحدث شيئاً نقض به طهارته قبل زيارته فليغتسل ثانياً.^۲

و غسل برای زیارت ائمه مستحب است... و کسی که برای زیارت یکی از امامان غسل می‌کند قبل از زیارت، کاری که باعث باطل شدن وضو می‌شود انجام ندهد و اگر قبل از زیارت، عملی انجام داد که باعث بطلان وضو می‌باشد، دوباره غسل کند.

۲. اذن دخول

یکی از آداب ورود به حرم اهل بیت عليهم السلام خواندن دعای اذن دخول و اجازه گرفتن برای وارد شدن به حرم آن بزرگواران است. دعاهای متعددی برای اذن دخول، وارد شده است. برخی از دعاهای اذن دخول، عام هستند و می‌توان آنها را هنگام ورود به حرم هر یک از ائمه اطهار عليهم السلام خواند. اما برای ورود به برخی از حرم‌ها، اذن دخول‌های خاص نیز وارد شده است. زائران اهل بیت عليهم السلام هنگام ورود به حرم، کنار در آن حرم‌های شریف می‌ایستند و به منظور کسب آمادگی روحی بیشتر، دعای اذن دخول می‌خوانند. در انجام دادن این کار، نکات اخلاقی و تربیتی متعددی وجود دارد که در اینجا به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۷۱۸.

۲. المقنعة، ص ۴۹۴.

الف) کسب توجه و حضور قلب [و بیرون آمدن از غفلت و بی‌توجهی]

زیارت اهل بیت علیهم‌السلام عبادت است و زمانی عبادت ارزش واقعی خود را می‌یابد که زیارت‌کننده، با توجه و حضور قلب به عمل اقدام نماید. زیارت با حال غفلت، همانند نماز بدون حضور قلب است و ارزش و اثر چندانی بر آن مترتب نیست؛ چنان‌که از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده است که حضرت فرمود:

أَدْعُوا اللَّهَ وَ أَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ مَنْ قَلْبٍ غَافِلٍ لَاهٍ.^۱

خدا را با یقین به اجابت بخوانید و بدانید که خداوند، دعای قلب غافل و بی‌توجه را مستجاب نمی‌کند. یکی از فواید مهم خواندن اذن دخول، این است که فرد را از غفلت خارج می‌کند و او را متوجه عملی می‌کند که قصد انجام‌دادن آن را دارد. در این حالت، زائر توجه بیشتری می‌کند که کیست و در چه موقعیتی قرار گرفته است و قصد تشریف به چه جایگاهی را دارد. زائر باید قبل از زیارت بداند که در کجاست و به دیدار چه انسانی آمده است. در این صورت است که زائر، از شتاب در زیارت خودداری می‌کند و از آن بهره‌مند می‌گردد و به نکات دیگری که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد، توجه می‌کند.

ب) رعایت ادب و احترام

همه ما معتقدیم که رعایت ادب مقابل بزرگان و افراد شایسته احترام، وظیفه‌ای اخلاقی و لازم و نشانه تربیت صحیح و کمال‌یافتگی است. به همین دلیل، در روایات به این مسئله بسیار سفارش شده است؛ چنان‌که نقل شده است امام صادق علیه‌السلام فرمود:

إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَثَ الْأَبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ، لَا الْمَالُ فَإِنَّ الْمَالَ يَذْهَبُ، وَ الْأَدَبُ يَبْقَى.^۲

همانا بهترین چیزی که پدران به فرزندان خود به ارث می‌گذارند، ادب است نه مال؛ زیرا مال از بین می‌رود و ادب، باقی می‌ماند.

۱. بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۲۱.

۲. کافی، ج ۸، ص ۱۵۰.

یکی از دستورهای خدای متعال به مسلمانان، آن است که برای ورود به خانه پیامبر اکرم ﷺ اجازه بگیرند؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! داخل خانه‌های پیامبر ﷺ نشوید؛ مگر آنکه به شما اجازه داده شده باشد». ﴿احزاب: ۵۳﴾

از سوی دیگر می‌دانیم که خانه اهل بیت پیامبر ﷺ جدای از خانه پیامبر ﷺ نیست؛ چون آنها همه نور واحدند. همچنین می‌دانیم که حیات و مرگ ایشان یکی است. آنان ما را می‌بینند و سخنان ما را می‌شنوند. از این رو، ادب حکم می‌کند که پیش از ورود به بارگاه ملکوتی آن پیشوایان بزرگ نیز اجازه بگیریم و با رعایت این ادب وارد شویم. گفتنی است در اذن دخول معروف نیز به این مطلب پرداخته شده است؛ آنجا که می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمُسْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ.^۱

خدایا! من به حرمت صاحب این زیارتگاه شریف در غیبت ایشان اعتقاد دارم؛ همان‌گونه که به لزوم حرمت او در زمان حضورش اعتقاد دارم.

ج) توجه به حیات ائمه علیهم‌السلام و قرار داشتن در محضر ایشان

هنگامی که انسان می‌خواهد یکی از اهل بیت علیهم‌السلام را زیارت کند، لازم است متوجه این مطلب باشد که اهل بیت علیهم‌السلام، هم‌اکنون نیز که قرن‌ها از مرگ ظاهری آنها می‌گذرد، زنده‌اند، او را می‌بینند، سخنان او را می‌شنوند و او واقعاً در حال شرفیابی به محضر ایشان است.

توجه داشتن به این مطلب، هنگام زیارت، باعث می‌شود انسان زیارت را با روحیه بهتر و توجه خاص انجام دهد. او خود را واقعاً در خانه آن معصوم و در حضور او می‌بیند. واقعاً به او سلام می‌کند، از رفتارهای غلط گذشته‌اش احساس شرمساری

۱. المصباح، کفعمی (جنة الأمان الواقية)، ص ۴۷۳.

می‌کند و تصمیم می‌گیرد که بعد از این، مرتکب آن کارهای خلاف نشود. در این حال زائر، از پیشوای معصوم خود اجازه ورود می‌گیرد و نگران است که نکند به او اجازه ورود داده نشود.

هنگام زیارت نیز، به گونه واقعی، با پیشوای خود سخن می‌گوید و او را در درگاه خداوند برای برآورده شدن حاجات دنیوی و اخروی خود، شفیع قرار می‌دهد. از این رو در اذن دخول می‌خوانیم:

أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يَرْزُقُونَ يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ
كَلَامِي وَيُرُدُّونَ سَلَامِي وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ
مُنَاجَاتِهِمْ.^۱

و علم دارم که فرستاده‌ات و جانشینان‌ت که درود بر ایشان باد، زنده‌اند و نزد تو به ایشان روزی داده می‌شود. جایگاهم را می‌بینند و سخن مرا می‌شنوند و سلام مرا پاسخ می‌دهند و همانا تو مانع از شنیدن سخن ایشان توسط من شده‌ای و [در عوض،] باب فهم مرا به مناجات لذت‌بخش با ایشان گشوده‌ای.

د) احساس خضوع و خشوع و رقت قلب

زائر پس از گذراندن مراحل قبل، مقابل آستان آن معصوم، احساس فروتنی می‌کند و قلبش می‌شکند. بی‌اختیار اشکش سرازیر می‌شود و با دلی آماده برای ملاقات با معصوم، قدم بر آستان ایشان می‌گذارد.

درباره زیارت امام حسین علیه السلام در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است: [پس از خواندن اذن دخول] «إِن خَشَعَ قَلْبُكَ وَدَمَعَتْ عَيْنُكَ فَهُوَ عَلَامَةٌ الْإِذْنِ فَادْخُلْ»^۲ «اگر قلبت خاشع شد و اشکت سرازیر گردید، این علامت اذن است. پس داخل شو».

۱. المصباح، کفعمی (جنة الأمان الواقية)، ص ۴۷۳.

۲. مصباح المتعبد، سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۷۲۰.

از این رو مرحوم شهید اول در این باره می‌گوید:

وَ ثَانِيهَا: الْوُفُوفُ عَلَىٰ بَابِهِ وَ الدُّعَاءُ وَ الاسْتِئْذَانُ بِالْمُتُّورِ فَإِنْ وَجَدَ خُشُوعاً وَ رِقَّةً دَخَلَ وَ
إِلَّا فَالْأَفْضَلُ لَهُ تَحَرُّيَ زَمَانَ الرِّقَّةِ لِأَنَّ الْغَرَضَ الْأَهَمَّ حُضُورَ الْقَلْبِ لِيَلْقَى الرَّحْمَةَ النَّازِلَةَ
مِنَ الرَّبِّ.^۱

دوم: بر در آن حرم شریف بایستد و دعا و اذن دخول بخواند؛ آن گونه که در روایات وارد شده است. پس اگر در خود رقت و خشوعی یافت، داخل شود؛ وگرنه افضل آن است که در صدد تحصیل زمانی برآید که در قلب او رقت و خشوعی حاصل گردد [و در آن حال، به زیارت بیاید]؛ زیرا هدف مهم‌تر، حضور قلب برای دستیابی به رحمتی است که از ناحیه پروردگار نازل می‌گردد.

حاج شیخ عباس قمی رحمته الله، اذن دخول به حرم اهل بیت علیهم السلام را این گونه توصیف می‌کند:
یازدهم: بر در حرم شریف ایستادن و اذن دخول در آنجا طلبیدن به کلمات مأثوره یا به سلام کردن بر پیغمبر و ائمه علیهم السلام، و سعی در تحصیل رقت قلب و سوزش دل و خضوع و شکستگی خاطر نمودن با تصور و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور و اینکه می‌بیند ایستادن او را و می‌شنود کلام او را و جواب می‌دهد سلام او را؛ چنان که به همه اینها شهادت می‌دهد در وقت خواندن اذن دخول.
همچنین تدبیر در محبت و لطف و مکرمتی که بر شیعیان و زائران خود دارند و تأمل در خرابی‌های حال خود و خلاف‌ها که به آن بزرگواران کرده و فرموده‌های بی‌حد که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیت‌ها که از او به ایشان یا به خاصان و دوستانشان رسانده است که برگشت آن، به آزردهن ایشان است و اگر به راستی در خود نگردد، قدم‌هایش از رفتن بازافتد و قلبش هراسان و چشمش گریان شود و روح تمام آداب، بلکه زیارت در همین است که اگر این نعمت روزی شد، بسیاری از آداب قهراً و ندانسته به عمل آید.
برای فهمیدن اذن دادن صاحب آن مرقد شریف در دخول در آن محضر انور، علامت باشد

و شیخ شهید^۱ در دروس فرموده است بعد از ذکر این ادب: اگر در قلب خود، خشوع و رقتی دید، داخل شود؛ وگرنه درصدد تحصیل زمانی برآید که در قلب خود، رقتی یابد؛ زیرا غرضِ اهم، حضور قلب است برای دریافت رحمتی که از پروردگار فرو می‌آید؛ یعنی قلب قاسیِ غافلِ ساهی، قابل نیست برای نزول رحمت خاصه در آن. پس زیارتش جسدی شود بی‌روح و لفظی بی‌معنا؛ مالی رفته و بدنی خسته برایش بماند.^۱

۳. سلام به سایر امامان معصوم علیهم‌السلام

در بسیاری از زیارتنامه‌ها، قبل از آغاز سلام به معصوم مورد نظر و زیارت او، به انبیای الهی و ائمه پیشین علیهم‌السلام سلام داده می‌شود؛ برای مثال، در زیارت امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ، وَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، وَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، وَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، وَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، وَ مَنْ بَيْنَهُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلَادِكَ رَفِيقاً.^۲

سلام بر آدم برگزیده خدا و نوح پیامبر خدا و ابراهیم دوست خدا و موسی سخنگوی با خدا و عیسی روح خدا و محمد محبوب خدا و کسانی که بین ایشان بودند از پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و آنها خوب رفیقانی‌اند.

در یکی از زیارتنامه‌های امام حسین علیه‌السلام، این گونه بر بسیاری از پیامبران سلام داده می‌شود:

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلِيقَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى شَيْثٍ وَ لِ اللَّهِ وَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِدْرِيسَ الْقَائِمِ اللَّهُ بِحُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ الْمُجَابِ فِي دَعْوَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى هُودِ الْمُدُودِ مَنْ اللَّهُ بِمَعُونَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ الَّذِي تَوَجَّهَ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ الَّذِي حَبَّاهُ اللَّهُ بِخَلَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِسْمَاعِيلَ الَّذِي فَدَاهُ اللَّهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِسْحَاقَ الَّذِي

۱. هدیه الزائرین، حاج شیخ عباس قمی، ص ۳۴.

۲. المزار الكبير، ص ۲۱۸.

جَعَلَ اللهُ النَّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ السَّلَامُ عَلَى يُوسُفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي فَلَقَ اللهُ الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى هَارُونَ الَّذِي حَصَّه اللهُ بِنُبُوَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى شُعَيْبٍ الَّذِي نَصَرَهُ اللهُ عَلَى أُمَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى دَاوُدَ الَّذِي تَابَ اللهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ السَّلَامُ عَلَى سُليْمَانَ الَّذِي ذَلَّتْ لَهُ الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي شَفَّاهُ اللهُ مِنْ عِلَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يُونسَ الَّذِي أَنْجَزَ اللهُ لَهُ مَضْمُونَ عِدَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى عُزَيْرٍ الَّذِي أَحْيَاهُ اللهُ بَعْدَ مَيِّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِحْنَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يَحْيَى الَّذِي أَرْزَلَهُ اللهُ بِشَهَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللهِ وَكَلِمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللهِ وَصَفْوَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، الْمُخْصُوصِ بِأَخُوَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ^۱.

در زیارتنامه‌ها از این گونه موارد بسیار است که ما به منظور اختصار، از بیان بقیه آنها صرف نظر می‌کنیم. اما سؤال این است که این کار به چه دلیل است؟! آیا حکمتی در این کار نهفته است؟! آیا تنها برای بهره‌گیری از ثواب این عمل است؟! کمی دقت در این مسئله، نکات اخلاقی و تربیتی مهمی را در این باره برای ما آشکار می‌کند که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌نماییم:

الف) رعایت ادب و احترام

پیش‌تر، در این باره سخن گفتیم. امام صادق علیه السلام فرمود: «عَظُّمُوا كِبَارَكُمْ»؛ «بزرگان خود را تعظیم کنید». بی تردید امامان معصوم علیهم السلام بزرگان ما هستند و از این رو لازم است درباره ایشان، ادب و احترام را رعایت کنیم. اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام جایگاه بلندی نزد خداوند دارند و پیشوایان ما محسوب می‌شوند. آنان بی‌شک، حق بزرگی بر

۱. المزار الکبیر، ص ۴۹۶.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۵.

گردن همه ما شیعیان دارند. از این رو رعایت احترام ایشان بر ما لازم است؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ عَظَّمُوا أَهْلَ بَيْتِي فِي حَيَاتِي وَمِنْ بَعْدِي وَأَكْرِمُوهُمْ وَفَضَّلُوهُمْ»؛ «ای مردم! اهل بیت مرا در حال حیات و بعد از مرگ من تعظیم کنید و آنها را گرامی بدارید و بر دیگران برتری دهید».

بی تردید زیارت کردن و خواندن زیارتنامه در حرم امامان معصوم علیهم السلام، به گونه‌ای تعظیم و بزرگداشت ایشان محسوب می‌شود. کنار آن، سلام دادن به پیامبران و امامان پیشین نیز می‌تواند رعایت فضیلت اخلاقی و دینی و برخورد مؤدبانه با ایشان به حساب آید.

ب) ابراز محبت به اولیای پیشین

انبیای الهی و ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان رهبران معنوی جوامع در طول تاریخ و نیز به عنوان مؤمنان واقعی، به حکم آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»^۲، مورد محبت مسلمانان قرار دارند. همچنین براساس آیات قرآن کریم و روایات بسیار، لازم است که مسلمانان، اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دوست داشته باشند؛ برای مثال، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۳ «بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم؛ جز دوست‌داشتن نزدیکانم [اهل بیتم]».

سلام دادن به پیامبران و ائمه پیشین علیهم السلام، از سویی، ابراز علاقه به ایشان و نشان‌دهنده دوست داشتن آنان است و از سوی دیگر، می‌تواند محبت ما را به آن بزرگواران افزایش دهد.

۱. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۴۶۷.

۲. مریم: ۹۶.

۳. شوری: ۲۳.

ج) قدردانی از انبیا و امامان پیشین، به دلیل زحماتشان

خداوند، شکور است و از بندگان خوب خود، تشکر و قدردانی می‌کند.^۱ خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن، به تعریف و تمجید از پیامبران پیشین پرداخته و حتی به ایشان سلام داده است. در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ﴾؛ «سلام بر نوح در میان جهانیان باد». (صافات: ۷۹)

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾؛ «سلام بر ابراهیم». (صافات: ۱۰۹)

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ﴾؛ «سلام بر موسی و هارون». (صافات: ۱۲۰)

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ﴾؛ «سلام بر ال یاسین». (صافات: ۱۳۰)

﴿وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ﴾؛ «سلام بر رسولان». (صافات: ۱۸۱)

یکی از دلایل این کار می‌تواند این باشد که انبیا و ائمه پیشین، نقش بی‌بدیلی در اعتلای کلمه حق در جهان داشته‌اند و در راه رساندن دین الهی به ما تلاش بسیاری نموده‌اند. خدای متعال نیز خواسته است با سلام دادن به آنها، از زحمات و تلاش‌های آنان در اشاعه توحید و خداپرستی و دعوت مردم به سوی خدا، قدردانی کرده باشد.

از سوی دیگر، یکی از دستورهای دینی و اخلاقی ما این است که از کسانی که به ما خوبی می‌کنند، تشکر کنیم. امام علی علیه السلام فرمود: «الشُّكْرُ تَرْجَمَانُ النَّيِّةِ وَ لِسَانُ الطَّوَيَّةِ»؛ «تشکر و قدردانی، آشکارسازنده نیت و زبان آدمی است».

بنابراین، سلام دادن به پیامبران و ائمه پیشین نیز می‌تواند تشکر و قدردانی از زحمات آنان در راه تبلیغ دین الهی و رساندن پیام خدا به ما قلمداد گردد.

۱. ﴿وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾ (تغابن: ۱۷).

۲. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۳۴۳.

د) اقرار به نبوت و امامت و اظهار اعتقاد به همه پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام

نبوت و امامت، از اصول دین ماست. مطابق قرآن کریم، یک مؤمن واقعی، به خدا، ملائکه، کتاب‌های آسمانی و پیامبران فرستاده شده از سوی خداوند، ایمان دارد؛ پیامبران عظیم‌الشأنی، از قبیل حضرت آدم علیه السلام، حضرت نوح علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را فرستاده خدا می‌داند و در این باره میان آنان فرقی نمی‌گذارد.

همچنین شیعیان، ائمه اطهار علیهم السلام را یکی پس از دیگری، جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانند. پیروی از آنان را واجب می‌شمارند و در اعتقاد به آنان و لزوم اطاعت از ایشان، تفاوتی میانشان قائل نیستند؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ءَاَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَاَمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾
(بقره: ۲۸۵)

پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است و همه مؤمنان [نیز]، به خدا و فرشتگانش و کتاب‌های او و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند [و گفتند: ما میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی‌گذاریم] [و به همه ایمان داریم]. و گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! به آمرزش تو امیدواریم و بازگشت [ما] به سوی توست».

ما در واقع با سلام دادن به پیامبران و ائمه پیشین، اعتقاد خود را به ایشان نیز ابراز می‌کنیم و نشان می‌دهیم که در اعتقاد به آنان، به عنوان رسولان الهی یا جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فرقی میان ایشان قائل نیستیم.

در واقع زیارت هریک از معصومان، اعلام اعتقاد به ولایت او و اظهار آمادگی برای اطاعت از اوست و این مطلب در متن برخی از زیارتنامه‌ها هم آمده است؛ برای مثال، در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام در روز غدیر می‌خوانیم:

أَشْهَدُ شَهَادَةَ حَقٍّ وَأُقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمَ صِدْقٍ أَنَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ
الْحَلْقِ وَأَنَّكَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَوَلِيُّهُ وَأَخُو الرَّسُولِ وَوَصِيُّهُ وَ
وَارِثُهُ^۱.

از روی حقیقت گواهی می‌دهم و به خدا به درستی قسم یاد می‌کنم که محمد و خاندان او که درود خدا بر آنها باد، بزرگان انسان‌ها هستند و شما، مولای من و سرور مؤمنان می‌باشی و [گواهی می‌دهم که] شما، بنده خدا و ولیّ خدا و برادر رسول خدا و جانشین و وارث ایشان.

همچنین سلام بر پیامبران و امامان سابق و سلام به معصوم مورد زیارت پس از سلام به آنها، نوعی اقرار به درستی مسیر معصوم مورد زیارت و اظهار ایمان به وی و اعتقاد به صحت مسیر اوست. به همین دلیل، گاهی در خود زیارتنامه هم به این مطلب اشاره شده است؛ چنان‌که از امام هادی علیه السلام نقل شده است که در زیارت امام موسی بن جعفر علیه السلام چنین می‌گویی:

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ آبَاؤُكَ الطَّاهِرُونَ وَأَجْدَادُكَ الطَّيِّبُونَ الْأَوْصِيَاءُ
الْمُهَادُونَ الْأَيْمَّةَ الْمَهْدِيِّونَ.^۲

گواهی می‌دهم که تو بر همان راهی رفتی که پدران طاهر و اجداد پاکیزه‌ات، جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و هدایت‌کنندگان و امامان هدایت‌شده، رفتند.

۴. نماز زیارت

یکی از مستحبات زیارت آن است که زائر پس از قرائت زیارتنامه، دو یا چند رکعت نماز بخواند. این عمل در عین حال که عبادت است، دربردارنده نکات اخلاقی و تربیتی متعددی است که زائر می‌تواند با توجه به آنها، بر ارزش زیارت خود بیفزاید. در ادامه، به برخی از این نکات، اشاره می‌کنیم:

۱. المزار، ص ۷۲.

۲. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۵۳۵.

الف) توحید و خداپرستی در همه احوال

اصل اساسی همه اعتقادات در اسلام، اعتقاد به خدای یگانه و پرستش اوست. «لا إله إلا الله»، یکی از بهترین ذکرهاست و شهادت به یگانگی خداوند، یکی از دو شهادت برای ورود به دایره مسلمانی است. از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِبُوا»^۱. به همین دلیل می‌بینیم که در ابتدا یا در ضمن بسیاری از زیارتنامه‌ها، شهادت به وحدانیت خدا، مورد توجه قرار گرفته است؛ برای مثال، در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَ
أُولُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.^۲

گواهی می‌دهم که معبودی جز الله نیست. او یگانه است و شریکی ندارد؛ همان‌گونه که خدا برای خود شهادت می‌دهد و فرشتگان و صاحبان دانش از میان بندگانش [هر کدام به گونه‌ای] بر این مطلب گواهی می‌دهند؛ معبودی جز او نیست و هم توانا و هم حکیم است.

اهل بیت عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ با وجود مقام بلندشان در نزد خداوند، همواره در پیشگاه الهی بنده‌اند. هیچ‌گاه آن بزرگواران از یاد خدا غافل نبودند و نهایت خضوع و خشوع را در مقابل خدا ابراز می‌کردند و همه عمر خود را در راه بندگی و ساییدن پیشانی در پیشگاه عظمت خداوند صرف کردند.

زیارت آن پیشوایان مقدس، به زائران درس بندگی و اطاعت می‌دهد. بارگاه ملکوتی آن بزرگواران، انسان‌ها را به سوی توحید و بندگی و خداپرستی دعوت می‌کند. در واقع، معتقدان به آن پیشوایان، زیارت را قربت الی الله و به قصد عبادتی پرفضیلت انجام می‌دهند. معمولاً متن زیارتنامه‌ها دربردارنده مطالبی است که زائر با خواندن آنها بندگی

۱. سفینه البحار، ج ۷، ص ۶۱۹.

۲. المزار الکبیر، ص ۵۲۶.

خود را به درگاه خداوند نشان می‌دهد؛ برای مثال، در زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه، هنگام ورود می‌خوانیم:

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.^۱

خدای بزرگ است به کمال بزرگی و ستایش فراوان خاص خداست و منزه است خدا در صبح و شام و ستایش، خاص خدایی است که ما را به این راه راهنمایی فرمود و اگر خدا راهنمایی مان نمی‌کرد، ما خود راهنمایی نمی‌شدیم.

نماز پس از زیارت نیز همین‌گونه است؛ در واقع زائران آن پیشوایان معصوم علیهم السلام پس از خواندن زیارتنامه، با خواندن نماز زیارت، از سویی بندگی خود را در پیشگاه حضرت حق به نمایش می‌گذارند و از سوی دیگر، پیروی خود را از اهل بیت علیهم السلام در تلاش برای عبادت خداوند، نشان می‌دهند. دعاهای وارد شده پس از نماز زیارت، بهترین گواه بر این مسئله است؛ برای مثال، در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام پس از نماز زیارت می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ وَإِيَّ عَبْدِكَ وَزَائِرِكَ... فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا جَوَادُ يَا مَاجِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَلَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ...^۲

خدایا! من بنده و زائر توام... پس ای الله و ای رحمان و ای رحیم! ای اهل جود و کرم! ای بزرگوار! ای یگانه! ای غنی بالذات! ای کسی که نزاده و زاده نشده‌ای و هیچ مثل و مانندی نداری و همسر و فرزندی نگرفته‌ای! از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی... .

زائران اباعبدالله الحسین علیه السلام نیز پس از نماز زیارت می‌گویند:

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ وَ

۱. المزار، ص ۱۲۱.

۲. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۸۱.

السُّجُودُ لَا يَكُونُ إِلَّا لَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ^۱.

خدایا! من برای تو نماز گزاردم و رکوع و سجده کردم. تو یگانه‌ای و شریکی نداری؛ چون نماز و رکوع و سجده، جز برای تو جایز نیست؛ چراکه تو آن خدایی هستی که جز او معبودی نیست.

ب) ایجاد آمادگی برای دعا به درگاه خداوند

انسان‌ها نیازمند معبودشان‌اند و خواسته‌های بسیاری دارند که برآورده شدن آنها جز با عنایت خاص خداوند ممکن نیست. بی‌تردید زیارت اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند فرد را به لحاظ روحی، آماده بیان خواسته خود کند. خواندن نماز زیارت نیز موجب افزایش ارتباط روحی میان انسان و خداوند می‌گردد؛ به طوری که شخص زائر به راحتی می‌تواند به درگاه پروردگار خویش عرض حاجت و نیاز کند. از این رو می‌بینیم که در برخی از زیارتنامه‌ها، پس از نماز زیارت، دعای خاصی که بیانگر حاجات دنیوی و اخروی زائر می‌باشد، بیان شده است؛ برای مثال، در بخشی از دعای پس از نماز زیارت امام جواد علیه‌السلام آمده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَرِّبْ فَرَجَهُمْ وَارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ وَ
وَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَأُنْسِي بِكَ يَا كَرِيمُ ثُمَّ تَصَدَّقْ عَلَيَّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِرَحْمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ
تُهْدِيءُ بِهَا قَلْبِي وَتَجْمَعُ بِهَا أَمْرِي وَتُلْمُ بِهَا شَعْبِي وَتُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي وَتُكْرِمُ بِهَا مَقَامِي وَ
تَحْطُّ بِهَا عَنِّي وَزُرِّي وَتَغْفِرُ بِهَا مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِي وَتَعْصِمُنِي فِيهَا بَقِيَّ مِنْ عُمْرِي وَ
تَسْتَعْمِلُنِي فِي ذَلِكَ كُلِّهِ بِطَاعَتِكَ وَ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَتُخَيِّرُنِي بِأَحْسَنِهِ وَتَجْعَلُ لِي تَوَابَهُ
الْجَنَّةِ وَتَسْلُكُ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَتُعِينَنِي عَلَى صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَنِي كَمَا أَعْنَتَ الصَّالِحِينَ
عَلَى صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَهُمْ وَ لَا تَنْزِعْ مِنِّي صَالِحًا أَعْطَيْتَنِيهِ أَبَدًا وَ لَا تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْقَدْتَنِي

مِنْهُ أَبَدًا وَلَا تُشْمِتُ بِي عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا أَبَدًا وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَلَا أَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ^۱.

ج) جلوگیری از غلو درباره اهل بیت (علیهم‌السلام)

یکی از خطراتی که شیعیان را تهدید می‌کند، اعتقادات و تعابیر غلوآمیز درباره پیشوایان است. همان‌طور که بی‌اعتقادی به ایشان، باعث نقصان ایمان است، غلو و زیاده‌روی در اعتقاد به آن بزرگواران نیز خارج از مسیر ایمان است و حتی می‌تواند باعث کفر گردد.

اهل بیت (علیهم‌السلام) به شدت از اعتقادات غلوگونه درباره خودشان نهی فرموده‌اند؛ چنان‌که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «لَا تَرْفَعُونِي فَوْقَ حَقِّي فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اتَّخَذَنِي عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَنِي نَبِيًّا»^۲؛ «مرا بالاتر از آنچه سزاوار آنم بالا نبرید؛ به درستی که خدا قبل از آنکه مرا به پیامبری برگزیند، بنده خود قرار داد».

۱. «خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج آنان را نزدیک فرما و به ذلتم در پیشگاهت و به زاری‌ام به درگاهت و به احساس بیگانگی و دل‌تنگی‌ام از مردم و انسم به تو، بر من ترحم کن. ای کریم! در این هنگام مرا مشمول رحمت خود گردان؛ رحمتی که باعث شود قلبم را آرام کنی، امورم را سامان دهی، پریشانی‌ام را اصلاح کنی، رویم را سفید و جایگاهم را گرامی گردانی، خطایم را زایل کنی، گناهان گذشته‌ام را آمرزیده و در آینده از گناه مصونم داری. در همه عمر [باقی‌مانده] مرا در راه اطاعت خود و آنچه تو را از من راضی می‌کند، به کارگیری و عملم را به بهترین آنها به پایان بری و ثواب آن را بهشت قرار دهی و مرا در مسیر صالحان قرار دهی و مرا بر انجام‌دادن عمل صالحی که توفیق آن را به من عطا فرموده‌ای، یاری کنی؛ همان‌طور که صالحان را بر انجام‌دادن عمل صالحی که توفیق آن را به ایشان عطا فرموده‌ای، یاری کردی و هیچ‌گاه نعمت شایسته‌ای را که به من عطا فرموده‌ای، از من پس‌نگیر و مرا در گرفتاری که از آن رهانیده‌ای باز مگردان و هیچ‌گاه زبان دشمن یا حسودی را بر من مگشای و مرا یک لحظه و کمتر یا بیشتر از آن به خودم وامگذار؛ ای پروردگار جهانیان!». عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الاخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء، الی الامام الجواد، ج ۲۳، الجواد (علیه‌السلام)، صص ۶۱۲ و ۶۱۳

۲. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۶۵.

امام رضا علیه السلام نیز فرمود:

مَنْ تَجَاوَزَ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الْعُبُودِيَّةَ فَهُوَ مِنَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَمِنَ الضَّالِّينَ.^۱

کسی که امیرمؤمنان علیه السلام را از مرتبه بندگی بالاتر ببرد، [مطابق آیه آخر سوره حمد] از کسانی است که بر آنها غضب شده و از گمراهان است.

در بسیاری از زیارتنامه‌ها، تعابیر خیره‌کننده‌ای درباره اهل بیت علیهم السلام بیان گردیده

است؛ برای مثال در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

پدر و مادرم و جان و اهل و مالم به فدای شما باد؛ هرکس اراده خداشناسی و اشتیاق به خدا در دل یافت، به پیروی شما یافت و هرکس خدا را به یگانگی شناخت، به تعلیم شما پذیرفت و هرکس آهنگ خدا نمود، با توجه به شما بود. ای پیشوایان من! صفات کمالیه شما آن قدر است که ثنای شما را شمارش نتوانم کرد و به کنه مدح و توصیف قدر و منزلت شما نتوانم رسید و شما یید نور قلب خوبان و هدایت‌کنندگان نیکوکاران و حجت‌های خدای مقتدر جبار. خداوند به شما عالم را آغاز کرد و به شما نیز کتاب آفرینش را ختم فرمود و به واسطه شما بر ما باران رحمت نازل کرد و به واسطه شما آسمان را به پا داشت تا بر زمین جز به امرش فرو نیاید و به واسطه شما غم و اندوه و رنج‌ها را از دل‌ها برطرف می‌گرداند و اسراری که فرستادگان خدا نازل کردند و فرشتگان پایین آوردند، نزد شماست.^۲

چنین تعبیراتی، در عین درستی و به حق بودن، می‌تواند افراد ناآگاه را به غلو درباره ایشان سوق دهد. هرچند در متن زیارتنامه‌ها تعابیر متعددی هست که جلوی هرگونه

۱. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۷۴.

۲. «يَا أَيُّهَا أَنْتُمْ وَأُمَّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَا بَعْكُمْ وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنْكُمْ وَمَنْ فَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوْلِي لَا أُخْصِي ثَنَاءَكُمْ وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَحُجَجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يُخْتَمُ اللَّهُ وَبِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنْفَسُ الْأَمَمُ وَبِكُمْ يَكْتَفَى الضَّرُّ وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ». (المزار الكبير، ص ۵۳۲)

کج‌اندیشی را می‌گیرد، اما نماز زیارت می‌تواند با برقراری پیوند زائر با پروردگار که با سجده در پیشگاه او همراه است، راه درست را به او بنمایاند و مانع از هرگونه اعتقاد غلوآمیز گردد.

دعای پس از نماز زیارت که در برخی از زیارتنامه‌ها آمده است، به بهترین وجه، این مقصود را عملی می‌کند؛ برای مثال، در دعا پس از نماز زیارت امیرمؤمنان علیه السلام چنین آمده است:

پس از نماز، سر بر سجده بگذار و بگو: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي فَكُنْ لِي مَا أَسْتَعِينُ وَمَا لَا يُهْمُنِي وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَرَّبَ فَرَجَهُمْ»؛ «خدا! به سوی تو توجه کردم و به تو متوسل شدم و بر تو توکل کردم؛ خدا! تو مورد اطمینان و امید من هستی. پس در همه امور مهم و غیرمهم و آنچه تو به آنها از من آگاه‌تری، مرا کفایت کن. پناهنده تو، عزیز است و مدح و ثنایت، والاست. معبودی جز تو نیست. بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج آنان را نزدیک کن».

سپس گونه راست را بر زمین بگذار و بگو: «ارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنَ الْعَالَمِ وَأُنْسِي بِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ»؛ «رحم کن بر خواری من در برابرت و زاری‌ام به درگاهت و وحشتم از مردم و انسم به تو ای کریم! ای کریم! ای کریم!».

سپس گونه چپ را بر زمین بگذار و بگو: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي حَقًّا حَقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبَّ نَعْبُدُكَ وَرِقًا اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَصَاعِفُهُ لِي يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ»؛ «حقیقتاً معبودی جز تو، پروردگارم نیست. پروردگارا! برای تو سجده می‌کنم؛ از روی پرستش و بندگی. خدا! به راستی که عملم ناچیز است. پس آن را دو چندان کن برایم، ای کریم! ای کریم! ای کریم!».

۵. وداع و خداحافظی

هرچند می‌دانیم حضور و غیبت درباره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بی‌معناست و ایشان همواره ناظر بر اعمال ما هستند، یکی از آداب زیارت آن بزرگواران، وداع با ایشان هنگام بازگشت از آستان آنان است؛ زیرا ما برای رشد و تربیت خود، به رعایت نمودن این گونه آداب نیازمندیم. از این رو می‌بینیم همان‌طور که درباره حضور در مشهد اهل بیت علیهم‌السلام سفارش فراوان شده و زیارتنامه‌های بسیاری برای سلام دادن به آن بزرگواران، از سوی ایشان صادر شده است، درباره وداع با آن بزرگواران نیز زیارتنامه‌های متعددی به دست ما رسیده است. در این زیارتنامه‌ها، تعبیر «أَسْتَوِدُّعُكَ اللَّهُ»، در زیارت امیرمؤمنان،^۱ امام حسین،^۲ حضرت ابوالفضل،^۳ امام کاظم،^۴ امام رضا،^۵ امام جواد،^۶ امام هادی و امام عسکری^۷ و امام زمان علیه‌السلام^۸ آمده است. همچنین در وداع هر یک از ائمه، بعد از خواندن زیارت جامعه، تعبیر «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُودِّعٍ»^۹ آمده است.

زیارت وداع، صرف خداحافظی نیست. بلکه در آن، نکات اعتقادی و اخلاقی متعددی وجود دارد. برخی از نکات مهم اخلاقی - تربیتی زیارت وداع را می‌توان این‌گونه برشمرد:

-
۱. کامل الزیارات، ص ۴۶.
 ۲. کامل الزیارات، ص ۲۵۵.
 ۳. کتاب المزار - مناسک المزار، مفید، ص ۱۲۸.
 ۴. المقنعة، ص ۴۷۸.
 ۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۶.
 ۶. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۹.
 ۷. المزار الکبیر، ص ۵۴۰.
 ۸. همان، ص ۶۵۹.
 ۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۷.

الف) احترام به صاحب مرقد

همان‌طور که سلام دادن به امامان معصوم علیهم‌السلام و خواندن زیارتنامه آنان، نشانه احترام و رعایت ادب در پیشگاه ایشان است، خداحافظی هنگام برگشت نیز جزو آداب زیارت و نشانه ادب و احترام به صاحب مرقد می‌باشد. ترک جوار اهل بیت علیهم‌السلام، بدون وداع و خداحافظی، نوعی بی‌احترامی تلقی می‌شود. از این‌رو، زائران امامان معصوم علیهم‌السلام در پایان سفر، با زیارت وداع، اقدام به بازگشت می‌کنند.

ب) ابراز علاقه مجدد

یکی از کارهایی که باعث استحکام پیوند دوستی میان دو نفر می‌شود، ابراز علاقه آن دو به یکدیگر است؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام فرمود: «إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ فَإِنَّهُ أَثْبَتُ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنَكُمَا»؛ «اگر کسی را دوست داشتی، او را از آن آگاه کن؛ زیرا این کار، بیشتر باعث تثبیت دوستی میان شما می‌شود».

بنابراین دو نفر که به هم علاقه دارند، هر قدر این علاقه را بیشتر ابراز کنند، علاقه میان آنان مستحکم‌تر می‌گردد. بی‌تردید ابراز علاقه زائر به معصوم مورد زیارت نیز چنین است. ما شیعیان هم به دلیل آنکه اهل بیت علیهم‌السلام پیشوایان ما می‌باشند و هم به دلیل دستور خداوند که می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۲ لازم است محبت خود را به ایشان ابراز کنیم.

در واقع زائری که قصد اتمام سفر و جدا شدن از مضجع شریف پیشوای خود را دارد، با خواندن زیارت وداع، عشق و علاقه خود را به آن بزرگوار به گونه‌ای دیگر ابراز می‌کند. بسیاری از فرازهای زیارتنامه‌ها، از جمله زیارتنامه‌های وداع، در واقع ابراز

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۴۴.

۲. «بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم؛ جز دوست‌داشتن نزدیکانم [اهل بیتم]». (شوری: ۲۳)

علاقه به معصوم مورد زیارت است؛ برای نمونه، در زیارت وداع امام حسین علیه السلام چنین وارد شده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَنْتَ لِي جُنَّةٌ مِنَ الْعَذَابِ وَهَذَا أَوَانُ
انْصِرَافِي عَنْكَ غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَلَا مُسْتَبْدِلٍ بِكَ سِوَاكَ وَلَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكَ غَيْرَكَ وَلَا زَاهِدٍ
فِي قُرْبِكَ.^۱

سلام بر شما ای ولی خدا! سلام بر شما ای ابا عبدالله! شما برای من سپری در برابر عذاب
دوزخی و اکنون زمان بازگشت من است؛ بدون آنکه از شما رویگردان باشم یا شما را با
دیگری عوض کنم و دیگری را بر شما ترجیح دهم یا در نزدیک شدن به شما بی‌ رغبت باشم.

ج) کسب آمادگی روحی برای جدا شدن از حرم اهل بیت علیهم السلام

زائر کوی اهل بیت علیهم السلام پیش از رسیدن به کوی دوست، از شوق وصال، سر از پا
نمی‌شناسد و برای ورود به آستان آن پیشوایان لحظه‌شماری می‌کند. پس از ورود به
مشهد آن معصوم نیز به دلیل بهره‌مندی از فیوض ایشان، خشنود است. حس و حال
زائر هنگام وداع باید به گونه‌ای باشد که دستاوردهایی از این زیارت برداشته و حال او
بهتر از گذشته شده باشد و با انسی که به حرم و صاحب حرم پیدا کرده، وداع برایش
مشکل باشد؛

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

از این رو، جدا شدن از عزیزترین یار و مهربان‌ترین پیشوا، به مقدمه‌چینی و آمادگی
نیاز دارد. انجام دادن آخرین زیارت یا زیارت وداع یکی از راه‌هایی است که می‌تواند
این آمادگی را در فرد ایجاد کند و بازگشت از این سفر سراسر معنویت و بهره‌مندی از
فیوضات الهی را برای وی تحمل‌پذیر سازد تا با آرامش روحی، راهی دیار خود شود.

دعا برای توفیق زیارت مجدد، طلب شفاعت در قیامت و قرار گرفتن در زمره شیعیان ایشان، همراه با احساس استجابت این دعاها، باعث احساس آرامش و خشنودی هنگام وداع می‌شود. زیارت وداع وارد شده پس از زیارت جامعه، این معنا را به بهترین وجه می‌رساند:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُودَعٍ لَا سَمِيمٍ وَلَا قَالٍ وَلَا مَالٍ وَرَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ يَا
 أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ سَلَامٌ وَلِيَّ لَكُمْ غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكُمْ وَلَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكُمْ وَلَا
 مُؤَثِّرٍ عَلَيْكُمْ وَلَا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكُمْ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ
 قُبُورِكُمْ وَإِتْيَانِ مَشَاهِدِكُمْ.^۱

سلام بر شما؛ سلام وداع‌کننده؛ نه سلام انسان خسته یا ناراحت یا بی‌اعتنا و رحمت و برکات خدا بر شما باد ای خاندان پیامبر! به درستی که خدا ستوده و بزرگوار است. [سلام بر شما]؛ سلام دوستی که از شما رویگردان نیست و شما را با دیگری عوض نمی‌کند و دیگری را بر شما بر نمی‌گزیند و از شما رویگردان نیست و در نزدیک شدن به شما بی‌رغبت نیست. خدا این زیارت را برای من، آخرین زیارت قبور و حضور در مشاهد مشرفه شما قرار ندهد. همان‌طور که گفتیم، یکی از تعبیرات که می‌تواند جدا شدن از حرم اهل بیت (علیهم‌السلام) را میسر سازد، دعا برای توفیق زیارت مجدد است که تقریباً در همه زیارتنامه‌های وداع آمده است؛ برای مثال، در زیارت وداع امیرمؤمنان (علیه‌السلام) می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ... وَلَا تَجْعَلْ هَذَا آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَأَحْشُرُنِي مَعَ هَؤُلَاءِ الْأَيْمَةِ
 الْمُسْلِمِينَ.^۲

خدایا!... برای من این زیارت را آخرین زیارت ایشان قرار نده. پس اگر این‌گونه قرار دادی، مرا با این پیشوایان مسلمانان محشور کن.

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، صص ۶۱۷ و ۶۱۸.

۲. کتاب المزار - مناسک المزار، شیخ مفید، ص ۸۷.

د) بقاء شوق زیارت

زائر وقتی زیارت خود را انجام داد و از نظر روحی اشباع شد، چه در مکه و مدینه باشد، چه در نجف و کربلا یا هر شهر زیارتی دیگر، خوب است که زود خداحافظی کند و برگردد؛ تا شوق و علاقه همچنان در دل بماند و زدگی و خستگی ایجاد نشود. این همان گسستن برای پیوستن دوباره است.^۱

من رشته محبت خود از تو می‌برم شاید گره خورد، به تو نزدیک‌تر شوم

امام صادق علیه السلام درباره زیارت خانه خدا فرموده است: «إِذَا فَرَعْتَ مِنْ نُسُكِكَ فَارْجِعْ فَإِنَّهُ أَشَوْقٌ لَكَ إِلَى الرَّجُوعِ»^۲؛ «وقتی از اعمال و عبادت‌هایت فارغ شدی، برگرد تا شوق دوباره آمدن را در تو بیشتر کند».

دو دوست قدر شناسند حق صحبت را که مدتی ببردند و باز پیوستند

این مسئله، اختصاص به وداع خانه خدا ندارد. بلکه درباره زیارت مراقد اهل بیت علیهم السلام نیز صادق است. حاج شیخ عباس قمی رحمته الله به تبعیت از شهید اول رحمته الله در کتاب «الدروس الشرعیة» می‌نویسد: «از جمله آداب، تعجیل کردن در بیرون رفتن است در وقتی که درک کرد حظ خود را از زیارت، برای مزید تعظیم و احترام و شدت شوق به رجوع».^۳

ه) گرفتن مزد زیارت

شاید بتوان گفت که زیارت پایانی هر یک از اهل بیت علیهم السلام، هنگام گرفتن مزد زیارت است. زائری که پس از مدتی حضور کنار مرقد معصوم و زیارت او و راز و نیاز با خدا، پیش از گذشته احساس ارتباط با خدا می‌کند، پیش از بازگشت از این سفر سراسر معنویت، برای آخرین بار مولای خود را زیارت می‌نماید و خواسته‌های خود را

۱. فرهنگ زیارت، ص ۳۵۶.

۲. الحج والعمرة فی الكتاب والسنة، محمدی ری شهری، ص ۲۴۸.

۳. هدیه الزائرین، حاج شیخ عباس قمی، ص ۴۱.

همچون درخواست نجات در روز قیامت، قبولی زیارت، همراهی با اهل بیت علیهم‌السلام در روز جزا و توفیق زیارت مجدد، مطرح می‌نماید و امید دارد که آن پیشوایان مقدس نیز خواسته او را به بهترین وجه که به صلاح او باشد، برآورده خواهند کرد. زیارتنامه‌های وداع، پر از دعاهایی است که زائران با قرائت آنها، حاجات دنیوی و اخروی خود را مطرح می‌کنند؛ برای مثال در زیارت وداع امام حسین علیه‌السلام می‌خوانیم:

از خدایی که امور را مقدر کرد و جهان را آفرید، درخواست می‌کنم که گرفتاری‌ام را به واسطه شما برطرف کند و از خدایی که جدایی از مکان شما را برای من مقدر فرمود، درخواست می‌کنم که این زیارت را آخرین زیارت من و بازگشتم قرار ندهد. از خدایی که دیدگان مرا برای شما گریاند، درخواست می‌کنم که آن را مدرکی برای من قرار دهد و از خدایی که مرا از خانه و خانواده‌ام به نزد تو آورد، درخواست می‌کنم که این زیارت را ذخیره [قیامت] من قرار دهد. از خدایی که مکان شما را به من نمایاند و مرا به سلام بر شما و زیارت شما موفق گردانید، درخواست می‌کنم که [در روز قیامت] مرا بر حوض شما وارد کند و همراهی با شما را در بهشت همراه با پدران صالحت روزی‌ام فرماید.^۱

۱. «أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي قَدَّرَ وَ خَلَقَ أَنْ يُنَفِّسَ بَحْمِ كَرْبِي وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي قَدَّرَ عَلَيَّ فِرَاقَ مَكَانِكَ أَنْ لَا يُجْعَلَهُ آخِرَ الْمَهْدِ مِنِّي وَ مِنْ رُجُوعِي وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَبْحَى عَلَيْكَ عَنِّي أَنْ يُجْعَلَهُ سَنَدًا لِي وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي نَقَلَنِي إِلَيْكَ مِنْ رَحْلِي وَ أَهْلِي أَنْ يُجْعَلَهُ ذُخْرًا لِي وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَرَانِي مَكَانَكَ وَ هَدَانِي لِلتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ وَ لِيَتَارَبِي بِإِيَّاكَ أَنْ يُورِدَنِي حَوْضَكَ وَ يَرْزُقَنِي مُرَافَقَتَكُمْ فِي الْجَنَّةِ مَعَ آبَائِكَ الصَّالِحِينَ».

فصل پنجم: باریابی به محضر خداوند زیارتنامه‌ها

مقدمه

زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام فقط سلام و احترام به آن پیشوایان نیست، بلکه دربردارنده معارف بلندی در عرصه‌های مختلف معارف الهی می‌باشد که جویندگان و طالبان آنها را از غنای معرفتی و عرفانی خود سیراب می‌کند. یکی از این حوزه‌های معرفتی و عرفانی، سخن گفتن زائر با خداوند بزرگ و ابراز بندگی به درگاه آن بی‌نیاز مطلق است.

زائر کوی امامان معصوم علیهم‌السلام ضمن زیارت ایشان، با خدای خود نیز به صحبت می‌پردازد و او را با تمام وجود حس می‌کند. خود را در عالمی برتر می‌بیند و عقده دل در برابر خدا می‌گشاید؛ آنچه را نمی‌تواند به دیگران بگوید، با خدای خود در میان می‌گذارد و از این طریق به بهره معنوی کامل می‌رسد.

در این فصل، به ابعاد این مسئله خواهیم پرداخت و ورود بنده به محضر خدا را در سایه‌سار زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام به نظاره خواهیم نشست؛ باشد که راهی برای توجه بیشتر به پروردگار فراهم گردد و دل‌های مشتاقان از این چشمه جوشان، سیراب‌تر گردد.

۱. توجه به حضور در محضر خداوند

ما مسلمانان باور راسخ داریم که خدای متعال در عین بسیط بودن وجود خود، به همه مکان‌ها و زمان‌ها اشراف دارد و به همه چیز آگاه است. بندگان خود را می‌بیند و رفتار آنان را زیر نظر دارد. روی خود را به هر سو برگردانیم، همان سو، «وجه الله» است؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَسَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾؛ «مشرق و مغرب، از آن خداست! پس به هر سو رو کنید، رو به خدا کرده‌اید. خداوند دارای قدرت وسیع و [به همه چیز] داناست». (بقره: ۱۱۵)

بر این اساس، ما بندگان نیز باید خود را همواره در محضر خداوند بینیم و مراقب اعمال و حرکات و سکنتات خود باشیم و بدانیم که خداوند رفتار پنهانی ما را می‌بیند؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى﴾؛ «او آشکار و نهان را می‌داند». (اعلی: ۷) همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾؛ «آیا او ندانست که خداوند [همه اعمالش را] می‌بیند؟!» (علق: ۱۴)

امام علی علیه السلام نیز فرمود: «اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ»؛ «از نافرمانی خداوند در خلوت بپرهیزید؛ زیرا [در روز قیامت] شاهد، خود حکم می‌کند». در دعای پس از نماز زیارت امام علی علیه السلام می‌خوانیم:

يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمُرءِ وَقَلْبِهِ وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ
الْأَعْلَى وَالْأَفْقِ الْمُبِينِ وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَيَا مَنْ هُوَ يَعْلَمُ
خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ يَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ.^۲

ای کسی که از رگ گردن به من نزدیک‌تری و ای کسی که بین انسان و قلب او حائل می‌شوی و ای کسی که در دیدگاه بلند و افق آشکاری، و ای کسی که بخشاینده و مهربانی

۱. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۶۴.

۲. المزار، ص ۵۵.

و ای کسی که چشم‌هایی را که به خیانت می‌گردد و آنچه را سینه‌ها مخفی می‌سازند، می‌داند؛ ای کسی که هیچ امری بر او مخفی نیست!

همچنین ما هم سعی کنیم همان‌طور که خداوند همواره به یاد ماست، خدا را زیاد یاد کنیم و در نماند و آشکار و هر صبح و شام، به یاد او باشیم؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گویند» (احزاب: ۴۱ و ۴۲).
 متن زیارتنامه‌ها آکنده از عبارات و دعاهایی است که در آنها زائر، روی خود را مستقیم متوجه پروردگار می‌سازد و با او به راز و نیاز می‌پردازد؛ برای مثال در زیارت امین‌الله می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُجِبَّةً لِمَقْرَبَاتِكَ، مُجِيبَةً لِحُجُوبَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلائِكَ، مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَسْنَةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ ثَنَائِكَ.^۱

خداوند! مرا برخوردار از آرامش در برابر تقدیرت، راضی به قضایت، حریص به ذکر و دعایت، دوستدار دوستان برگزیده‌ات، محبوب در زمین و آسمانت، شکیبا بر نزول بلایت، سپاسگزار در برابر نعمت‌های بی‌شمارت، به یاددارنده نعمت‌های فراوانت، مشتاق شادی دیدارت، بردارنده توشه تقوا برای روز جزایت، پیرو روش‌های اولیایت، دوری‌گزیننده از اخلاق دشمنانت و سرگرم از دنیا به حمد و ثنایت، قرار بده.

همچنین نماز زیارت و دعاهای وارده شده برای خواندن پس از آن، به بهترین شکل، ما را متوجه حضور در محضر پروردگار و ساییدن سر بر آستان وی می‌سازد؛ برای مثال، در بخشی از دعای پس از زیارت امام جواد علیه السلام می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْمُرُوبُ وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَأَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَأَنْتَ الْمُعْطِي وَأَنَا السَّائِلُ وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا الْمَرْزُوقُ وَأَنْتَ الْقَادِرُ وَأَنَا الْعَاجِزُ وَأَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَأَنْتَ الْمُغِيثُ وَأَنَا الْمُسْتَعِيثُ وَأَنْتَ الدَّائِمُ وَأَنَا الرَّائِلُ وَأَنْتَ الْكَبِيرُ وَأَنَا الْحَقِيرُ وَأَنْتَ الْعَظِيمُ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَأَنْتَ الْمُؤَلَّى وَأَنَا الْعَبْدُ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الدَّلِيلُ وَأَنْتَ الرَّفِيعُ وَأَنَا الْوَضِيعُ وَأَنْتَ الْمُدَبِّرُ وَأَنَا الْمُدَبَّرُ وَأَنْتَ الْبَاقِي وَأَنَا الْفَانِي وَأَنْتَ الدَّيَّانُ وَأَنَا الْمُدَانُ وَأَنْتَ الْبَاعِثُ وَأَنَا الْمُبْعُوثُ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَأَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ، مَجِدُّ مَنْ تُعَذِّبُ يَا رَبَّ عَيْرِي وَلَا أُجِدُّ مَنْ يَرْحَمُنِي عَيْرِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَرِّبْ فَرَجَهُمْ وَارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَأَنْسِي بِكَ يَا كَرِيمٌ^۱.

۲. انجام دادن زیارت، عبادتی دیگر

خدای متعال، آدمیان را به هدف عبادت ذات اقدسش آفرید تا از این طریق، به کمال حقیقی که همان قرب اوست، دست یابند. انواع عبادت‌ها را نیز مشخص کرد تا مسیر بندگی هموار شده باشد؛ عبادت‌هایی از قبیل نماز، روزه، حج، دعا و ذکر. یکی از این عبادت‌ها، زیارت مرقد مطهر و نورانی مقربان درگاه خداوند، یعنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌باشد.

۱. «خدایا تویی پروردگار و منم پرورش‌یافته [لطف و احسان تو]، تویی آفریدگار و منم آفریده، تویی مالک [ملک هستی] منم ملک و مملوک، تویی بخشنده و منم خواستار عطا و بخشش، تویی روزی‌بخش و منم روزی‌خور، تویی توانا و منم ناتوان، تویی قوی و منم ضعیف، تویی فریادرس و منم فریادخواه، تویی جاودان و منم فناپذیر، تویی بزرگ و منم حقیر، تویی عظیم و منم کوچک، تویی مولا و منم بنده، تویی عزیز و منم ذلیل، تویی بلندمرتبه و منم پست و دون پایه، تویی تدبیرکننده [جهان] و منم تحت تدبیر [تو]، تویی باقی و منم فانی، تویی حاکم و منم محکوم به گناه، تویی برانگیزاننده مردگان از گور و منم برانگیخته، تویی بی‌نیاز و منم فقیر، تویی زنده جاودان و منم محکوم به مرگ، تو کسی جز من را می‌یابی که عذابش کنی ولی من جز تو را نمی‌یابم که به من ترحم ورزد، خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج آنان را نزدیک فرما و به ذلتم در پیشگاهت و زاری‌ام به درگاهت و احساس بیگانگی و دل‌تنگی‌ام از مردم و انس و الفت‌م به تو، به من رحم کن». بحارالانوار، ج ۹۹، صص ۲۱ - ۲۲.

زیارت اهل بیت علیهم‌السلام عبادت بزرگی است و مؤمنان این عمل را به قصد نزدیک شدن به پروردگار انجام می‌دهند. روایات امامان معصوم علیهم‌السلام که افراد را به زیارت مشاهد اهل بیت علیهم‌السلام سفارش اکید می‌کنند و نیز روایت‌های بی‌شمار درباره ثواب زیارت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا هریک از ائمه اطهار علیهم‌السلام، بهترین شاهد بر این مدعاست. در اینجا به برخی از این احادیث توجه می‌کنیم:

امام باقر علیه‌السلام فرمود: «إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تَعْدِلُ حِجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مَبْرُورَةً^۱؛ «همانا زیارت قبر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برابر با انجام دادن یک حج مقبول همراه با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است». امام صادق علیه‌السلام نیز فرمود:

مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام يَوْمَ عَرَفَةَ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَجَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ.^۲

کسی که قبر امام حسین علیه‌السلام را در روز عرفه، با شناخت حق ایشان، زیارت کند، خداوند پاداش انجام دادن هزار حج مقبول و هزار عمره مقبول را به او عطا می‌فرماید.

گذشته از آنکه زیارت، عملی عبادی است، معمولاً زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام نیز با عبادت و راز و نیاز با خدا همراه است؛ مانند غسل زیارت، ذکر و یاد خدا در حرکت به سمت حرم مطهر، دعا‌های وارد شده در ضمن زیارت، نماز زیارت، دعای پس از زیارت و سجده شکر پس از زیارت. همه این اعمال دلالت بر آن دارند که زیارت، عملی کاملاً عبادی است. متن بسیاری از زیارتنامه‌ها متضمن عباراتی است که به وضوح بر این مسئله دلالت می‌کنند؛ برای مثال، در زیارت امام رضا علیه‌السلام می‌گوییم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَ بِمُؤَالَاتِهِمْ»^۳؛ «خدا! من با محبت و دوستی ایشان به تو تقرب می‌جویم».

۱. کامل‌الزیارات، ص ۱۵.

۲. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۹۱.

۳. کامل‌الزیارات، ص ۳۱۳.

در یکی از زیارتنامه‌های امام علی علیه السلام و سایر ائمه اطهار علیهم السلام آمده است:

هنگامی که از شهری که در آن اقامت داری خارج شدی و به سوی مشاهد مشرفه امامان معصوم علیهم السلام حرکت کردی بگو: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَخْرُجْ وَإِلَيْكَ أَتَوَجَّهُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَبِكَ اسْتَعْنْتُ وَإِلَى مَشَاهِدِ أَوْلِيَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ قَصَدْتُ وَإِلَيْكَ رَغَبْتُ؛» «خدایا به سوی تو خارج می‌شوم و به سوی تو توجه می‌کنم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و از تو یاری جستم و زیارت زیارتگاه اولیا و برگزیدگان را قصد کردم و به سوی تو رغبت جستم».

پس هنگامی که رسیدی، غسل کن و در طول مسیر به سمت حرم، زیاد «سبحان الله»، «الحمد لله»، «لا اله الا الله»، و «الله اکبر» بگو و جامع همه اذکار این است که بگویی: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا».

پس هنگامی که به حرم وارد شدی و به نزدیک مرقد مطهر رفتی، بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُكَ فَأَرِدُنِي وَإِنِّي أَقْبَلْتُ إِلَيْكَ بِوَجْهِهِ فَلَا تُعْرِضْ بَوَجْهِكَ عَنِّي وَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ فَتَقَبَّلْ مِنِّي وَإِن كُنْتُ عَلَيَّ سَاحِطًا فَارْضُ عَنِّي وَإِن كُنْتُ لِي مَاقِنًا فَتُبَّ عَلَيَّ، اِرْحَمْ مَسِيرِي إِلَى وَصِيِّ رَسُولِكَ؛ أَبْتَغِي بِذَلِكَ رِضَاكَ عَنِّي فَلَا تُخَيِّبْنِي»^۱ «خدایا! همانا من تو را اراده کرده‌ام پس تو هم مرا اراده کن و من به تو روی آورده‌ام پس از من روی برمگردان و من تو را قصد کرده‌ام پس از من قبول فرما و اگر بر من خشمگینی، از من راضی شو و اگر بر من غضبناکی، توبه‌ام را بپذیر. به سبب رفتن من به سوی جانشین رسولت، به من رحم کن. از این کار، به دنبال آنم که رضایت تو را جلب کنم. پس مرا مأیوس مساز».

چنان‌که پیداست، در این زیارتنامه‌ها، زیارت اهل بیت علیهم السلام با ذکر و تسبیح و تقدیس خداوند آغاز می‌شود و تا زمان حضور در حرم ایشان و زیارت آن بزرگواران ادامه می‌یابد. همه اینها می‌تواند این پیام را به زائر بدهد که باید همواره و در همه حال، حتی

هنگام زیارت بهترین بندگان خدا، از ذکر و یاد پروردگار غافل نشویم و هدف نهایی مان را قرب به خداوند قرار دهیم.

۳. ابراز خضوع و خشوع در مقابل پروردگار

یکی از ویژگی‌های انسان‌های مؤمن، خضوع و خشوع در برابر پروردگار عالمیان است. هرچند خضوع و خشوع، هر دو به معنای تواضع‌اند، اما تفاوت ظریفی با هم دارند؛ به این صورت که خضوع به فروتنی بدن و اعضا و جوارح گفته می‌شود. اما خشوع، عمدتاً به فروتنی قلب اطلاق می‌شود؛ هرچند معمولاً خشوع قلب، به افتادگی و فروتنی بدن نیز منجر می‌گردد.^۱

به همین علت، برخی معتقدند «خشوع»، به معنای حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر حقیقت مهم یا شخص بزرگی، به انسان دست می‌دهد؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾
(حدید: ۱۶)

آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های کسانی که ایمان آورده‌اند، در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است، خاشع گردد؟! و همانند کسانی نباشند که در گذشته به آنها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلب‌هایشان [بر اثر فراموشکاری] قساوت یافت و بسیاری از آنها گنهکارند.

روشن است که یاد خداوند اگر در عمق جان قرار گیرد و همچنین اگر در آیاتی که بر پیامبر ﷺ نازل شده است به درستی تدبر شود، مایه خشوع می‌گردد. ولی قرآن در

۱. لسان العرب، ج ۸، ص ۷۱.

۲. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۳، ص ۳۴۱.

اینجا، گروهی از مؤمنان را سخت سرزنش می‌کند که چرا در برابر این امور خاشع نمی‌شوند؟! چرا همچون بسیاری از امت‌های پیشین، گرفتار غفلت و بی‌خبری شده‌اند؟! همان غفلتی که نتیجه‌اش قساوت دل و فسق و گناه است!

آیا تنها ادعای ایمان کردن و از کنار این مسائل مهم، به سادگی گذشتن و در ناز و نعمت زیستن و پیوسته مشغول عیش و نوش بودن، با ایمان سازگار است؟! امام علی علیه السلام فرمود: «لِيَخْشَعَنَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ قَلْبُكَ فَمَنْ خَشَعَ قَلْبُهُ خَشَعَتْ جَمِيعُ جَوَارِحِهِ»؛ «باید قلب تو برای خداوند متعال خاشع باشد. پس کسی که قلبش خاشع باشد، همه اعضای او خاشع خواهد بود».

نگاهی به زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام آدمی را با مطالب زیادی درباره خضوع و خشوع در برابر پروردگار روبه‌رو می‌کند؛ برای مثال، در صلوات بر امام موسی بن جعفر علیه السلام، از ایشان به دلیل برخورداری از خضوع و خشوع، تمجید گردیده است:

اللَّهُمَّ وَكَمَا صَبَرَ عَلَى غَيْظِ الْمِحْنِ وَتَجَرَّعَ فِيكَ غُصَصَ الْكُرْبِ وَاسْتَسَلَّمَ لِرِضَاكَ وَ
أَخْلَصَ الطَّاعَةَ لَكَ وَمَحَضَ الْخُشُوعَ وَاسْتَشَعَرَ الْخُضُوعَ ... صَلَّى عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً
مُتَيْفَةً زَاكِيَةً.^۳

خدا یا! همان‌طور که امام موسی بن جعفر علیه السلام بر خشم برخاسته از تحمل سختی‌ها صبر کرد و غصه‌های سرچشمه گرفته از مصیبت‌ها را جرعه جرعه نوشید و تسلیم رضای تو بود و در راه اطاعت تو اخلاص ورزید و نهایت خشوع را در پیشگاه تو بجای آورد و خضوع را در قلب خود جای داد... بر او درود فرست؛ درودی فزاینده و بلندمرتبه و پاکیزه.

همچنین در برخی از دعاهای پس از زیارتنامه‌ها، زائر از خداوند می‌خواهد که خضوع و خشوع را روزی او گرداند؛ برای مثال، در دعا کنار مرقد امیرمؤمنان علیه السلام پس از نماز، چنین آمده است:

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۴۱.

۲. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، ص ۶۷.

۳. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۷.

اللَّهُمَّ... وَاجْعَلْنَا عَظَمَاءَ عِنْدَكَ وَفِي أَنْفُسِنَا أَذِلَّةً... أَعُوذُ بِكَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَحْشَعُ وَ [مِنْ] عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ.^۱

خدایا!... ما را نزد خودت، بزرگ و درون خودمان، ذلیل گردان... به تو پناه می‌برم از قلبی که خاشع نگردد و از چشمی که اشک نریزد.

همچنین در دعا پس از نماز زیارت امام علی علیه السلام می‌گوییم:

أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمٌ... وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُوكَ رَغْبًا وَ رَهْبًا وَ تَجْعَلَنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ.^۲

از تو درخواست می‌کنم ای الله و بخشاینده و مهربان! ... که مرا از کسانی قرار دهی که در انجام‌دادن کارهای خیر سبقت می‌جویند و با میل و رغبت و از روی بیم و ترس، تو را می‌خوانند و مرا از خاشعان قرار دهی.

همچنین در نحوه زیارت امام حسین علیه السلام، از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است:

... سپس در آب فرات غسل کن... پس از غسل در آب فرات، دو لباس پاکیزه بر تن کن و دو رکعت نماز بخوان... سپس به آرامش و وقار و گام‌هایی کوتاه، با دلی خاشع و دیده‌ای گریان، به سوی حرم امام حسین علیه السلام روانه شو و بسیار تکبیر، تهلیل و ثنا بر خدای متعال بگو و صلوات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بر حسین علیه السلام بفرست.^۳

همچنین نماز زیارت، سجده پس از نماز و دعاهاى وارد شده در سجده، همگی زائر را به تمرین عملی خضوع و خشوع در برابر پروردگار فرا می‌خواند؛ چنان‌که در زیارت امام جواد علیه السلام آمده است که پس از زیارت، دو رکعت نماز بگزار، سپس به

۱. المزار، ص ۵۴.

۲. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۸۱.

۳. «ثُمَّ اغْتَسِلْ مِنَ الْفَرَاتِ... فَإِذَا قَرَعْتَ مِنْ غُشْلِكَ فَالْبَسْ ثَوْبَيْنِ طَاهِرَيْنِ وَ صَلِّ رُكْعَتَيْنِ... فَإِذَا قَرَعْتَ مِنْ صَلَاتِكَ فَتَوَجَّهْ تَحْوِ الْحَائِرِ وَ عَلَيكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ وَ قَصِّرْ حُطَاكَ... وَ مِرَّ حَاشِعًا قَلْبُكَ بِاِكْتِيَةِ عَيْنِكَ وَ أَكْثِرْ مِنَ التَّكْبِيرِ وَ التَّهْلِيلِ وَ الشَّاءِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ الصَّلَاةِ عَلَى الْحُسَيْنِ خَاصَّةً». مصباح المتجهد، ص ۷۱۹.

سجده برو و بگو: «ارْحَمَ مَنْ أَسَاءَ وَ اَقْتَرَفَ وَ اسْتَكَانَ وَ اعْتَرَفَ»؛ «[خدایا] رحم کن به کسی که بد کرده و مرتکب جرم شده و به بیچارگی افتاده است و به گناه خود اعتراف دارد».

سپس جانب راست صورت را بر مهر بگذار و بگو: «إِنْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ فَأَنْتَ نِعْمَ الرَّبُّ»؛ «اگر من بنده بدی‌ام، تو پروردگار خوبی هستی». سپس جانب چپ صورت را بر مهر بگذار و بگو: «عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوُ مِنْ عَبْدِكَ يَا كَرِيمٌ»؛ «گناه بنده‌ات بزرگ است. پس عفو از جانب تو نیکوست، ای کریم!».

۴. مناجات با خداوند

آدمی نیازهای گوناگونی دارد؛ هوا، آب، غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت و امنیت از نیازهای ضروری است که برخورداری از یک زندگی طبیعی، سالم و انسانی بدون آنها فراهم نخواهد شد. اما رشد و پیشرفت معنوی و رسیدن به اهداف عالی انسانی، در گرو برآورده شدن نیازهایی از نوع دیگر است.

در جهان کم نیستند کسانی که در زمینه نیازهای مادی در استغنا کامل به سر می‌برند. اما نه خنده شادی دارند و نه دلی آرام. لبخند به ظاهر شادشان، تلخ‌تر از زهر و قلب به ظاهر سالمشان، بیمارتر از عضوهای بیمار دردمندان است. مدام در رنج‌اند و پیوسته در اندوه و لحظه‌ای از این جهنم سوزان و غم جانکاه که روح و روان آنان را می‌آزارد، احساس خلاصی نمی‌کنند.

شگفت‌آور آن است که آنان، داروی شفابخش این دردهای آزاردهنده را چون زهر کشنده پنداشته و از آن گریزان‌اند. بی‌تردید طریقی که آرامش را به ما هدیه می‌کند، ما را با دوست آشنا می‌سازد، مسیر تکامل را به ما می‌نمایاند و ما را در رسیدن به سرمنزل مقصود همراهی می‌کند، نیایش و راز و نیاز به درگاه خداوند است. نیایش، مظهر

دوست داشتن، عشق ورزیدن و تجلی پرستش است و آینه‌ای است برای آنکه انسان خود را در آن، مرهون آفریدگار خویش ببیند و خویشتن را از اربکه غرور و خودپسندی که سرچشمه همه زشتی‌ها، پلیدی‌ها و نقص‌هاست، به زیر کشد و در برابر آفریننده جهان و خالق انسان و خدای مهربان، خضوع و خشوع نماید.

مناجات و راز و نیاز با خدا، از لذت‌بخش‌ترین حالات هر انسان است؛ به طوری‌که در آن حالت، پرده‌های میان خود و معبود را کنار می‌بیند و خود را آزاد از قید و بندهای زندگی دنیوی احساس می‌کند؛ دلش شیفته خالق بی‌همتا می‌گردد و در آن شور و حال، فقط خدا را می‌خواهد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام: يَا دَاوُدُ بِي فَافْرَحْ وَبِذِكْرِي فَتَلَذَّذْ وَبِمُنَاجَايَ فَتَنَعَمْ.^۱

خداوند به داوود چنین وحی فرستاد: «ای داوود! با من شاد باش و با یاد من لذت ببر و از طریق مناجات با من، برخوردار از نعمت باش».

زائر کوی اهل بیت علیهم السلام، با قدم گذاشتن در بارگاه آن بزرگواران، خود را متصل به بارگاه ربوبی می‌بیند و از دنیا و آرزوهایش دل می‌کند و در عالمی دیگر سیر می‌نماید. از این رو، در ضمن زیارت آن پیشوایان بزرگ یا پس از آن، به راز و نیاز با خالق عالمیان مشغول می‌شود و با او مناجات می‌کند. او در عین حال که به زیارت مشغول است، خداوند را در نظر دارد و در واقع، زیارت و مناجات را با یکدیگر پیوند می‌زند.

از این رو در فرازهای بسیاری از زیارتنامه‌ها، عباراتی است که در آنها، زائر تمام توجه خود را به سوی خداوند برمی‌گرداند و با خدای خود صحبت می‌کند. در اینجا به مواردی از این عبارات توجه می‌کنیم:

در زیارت امین‌الله می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّةُ وَ سُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ وَأَعْلَامُ الْقاصِدِينَ إِلَيْكَ
وَاضِحَةٌ وَأَفئِدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَارِعَةٌ وَأَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَأَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهُمْ
مُفْتَحَةٌ وَدَعْوَةٌ مِنْ نَاجِكَ مُسْتَجَابَةٌ وَتَوْبَةٌ مِنْ أَنَابِ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَعَبْرَةٌ مَنْ بَكَى مِنْ
خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْإِعَانَةُ لِمَنِ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَالْإِعَانَةُ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُودَةٌ.^۱

همچنین در دعای پس از نماز زیارت امام علی (ع) چنین آمده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَرَائِكَ مُتَّقِرٌ بِإِلَيْكَ بِزِيَارَةِ أَخِي رَسُولِكَ وَعَلَى كُلِّ مَائِيٍّ وَمَرْوِرٍ حَقٌّ
لِمَنْ آتَاهُ وَزَارَهُ وَأَنْتَ خَيْرُ مَائِيٍّ وَأَكْرَمُ مَرْوِرٍ فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمًا يَا جَوَادًا يَا
مَاجِدًا يَا أَحَدًا يَا صَمَدًا يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَلَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا
وَلَدًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ مُحَمَّدًا مُحَمَّدًا وَإِيَّايَ مِنْ زِيَارَتِي أَخَا رَسُولِكَ فَكَأَنَّكَ
رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُوكَ رَهْبًا وَرَغْبًا وَتَجْعَلَ لِي
مِنَ الْخَاشِعِينَ.^۲

۱. «خدایا دل‌های خاضعان، سرگردان توست و راه‌های مشتاقان به درگاهت نمایان است و نشانه‌های قاصدان کویت
پیداست و دل‌های عارفان از تو هراسان است و صدای خوانندگان به جانب تو بلند است و درهای اجابت به
رویشان گشوده و دعای آن که با تو مناجات کرد، مستجاب است و توبه کسی که به سوی تو بازگشت، پذیرفته
است و اشک کسی که از ترس تو گریه کرد، مورد رحم است و فریاد کسی که به تو استغاثه کند، آماده
است و کمک برای کسی که از تو کمک خواست، مهیا است». المزار الکبیر، ص ۲۸۴.

۲. «خدایا من بنده و زائر توام با زیارت برادر رسولت به تو تقرب می‌جویم و هرکس به نزد دیگری بیاید و او را
زیارت کند، حقی به گردن او دارد. خدایا! تو بهترین کسی هستی که دیگران به نزد او می‌آیند و کریم‌ترین کسی
هستی که او را زیارت می‌کنند. پس ای الله! ای بخشاینده! ای مهربان! ای بخشنده! ای بزرگوار! ای یگانه و ای غنی
بالذات! ای کسی که نزاده و زاده نشده و هیچ همانندی ندارد و همسر و فرزندی اتخاذ نکرده است! از تو می‌خواهم
که بر محمد و آل محمد درود فرستی و تحفه‌ات به من از زیارت برادر رسولت را آزادام از آتش دوزخ قرار دهی
و مرا از کسانی قرار دهی که در انجام دادن نیکی‌ها سبقت می‌جویند و تو را از روی ترس و رغبت می‌خوانند و مرا
از خاشعان مقابل خودت قرار دهی». المزار، ص ۱۰۹.

۵. گریه در پیشگاه خداوند

یکی از رفتارهای عاطفی انسان گریه است. هرچند درباره گریه مباحث متعددی، مانند منشأ گریه، اثرات مثبت و منفی گریه و گریه‌های خوب و بد، مطرح است، اما متناسب با بحث، باید بدانیم که گریه انواع مختلفی دارد؛ مانند گریه خوف، گریه شوق، گریه غم و اندوه و گریه فراق که می‌توانند با توجه به متعلقشان، مثبت یا منفی تلقی شوند. در این میان، آنچه در روایات گریه برای آنها سفارش شده است، عمدتاً سه گونه می‌باشد:

الف) گریه از روی ترس از گناهان

مؤمنان همواره به دلیل گناهایی که گاهی از ایشان سر زده است، هراسناک‌اند و تلاش می‌کنند با گریه و انابه، از گناهی که مرتکب شده‌اند، ابراز پشیمانی و توبه نمایند. چنین گریه‌ای نزد خداوند، بسیار ارزشمند است و به آن نیز بسیار سفارش و تشویق شده است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

طُوبَى لِمَنْ نَظَرَ اللهُ إِلَيْهَا تَبْكِي عَلَى ذَنْبٍ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَى ذَلِكَ الذَّنْبِ أَحَدٌ غَيْرِ اللهِ.^۱

خوشا به حال صورتی که خداوند او را بنگرد؛ درحالی که می‌گرید بر گناهی که غیر از خداوند، هیچ‌کس بر آن آگاه نیست.

ب) گریه از روی شوق

برخی از بندگان خاص خداوند، نه از روی ترس، بلکه از روی شوق به لقای پروردگار، همواره گریان‌اند. این نوع گریه، از بهترین انواع گریه است که به آن سفارش نیز شده است؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا * وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِن كَان وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا * وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾

(اسراء: ۱۰۷ - ۱۰۹)

کسانی که پیش از آن، به آنها دانش داده شده، هنگامی که [این آیات] بر آنان خوانده می‌شود، سجده کنان به خاک می‌افتند و می‌گویند: «منزه است پروردگار ما که وعده‌هایش به یقین انجام شدنی است!» آنها [بی‌اختیار] به خاک می‌افتند و گریه می‌کنند و [این آیات، همواره] بر خشوعشان می‌افزاید.

ج) گریه در رثای اهل بیت علیهم‌السلام

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، مصیبت‌های بسیاری را در راه اعتلای کلمه حق و هدایت انسان‌ها متحمل شدند و حتی جان شیرین خود را نیز در این راه فدا نمودند. بی‌تردید محبت اهل بیت علیهم‌السلام، باعث می‌شود مؤمنان با شنیدن مصائب ایشان، دچار غم و اندوه گردند و بی‌اختیار اشک از دیدگان‌شان سرازیر گردد. این گریه نیز بسیار ارزشمند است؛ به طوری که در روایات امامان معصوم علیهم‌السلام، سفارش فراوانی به آن شده است؛ به ویژه در مصیبت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام.

مطابق روایات، این گریه، آمرزش گناهان، استجاب دعاها و برآورده شدن حاجات و نزدیکی به خداوند و ورود به بهشت برین را به دنبال دارد؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مَنْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَقَاصَتْ عَيْنَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَى النَّارِ!»؛ «کسی که نزد او، ما را یاد کنند و اشک از چشمانش جاری شود، خداوند صورت او را بر آتش حرام می‌گرداند».

گریه در زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام نیز مورد توجه قرار گرفته است. زائر در برخی از زیارتنامه‌ها، از خداوند می‌خواهد که به او توفیق گریه در راه اطاعت او عطا فرماید و در برخی دیگر، فرد با حال گریه به زیارت می‌پردازد و گریان بودن خود را متذکر می‌شود؛ باشد که مورد رحمت قرار گیرد. در اینجا به برخی از این متون توجه می‌کنیم:

در زیارت امین‌الله می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنَّ ... عَبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ»^۱؛ «خدا یا! ... اشک کسی که از بیم تو بگرید، مورد رحم و مهر است».

زائران امام حسین علیه السلام نیز هنگام زیارت آن حضرت، چنین می‌گویند:

يَا سَيِّدِي أَتَيْتُكَ زَائِرًا مُوقِرًا بِالذُّنُوبِ أَتَقَرَّبُ إِلَى رَبِّي بِوُفُودِي إِلَيْكَ وَبُكَائِي عَلَيْكَ وَ
عَوِيلِي وَحَسْرَتِي وَ أَسْفِي وَبُكَائِي وَ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي رَجَاءً أَنْ تَكُونَ لِي حِجَابًا وَ سَنَدًا
وَ كَهْفًا وَ جِرْزًا وَ شَافِعًا وَ وَقَايَةً مِنَ النَّارِ عَدًّا.^۲

ای آقای من! به زیارت تو آمده‌ام؛ درحالی که به گناهان خودم اقرار دارم و با ورودم به آستان حضرتت و گریه‌ام بر تو و نیز با ناله و حسرت و تأسف و گریه بر آنچه از آن بر خودم می‌ترسم، به پروردگارم تقرب می‌جویم به این امید که برای من در فردای قیامت، حجاب و مورد اعتماد و پناه و پناهگاه و شفیع و مانع از آتش دوزخ گردی.

۱. المزار، ص ۱۱۵.

۲. کامل‌الزیارات، ص ۲۴۱.

فصل ششم: دعا و عرض نیاز به درگاه خداوند زیارتنامه‌ها

مقدمه

از جمله عوامل مؤثر در تهذیب نفس، صفای باطن و رسیدن به کمال و قرب حق، دعا و نیایش به درگاه خدای سبحان است. دعا و نیایش، پیوند انسان را با خدای یکتا، برقرار می‌نماید و موجب پرواز روح به سوی ملکوت و فضای معطر معنوی و عرفانی می‌شود. از این رو در فرهنگ اسلامی، از جایگاه و منزلت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است.

خدای سبحان می‌فرماید:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ (غافر: ۶۰)

پروردگار شما گفته است: «مرا بخوانید تا [دعای] شما را اجابت کنم. به یقین کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند، به زودی، با ذلت وارد دوزخ می‌شوند».

از این آیه چند نکته استفاده می‌شود:

۱. دعا کردن، محبوب الهی و خواست خود اوست.
۲. بعد از دعا، وعده اجابت داده شده است. ولی می‌دانیم این وعده‌ای مشروط است؛ نه

مطلق. دعایی نیز به اجابت می‌رسد که شرایط لازم در دعا و دعاکننده و مطلبی که مورد تقاضا می‌باشد، در آن جمع باشد؛ شرایطی از قبیل توبه و خودسازی، پاکی زندگی و غذا از حرام، مبارزه با فساد و دعوت به سوی حق و تلاش عملی در رسیدن به خواسته.

۳. خود دعا، عبادت است؛ زیرا در ذیل آیه، واژه عبادت بر آن اطلاق شده است. همچنین خداوند در آیه، کسانی را که از دعا کردن ابا دارند و تکبر می‌ورزند، به ذلت و خواری، تهدید می‌کند.^۱

در احادیث نیز به مسئله دعا، بسیار تأکید شده است؛ برای نمونه، رسول خدا ﷺ فرمود:

أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يَنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ يُدْرُ أَرْزَاقَكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ
تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ.^۲

آیا شما را به سلاحی راهنمایی نکنم که شما را از دشمنانتان نجات دهد و روزیتان را فراوان بر شما فرو ریزد؟! مردم گفتند: «بله ای رسول خدا!» حضرت فرمود: «پروردگارتان را شب و روز بخوانید [و به درگاه او دعا کنید]؛ همانا سلاح مؤمن، دعاست.

می‌توان دعاهای بندگان را به درگاه خدا به دو دسته کلی دعا برای حوائج دنیوی و دعا برای حوائج اخروی تقسیم کرد. در این فصل، به بیان این دو دسته و موارد آنها در زیارتنامه‌ها می‌پردازیم:

۱. دعا برای حوائج دنیوی

نکته مهم این است که دعا اختصاصی به مسائل اخروی یا بسیار مهم ندارد و مؤمنان می‌توانند و بلکه لازم است برای برآورده شدن حاجات دنیوی‌شان، هرچند کم‌ارزش باشند، به محضر پروردگار دعا کنند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۰، صص ۱۴۶ و ۱۴۷.

۲. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۲۹۴.

عَلَيْكُمْ بِالْدُعَاءِ فَإِنَّكُمْ لَا تَقْرَبُونَ إِلَى اللَّهِ بِمِثْلِهِ وَلَا تَتْرُكُوا صَغِيرَةً لِيَصْغُرَهَا أَنْ تَدْعُوا بِهَا
فَإِنَّ صَاحِبَ الصَّغَارِ هُوَ صَاحِبُ الْكِبَارِ.^۱

بر شما باد به دعا کردن؛ زیرا شما با هیچ چیز دیگری نمی‌توانید این گونه به خدا نزدیک شوید و دعا درباره هیچ امر کوچکی را به سبب کوچک بودن آن ترک نکنید؛ چراکه برآورنده خواسته‌های کوچک، همان برآورنده خواسته‌های بزرگ است.

در زیارتنامه‌ها نیز به دعا برای حوائج دنیوی اشاره شده است؛ برای مثال، در زیارت

ائمہ بقیع علیهم السلام آمده است:

... وَ تُصَلِّي لِكُلِّ إِمَامٍ رُكْعَتَيْنِ، وَ ادْعُ بِمَا تُحِبُّ، وَ اسْأَلُهُ الْحَوَائِجَ، فَإِنَّهُ مَوْضِعُ إِجَابَةٍ.^۲

پس از زیارت برای هر یک از چهار امام بقیع، دو رکعت نماز بجای آور و به آنچه دوست داری دعا کن و از خدا حوائج را درخواست کن؛ زیرا آنجا محل اجابت دعاهاست.

همانند مطلب یادشده، در موارد متعددی پس از زیارت و نماز زیارت، از زائر خواسته شده است که به آنچه می‌خواهد دعا کند.^۳ همچنین در متن زیارتنامه‌ها و به ویژه در دعا‌های پس از زیارتنامه‌ها، فrazهایی وجود دارد که زائر با خواندن آنها، خواسته‌های دنیوی خود را از قبیل روزی وسیع و حلال، رفع مشکلات و گرفتاری‌ها و برطرف شدن غم و اندوه و ترس، از خداوند متعال درخواست می‌کند. در اینجا به برخی از این دعاها توجه می‌کنیم:

در دعا پس از نماز زیارت امام علی علیه السلام می‌خوانیم:

... اللَّهُمَّ وَ أَوْجِبْ لِي مِنَ الرَّحْمَةِ ... وَ الْإِحْسَانَ وَ الرَّزْقِ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ مَا أَنْتَ
أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.^۴

۱. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۳.

۲. المزار الكبير، ص ۹۰.

۳. همانند زیارت امام موسی بن جعفر علیه السلام، المزار، ص ۱۹۱.

۴. المزار، ص ۱۱۰.

خدایا! واجب گردان برای من از رحمت... و احسان و رزق واسع حلال و پاک آنچه را خودت سزاوار آئی ای مهربان‌ترین مهربانان.

همچنین در دعای علقمه که پس از زیارت عاشورا خوانده می‌شود، این‌گونه آمده است: و کفایتم کن ای آنکه کفایت کنی آن کس را که جز تو کفایتش نکند؛ همانا تو کفایت کننده‌ای هستی که جز تو کفایت کننده‌ای نیست و گشایش دهنده‌ای هستی که جز تو گشایش دهنده‌ای نیست و فریادرسی هستی که جز تو فریادرسی نیست...

پس از تو درخواست می‌کنم ای الله و ای الله و ای الله به حق محمد و آل محمد، صلوات الله علیهم اجمعین، که بر محمد و آل محمد درود فرستی و غصه و اندوه و گرفتاری‌ام را در این جایگاهم برطرف سازی؛ همان‌طور که غصه و اندوه و گرفتاری را از پیامبر ﷺ برطرف کردی... و بر من گشایش ده؛ همان‌طور که بر او گشایش دادی و کفایتم کن؛ چنان که او را کفایت کردی و بگردان از من هراس آنچه را از آن می‌ترسم و هزینه آنچه را از هزینه آن می‌ترسم و اندوه آنچه را از اندوهش می‌ترسم؛ بی‌آنکه زحمتی از این ناحیه به من برسد و بازم بگردان با حاجات برآورده شده.^۱

در زیارت امام رضا علیه السلام نیز این‌گونه دعا می‌کنیم:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ مِنْ أَرْضِي، وَ قَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبْنِي وَلَا تَرُدَّنِي بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَوَائِجِي.^۲

خدایا! از وطنم آهنگ تو کردم و سرزمین‌ها را طی کردم به امید رحمت تو پس مرا مأیوس مگردان و بدون برآورده شدن حاجاتم، مرا باز مگردان.

۱. «أَوْخَفْنِي يَا كَافِي مَا لَا يَكْفِينِي سِوَاكَ فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا كَافِي سِوَاكَ وَ مُفْرَجٌ لَا مُفْرَجَ سِوَاكَ وَ مُغِيثٌ لَا مُغِيثَ سِوَاكَ... فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَ هَمِّي وَ كَرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا كَمَا كَشَفْتَ عَن نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ كَرْبَهُ... وَ فَرَّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنَّهُ وَ اكْفَيْنِي كَمَا كَفَيْتَهُ [وَ اضْرِفْ عَنِّي] هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ وَ مَثُونَةَ مَا أَخَافُ مَثُونَتَهُ وَ هَمَّ مَا أَخَافُ هَمَّهُ بِلَا مَثُونَةَ عَلَيَّ نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ وَ اضْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي». المصباح، كنعمی (جنة الأمان الواقية)، ص ۴۸۷.

۲. المزار الكبير، ص ۶۵۲.

همچنین در دعا پس از نماز زیارت امام هادی علیه السلام می‌خوانیم:

وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّهِمْ لَمَّا اسْتَجَبْتَ لِي دَعْوَتِي وَ قَضَيْتَ حَاجَتِي وَ أَعْطَيْتَنِي سُؤْلِي وَ أُمْنِيَّتِي وَ كَفَيْتَنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا نُورَ يَا بُرْهَانَ يَا مُنِيرًا يَا مُبِينًا يَا رَبَّ اكْفِنِي شَرَّ الشُّرُورِ وَ آفَاتِ الدُّهُورِ.^۱

[خدایا] به حق اهل بیت علیهم السلام از تو درخواست می‌کنم که دعایم را به اجابت برسانی و حاجتم را برآوری و خواسته‌ام را به من عطا کنی و کارهای مهم مربوط به دنیا و آخرت را کفایت کنی ای مهربان‌ترین مهربانان! ای نور! ای دلیل! ای روشنی‌بخش! ای آشکارکننده حق! پروردگارا مرا از شرّ هر شرّی و از آفت‌های روزگار در امان بدار.

سخن در این باره را با حدیث گرانقدری از امام باقر علیه السلام به پایان می‌بریم که فرمود:

لَا تُحَقِّرُوا صَغِيرًا مِنْ حَوَائِجِكُمْ فَإِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَسْأَلُهُمْ.^۲

هیچ حاجت کوچکی را که برآورده شدن آن را از خدا درخواست می‌کنید، ناچیز نشمارید؛ زیرا محبوب‌ترین مؤمنان نزد خداوند، آن بنده‌ای است که از خدا بیشتر درخواست می‌کند.

۲. دعا برای حوائج اخروی

همان‌طور که گفتیم، بیان حاجات در محضر اهل بیت علیهم السلام، اعم از حاجات دنیوی و اخروی، بسیار مطلوب است؛ به طوری که حتی در زیارتنامه‌های ایشان نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان‌که در زیارت سرداب مقدس می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَصْحَابِ الْحَقِّ وَ قَادَةِ الْخَلْقِ وَ اسْتَجِبْ مِنِّي مَا دَعَوْتُكَ وَ أَعْطِنِي مَا لَمْ أَنْطِقْ بِهِ فِي دُعَائِي مِنْ صَلَاحِ دِينِي وَ دُنْيَايَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.^۳

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ همانانی که یاران حق و رهبران مردمانند و آنچه را

۱. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۶۶.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۳۱۸.

۳. المنزار الكبير، ص ۶۵۹.

از تو درخواست کردم، مستجاب فرما و آنچه را به صلاح دین و دنیای من است و در دعایم از تو نخواستم، به من عطا فرما؛ همانا تو ستوده و بزرگواری.

با این حال، میان خواسته‌هایی که آدمیان می‌توانند از خداوند داشته باشند، خواسته‌های معنوی و اخروی، از اهمیت بسیار بیشتری نسبت به خواسته‌های دنیوی برخوردارند. در روایات نیز سفارش شده است که دعاکننده، در بیان درخواست‌های خود، بلندهمت باشد و اموری را از خدا طلب کند که سعادت او را در دنیای دیگر تأمین کند.

امام علی علیه السلام در وصایای خود به امام حسن علیه السلام فرمود:

وَلْتَكُنْ مَسْأَلَتَكَ فِيمَا يَعْشُرُكَ بِمَا يَنْتَقِي لَكَ جَمَالَهُ وَيُنْفِي عَنْكَ وَيَالَهُ وَالْمَالُ لَا يَنْتَقِي لَكَ وَلَا تَنْتَقِي لَهُ.^۱

باید چیزی [از خدا] بخواهی که جمال [و سود و نیکی و خوشنامی] آن برای تو باقی بماند و وبال آن، تو را نگیرد؛ اما مال، نه آن برای تو می‌ماند و نه تو برای آن.

در زیارتنامه‌ها و به ویژه در ادعیه مخصوص پس از زیارتنامه‌ها، عبارت‌های جذاب، اثرگذار و بسیار پرمعنایی وجود دارد که بیان‌کننده حاجت‌های غیرمادی زائران می‌باشد. می‌توان این دعاها را به سه دسته تقسیم کرد:

- دعا‌های مربوط به رابطه زائر با خدا؛

- دعای زائر برای والدین و مؤمنان؛

- دعا‌های مربوط به رابطه زائر با اهل بیت علیهم السلام.

در ادامه، به هریک از آنها اشاره‌ای می‌نماییم:

الف) دعا‌های مربوط به رابطه زائر با خداوند

یک - آمرزش گناهان

در آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار علیهم السلام به استغفار و طلب آمرزش گناهان، سفارش اکید شده است. قرآن کریم در موارد متعددی با تعبیر ﴿اسْتَغْفِرُوا﴾^۲ به مسلمانان

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۰۵.

۲. بقره: ۱۶۹؛ هود: ۳، ۵۲ و ۹۰؛ نوح: ۱۰؛ مزمل: ۲۰.

دستور می‌دهد از گناهان خود طلب آمرزش کنند. همچنین از کسانی که از عمل ناپسند خود استغفار می‌کنند، ستایش می‌کند؛ برای مثال، خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (نساء: ۱۱۰)

هر کس کار بدی انجام دهد یا به خود ستم کند، سپس از خداوند طلب آمرزش نماید، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام نیز مردم را به استغفار سفارش می‌کردند و اثرات مثبت آن را بر سرنوشت دنیوی و اخروی آنان بیان می‌داشتند؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام فرمود: «إِذَا أَكْثَرَ الْعَبْدُ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ رُفِعَتْ صَحِيفَتُهُ وَ هِيَ تَتَلَأَلَأُ»^۱؛ «هنگامی که بنده زیاد استغفار می‌کند، صحیفه اعمالش درحالی که می‌درخشد، بالا می‌رود».

به دلیل اهمیت استغفار است که می‌بینیم در موارد متعددی از زیارتنامه‌ها نیز به استغفار و طلب آمرزش گناهان اشاره شده است. زائر اهل بیت علیهم‌السلام که خود را متصل به الطاف ربوبی در آستان مقدس امامان معصوم علیهم‌السلام می‌بیند با التجا به درگاه خداوند، آمرزش گناهان را از او درخواست می‌کند. در اینجا به برخی از این موارد در زیارتنامه‌ها توجه می‌کنیم.

در زیارت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین آمده است:

فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعِزَّتِهِ وَقَبْرِهِ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ وَحَرَمِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ جُرْمِي...^۲

خدایا! به حق محمد و خاندان او و به حق قبر و حرم پاک و مبارکش، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و خطاهای گذشته‌ام را ببخشایی.

در زیارت عاشورا نیز می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتُ وَ

۱. الکافی، ج ۳، ص ۵۰۴.

۲. المزار الکبیر، ص ۷۳.

رَحْمَةً وَ مَغْفِرَةً^۱؛ «خدایا! مرا در این جایگاهم از کسانی قرار بده که درودها و رحمت و آمرزش تو به ایشان می‌رسد».

در زیارت امام موسی بن جعفر علیه السلام آمده است:

پس از نماز زیارت...، جانب چپ صورت را بر مهر بگذار و بگو: «...اللَّهُمَّ قَدْ أَحْصَيْتَ ذُنُوبِي فَيَحِقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْهَا»^۲؛ «خدایا! گناهان مرا برشمردی، پس به حق محمد و آل محمد بر محمد و آل محمد درود فرست و گناهان مرا ببخشا».

در زیارت امام جواد علیه السلام نیز چنین آمده است:

پس از خواندن نماز زیارت به سجده برو و بگو: «ارْحَمْ مَنْ أَسَاءَ وَ اقْتَرَفَ وَ اسْتَكْبَانَ وَ اعْتَرَفَ»؛ «رحم کن به آنکه بد کرده و مرتکب جرم شده و به بیچارگی افتاده است و اعتراف دارد».

سپس جانب راست صورت را بر مهر بگذار و بگو: «إِنْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ فَأَنْتَ نِعْمَ الرَّبُّ»؛ «اگر من بنده بدی هستم، تو پروردگار خوبی هستی».

سپس جانب چپ صورت را بر مهر بگذار و بگو: «عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ»^۳؛ «گناه بنده‌ات عظیم است. پس باید بخشایش از جانب تو نیکو باشد».

دو - مصونیت از گناه

درست است که آمرزش گناهان با استغفار، باعث پاک شدن آدمی می‌گردد، اما اگر آدمی همچنان به گناه کردن ادامه دهد، دوباره وضعیت سابق برای وی به وجود خواهد آمد. از این رو، لازم است آدمی تمام تلاش خود را صرف اجتناب از گناه کند. براساس روایات، اجتناب از گناهان، اهمیت بیشتری نسبت به انجام دادن اعمال نیک

۱. کامل الزیارات، ص ۱۷۸.

۲. المزار، ص ۱۹۱.

۳. همان، ص ۱۹۳.

دارد؛ چنان‌که امام علی علیه السلام فرمود: «اجْتَنَابُ السَّيِّئَاتِ أَوْلَىٰ مِنْ اِكْتِسَابِ الْحُسَنَاتِ»؛ «دوری گزیدن از گناهان، بهتر از انجام‌دادن کارهای خیر است».

با توجه به اهمیت اجتناب از گناهان، این مسئله در برخی از زیارتنامه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در این زیارتنامه‌ها، زائر با پناه بردن به پروردگار عالم، از او می‌خواهد که وی را از گناه مصون دارد؛ برای مثال، در زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

... فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعِزَّتِهِ، وَ قَبْرِهِ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ وَ حَرَمِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
وَ أَنْ تُعْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ جُرْمِي وَ تَعْصِمَنِي مِنَ الْمَعَاصِي فِي مُسْتَقْبَلِ عُمْرِي وَ تُثَبِّتَ عَلَيَّ
الْإِيمَانَ قَلْبِي.^۲

خدایا! به حق محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او و به حق قبر و حرم پاک و مبارکش، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و خطاهای گذشته‌ام را ببخشایی و مرا در ادامه عمرم، از گناهان حفظ کنی و قلبم را بر ایمان تثبیت نمایی.

همچنین زائر امام جواد علیه السلام در دعا پس از نماز زیارت می‌گوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... ثُمَّ تَصَدَّقْ عَلَيَّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِرَحْمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ تُهْدِيءُ
بِهَا قَلْبِي... وَ تَعْصِمُنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي... وَ لَا تَكِلْنِي إِلَىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَ لَا
أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.^۳

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست... سپس در این ساعت، رحمت خودت را شامل حال من بگردان؛ به گونه‌ای که قلبم را با آن آرامش دهی... و مرا در بقیه عمرم از گناه مصون سازی... و به اندازه یک چشم بر هم زدن و کمتر یا بیشتر از آن، مرا به خودم وامگذار؛ ای پروردگار جهانیان.

۱. شرح غرر الحکم و درر الکلم، آقا جمال خوانساری، ج ۱، ص ۳۹۳.

۲. المزار الکبیر، ص ۷۳.

۳. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۲.

سه- نجات در روز قیامت و ورود به بهشت

از دعاهای بسیار مهم که باید همواره مورد توجه مؤمنان باشد، دعا برای رهایی از آتش دوزخ و ورود به بهشت برین است. هرچند این امر در سایه اعتقادات صحیح و عمل صالح امکان‌پذیر است، ولی دعا برای آن نیز ما را برای حرکت در مسیر نجات و رهایی از دوزخ کمک می‌کند. در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿...فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ﴾؛ «و هر کس از آتش [دوزخ] دور شده و به بهشت وارد شود، نجات یافته و رستگار شده است» (آل عمران: ۱۸۵).

در برخی از زیارتنامه‌ها نیز عباراتی وجود دارد که زائر با خواندن آنها، از خدای بزرگ می‌خواهد که او را جزو نجات‌یافتگان قرار دهد و در روز قیامت، او را وارد بهشت گرداند؛ برای مثال، در دعای پس از نماز زیارت امام جواد علیه السلام می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ... ثُمَّ تَصَدَّقْ عَلَيَّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِرَحْمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ تُهْدِيءُ
بِهَا قَلْبِي... وَتُخَيِّرْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ وَتَجْعَلْ لِي ثَوَابَهُ الْجَنَّةِ.^۱

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست... سپس در این ساعت، مرا مشمول رحمت خود بگردان؛ به گونه‌ای که قلبم را با آن آرامش دهی... و عملم را با نیکوترین آن، به پایانبری و ثواب آن را بهشت قرار دهی.

زائر کوی امام هادی علیه السلام نیز در دعا پس از نماز زیارت آن حضرت می‌خواند: «وَأَسْأَلُكَ النَّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ»^۲؛ «خدایا! از تو می‌خواهم که مرا در روز قیامت، نجات عنایت فرمایی».

چهار- درخواست شناخت حق و باطل

یکی از مسائل مهم در زندگی و مسیر بندگی، شناخت راه حق و هدایت و نیز آگاهی از راه باطل و خطاست. حق و باطل و هدایت و گمراهی، دو مقوله متضاد

۱. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۳.

۲. همان، ص ۶۶.

هستند که امکان جمع شدن آنها وجود ندارد. افراد یا در مدار حق و هدایت‌اند یا باطل و گمراهی. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ﴾؛ «پس بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟!» (یونس: ۳۲)

همه ما وظیفه داریم در مسیر حق و هدایت حرکت کنیم و از این مسیر منحرف نشویم. امام علی علیه السلام فرمود: «و خُضِرَ الْعَمْرَاتِ لِلْحَقِّ حَيْثُ كَانَ»؛ «برای رسیدن به حق، در دریای دشواری‌ها، هر جا [و هرگونه] باشد، غوطه‌ور شو».

نباید کمی هدایت‌یافتگان و پیروان حق و حقیقت، ما را در شناخت راه حق و بیمودن آن، به شک و تردید یا وحشت اندازد. حضرت علی علیه السلام فرمود: «لَا يُعْرِفُ الْحَقُّ بِالرِّجَالِ اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفْ أَهْلَهُ»؛ «حق با افراد شناخته نمی‌شود. بلکه حق را بشناس؛ تا اهل حق را هم بشناسی».

بنابراین یکی از دعاهای مهمی که لازم است هر فردی همواره بر آن مداومت داشته باشد، دعا برای شناخت حق و صراط مستقیم الهی است؛ تا در نهایت، خود را میان امنیت‌یافتگان و رستگاران ببیند. از این رو مسلمانان روزی دست‌کم ده بار در نمازهای واجب خود، آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^۳ را تکرار می‌کنند و از خداوند می‌خواهند که آنان را به راه راست هدایت فرماید.

همچنین در برخی از زیارتنامه‌ها، زائر از خداوند می‌خواهد که راه‌های حق و باطل را به او بنمایاند و او را در طی کردن مسیر حق یاری دهد؛ برای مثال، زائر مرقد مطهر امام جواد علیه السلام، در دعای پس از نماز زیارت آن حضرت می‌گوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارِنِي الْحَقَّ حَقًّا فَاتَّبِعْهُ وَالْبَاطِلَ بَاطِلًا فَاجْتَنِبْهُ وَلَا

۱. منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، خوئی، ج ۲۰، ص ۶.

۲. بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۱۲۶.

۳. فاتحه: ۶.

تَجْعَلُهُ عَلَيَّ مُتَشَابِهًا فَاتَّبِعْ هَوَايَ بِغَيْرِ هُدَىٰ مِنْكَ... وَ اِهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ
إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ^۱

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و حق را به من بنمایان تا از آن پیروی کنم و باطل را به من بنمایان تا از آن دوری کنم و آن را بر من متشابه و مبهم قرار مده که باعث شود بدون هدایت تو، از هوای نفسم تبعیت کنم... و مرا در آنچه مورد اختلاف واقع می‌شود، به اذن خودت هدایت کن؛ همانا تو هر کس را بخواهی، به راه مستقیم هدایت می‌کنی.

پنج- توفیق عمل صالح و سرعت در آن

عمل صالح یکی از سفارش‌های همیشگی قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است. قرآن کریم، مسلمانان را به انجام دادن رفتارهای نیک فرا می‌خواند و پاداش بزرگ اخروی را برای انجام‌دهندگان اعمال صالح وعده می‌دهد؛ برای مثال در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل: ۹۷)

هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی که مؤمن است، به طور مسلم، او را حیات پاکیزه‌ای می‌بخشیم و پاداش آنها را مطابق بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.

امام علی علیه‌السلام نیز فرمود:

عِبَادَ اللَّهِ الْآنَ فَاعْمَلُوا وَ الْأَلْسُنُ مُطْلَقَةٌ وَ الْأَبْدَانُ صَاحِحَةٌ وَ الْأَعْضَاءُ لَدُنَّةٌ وَ الْمُتَقَلَّبُ
فَسِيحٌ وَ الْمَجَالُ عَرِيضٌ قَبْلَ إِرْهَاقِ الْفُوتِ وَ حُلُولِ الْمَوْتِ.^۲

ای بندگان خدا! اکنون به عمل پردازید که زبان‌ها باز، بدن‌ها صحیح، اعضای بدن‌تان نرم می‌باشد و خشک نشده است و راه بازگشت، وسعت دارد و مجال، وسیع است؛ قبل از رسیدن زمان بازگشت و فرارسیدن مرگ.

۱. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۲.

۲. همان، ج ۷۰، ص ۱۳۴.

با وجود اهمیت انجام دادن عمل صالح، آنچه غالباً در جامعه مشاهده می‌شود این است که بسیاری از مردم، همه تلاش خود را در راه به دست آوردن مال و ثروت یا در راه رسیدن به پست و مقام یا سایر امور دنیوی خرج می‌کنند و در این راه در پی رقابت و پیشی گرفتن از یکدیگرند.

در مقابل، آموزه‌های دینی، مردم را دعوت می‌کند که رقابت و مسابقه را به سمت کارهای خیر و با ارزش سوق دهند و تلاش نمایند در کارهای خیر بر یکدیگر پیشی گیرند. عمل به این دستور الهی، نه تنها باعث می‌شود که کارهای خیر به انجام برسد، بلکه حس سبقت و پیشی گرفتن بر دیگران که در ذات انسان به ودیعه گذاشته شده است، رنگ و جهت الهی می‌گیرد و از هدر رفتن انرژی در موارد بی‌ارزش یا ضد ارزش جلوگیری می‌شود. آیات و روایات متعددی در این زمینه وجود دارد که به برخی از آنها توجه می‌کنیم:

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾؛ «در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوید» (بقره: ۱۴۸ و مائده: ۴۸).

امام علی علیه السلام نیز فرمود:

فَسَابِقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِلَىٰ مَنَازِلِكُمُ الَّتِي أُمِرْتُمْ أَنْ تَعْمُرُوهَا وَ الَّتِي رَغِبْتُمْ فِيهَا وَ دُعِيتُمْ إِلَيْهَا
وَ اسْتَبِقُوا نِعَمَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ عَلَىٰ طَاعَتِهِ وَ الْمَجَانِبَةِ لِعَعْصِيَّتِهِ.^۱

خداوند شما را رحمت کند! بشتابید به سوی منازلی که مأمورید آنها را آباد کنید و به آنها ترغیب و دعوت شده‌اید و با صبر و استقامت بر اطاعت فرمان خداوند و اجتناب از معصیت و نافرمانی، نعمت‌های او را بر خویش تمام گردانید.

به دلیل اهمیت عمل خیر و نیز سبقت در انجام دادن اعمال نیک است که می‌بینیم در زیارتنامه‌های امامان معصوم یا دعاهای پس از زیارتنامه‌ها، زائران برای توفیق در انجام دادن

۱. نهج البلاغة، خطبه ۱۸۸.

اعمال خیر و سبقت در آنها دعا می‌کنند. در اینجا به برخی از این فقرات توجه می‌کنیم:

در دعا پس از نماز زیارت علی علیه السلام آمده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ... فَأَسْأَلُكَ... وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ.^۱

خدایا! من بنده و زائر توام ... پس از تو درخواست می‌کنم... که مرا از کسانی قرار دهی که در کارهای خیر، بر یکدیگر سبقت می‌جویند.

در دعای پس از زیارت امام جواد علیه السلام نیز می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... ثُمَّ تَصَدَّقْ عَلَيَّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِرَحْمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ تُهْدِيَنِي
بِهَا قَلْبِي... وَ تَسْتَعْمِلَنِي فِي ذَلِكَ كُلِّهِ بِطَاعَتِكَ وَ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَ تَحْتَمُّ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ وَ
تَجْعَلُ لِي ثَوَابَهُ الْجَنَّةِ وَ تَسْلُكَ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ.^۲

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست... سپس در این ساعت، رحمت خود را بر من نازل فرما که قلبم را با آن آرامش دهی... و در همه اینها مرا در راه اطاعت از خودت و آنچه تو را از من خشنود می‌کند، به کار گیری و عملم را به بهترین آنها به پایان برسانی و ثواب آن را برای من بهشت قرار دهی و مرا رهرو راه صالحان قرار دهی.

شش- رضا به قضای الهی

راضی بودن از قضای الهی، عبارت است از اعتراض نکردن و خشمگین نشدن از آنچه پیش می‌آید؛ در ظاهر و باطن. کسی که به این مرتبه از ایمان رسیده باشد، پیوسته در لذت و سرور است؛ زیرا نزد او میان فقر و غنا، راحتی و سختی، مریضی و سلامت، و مرگ و حیات تفاوتی نیست. هیچ‌یک را بر دیگری ترجیح نمی‌دهد؛ زیرا همه را خواست و صادر شده از سوی خدای متعال می‌داند و به واسطه عشق و محبتی که از خداوند در عمق جان او رسوخ نموده است، همه افعال خداوند را زیبا می‌بیند و با

۱. المزمار، ص ۱۰۹.

۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۲.

کمال میل می‌پذیرد و با زبان حال می‌گوید:

عاشقم بر لطف و بر قهرش به جد بوالعجب، من عاشق این هر دو ضد!
 ناخوش او خوش بود بر جان من جان فدای یار دل‌رنجان من!

در نتیجه، چنین شخصی هرگز در سختی‌ها و مصیبت‌ها، به خداوند اعتراض نمی‌کند و زبان به گله و شکایت نمی‌گشاید؛ چراکه سختی‌ها را نه سختی، بلکه الطاف خداوند منان بر خود می‌داند و سعی می‌کند با صبر و شکیبایی و کسب رضایت الهی، درجات بالای ایمان و تقوا را کسب کند.

در احوال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که ایشان هرگز نگفت کاش چنین می‌شد و کاش چنین نمی‌شد.^۲ امام حسین علیه السلام نیز همه مصیبت‌های روز عاشورا را که مطابق زیارت عاشورا^۳ عظمت آنها بر همه اهل آسمان‌ها عظیم بود، با رضایت تمام تحمل کرد و کلمه‌ای شکوه بر زبان جاری نکرد. به همین دلیل بود که حضرت زینب علیها السلام در مجلس عبیدالله بن زیاد، لعنة الله علیه، آن‌گاه که آن پلید به او می‌گوید دیدی که خداوند با برادرت چه کرد، پاسخ می‌دهد: «ما رأیت الا جمیلاً».^۴

امام علی علیه السلام فرمود:

الإیمانُ لَهُ أَرْكَانٌ أَرْبَعَةٌ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَ تَفْوِضُ الْأَمْرِ إِلَى اللَّهِ وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.^۵

ایمان بر چهار رکن بنا شده است: توکل بر خدا، واگذار کردن کارها به خداوند، رضا به قضای خدا و تسلیم بودن در برابر خواسته خداوند.

۱. معراج السعاده، ملا احمد نراقی، ص ۷۵۶.

۲. همان، ص ۷۵۷.

۳. «وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ». المصباح، کفعمی، ص ۴۸۳.

۴. حیاة الامام حسین بن علی علیه السلام، باقر شریف قرشی، ج ۳، ص ۳۴۴.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۴۷.

یکی از دعاهایی که در برخی از زیارتنامه‌های امامان معصوم علیهم‌السلام به آن اشاره شده و زائر به خواندن آن توصیه شده است، دعا برای راضی بودن از قضای الهی است؛ برای مثال، در زیارت امین‌الله می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ»؛ «خدایا! دلم را به تقدیرت مطمئن کن و از قضایت راضی نما».

همچنین در زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا، از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که زیارت‌کننده، این ذکر را بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ رِضًا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ»؛ «ما از آن خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم؛ راضی به قضای اویم و در مقابل دستور او تسلیم می‌باشم».

ب) دعای زائر برای والدین و مؤمنان

والدین، حق بزرگی بر گردن انسان دارند؛ در واقع آنها مایه وجود انسان‌اند. او را پرورش داده‌اند و نیازهای جسمی و روانی او را در حد توان و آگاهی خود برآورده کرده‌اند. همچنین از خواسته‌های خود برای او گذشته و هر آنچه از دستشان برآمده برای خوشبختی او انجام داده‌اند.

از این رو، لازم است فرزند نیز حق فرزندگی را در قبال پدر و مادر خود بجا آورد و نهایت خوبی را برای ایشان انجام دهد؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (احقاف: ۱۵)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی وضع حمل می‌نماید و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛

۱. کامل‌الزیارات، ص ۴۰.

۲. مصباح‌المتهدج و سلاح‌المتعبد، ج ۲، ص ۷۸۳.

تا زمانی که به نیرومندی و کمال خود بالغ گردد و به چهل سالگی برسد می‌گوید:
 «پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بجا آورم و کار
 شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به سوی تو
 بازگشتم [و توبه کردم] و من از مسلمانانم.

پیامبر اکرم ﷺ نیز فرمود:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَمُدَّ لَهُ فِي عُمُرِهِ وَيُسَيِّطَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ أَبَوَيْهِ فَإِنَّ صَلَاتَهُمَا طَاعَةٌ لِلَّهِ.^۱

کسی که می‌خواهد عمرش طولانی و رزقش وسیع گردد، باید به والدینش نیکی کند؛
 چراکه نیکی به آنها، اطاعت خداوند است.

افزون بر والدین، مؤمنان نیز نزد خداوند، از موقعیت ممتازی برخوردارند؛ مؤمنان به
 دلیل ایمان راستین به خدای متعال، عبادت مستمر و دوری از گناه و تلاش برای
 نزدیک شدن هرچه بیشتر به او، جایگاه والایی نزد خداوند دارند؛ به گونه‌ای که در
 برخی از روایات، حرمت مؤمن، از خانه کعبه و فرشتگان مقرب پروردگار، بالاتر
 دانسته شده است؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُعْرَفُ فِي السَّمَاءِ كَمَا يَعْرِفُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ وَوَلَدَهُ وَإِنَّهُ لَأَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنْ مَلَكٍ
 مُقَرَّبٍ.^۲

همانا انسان مؤمن در آسمان شناخته می‌شود آن‌گونه که یک مرد، خانواده و فرزندان را
 می‌شناسد و او برای خدا گرامی‌تر از فرشته مقرب الهی است.

حضرت ابراهیم علیهِ السلام این‌گونه در حق خود، والدین و مؤمنان دعا می‌کند: ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ

لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾؛ «پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را، در آن
 روز که حساب بر پا می‌شود، ببامرز» (ابراهیم: ۴۱).

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۵.

۲. عیون اخبار الرضا علیهِ السلام، ج ۲، ص ۳۳.

با توجه به نکات پیش گفته، می‌بینیم که در زیارتنامه‌ها نیز به دعا برای والدین و مؤمنان پرداخته شده است و زائر کوی اهل بیت علیهم‌السلام در آن هنگام که حجاب‌های میان خود و معصوم مورد زیارت را کنار می‌بیند و احساس می‌کند دعاهایش به هدف اجابت می‌رسد، دعا برای والدین و مؤمنان را فراموش نمی‌کند و آنان را نیز از زیارت خود بهره‌مند می‌سازد؛ چنان‌که در زیارت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِيَّ وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

خدایا! من و پدر و مادرم و همه مردان و زنان مؤمن، مرده و زنده آنها را ببامرز؛ همانا تو بر هر کاری توانایی.

در زیارت امین‌الله نیز این‌گونه آمده است: «أَنْتَ إِلهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ اغْفِرْ لِي وَ لِأَوْلِيَائِنَا»^۲؛ «خدایا! تو معبود من و آقا و مولای منی؛ مرا و دوستانمان را ببامرز».

در زیارت امام موسی بن جعفر علیه‌السلام، پس از خواندن زیارتنامه، دو رکعت نماز زیارت وارد شده است که زائر پس از آن به سجده می‌رود و می‌گوید: «وَ بِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدِيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَا كَرِيم»^۳؛ «و به حق ائمه اطهار که بر خود واجب کردی، مرا و والدینم و مؤمنان را ببامرز؛ ای کریم!»

ج) دعا‌های مربوط به رابطه زائر با اهل بیت علیهم‌السلام

یک- صلوات بر محمد و آل محمد

یکی از بهترین و پربنویب‌ترین اذکار نزد خداوند، صلوات بر محمد و آل محمد صلوات‌الله‌علیهم‌وآل‌هم‌وسلم است. در اهمیت صلوات همین بس که خداوند و فرشتگان او، بر پیامبر اکرم صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

۱. المزار الکبیر، ص ۷۳.

۲. کامل‌الزیارات، ص ۴۱.

۳. المزار، ص ۱۹۰.

صلوات می‌فرستند و خداوند به مؤمنان نیز دستور می‌دهد و می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

(احزاب: ۵۶)

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر او درود فرستید و [در برابر اوامر او] کاملاً تسلیم باشید.

این آیه از سویی نشان‌دهنده علاقه خداوند متعال به پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ و از سوی دیگر، بیانگر عظمت مقام پیامبر اکرم ﷺ است؛ به حدی که آفریدگار عالم و تمام فرشتگانی که تدبیر این جهان به فرمان حق برعهده آنها گذارده شده است، بر او درود می‌فرستند و بعد خداوند به مسلمانان دستور می‌دهد که آنان نیز با خدا و فرشتگان، همراه گردند و بر او درود فرستند.

این آیه می‌خواهد بگوید پیامبر اکرم ﷺ گوهر گرانقدر عالم آفرینش است و اگر به لطف الهی، در دسترس شما قرار گرفته است، مبدا ارزانش بشمارید و ارج و مقام او را در پیشگاه پروردگار و نزد فرشتگان فراموش کنید. هر چند او همچون شما و از میان شما برخاسته است، ولی او کسی است که یک جهان در وجودش خلاصه شده است.^۱ در روایات متعددی، ثواب، اهمیت و اثرات صلوات بر محمد و آل محمد ﷺ بیان شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

«ابراهیم بن عبدالحمید» از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمود: «أَثْقَلُ مَا يُوَضَّعُ فِي الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ»؛ «سنگین‌ترین چیزی که در روز قیامت در میزان نهاده می‌شود، صلوات بر محمد علیه السلام و خاندان او علیهم السلام است». همچنین امام رضا علیه السلام در این باره فرمود:

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۱۶.

۲. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۴۹.

مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَا يُكْفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ فَلْيُكْثِرْ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْمًا.^۱

کسی که قادر بر کاری نیست که با آن گناهان خود را بپوشاند، بر محمد و خاندان او علیهم‌السلام زیاد صلوات بفرستد؛ به درستی که این کار، گناهان را از بین می‌برد.

به دلیل همین اهمیت صلوات بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت او علیهم‌السلام، در زیارتنامه‌های آن بزرگواران و نیز در ادعیه پس از زیارتنامه‌ها، بسیار به صلوات پرداخته شده است. در جای‌جای زیارتنامه‌ها، صلوات بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت او علیهم‌السلام وارد شده است و زائر از خداوند می‌خواهد که بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام درود بفرستد؛ برای مثال، در زیارت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ.^۲

خدا! صلوات خودت و صلوات فرشتگان مقرب و بندگان صالح و پیامبران فرستاده شده‌ات و صلوات اهل آسمان‌ها و زمین و هر کس که تو را تسبیح گفته است، ای پروردگار جهانیان، از اولین و آخرین را بر محمد، بنده و فرستاده و پیامبر و امینت و هم‌راز و حبیب و برگزیده و خاص و منتخب و بهترین خلقت، قرار بده.

در زیارت امام حسین علیه‌السلام، در شب و روز اول رجب و نیمه شعبان، چنین می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ الرَّشِيدِ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ وَأَسِيرِ الْكُرْبَاتِ صَلَاةً نَامِيَةً زَاكِيَةً مُبَارَكَةً يَصْعَدُ أَوْلُهَا وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهَا أَفْضَلُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۴۷.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۱.

۳. المنزار، ص ۱۴۵.

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و بر [امام] حسین مظلوم شهید و رشدیافته، کشته اشک‌ها و گرفتار مصیبت‌ها درود فرست؛ درودی فزاینده و پاکیزه و بابرکت که آغازش بالا رود و آخرش پایان نپذیرد؛ بهترین درودی که فرستاده‌ای بر یکی از فرزندان پیامبران فرستاده شده‌ات؛ ای معبود جهانیان!

حتی در مورد برخی از ائمه اطهار علیهم‌السلام، صلوات مخصوص و جداگانه‌ای وارد شده است. در این صلوات‌ها، معمولاً به دنبال صلوات، به ویژگی‌های بارز آن امام پرداخته شده و از ایشان با تمجید و به بزرگی یاد شده است. زائر با خواندن این صلوات‌ها، از سویی با خصوصیات نورانی اهل بیت علیهم‌السلام آشنا می‌شود و از سوی دیگر، با کسب این شناخت، علاقه‌اش به آن پیشوایان بیشتر می‌گردد؛ برای مثال، در صلوات مخصوص امام کاظم علیه‌السلام آمده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ صِيبِ الْأَبْرَارِ وَ إِمَامِ الْأَخْيَارِ وَ عِيَّةِ الْأَنْوَارِ وَ وَارِثِ السَّكِينَةِ وَ الْوَقَارِ وَ الْحُكْمِ وَ الْأَثَارِ الَّذِي كَانَ يُجِيبِي اللَّيْلَ بِالسَّهْرِ إِلَى السَّحْرِ بِمُؤَاصَلَةِ الْإِسْتِغْفَارِ حَلِيفِ السَّجْدَةِ الطَّوْبَلَةِ وَ الدُّمُوعِ الْغَزِيرَةِ وَ الْمُنَاجَاةِ الْكَثِيرَةِ وَ الضَّرَاعَاتِ الْمُتَّصِلَةِ الْجَمِيلَةِ.^۱

خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و بر [امام] موسی بن جعفر، جانشین نیکان و پیشوای خوبان و گنجینه انوار و به ارث‌برنده آرامش و وقار و فرزاندگی و آثار، درود فرست؛ آن کس که شب تا صبح، بیدار و پیوسته مشغول استغفار بود. او همدم سجده‌های طولانی و اشک‌های ریزان و مناجات بسیار و ناله و زاری دائم و زیبا بود.

دو - دعا برای ثبات قدم در مسیر اهل بیت علیهم‌السلام

طبق نص صریح قرآن، انسان در معرض امتحان‌های دائمی است؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾؛ «آیا مردم گمان کردند

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۷.

همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟!» (عنکبوت: ۲) گفتنی است که این امتحان‌ها، گوناگون‌اند و شدت و ضعف دارند؛ گاهی مربوط به بدن و مال و گاهی مربوط به دین است. بی‌شک باید در همه ابتلائات، چه کوچک و چه بزرگ، به خداوند توکل کرد و با سرافرازی بیرون آمدن را از او خواست. باید از رد شدن در امتحان الهی، به خدا پناه برد. حتی امام زمان علیه السلام نیز از شکست در امتحان الهی به خدا پناه برده و فرموده است: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْعَمَى بَعْدَ الْجَلَاءِ وَمِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَى»؛ «از کوری بعد از بینایی و از گمراهی بعد از هدایت، به خدا پناه می‌برم».

یکی از مسائلی که خداوند انسان‌ها را با آن امتحان می‌کند، ولایت اهل بیت علیهم السلام است؛ چنان‌که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ... وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ»؛ «شما راه درست... و دری هستید که مردم با آن، آزمایش می‌شوند».

بنابراین، باید همواره از خدا بخواهیم که ما را در راه اهل بیت علیهم السلام ثابت قدم نگاه دارد و از هرگونه انحراف در این زمینه حفظ فرماید. به همین دلیل در زیارتنامه‌های امامان معصوم علیهم السلام در موارد متعددی می‌بینیم که ثبات قدم در این مسیر، از خداوند متعال خواسته می‌شود. در اینجا برخی از این تعابیر را از نظر می‌گذرانیم:

در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام این گونه می‌گوییم:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ وَمُسْتَقَرَّهُمْ حَتَّى تُلْحِقَنِي بِهِمْ وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^۳

خدایا! مرا در مسیر اولیایت ثابت قدم بدار و محل حضور و استقرارشان را محبوب من گردان؛ تا اینکه مرا به ایشان ملحق سازی و مرا در دنیا و آخرت، پیرو ایشان قرار دهی.

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۱.

۲. المزار الكبير، ص ۵۲۸.

۳. المزار، ص ۴۵.

در زیارت امام حسین علیه السلام نیز در روز عاشورا چنین می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ حَيَاتِي حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»؛ «خدایا! زندگی‌ام را همانند زندگی محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله قرار ده و مرگ مرا همانند مرگ محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله قرار ده».

سه - قبولی زیارت

زیارت اهل بیت علیهم السلام عبادتی پرفضیلت است و هدف از آن، کسب سجایای اخلاقی، درجات معنوی و قرب خداوند است. این اهداف در صورتی جامه عمل خواهد پوشید که زیارت انجام شده، قبول درگاه خداوند قرار گیرد. بی‌تردید زیارتی که مورد قبول پروردگار نباشد، اثری در روح و سرنوشت زائر نخواهد داشت.

از این رو، زائر قبل از سفر، در طول سفر زیارتی و در حین زیارت تلاش می‌کند هر عملی که او را به خداوند نزدیک می‌کند، انجام دهد و از هر عملی که او را از خداوند دور می‌کند، اجتناب نماید. با این حال، زائر نگران است که مبادا زیارتش قبول نگردد. به همین دلیل، هنگام زیارت نیز به درگاه خداوند دعا می‌کند تا زیارت او را قبول کند. از این رو در متن برخی از زیارتنامه‌ها، به ویژه زیارت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، درخواست قبولی زیارت وجود دارد. در اینجا به برخی از این عبارات، توجه می‌کنیم:

در دعای پس از زیارت امام علی علیه السلام این گونه برای قبولی زیارت دعا می‌کنیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي زِيَارَتِي وَأَعْظِمْ لِي سُؤْلِي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّاهِرِينَ.^۲

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و زیارتم را قبول کن و خواسته‌ام را به حق محمد و خاندان پاکش عطا فرما.

در زیارت امام حسین علیه السلام نیز این گونه می‌گوییم:

۱. المزار، ص ۱۸۲.

۲. همان، ص ۵۰.

اللَّهُمَّ... وَ قَدْ أَتَيْتَكَ زَائِرًا قَبْرَ ابْنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاجْعَلْ مُخْفَتَكَ إِلَيَّ يَا فَكَأكَ رَقَبَتِي
مِنَ النَّارِ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي وَ اشْكُرْ سَعْيِي.^۱

خدایا!... و من با زیارت قبر پسر پیغمرت که درود خدا بر او باد، به نزد تو آمده‌ام. پس تحفه مرا آزادی‌ام از آتش دوزخ قرار ده و عملم را بپذیر و تلاشم را مورد تشکر و قدردانی قرار ده.

همچنین عاشقان اهل بیت در زیارت امام حسن عسکری علیه السلام چنین می‌گویند:

أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يَتَقَبَّلَ زِيَارَتِي لَكُمْ وَ يَشْكُرَ سَعْيِي إِلَيْكُمْ.^۲

به حق جایگاهی که شما نزد خداوند دارید، از خداوند می‌خواهم که زیارت شما را از من بپذیرد و تلاشم را به سوی شما، مورد تشکر و قدردانی قرار دهد.

چهار - توفیق زیارت مجدد

در روایات امامان معصوم علیهم السلام، به زیارت آن پیشوایان بسیار سفارش شده و اثرات

بسیار زیاد دنیوی و اخروی بر آن مترتب گردیده است؛ چنان‌که امام رضا علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِعْتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ
زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أَمْتَهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۳

همانا هر امامی، عهدی بر گردن دوستان و پیروانش دارد و همانا بخشی از کمال وفای به عهد [با امامان]، زیارت قبور ایشان است. پس کسی که ایشان را با رغبت و با تصدیق آنچه ایشان به آن رغبت دارند، زیارت کند، امامان او شفیعان وی در روز قیامت خواهند بود.

امام جواد علیه السلام نیز فرمود:

مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
نُصِبَ لَهُ مِنْبَرٌ بِحِذَاءِ مَنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَتَّى يَفْرَغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ عِبَادِهِ.^۴

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۷۵.

۲. همان، ج ۹۹، ص ۶۷.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۲۲.

۴. همان، ص ۵۵۱.

کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد و در روز قیامت، برای او منبری در مقابل منبر رسول خدا برپا می‌شود؛ تا زمانی که خداوند از حسابرسی بندگانش فارغ می‌شود.

این روایات که گوشه‌ای از انبوه روایات در تشویق و ترغیب به زیارت اهل بیت علیهم‌السلام است، می‌تواند اهمیت و جایگاه زیارت آن بزرگواران را نشان دهد؛ و از همین جا می‌توان به اهمیت تکرار زیارت اهل بیت علیهم‌السلام پی برد. وقتی عبادتی، از چنین جایگاهی برخوردار می‌باشد، طبیعی است که دوستداران و معتقدان به آن بزرگواران تلاش داشته باشند تا بارها و بارها به زیارت کوی ایشان بشتابند و از خرمن عطایای ایشان توشه بگیرند.

اتفاقاً در روایات نیز به این مسئله سفارش شده است؛ به ویژه درباره برخی از اهل بیت، مانند اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، به تکرار زیارت، بسیار سفارش شده و درباره کوتاهی در آن، هشدار داده شده است که در اینجا به برخی از این روایات، توجه می‌کنیم:

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

بَلَّغْنِي أَنْ قَوْمًا مِنْ شِيعَتِنَا مَرَّ عَلَيْهِمُ السَّنَةُ وَالسَّنَتَانِ لَا يَزُورُونَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَمَا وَاللَّهِ لِحَظِّهِمْ أَخْطَأُوا وَعَنْ ثَوَابِ اللَّهِ رَأَعُوا وَعَنْ جِوَارِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَبَاعَدُوا... إِنَّ قَدْرَتَ أَنْ تَزُورَهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ فَأَفْعَلْ^۱.

به من خبر رسیده است که بعضی از شیعیان ما، یک سال یا دو سال بر آنها می‌گذرد؛ درحالی که امام حسین علیه‌السلام را زیارت نمی‌کنند. به خدا قسم! این افراد در رسیدن به بهره خود، به خطا رفته و از مسیر دستیابی به ثواب خداوند منحرف شده و از همسایگی حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دور گشته‌اند... اگر می‌توانی هر ماه به زیارت امام حسین علیه‌السلام بروی، این کار را بکن.

همچنین امام رضا علیه‌السلام فرمود:

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۳۴.

لَا تَنْقِضِي الْأَيَّامَ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَصِيرَ طُوسٌ مُخْتَلَفَ شِيعَتِي وَزُؤَارِي أَلَا فَمَنْ زَارَنِي فِي
عُرْبَتِي بِطُوسٍ كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْفُورًا لَهُ.^۱

شب‌ها و روزها به پایان نمی‌رسند تا اینکه طوس محل رفت و آمد شیعیان و زائران من می‌شود. آگاه باشید! هر کس که مرا در غربتم در طوس زیارت کند، در روز قیامت در درجه من و آمرزیده شده خواهد بود.

اهمیت زیارت امامان معصوم علیهم‌السلام چنان است که در زیارتنامه‌های آن بزرگواران نیز بدان توجه شده است. در واقع زائر کوی اهل بیت علیهم‌السلام هنگام قرائت زیارتنامه، گاهی از خود ایشان و گاه از خدای متعال، درخواست می‌کند که توفیق زیارت مجدد آنان را نصیب وی گرداند؛ تا بتواند بهره هرچه بیشتر از زیارت ایشان ببرد؛ برای نمونه، در زیارت وداع رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرِ نَبِيِّكَ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم»؛^۲ «خدایا! این زیارت را آخرین زیارت من از قبر پیامبرت قرار نده».

زائران امیرمؤمنان علیه‌السلام نیز هنگام زیارت وداع می‌خوانند:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَالتَّسْلِيمِ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ.^۳

خدایا! این زیارت را آخرین زیارت من از امام علی علیه‌السلام قرار نده. خدایا! من از تو بعد از درود و سلام درخواست می‌کنم که بر محمد و آل او درود فرستی و این زیارت را آخرین زیارت من قرار نده.

همچنین در زیارت وداع امام حسین علیه‌السلام آمده است: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَ أَبْنَيْهِ مَقَاماً حَمُوداً»؛^۴ «خدایا! این زیارت را آخرین زیارت من از قبر پسر پیغمبرت قرار نده و او را در جایگاهی مورد ستایش مبعوث فرما».

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۵۹.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۶.

۳. همان، ص ۴۶.

۴. همان، ص ۳۱۸.

همچنین این گونه تعبیر، در زیارت وداع ائمه بقیع علیهم السلام^۱، زیارت وداع امام رضا علیه السلام^۲ و نیز در زیارت وداع هریک از امامان معصوم علیهم السلام^۳ آمده است.

پنج - برخی دیگر از دعاهای قریب المضمون

دعاهای دیگری نیز وجود دارند که می توان گفت با وجود اختلاف در تعبیر، محتوا و مضمون آنها، تا حدود زیادی، بیانگر همین مطالب است؛ به گونه ای که زائر در این دعاها، از خداوند می خواهد که او را نزد اهل بیت علیهم السلام آبرومند گرداند، با ایشان محشور نماید، شفاعت ایشان را شامل حال او گرداند، او را جزو شیعیان آنان قرار دهد و توفیق اطاعت از آنان را نصیب او گرداند.

قرار گرفتن جزو شیعیان علی علیه السلام

در دعای پس از نماز زیارت امام علی علیه السلام می خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنَّتَ عَلَيَّ بِزِيَارَةِ مَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَوَلَايَتِهِ وَمَعْرِفَتِهِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ
يُنْصُرُهُ وَيَنْصُرُهُ بِهِ وَمَنْ عَلَيَّ بِنَصْرِكَ لِدِينِكَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْنِي مِنْ شِيعَتِهِ وَتَوَفَّنِي عَلَى دِينِهِ.^۴

خدایا! تو با دادن توفیق زیارت مولایم علی بن ابی طالب و پذیرش ولایت و شناخت او، بر من منت نهادی؛ خدایا! مرا از کسانی قرار ده که او را یاری می کنند و او با ایشان از دشمنان انتقام می گیرد و با یاری کردن دینت، بر من منت بگذارد. خدایا! مرا از شیعیان او قرار ده و بر دین او بمیران.

توفیق اطاعت از اهل بیت علیهم السلام

در زیارت وداع امام علی علیه السلام می گوئیم: «اللَّهُمَّ وَ ذَلَّلْ قُلُوبَنَا لَهُمْ بِالطَّاعَةِ وَ الْمُنَاصَحَةِ وَ

۱. المزار الكبير، ص ۱۰۹.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۰۶.

۳. تهذيب الاحكام، تحقيق خراسان، ج ۶، ص ۱۰۱.

۴. المزار، ص ۱۱۰.

المَحَبَّةِ وَحُسْنِ الْمَوَازَرَةِ وَالتَّسْلِيمِ»؛ «خدایا! دل‌های ما را با اطاعت و خیرخواهی و محبت و حسن همراهی و تسلیم او بودن، خاضع گردان.».

آبرومندی به سبب اهل بیت علیهم‌السلام

در دعا پس از نماز زیارت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است:

اللَّهُمَّ وَقَدْ زُرْتُهُ رَاغِبًا تَائِبًا مِنْ سَيِّئِ عَمَلِي وَ مُسْتَغْفِرًا لَكَ مِنْ ذُنُوبِي وَ مُقِرًّا لَكَ بِهَا وَ أَنْتَ
أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي وَ مُتَوَجِّهًا بِنَبِيِّكَ إِلَيْكَ نَبِيَّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ
بِمُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ.^۲

خدایا! پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را با رغبت و با توبه از اعمال ناپسندم و با طلب آمرزش از گناهانم و با اقرار بر گناهانم در برابر تو، درحالی که تو بر گناهانم از من آگاه‌تری، و با توجه به تو به واسطه پیامبرت که پیامبر رحمت است، درود خدا بر او و خاندانش باد، زیارت کردم، خداوند! مرا به حق محمد و خاندانش، در دنیا و آخرت، آبرومند درگاهت و از مقربان درگاهت قرار بده.

در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»؛ «خدایا! مرا به واسطه امام حسین علیه‌السلام، در دنیا و آخرت آبرومند درگاهت قرار بده.».

پذیرش شفاعت اهل بیت علیهم‌السلام

در اواخر زیارت جامعه کبیره آمده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ، الْأَيْمَةِ الْأَبْرَارِ
لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أَنْ تُدْخِلَنِي ... فِي رُؤْمَةِ
الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.^۴

۱. المصباح، كنعمی (جنة الأمان الواقية)، ص ۴۸۲.

۲. إقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۰۶.

۳. المزار، ص ۱۸۰.

۴. المزار الكبير، ص ۵۳۴.

خدایا! اگر من شفیعی مقرب‌تر از حضرت محمد ﷺ و اهل بیت نیکوی او، آن پیشوایان نیکوکار، می‌یافتم، آنان را شفیعان خود قرار می‌دادم. پس به حق ایشان که بر خود واجب کرده‌ای، از تو درخواست می‌کنم که مرا... در زمره کسانی که با شفاعت ایشان مورد رحمت تو قرار گرفتند، قرار دهی.

محشور شدن با اهل بیت علیهم‌السلام

در دعای پس از نماز زیارت امام علی علیه‌السلام در شب مبعث، این‌گونه می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ بَشَّرْتَنِي عَلَى لِسَانِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتَ ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾^۱ اللَّهُمَّ وَإِنِّي مُؤْمِنٌ بِجَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَلَا تَقْنِي بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مَوْقِفًا تَفْضُحُنِي فِيهِ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ بَلْ قَنِي مَعَهُمْ وَتَوَفَّنِي عَلَى التَّصَدِيقِ بِهِمْ^۲.

خدایا! همانا تو بر زبان رسولت حضرت محمد که درود تو بر او و خاندانش باد، به من بشارت دادی و گفتی: «و به کسانی که ایمان آورده‌اند بشارت ده که برای آنها، سابقه نیک [و پاداش‌های مسلم] نزد پروردگارشان است». خدایا! من به همه پیامبران و فرستادگانت که درود تو بر ایشان باد، ایمان دارم. پس بعد از شناختن به ایشان، مرا در جایگاهی قرار نده که مرا در حضور همه مردم رسوا گردانی. بلکه مرا در زمره ایشان قرار ده و بر تصدیق ایشان بمیران.

همچنین در دعای پس از ۱۲ رکعت نماز زیارت امام زمان علیه‌السلام می‌گوییم: «اللَّهُمَّ

انْفَعْنَا بِحَبِّهِ وَ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لَوَائِهِ»^۳ «خدایا! ما را از محبت او بهره‌مند گردان و ما را در زمره او و زیر پرچم او محشور کن».

۱. یونس: ۲

۲. المزار، ص ۱۰۸.

۳. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۲.

فصل، هفتم: خصوصیات اخلاقی - رفتاری امامان معصوم علیهم السلام در زیارتنامه ها

مقدمه

از میان ابعاد سه گانه عقلانی، عاطفی و رفتاری وجود آدمی، جنبه رفتاری نشان دهنده شخصیت آدمی و نمایان کننده دو بُعد دیگر است. هر چند این ابعاد، مجزای از یکدیگر نیستند و وجود تعادل و توازن میان این ابعاد سه گانه، یکی از ویژگی های انسان های سالم شمرده می شود، ولی توجه به تک تک این جنبه ها نیز می تواند ما را در شناسایی افراد و میزان رشد شخصیتی آنها کمک کند.

حال اگر افراد مورد بررسی، معصومان بزرگوار اسلام علیهم السلام باشند، با توجه به اینکه می دانیم آنان در همه ابعاد وجودی در عالی ترین سطح قرار دارند، شناسایی خصوصیات اخلاقی و رفتاری ایشان می تواند ما را در شناخت رفتارهای صحیح و الگوگیری از اهل بیت علیهم السلام در زمینه اخلاق و رفتار یاری دهد.

از این رو، در این فصل برآنیم که با بررسی زیارتنامه های امامان معصوم علیهم السلام و در پرتو آیات و روایات، به برخی از ویژگی های مهم اخلاقی - رفتاری ایشان اشاره نماییم تا زمینه ای برای اقتدا به آن بزرگواران و نزدیکی هرچه بیشتر به ایشان باشد.

هر چند ویژگی های اخلاقی - رفتاری امامان معصوم علیهم السلام که در این فصل ذکر شده،

برخی جنبه اخلاقی دارند و برخی دیگر جنبه عبادی، ولی ایجاد تمایز دقیق میان آنها مشکل می‌باشد و تصمیم‌گیری در این باره را دشوار می‌سازد. از این رو، خصوصیات یاد شده، بدون ایجاد دسته‌بندی جدید، مطرح می‌گردند.

۱. تقوا

یکی از دستورهای مهم دینی ما مسلمانان، رعایت تقوا و پرهیزکاری است. سرتاسر آموزه‌های اسلام، اعم از قرآن کریم و روایات، آکنده از فرمایشات خدا و اهل بیت علیهم‌السلام درباره ماهیت تقوا، اثرات تقوا، چگونگی تحصیل تقوا، توصیه به رعایت تقوا و... است. از این رو مناسب است در اینجا توضیح مختصری درباره این مفهوم بسیار مهم دینی داشته باشیم.

تقوا در اصل از ماده «وقایه» به معنای نگهداری یا خویشتن‌داری است و به تعبیر دیگر، یک نیروی کنترل درونی است که انسان را در برابر طغیان شهوات حفظ می‌کند. تقوا، نقش ترمز نیرومندی را دارد که ماشین وجود انسان را از سقوط در پرتگاه‌ها حفظ می‌کند و از تندروی‌های خطرناک، بازمی‌دارد.^۱ در واقع انسان‌ها با برخوردار شدن از تقوا می‌توانند خود را در برابر هجوم هوس‌ها و هواهای نفسانی حفظ کنند و از گزند و سوسه‌های شیاطین مصون نگه دارند.

تقوا در قرآن کریم

به یقین می‌توان گفت کمتر موضوعی در قرآن کریم به اندازه تقوا مورد توجه قرار گرفته است. شاید مهم‌ترین شاهد بر اهمیت بسیار تقوا در اسلام، این است که قرآن کریم، نزدیک به چهل مورد، با تعبیر «اتَّقُوا اللَّهَ» انسان‌ها را به رعایت تقوای الهی توصیه می‌کند؛ برای مثال، خداوند می‌فرماید:

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۷۹.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید! و جز بر آیین اسلام از دنیا نروید.

همچنین خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (حشر: ۱۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده است و تقوای الهی داشته باشید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

همچنین برای پی بردن به حقیقت تقوا، دقت در برخی از آیات قرآن کریم، بهترین راه است. خداوند متعال در آیات متعددی، جای تقوا را «قلب» می‌شمرد؛ از جمله می‌فرماید:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى﴾ (حجرات: ۳)

کسانی که صدای خود را نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پایین می‌آورند، همان کسانی‌اند که خداوند دل‌هایشان را برای تقوا، خالص نموده است.

قرآن، تقوا را نقطه مقابل «فجور» ذکر کرده است؛ چنان‌که در آیه ۸ سوره شمس می‌خوانیم: ﴿فَالْتَمِمْهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا﴾ «خداوند انسان را آفرید. سپس فجور و تقوایش (شر و خیرش) را به او الهام کرده است».

قرآن هر عملی را که از روح اخلاص و ایمان و نیت پاک سرچشمه گرفته باشد، براساس تقوا می‌شمرد؛ چنان‌که در آیه ۱۰۸ سوره توبه درباره مسجد قبا که منافقان مسجد ضرار را در مقابل آن ساختند، می‌فرماید: ﴿لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ﴾ «مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن [به عبادت] بایستی».

از مجموع این آیات به خوبی استفاده می‌شود که تقوا همان احساس مسئولیت و تعهدی است که به دنبال رسوخ ایمان در قلب، بر وجود انسان حاکم می‌شود و او را از

فجور و گناه باز می‌دارد، به نیکی و پاکی و عدالت دعوت می‌کند، اعمال آدمی را خالص و فکر و نیت او را از آلودگی‌ها می‌شوید.^۱

تقوا در روایات اهل بیت علیهم‌السلام

تقوا در فرمایشات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام نیز مورد توجه بسیار قرار گرفته است؛ به ویژه در نهج البلاغه، فرمایشات گهرباری از حضرت علی علیه‌السلام درباره تقوا یافت می‌شود که می‌تواند راهنمای رهپویان مسیر عبادت و بندگی باشد. آن حضرت در سخن، تقوا را با گناه و آلودگی مقایسه می‌کند و می‌فرماید:

أَلَا وَإِنَّ الْخَطَايَا خَيْلٌ شُمُسُ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَ خُلِعَتْ لُجْمُهَا فَتَقَحَّحَتْ بِهِمْ فِي النَّارِ
أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَى مَطَايَا دُلِّلَ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَ أُعْطُوا أَرْمَتَهَا فَأَوْرَدَتْهُمْ الْجَنَّةَ.^۲

بدانید گناهان، همچون مرکب‌های سرکش است که گنهکاران بر آنها سوار می‌شوند و لجامشان گسیخته می‌گردد و آنان را در قعر دوزخ سرنگون می‌سازد. اما تقوا مرکبی است راهوار و آرام که صاحبانش بر آن سوار می‌شوند و زمام آنها را به دست می‌گیرند تا داخل بهشت شوند.

مطابق این تشبیه لطیف، تقوا همان حالت خویشنداری، کنترل نفس و تسلط بر شهوات است؛ درحالی‌که بی‌تقوایی، همان تسلیم شدن در برابر شهوات سرکش و از بین رفتن هرگونه کنترل بر آنهاست.

جابر [جعفی] می‌گوید که امام باقر علیه‌السلام به من فرمود:

يَا جَابِرُ أَيْكُنِّي مَنِ انْتَحَلَ التَّشْيِعَ أَنْ يَقُولَ بِحُبِّنا أَهْلَ الْبَيْتِ فَوَاللَّهِ مَا شِيعْتُنَا إِلَّا مَنِ اتَّقَى
اللَّهَ وَ أَطَاعَهُ.^۳

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۰۴.

۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۶، ص ۵۷.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۷۴.

ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیع دارد، همین کافی است که بگوید ما خاندان را دوست دارد؟!
به خدا سوگند! شیعه ما نیست؛ مگر کسی که تقوای الهی پیشه کند و او را اطاعت نماید.

تقوا در زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، بهترین بندگان خدایند که با برپا داشتن پرچم توحید و بندگی، زنده نگه داشتن ارزش‌های اسلامی، هدایت بندگان خداوند و تحمل همه مشکلات در این راه و انجام دادن عبادت‌های فردی از قبیل نماز و روزه و یاد خداوند در همه حال، به مقامی از تقوا و پاکدامنی رسیده‌اند که نزدیک شدن به مقام و مرتبه ایشان برای هیچ فرد عادی میسر نیست.

مقام اهل بیت علیهم السلام در رعایت تقوا و اطاعت از اوامر و نواهی خداوند به قدری بالاست که در روایات از ایشان با تعبیر «کَلِمَةُ التَّقْوَى» یاد شده است؛ چنان‌که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز از امام رضا علیه السلام^۲ روایت شده است که فرمودند: «نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى»؛ «ما کلمه (روح) تقوایم». همچنین امام علی علیه السلام فرمود: «أَنَا الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ كَلِمَةُ التَّقْوَى»^۳؛ «من ریسمان محکم الهی و کلمه (روح) تقوایم».

در زیارتنامه‌ها نیز به این تعبیر اشاره شده است و زائران بر آن گواهی می‌دهند؛ برای مثال در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام^۴ و نیز در زیارت امام هادی علیه السلام^۵ می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى»؛ «شهادت می‌دهم که تو کلمه (روح) تقوایی». در زیارت امام حسین علیه السلام آمده است: «أَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَلِمَةُ التَّقْوَى»^۶؛ «شهادت می‌دهم که شما کلمه (روح) تقوایید».

۱. الخصال، ج ۲، ص ۴۳۲.

۲. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۳۵.

۳. الأمالی، صدوق، ص ۳۹.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۵۷۰.

۵. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۶۵.

۶. کامل‌الزیارات، ص ۲۰۲.

در زیارت امام علی علیه السلام این عبارت آمده است: «السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ التَّقْوَى»^۱ «سلام بر درخت طیبه تقوا و پرهیزکاری». همچنین در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام در روز غدیر این گونه به تقوای بالای ایشان شهادت می‌دهیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهُوَى مُخَالِفًا وَ لِلتَّقَى مُخَالِفًا... اغْتَصَمْتَ بِاللَّهِ فَعَزَزْتَ وَ آثَرْتَ الْآخِرَةَ
عَلَى الْأُولَى فَزَهَدْتَ... لَا شَرِهْتَ إِلَى الْحُطَامِ وَ لَا دَنَسْتَكَ الْأَثَامُ... وَ كَمْ مِنْ أَمْرِ صَدَّكَ
مِنْ إِمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التَّقَى وَ اتَّبَعَ غَيْرُكَ فِي مِثْلِهِ الْهُوَى.^۲

گاهی می‌دهم که تو همواره با هوای نفس مخالفت کردی و ملازم پرهیزکاری بودی... بر خداوند تکیه کردی پس عزیز شدی و آخرت را بر دنیا ترجیح دادی پس زهد ورزیدی... آزمند متاع ناقابل دنیا نگشتی و گناهان تو را آلوده نکرد... چه بسیار کارهایی که پرهیزکاری‌ات تو را از انجام آنها بازداشت؛ ولی دیگران در امثال آن کارها، از هوای نفس پیروی کردند.

در زیارت امام هادی علیه السلام با این تعبیر به ایشان سلام می‌دهیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزَّاهِدُ
التَّقِيُّ»^۳؛ «سلام بر تو ای زاهد پرهیزکار». در زیارت جامعه کبیره نیز می‌خوانیم: «وَوَصَّيْتُكُمْ
التَّقْوَى»^۴؛ «سفارش شما، رعایت تقواست».

به دلیل اهمیت رعایت تقوای الهی، می‌بینیم که زائر در برخی از زیارتنامه‌ها از خداوند می‌خواهد که توفیق بهره‌مندی از تقوا را به او عنایت بفرماید؛ برای مثال، امام سجاده علیه السلام در دعای خود پس از زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى»^۵؛ «خدایا! مرا با برخورداری از تقوا، زینت بخش».

۱. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۴۵۹.

۲. المزار، صص ۷۰ - ۸۲.

۳. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۶۴.

۴. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، صص ۶۱۱ - ۶۱۶.

۵. المزار، ص ۱۲۴؛ کامل الزیارات، ص ۱۷.

در زیارت امین الله، برای برخوردار شدن از تقوا این گونه دعا می‌کنیم: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي... مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ»^۱ «خدایا! نفس مرا... برگیرنده زاد و توشه از تقوا برای روز جزایت قرار بده».

۲. اطاعت از خداوند

یکی از توصیه‌های مهم دین ما آن است که از خداوند و نیز از رسول او صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام اطاعت کنیم؛ بر همه ما واجب است که به آنچه دستور می‌دهند، عمل کنیم و از آنچه نهی می‌کنند، اجتناب نماییم. البته بی‌تردید اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، اطاعت خداوند است؛ زیرا آنان از پیش خود، به چیزی امر یا نهی نمی‌کنند. بنابراین بازگشت اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، به اطاعت از خداوند است.

اصولاً سرنوشت انسان‌ها در قیامت و نیز جایگاه آنان نزد خداوند، به میزان اطاعت‌پذیری آنان از دستوره‌های خداوند مربوط می‌شود. آیات بسیاری از قرآن کریم ما را به اطاعت خداوند و نیز اطاعت پیامبر و ائمه علیهم السلام فرا می‌خوانند و پیامدهای اطاعت یا عصیان را برمی‌شمارند؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء: ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر [خدا] و پیشوایان [معصوم] خود را.

همچنین خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَ أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ﴾ (انفال: ۲۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و از فرمان او سرپیچی ننمایید درحالی که [سخنان او را] می‌شنوید!

در روایات نیز به اطاعت از خداوند، بسیار سفارش شده است؛ چنان‌که در روایتی، امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ وَلِيَّ مُحَمَّدٍ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَإِنْ بُعِدَتْ لِحْمَتُهُ وَإِنَّ عَدُوَّ مُحَمَّدٍ مَنْ عَصَى اللَّهَ وَإِنْ قَرِبَتْ قَرَابَتُهُ.^۱

دوست محمد صلی الله علیه و آله کسی است که از خدا اطاعت کند؛ هرچند پیوند نسبی او دور باشد و دشمن محمد صلی الله علیه و آله کسی است که معصیت خدا کند؛ هرچند قرابت او نزدیک باشد.

بی تردید اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، خودشان بیشتر از هرکس دیگری، در برابر فرمان‌های خداوند و رسولش مطیع بودند و با تمام وجود به آن دستورها توجه و عمل می‌کردند. آنان مصداق تام و تمام این حدیث قدسی‌اند که خدای عزوجل می‌فرماید:

عَبْدِي أَطْعَنِي أَجْعَلْكَ مِنِّي، أَنَا حَيٌّ لَا أَمُوتُ أَجْعَلْكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ، أَنَا غَنِيٌّ لَا أُفْتَقِرُ أَجْعَلْكَ غَنِيًّا لَا تَفْتَقِرُ، أَنَا مَهْمَا أَشَاءُ يَكُونُ أَجْعَلْكَ مَهْمَا تَشَاءُ يَكُونُ.^۲

ای بنده من! از من اطاعت کن تا تو را همانند خود سازم؛ همان طوری که من زنده‌ام و نمی‌میرم، تو نیز همیشه زنده باشی. همان طوری که من غنی‌ام و فقیر نمی‌شوم، تو نیز همیشه غنی باشی و فقیر نگردی. همان طوری که من هرچه را اراده کنم می‌شود، تو را نیز همین‌طور سازم.

همچنین ایشان مصداق کامل این حدیث قدسی‌اند:

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا أَطَاعُوهُ فِيهَا أَرَادَ فَأَطَاعَهُمْ فِيهَا أَرَادُوا، يَقُولُونَ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ.^۳

برای خداوند بندگانی است که اطاعت از اراده خداوند می‌کنند و در قبال این عمل، به هرچه آنها اراده کنند، از آنها اطاعت می‌کنند و به هر شیء بگویند باش، می‌شود.

اهل بیت علیهم السلام در راه اطاعت از خدای متعال، به غیر از عبادت‌های فردی، در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نیز سرآمد همه بودند و در این راه تا بذل جان پیش

۱. نهج البلاغة، حکمت ۹۶.

۲. الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)، ص ۷۰۹.

۳. همان.

رفتند. امام علی علیه السلام آن‌گاه که خلافت را غصب‌شده دید، تمام تلاش خود را برای بازپس‌گیری آن به عمل آورد، تا جایی که در این راه، به حریم خانه او هجوم آوردند، و زمانی هم که مردم ایشان را به پذیرش خلافت وادار کردند، براساس تکلیف الهی، آن را پذیرفت و خود در این باره فرمود:

أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحَجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَمَا
أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارُوا عَلَى كِبَرِهِ ظَالِمٍ وَلَا سَغَبٍ مَظْلُومٍ لِأَلَقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا
وَلَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْهَا وَلَا لَفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطَةِ عَنزٍ.^۱

آگاه باشید به خدا سوگند! خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید! اگر نه این بود که جمعیت بسیاری گرداگردم را گرفته و به یاری‌ام قیام کرده‌اند و از این سبب، حجت تمام شده است و اگر نبود عهد و پیمانی که خداوند از عالمان و دانشمندان [هر جامعه] گرفته است که در برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند، من مهار شتر خلافت را رها می‌ساختم و از آن صرف نظر می‌نمودم و آخر آن را با جام آغازش سیراب می‌کردم، [آن وقت] خوب می‌فهمیدید که دنیای شما [با همه زینت‌هایش] در نظر من بی‌ارزش‌تر از آبی است که از بینی بزغاله‌ای بیرون آید.

امام حسین علیه السلام نیز تنها برای اطاعت خداوند حاضر شد خود و بهترین خویشاوندان و اصحابش را فدا کند و خاندانش به اسارت برده شوند. آن‌گاه که حضرت تصمیم حرکت به سوی عراق را گرفته بود، برادرش محمد حنفیه نزد او آمد و از او خواست در این باره بیشتر تأمل کند. فردای آن روز، امام حسین علیه السلام به سوی عراق راه افتاد. محمد حنفیه به محضر او شرفیاب شد و علت آن را جویا گردید. امام حسین علیه السلام به او فرمود: پس از رفتن تو، پیامبر صلی الله علیه و آله نزد من آمد و فرمود: «يَا حُسَيْنُ اُخْرِجْ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ سَاءَ أَنْ يَرَكَ قَتِيلًا»؛ «به سوی عراق حرکت کن؛ زیرا خداوند خواسته است تو را کشته ببیند». محمد حنفیه

۱. نهج البلاغه، خطبه سوم (شششنبه).

پرسید: «پس چرا زنان را با خود می‌بری؟» امام علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به من فرمود: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَا»؛ «به درستی که خداوند خواسته است آنان را اسیر ببیند».^۱

از این رو، در زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام می‌بینیم که به این صفت در ایشان، بسیار اشاره شده است؛ تا ما نیز با الگو قرار دادن آنان در زندگی، میزان اطاعت‌پذیری‌مان را از خدا بالا ببریم. در اینجا به برخی از این موارد توجه می‌کنیم:

در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام در روز غدیر می‌خوانیم:

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ وَلَا أَحْجَمْتَ وَلَا نَطَقْتَ وَلَا أَمْسَكْتَ إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ.^۲

گواهی می‌دهم که تو اقدامی نکردی و روی نگرداندی و سخن نگفتی و سکوت نکردی؛ مگر برای اطاعت خدا و رسولش.

در زیارت امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ... وَ أَطَعْتَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ»^۳ «گواهی می‌دهم که تو نماز را برپای داشتی... و از خدا و رسولش اطاعت کردی؛ تا آن زمان که مرگت فرا رسید». در یک زیارت دیگر از امام حسین علیه السلام (مخصوص عاشورا) چنین آمده است: «السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ»^۴؛ «سلام بر کسی که در پنهان و آشکار، خدا را اطاعت کرد».

در موارد متعددی از زیارت جامعه کبیره نیز به این مسئله پرداخته شده است که صریح‌ترین آنها را می‌آوریم:

وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ... الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْقَوَامُونَ بِأَمْرِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ... وَ لَهُ تُسَلَّمُونَ وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ.^۵

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۴.

۲. المزار، صص ۷۰ - ۸۲.

۳. المزار، ص ۱۲۴.

۴. المزار الكبير، ص ۴۹۷.

۵. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، صص ۶۱۱ - ۶۱۶.

گواهی می‌دهم که شما... مطیع خداوندید، برای اجرای دستورهای او به پا می‌خیزید، به خواست او عمل می‌کنید... تسلیم فرمان او بید و به دستورهای او عمل می‌کنید.

۳.۲. اخلاص

حرکت در مسیر کمال و تلاش برای رسیدن به اهداف بلند انسانی، زمانی رخ خواهد داد که فعالیت‌های معنوی و اعمال عبادی آدمی، از ارزش و اعتبار لازم برخوردار باشد. این ارزش و اعتبار، از یک سو از امری نشئت می‌گیرد که خداوند آن را صادر کرده است و از سوی دیگر، به صحت و درستی اجزاء و تمامیت شرایط خود عمل مربوط می‌شود. اما آنچه سالک را از مزایای این قدر و اعتبار بهره‌مند می‌سازد و رنگ ارزش و نقش اعتبار عمل وی را از استحکام کافی برخوردار می‌نماید، پاکی نیت و خالی بودن انگیزه او از هرگونه شائبه آلودگی به هواهای نفسانی و دور نگه داشتن عمل از هر نوع رنگ غیرالهی است که از آن به «اخلاص» تعبیر کرده‌اند.

رهایی از عذاب اخروی، اتصاف به صفات عالی انسانی و رسیدن به مقام رفیع قرب الهی، در گرو صفای باطن و خلوص نیت و مشروط به حفظ و حراست تلاش و انگیزه از گرایش‌های نادرستی است که جهت حرکت آدمی را از صراط مستقیم و توجه کامل به حق منحرف می‌سازد.

اخلاص شرط جدایی‌ناپذیر برای دستیابی به کمالات معنوی و ارزش‌های انسانی و زمینه‌ساز نزول امدادهای غیبی و سرازیر شدن الطاف خاص الهی است. سیر و سلوک بدون اخلاص، تلاشی بی‌حاصل و کشت بی‌ثمر است. کسی که طالب کمالات و مکارم اخلاق است و تلاش و عمل او از ناخالصی‌های تاریک و ظلمانی پاک نگشته است، عملش باطل، سرمایه‌گرانهای عمرش تباه و حاصل زحمات شبانه‌روزی‌اش حسرت و ندامتی است که دنیا و آخرت او را بر باد می‌دهد.

عبادت تنها به پاره‌ای اعمال که از آن به «اعمال عبادی» نام می‌برند، خلاصه نمی‌گردد. بلکه هر عملی که مورد رضایت خداست و به قصد بندگی و اطاعت از فرمان خداوند و تنها برای جلب رضای او انجام پذیرد، عبادت محسوب می‌شود. از این رو، روح بندگی و عبادت آن است که انسان خود را بنده تمام‌عیار خدا بداند و در همه زندگی، از خواست و رضای او پیروی نماید. لازمه بندگی هم آن است که انسان خود را برای خدا خالص کند و این نیز جز در سایه رها شدن از تمامی بت‌ها و معبودها میسر نمی‌گردد.

درباره اهمیت اخلاص و سفارش به برخورداری از آن در همه اعمال، آیات و روایات بسیاری وارد شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ، أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ﴾؛ «پس خدا را پرستش کن؛ درحالی که دین خود را برای او خالص کرده‌ای. آگاه باشید که دین خالص از آن خداست» (زمر: ۲ و ۳).

همه باورها، رفتارها، عواطف و اندیشه‌های آدمی که ابعاد مختلف زندگی او را تشکیل می‌دهند، از شئون دینی خارج نیستند. از این رو، خالص کردن دین برای خدا به معنای خالص نمودن تمام شئون زندگی برای پروردگار است. در واقع بنده خالص خدا کسی است که غیرخدا را از خانه دل، عرصه جان، میدان عمل و چشم‌انداز گفتار و رفتار خویش بزدايد. تنها برای او بیندیشد، برای او دوست بدارد و برای او تلاش کند که اخلاص دین، جز این نمی‌باشد.^۱

در این باره خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد و می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾؛ «بگو من مأمورم که خدا را پرستش کنم؛ درحالی که دینم را برای او خالص کرده باشم» (زمر: ۱۱).

در روایات اسلامی نیز به نیت، اهمیت بسیاری داده شده است و در واقع برنامه

۱. فرهنگ صفات، عباس اسماعیلی یزدی، ص ۵۱.

اسلام این است که هر عملی را براساس نیت و انگیزه آن، پذیرش یا رد نماید؛ چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا عَمَلَ إِلَّا بِالنِّيَّةِ»^۱.

بعد از مسئله نیت، بر «اخلاص» بسیار تأکید شده است؛ زیرا عمل با اخلاص، بسیار پرارزش و بدون اخلاص، بی‌ارزش خواهد بود. عمل خالص تا آن حد در اسلام اهمیت دارد که در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین می‌خوانیم.

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَزْبَعِينَ يَوْمًا فَجَزَّ اللَّهُ يَتَابِعَ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.^۲

کسی که چهل روز اعمال خود را خالصانه انجام دهد، خداوند چشمه‌های حکمت و دانش را از قلبش بر زبانش می‌گشاید.

اخلاص در سیره اهل بیت علیهم السلام

بی‌تردید اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که بهترین بندگان خدا روی زمین‌اند، بالاترین درجه از اخلاص را در همه ابعاد زندگی خود دارند؛ گفتار و رفتار آنان، همگی برخاسته از روح اخلاص و نیت پاک می‌باشد. ایشان، سخت‌ترین اعمال را با کمال میل و رغبت و تنها برای خشنودی پروردگار انجام می‌دهند و در این راه هیچ چشم‌داشتی به دیگران ندارند. خداوند به برخی از رفتارهای خالصانه ایشان، در قرآن کریم اشاره کرده است:

مفسران شیعه و سنی نقل کرده‌اند که آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ»^۳ در شأن امیرمؤمنان علیه السلام نازل شده است؛ آن‌گاه که در شب هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مشرکان قصد داشتند ایشان را به قتل برسانند، حضرت علی علیه السلام

۱. الأمالی، طوسی، ص ۵۹۰.

۲. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۹.

۳. «بعضی از مردم [باایمان و فداکار، همچون علی علیه السلام] در «لیلة المیت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله، جان خود را برای خشنودی خدا می‌فروشدند و خداوند به بندگان، مهربان است». (بقره: ۲۰۷)

برای فریب مشرکان و آگاه‌نشدن آنان از خروج پیامبر ﷺ از منزل، در بستر ایشان خوابید؛ با وجود اینکه خطر کشته شدن ایشان بسیار جدی بود.^۱ خداوند نیز با نازل کردن این آیه، بر عظمت این اقدام حضرت علی علیه السلام و اخلاص ایشان، تأکید می‌کند.

همچنین به تصریح مفسران شیعه و سنی، آیات ۷ و ۸ سوره انسان: ﴿وَيُطْعَمُونَ
الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا، إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لُجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا
شُكْرًا﴾^۲ در شأن علی علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و نیز فضه،
خادمه ایشان، نازل شده است؛ آن‌گاه که سه شب پیاپی، با وجود گرسنگی و نداشتن
غذای دیگر، غذای خود را به مسکین، یتیم و اسیر دادند و خود گرسنه ماندند.^۳ این
آیات به روشنی می‌فرماید که ایشان، عمل خود را از روی اخلاص و تنها برای کسب
خشنودی خداوند انجام دادند و هیچ توقعی از دیگران در مقابل عمل خود نداشتند.

در زیارتنامه‌های ایشان نیز به مسئله اخلاص بسیار توجه شده است که زائران با
خواندن آنها، درس اخلاص و بندگی واقعی را فرا می‌گیرند؛ برای مثال، در
زیارتنامه‌های پیامبر اکرم ﷺ، امام علی علیه السلام، امام حسین علیه السلام، امام کاظم علیه السلام، امام
رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام و امام عسکری علیه السلام،^۴ این عبارت به کار رفته است:

۱. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۷۸.

۲. «و غذای [خود] را با اینکه به آن علاقه [و نیاز] دارند، به «مستمند» و «یتیم» و «اسیر» اطعام می‌کنند، [و
می‌گویند]: ما شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم».

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۴۳.

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۶۷.

۵. کتاب المزار - مناسک المزار، ص ۷۹.

۶. کامل الزیارات، ص ۲۰۷.

۷. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۵۳۵.

۸. کامل الزیارات، ص ۳۱۲.

۹. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الاخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء الی الإمام الجواد علیه السلام)، ج ۲۳،
ص ۶۱۴.

۱۰. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۶۷.

«أَشْهَدُ أَنَّكَ... عَبْدَتَ اللَّهِ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ»؛ «گواهی می‌دهم که تو... خدای را از روی اخلاص عبادت کردی تا زمانی که مرگت فرا رسید».

به دلیل مقام والای امیرمؤمنان علیه السلام در اخلاص، این مسئله در زیارتنامه‌های ایشان بسیار مطرح شده است؛ برای مثال، در زیارت امام علی علیه السلام در روز غدیر می‌خوانیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ... الْمُخْلِصِ لِبَطَاعَةِ اللَّهِ... أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً وَأَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً^۱.

گواهی می‌دهم که تو در اطاعت خداوند، مخلص بودی... تو بهترین مردم در عبادت و خالص‌ترین آنان در زهدورزی بودی.

همچنین در زیارت امام علی علیه السلام در روز ۱۷ ربیع‌الاول آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ وَخَالِصَةَ اللَّهِ وَخَاصَّتَهُ^۲.

سلام بر تو ای کسی که در وحدانیت خدا اخلاص ورزیدی... سلام بر تو ای ولی خدا و حجت او و خالص‌شده برای خدا و بنده مخصوص او.

در صلوات بر امام کاظم علیه السلام می‌خوانیم:

أَخْلَصَ الطَّاعَةَ لَكَ وَخَضَّ الْخُشُوعَ وَاسْتَشَعَرَ الْخُضُوعَ وَعَادَى الْبِدْعَةَ وَأَهْلَهَا وَلَمْ يَلْحَقْهُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَوْامِرِكَ وَنَوَاهِيكَ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ^۳.

[امام کاظم علیه السلام] اطاعت تو را از روی اخلاص انجام داد و نهایت خشوع را در پیشگاه تو ادا نمود و برای تو خضوع کرد و با بدعت و اهل آن دشمنی ورزید و سرزنش‌های ملامت‌کنندگان در اجرای هیچ‌یک از اوامر و نواهی تو، در او مؤثر نگشت.

همچنین در صلوات بر امام جواد علیه السلام آمده است: «اللَّهُمَّ... صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ

۱. المزار، صص ۷۵ - ۸۷.

۲. همان، صص ۹۲ - ۹۶.

۳. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۷.

التَّقِيَّ... وَوَاحِدِ الْأَوْصِيَاءِ فِي الْإِخْلَاصِ وَالْعِبَادَةِ»^۱؛ «خدا یا!... بر محمد بن علی علیه السلام پاک و متقی... و یکی از اوصیا در اخلاص و عبادت، درود فرست.»

در زیارت جامعه صغیره که می‌توان آن را برای هر امامی خواند، می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ»^۲؛ «سلام بر خالصان در اطاعت خداوند». همچنین در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَى... الْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ»^۳؛ «سلام بر... اخلاص‌ورزان در توحید خداوند». این‌گونه است که آن بزرگواران، اخلاص را به ما می‌آموزند؛ چنان‌که زائر کوی امام حسین علیه السلام پس از خواندن نماز زیارت چنین دعا می‌کند:

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا يَكُونُ إِلَّا لَكَ...^۴

خدا یا! من نماز خواندم و رکوع و سجده کردم برای تو؛ واحدی و شریک نداری؛ زیرا نماز و رکوع و سجده جز برای تو جایز نیست.

۴. عبادت و بندگی

هدف آدمی در این دنیا دستیابی به کمال و سعادت است و این هدف در پرتو رفتارهای اختیاری او حاصل می‌شود. عبادت خداوند، مهم‌ترین رفتاری است که انسان‌ها را به کمال واقعی که همان قرب پروردگار است، می‌رساند. از این‌رو می‌بینیم خداوند هدف از خلقت انسان را عبادت خداوند معرفی می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾؛ «من جنّ و انس را نیافریدم؛ جز برای اینکه مرا پرستش کنند [و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند]» (ذاریات: ۵۶).

۱. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۵۳۷.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۰۸.

۳. همان، ص ۶۱۰.

۴. المنزار، ص ۱۲۶.

در روایات نیز به عبادت خداوند، توجه ویژه‌ای شده است. آن بزرگواران به روش‌های مختلفی تلاش نموده‌اند انسان‌ها را به عبادت خداوند ترغیب کنند؛ برای مثال، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَأَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَبَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَتَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عُسْرِ أُمِّ عَلَى يُسْرِ.^۱

برترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد؛ آن را در آغوش گیرد و از صمیم دل، دوستش دارد و با پیکر خود با آن درآمیزد و خویشتن را وقف آن گرداند؛ در این حالت، او باکی ندارد که دنیایش به سختی گذرد یا به آسانی.

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در عبادت خدای متعال، گوی سبقت را از همه ربوده و بندگان خاص خداوند می‌باشند. برخی از زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام خود شاهدی آشکار بر این مطلب می‌باشند. به عنوان مثال، در زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله آمده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ... عَبْدَتَ اللَّهِ مُخْلِصًا حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ»؛^۲ «گواهی می‌دهم که تو... خدای را از روی اخلاص اطاعت کردی تا زمانی که مرگت فرا رسید».

در زیارت امام علی علیه السلام در روز غدیر می‌خوانیم: «أَنْتَ أَحْسَنُ الْخُلُقِ عِبَادَةً»؛^۳ «تو از جهت عبادت خداوند، بهترین مردمی». همچنین در زیارت امام کاظم علیه السلام، ایشان را چنین زیارت می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الصَّالِحُ... السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْعَابِدُ»؛^۴ «سلام بر تو ای امام شایسته... سلام بر تو ای امام عبادت‌کننده».

در صلوات بر امام جواد علیه السلام نیز می‌گوییم: «أَخَذَ فِي خُشُوعِهِ لَكَ حَظَّهُ وَاسْتَوْفَى مِنْ

۱. الکافی، ج ۲، ص ۸۳.

۲. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۶۱.

۳. المزار، ص ۸۷.

۴. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵.

خَشِيكَ نَصِيْبَهُ»؛ «[امام جواد علیه السلام] بهره خود را با خشوع در برابر تو برگرفت و نصیب خود را از ترس از تو دریافت کرد».

گفتنی است انسان هر عمل نیکی را که به قصد قربت انجام دهد، عملی عبادی محسوب می‌گردد؛ هرچند در ظاهر، خالی از هرگونه ذکر و یاد خدا باشد. بی‌تردید تلاش برای تهیه مخارج همسر و فرزندان و زحمات زن در خانه برای سامان‌دادن به آن، نمونه‌های آشکاری از این قبیل عبادات است.

با این حال، برخی از اعمال نیز به دلیل مشتمل بودن بر تسبیح و تقدیس خداوند، رسماً عبادت محسوب می‌گردند؛ مثل ذکر و یاد خدا، نماز و قرائت قرآن. ما در اینجا به این بخش از عبادات می‌پردازیم و به زیارتنامه‌ها از این لحاظ، توجه می‌کنیم:

الف) ذکر و یاد خداوند

اساس در اخلاق اسلامی، توجه به خدا و اشتغال به یاد اوست و اصولاً یاد خدا روح همه طاعات و عبادات و ارزش‌های اخلاقی را تشکیل می‌دهد. از نظر اسلام، سرچشمه قدرت روحی و معنوی برای انسان و یگانه عامل سعادت و کمال او، توجه به خدا و اشتغال به یاد اوست؛ همچنان‌که همه گرفتاری‌های انسان و حتی همه رذایل اخلاقی و معایب روحی و امراض نفسانی، ناشی از غفلت از یاد خداست.^۲

مفهوم ذکر: ذکر گاهی در برابر «غفلت» و گاهی در برابر «نسیان» به کار می‌رود. غفلت به معنای توجه نداشتن به علم، و نسیان به معنای زایل شدن معنا از ذهن است. حقیقت ذکر، عبارت است از توجه قلبی انسان به ساحت قدس پروردگار. اگر به ذکر لفظی نیز عنوان «ذکر» اطلاق می‌شود، به سبب آن است که ذکر لفظی از آثار ذکر قلبی

۱. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۵۳۷.

۲. اخلاق اسلامی، ص ۴۶.

است؛ یعنی گفت‌وگو کردن درباره چیزی، ناشی از یاد کردن آن در دل است؛ و گرنه ذکر حقیقی، همان ذکر قلبی و توجه دل به سوی پروردگار است.

همچنان‌که به ذکر لفظی به علت آنکه حکایت از ذکر قلبی می‌کند، ذکر گفته می‌شود، اعمالی را نیز که انسان در جهت اطاعت از اوامر الهی انجام می‌دهد، مجازاً ذکر می‌نامند؛ زیرا این اعمال و طاعات، از توجه شخص به خدا حکایت دارد.

بنابراین در مواردی هم که ذکر موجود نیست، با ملاحظه آثار ذکر، عنوان ذکر را به کار می‌بریم و به همین ترتیب، در مواردی که به ظاهر ذکر موجود است، اما آثار و خواص ذکر در میان نیست، نسیان و غفلت اطلاق می‌شود؛ برای مثال کسی که در ظاهر به یاد خداست، اما معصیت نیز انجام می‌دهد، در واقع فاقد ذکر حقیقی است. از اینجا می‌توان دریافت که تشخیص ذکر واقعی از ذکر غیر واقعی، از طریق آثار آن دو، صورت می‌پذیرد.^۱ پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ وَإِنْ قَلَّتْ صَلَاتُهُ وَصِيَامُهُ وَتِلَاوَتُهُ وَمَنْ عَصَى اللَّهَ فَقَدْ نَسِيَ اللَّهَ وَإِنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ وَصِيَامُهُ وَتِلَاوَتُهُ لِلْقُرْآنِ.^۲

کسی که اطاعت خدا کند، ذکر خدا کرده [و به یاد خدا بوده]؛ گرچه نماز و روزه و تلاوت قرآن کم باشد و کسی که معصیت خدا کند، خدا را فراموش کرده است؛ گرچه نماز و روزه و تلاوت قرآن بسیار باشد.

آیات و روایات بسیاری، انسان‌ها را به ذکر خدا و به ویژه بسیار یاد کردن خدا سفارش می‌کنند؛ برای مثال، در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گوئید» (احزاب: ۴۲).

۱. اخلاق اسلامی، صص ۴۸ و ۴۹.

۲. معانی الاخبار، ص ۳۹۹.

همچنین در قرآن کریم آمده است:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (آل عمران: ۱۹۰ و ۱۹۱)

به یقین در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز، نشانه‌های [روشنی] برای خردمندان است؛ [همان] کسانی که خدا را ایستاده و نشسته و درحالی که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند]: پروردگارا! اینها را بیهوده نیافریده‌ای؛ منزهی تو! ما را از عذاب دوزخ، نگاهدار.

در مقابل، خدای متعال، انسان‌ها را از فراموش کردن یاد او به شدت نهی می‌کند و

عواقب ناگوار آن را گوشزد می‌نماید؛ برای مثال، در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (منافقون: ۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و فرزندان، شما را از یاد خدا غافل نکند! و کسانی که چنین کنند، زیانکاران‌اند.

﴿وَمَن أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى * قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا * قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾ (طه: ۱۲۴ - ۱۲۶)

و هرکس از یاد من روی گردان شود، زندگی [سخت و] تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسوس می‌کنیم. می‌گوید: «پروردگارا! چرا مرا نابینا محسوس کردی؟! من که بینا بودم»؛ می‌فرماید: «همان‌گونه که آیات ما برای تو آمد و تو آنها را فراموش کردی، امروز تو فراموش خواهی شد».

جلوه‌های ذکر در زندگی امامان معصوم علیهم السلام

امامان معصوم علیهم السلام افزون بر ذکر قلبی، آشکارا نیز با زبان و اعضایشان، به نام و یاد خدا مشغول بودند و هیچ کاری آنان را از یاد خدا باز نمی‌داشت. در این باره، از هریک از ائمه علیهم السلام موارد بسیاری که نشان از نهایت بندگی و خضوع و خشوع در مقابل ذات مقدس پروردگار است، نقل گردیده است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همواره و در همه حالات، به ذکر و دعا و استغفار می‌پرداختند. ایشان هنگام نگاه در آینه، سوار شدن بر مرکب، برخاستن، لباس نو پوشیدن، فرا رسیدن شب، داخل شدن در مسجد، خروج از مسجد، خوابیدن، غذا خوردن، وضو گرفتن، گذر از قبرستان، شنیدن اذان، تعقیقات نماز، رؤیت هلال ماه و... خدای را یاد می‌کردند و او را تسبیح و تقدیس می‌نمودند و هیچ فرصتی را از دست نمی‌دادند.^۱

امام علی علیه السلام نیز همچون رسول خدا صلی الله علیه و آله، همواره به یاد خدا بود و او را تسبیح و تقدیس می‌کرد. شب‌ها بیدار بود، از خوف خدا می‌گریست و نام او را زمزمه می‌کرد.^۲ دعای کمیل با همه عظمتی که دارد، تنها یکی از دعاهای ایشان است.

ذکر و دعای امام سجاد علیه السلام، مشهورتر از آن است که درباره آن توضیح داده شود. سجده‌های آن حضرت به قدری زیاد و طولانی بود که به سجاد (بسیار سجده‌کننده) مشهور شد. دعاهای پرسوز و گداز و آکنده از معارف الهی او در کتاب صحیفه سجادیه، دلیلی آشکار بر ذکر و یاد خداست.

آری، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در همه محاسن و سجایای اخلاقی و رفتاری، از جمله در ذکر و یاد خداوند، سرآمد دوران بودند و کسی را یارای هموردی با ایشان نبود. در زیارتنامه‌های ایشان نیز به این مطلب پرداخته شده است و زائر کوی ایشان،

۱. سنن النبی صلی الله علیه و آله ص ۳۱۵ به بعد.

۲. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۲.

هنگام زیارت، بر این مطلب گواهی می‌دهد و از آنان درس تقوا و دینداری و یاد خدا می‌گیرد. به نمونه‌هایی از متون زیارتنامه‌ها توجه می‌کنیم:

در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَى... أَهْلِ الدُّكْرِ... وَ أَدْمَتُمْ (أَدْمَتُمْ) ذِكْرَهُ... فَجَعَلَكُمْ فِي بَيْوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ.^۱

سلام بر... اهل ذکر... شما بر یاد او مداومت کردید... خداوند شما را در خانه‌هایی قرار داد که اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند [تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد]؛ خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود.

در صلوات مخصوص امام موسی کاظم علیه السلام می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ... الَّذِي كَانَ يُجِيبِي اللَّيْلَ بِالسَّهْرِ إِلَى السَّحْرِ بِمَوَاصِلَةِ الْإِسْتِغْفَارِ حَلِيفِ السَّجْدَةِ الطُّوبَى لِي وَ الدُّمُوعِ الْغَزِيرَةِ وَ الْمُنَاجَاةِ الْكَثِيرَةِ وَ الضَّرَاعَاتِ الْمُتَّصِلَةِ الْجَمِيلَةِ.^۲

خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و بر امام موسی بن جعفر علیه السلام درود فرست... آن بزرگواری که شب‌زنده‌دار و تا هنگام سحر بیدار بود و پیوسته مشغول استغفار بود؛ او همدم و رفیق سجده‌های طولانی و اشک‌های ریزان و مناجات بسیار و زاری و ناله پیوسته و زیبا بود.

همچنین در زیارت جامعه صغیره که می‌توان در زیارت هریک از امامان خواند،

آمده است: «السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ»؛ «سلام بر منازل ذکر خدا».

به دلیل اهمیت یاد خدا و راز و نیاز با او، زائر کوی اهل بیت علیهم السلام که حال دعا پیدا می‌کند و خود را در موضع استجاب دعا می‌بیند، در برخی از زیارتنامه‌ها از خدا می‌خواهد که توفیق یاد او و راز و نیاز با او را نصیبش فرماید؛ چنان‌که در زیارت امین الله آمده است:

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، صص ۶۱۰ - ۶۱۳.

۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۷.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۰۸.

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي... مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ... ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلائِكَ... مَشْغُولَةً عَنِ
الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ.^۱

خدایا! مرا... مشتاق یاد و دعا به درگاہت... یادکننده عطایای فراوانت... سرگرم از دنیا به ستایش و ثنایت قرار بده.

در دعا پس از نماز زیارت امام علی علیه السلام می‌خوانیم:

فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمٌ... أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ... يَدْعُوكَ رَهْبًا وَرَغْبًا وَتَجْعَلَنِي لَكَ
مِنَ الْخَاشِعِينَ.^۲

از تو می‌خواهم ای خدا و ای بخشاینده و بخشایشگر... که مرا از کسانی قرار دهی که... تو را از روی بیم و امید می‌خوانند و مرا از خاشعان قرار دهی.

ب) اقامه نماز

نماز مهم‌ترین عبادتی است که در همه ادیان و شرایع آسمانی، به آن توجه ویژه شده است. بندگان پرهیزکار، هر روز اوقاتی را برای انجام دادن این فریضه بزرگ اختصاص می‌دهند. بی‌تردید نماز، ستون دین، شاخص دینداری، مایه آمرزش الهی، و محبوب‌ترین عمل نزد خداوند است.

در آیات قرآن کریم و روایات، بسیار به نماز و اهمیت آن اشاره شده است؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾؛ «همانا نماز برای مؤمنان وظیفه‌ای است ثابت و دارای اوقات معین» (نساء: ۱۰۳). همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾؛ «و نماز را برپا دار که نماز [انسان را] از زشتی‌ها و اعمال ناپسند باز می‌دارد» (عنکبوت: ۴۵).

۱. المزار، ص ۱۱۵.

۲. همان، صص ۱۰۹ و ۱۱۰.

رسول خدا ﷺ فرمود:

إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ وَهِيَ أَوَّلُ مَا يُنْظَرُ فِيهِ مِنْ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ فَإِنْ صَحَّتْ نُظِرَ فِي عَمَلِهِ
وَإِنْ لَمْ تَصِحَّ لَمْ يُنْظَرِ فِي بَقِيَّةِ عَمَلِهِ.^۱

نماز ستون دین است و نماز، نخستین عمل فرزند آدم است که به آن رسیدگی می‌شود؛ اگر درست بود، به دیگر اعمالش رسیدگی می‌شود و اگر درست نبود، به سایر اعمالش رسیدگی نمی‌شود.

نمونه‌هایی از نماز اهل بیت علیهم‌السلام

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، به نماز بسیار اهمیت می‌دادند. اوقات خود را با نماز نورانی می‌کردند. هنگام رسیدن وقت نماز، سر از پا نمی‌شناختند. با احساس اینکه هنگام حضور مقابل خداوند بزرگ است، رنگ از رخسارشان می‌پرید و بدنشان به لرزه می‌افتاد. گاهی نیز غش می‌کردند. هنگام رسیدن وقت نماز، دیگر هیچ دوست و آشنایی را نمی‌شناختند. چنان غرق در راز و نیاز و مناجات با پروردگار می‌شدند که همانند چوبی خشک به نظر می‌رسیدند و چنان نماز می‌خواندند که گویی خدا را می‌بینند و با او سخن می‌گویند.^۲

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره عشق و علاقه خود به نماز فرمود:

إِنَّ اللَّهَ [تَعَالَى] جَعَلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَحَبِيبًا إِلَيَّ كَمَا حَبَبَ إِلَيَّ الْجَائِعِ الطَّعَامَ وَإِلَى الظَّمْآنِ
المَاءَ فَإِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ الطَّعَامَ شَبِعَ وَإِذَا شَرِبَ المَاءَ رَوِيَ وَأَنَا لَا أَشْبِعُ مِنَ الصَّلَاةِ.^۳

خداوند متعال، نور دیده مرا در نماز قرار داد و نماز را محبوب من گردانید؛ همچنان که غذا را محبوب انسان گرسنه و آب را محبوب فرد تشنه گرداند؛ [با این تفاوت که] انسان

۱. تهذیب الاحکام (تحقیق خراسان)، ج ۲، ص ۲۳۷.

۲. میزان الحکمه، ج ۶، ماده «الصلاة»، الخشوع فی الصلاة.

۳. الامالی، ص ۵۲۸.

گرسنه هرگاه غذا بخورد، سیر می‌شود و فرد تشنه هرگاه آب بنوشد، سیراب می‌شود، اما من از نماز سیر نمی‌شوم.

درباره برخی از امامان مانند امام علی علیه السلام^۱، امام حسین علیه السلام^۲، امام زین العابدین علیه السلام^۳ و امام رضا علیه السلام^۴، نقل شده است که در شبانه‌روز، هزار رکعت نماز می‌گزاردند. این‌گونه است که در زیارتنامه‌های آن بزرگواران هم به نماز توجه ویژه‌ای شده است. زائران آن پیشوایان مقدس، گواهی می‌دهند که ایشان نماز را برپا داشتند.

عبارت «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ» در زیارتنامه بسیاری از اهل بیت علیهم السلام، از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله^۵، امام علی علیه السلام^۶، امام حسین علیه السلام^۷، امام موسی کاظم علیه السلام^۸، امام رضا علیه السلام^۹ و امام جواد علیه السلام^{۱۰} وارد شده است. همچنین در زیارت امام حسن عسکری علیه السلام آمده است: «أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ»^{۱۱}.

در زیارت جامعه کبیره که برای همه امامان علیهم السلام خوانده می‌شود، می‌خوانیم: «وَأَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ»^{۱۲}؛ «و نماز را به پا داشتید».

-
۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۶۱.
 ۲. همان، ج ۴۴، ص ۱۹۶.
 ۳. همان، ج ۴۶، ص ۶۱.
 ۴. همان، ج ۴۹، ص ۱۷۰.
 ۵. همان، ج ۹۷، ص ۱۶۱.
 ۶. المزار، ص ۱۰۱.
 ۷. المزار الكبير، ص ۴۱۵.
 ۸. المزار، ص ۱۸۹.
 ۹. همان، ص ۱۹۷.
 ۱۰. همان، ص ۱۹۲.
 ۱۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۶۷.
 ۱۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۲.

ج) تلاوت قرآن

قرآن کریم، بزرگ‌ترین معجزه پیامبر اسلام ﷺ و معجزه جاوید او تا روز قیامت است. قرآن، ثقل اکبر الهی و دربردارنده ژرف‌ترین معارف الهی است که برای هدایت بشر بر پیامبر ﷺ نازل شده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ آن را در طول ۲۳ سال از پروردگار متعال دریافت و به مسلمانان ابلاغ فرمود. ایشان و ائمه بزرگوار، عالمان به قرآن و تبیین‌کنندگان معارف آن به انسان‌ها می‌باشند. قرآن کریم در موارد بسیاری، به بیان ویژگی‌های قرآن، لزوم تلاوت قرآن، ویژگی‌های قاریان قرآن و... پرداخته است. در اینجا به برخی از این آیات توجه می‌کنیم:

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَابًا تَقَشَعُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلْبِثُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ﴾ (زمر: ۲۳)

خداوند، بهترین سخن را نازل کرده؛ کتابی که آیاتش [در لطف و زیبایی و عمق و محتوا] همانند یکدیگر است؛ آیاتی مکرر دارد [با تکراری شوق‌انگیز] که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند می‌افتد. سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می‌شود. این هدایت الهی است که هر کس را بخواهد با آن راهنمایی می‌کند و هر کس را خداوند گمراه سازد، راهنمایی برای او نخواهد بود.

امام علی عليه السلام نیز فرمود: «لِفَاتِحِ الْإِيمَانِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ»^۱ «بارور شدن ایمان، به تلاوت قرآن است». اهل بیت عليهم السلام بسیار به تلاوت قرآن اهمیت می‌دادند و همواره با آن مأنوس بودند. آن بزرگواران، همان‌گونه که در بُعد معارف و حقایق و اسرار الهی، همراه قرآن بودند، در آشکار نیز از نور قرآن استفاده می‌کردند و از تلاوت و شنیدن آیات الهی، غفلت نمی‌کردند. رسول خدا صلى الله عليه وآله بسیار قرآن تلاوت می‌فرمود. هر شب پیش از خواب، مسبّحات

۱. شرح غرر الحکم و درر الکلم، آقا جمال خوانساری، ج ۵، ص ۱۳۱.

(سوره‌های حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن) و همین‌طور سوره سجده و مُلک را تلاوت می‌کرد.^۱ گاه برای حضرتش قرآن تلاوت می‌کردند و ایشان گوش می‌داد و می‌گریست.^۲

حضرت زهرا علیها السلام آن قدر به قرائت قرآن اهمیت می‌دادند که حتی به امیرمؤمنان علیه السلام وصیت کردند که پس از دفن، بالای سرش در پیش روی او بنشیند و قرآن بخواند.^۳

در زیارتنامه‌های امامان معصوم علیهم السلام زائران گواهی می‌دهند که آن بزرگواران، قرآن کریم را آن‌گونه که حق تلاوت آن است، تلاوت کردند؛ برای مثال، در زیارتنامه‌های امام علی علیه السلام (در شب و روز مبعث)^۴، امام حسین علیه السلام^۵، امام موسی کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام^۶ این تعبیر به کار رفته است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ... تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ»؛ «گواهی می‌دهم که تو... قرآن را آن‌گونه که حق تلاوت آن است، تلاوت کردی».

مهم‌تر از تلاوت قرآن، عمل به آن است که در این زمینه هم اهل بیت علیهم السلام الگوی همگان‌اند؛ چنان‌که در زیارت امین الله می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ»^۸؛ «گواهی می‌دهم که تو در راه خدا، جهاد کردی و به کتاب او عمل نمودی».

۵. پرداخت زکات

یکی از دستوره‌های خداوند به مسلمانان که آثار مهم دنیوی و اخروی برای افراد به دنبال دارد، پرداخت زکات است. در قرآن کریم و سخنان امامان معصوم علیهم السلام نیز به

۱. سنن النبی، ص ۳۰۹.

۲. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۲۱۶.

۳. همان، ج ۷۹، ص ۲۷.

۴. المزار، ص ۱۰۱.

۵. المزار الكبير، ص ۴۱۵.

۶. المزار، ص ۱۸۹.

۷. همان، ص ۱۹۲.

۸. همان، ص ۱۱۴.

پرداخت زکات بسیار توجه شده است؛ برای مثال، در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (بقره: ۱۱۰)

و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و هر کار خیری را برای خود از پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا [در سرای دیگر] خواهید یافت؛ زیرا خداوند به اعمال شما بیناست.

پیامبر اکرم ﷺ نیز فرمود:

الزَّكَاةُ قَنْطَرَةُ الْإِسْلَامِ فَمَنْ آذَاهَا جَارَ الْقَنْطَرَةَ وَمَنْ مَنَعَهَا اِحْتَبَسَ دُونَهَا وَهِيَ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ.^۱

زکات پل اسلام است؛ کسی که آن را بپردازد، از این پل عبور می‌کند و کسی که از پرداخت آن اجتناب ورزد، قبل از پل نگه داشته می‌شود. پرداخت زکات، خشم پروردگار را فرومی‌نشاند.

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام به پرداخت زکات و هرگونه حقوق مالی، از جمله کمک به نیازمندان، توجه بسیاری داشتند که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: نقل است که حضرت علی علیه‌السلام، نخلستانی داشت که درختان آن را رسول خدا ﷺ غرس کرده بود. حضرت روزی نخلستان را فروخت. چهار هزار درهم از قیمت آن را به یک عرب بیابانی بخشید و بقیه را میان مستمندان مدینه تقسیم کرد و حتی دره‌می برای خود نگه نداشت.^۲

در احوال حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام نیز نوشته‌اند که سه بار همه اموال خویش را با مستمندان تقسیم کرد؛ نیمی برای خود برداشت و نیمی را به آنان بخشید.^۳ امام موسی کاظم علیه‌السلام نیز شبانه در تاریکی، به طور ناشناس، درهم و دینار و غذا به نیازمندان

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۴۰۵.

۲. همان، ج ۴۱، ص ۴۵.

۳. تهذیب الاحکام (تحقیق خراسان)، ج ۵، ص ۱۱.

می‌رسانید و آنها نمی‌دانستند که این کمک‌ها را چه کسی به آنها می‌رساند.^۱

زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام نیز مملو از عبارات‌هایی است که بر این منقبت ایشان گواهی می‌دهد و عمل به این آموزه مهم دینی را به محبان آن بزرگواران می‌آموزد.

در زیارتنامه بسیاری از ایشان، از جمله زیارتنامه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرمؤمنان علیه السلام، امام حسین علیه السلام، امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام، این عبارت آمده است: «أَشْهَدُ أَنْكَ... وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ»؛ «گواهی می‌دهم که تو... زکات را پرداخت کردی».

همچنین در زیارت امام علی علیه السلام در ۱۷ ربیع الاول می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا... كَتَفَ الْفُقَرَاءَ»؛ «سلام بر تو ای... پناه بی‌نویان». در زیارت امام حسن عسکری علیه السلام نیز می‌خوانیم: «أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنْكَ... وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ»؛ «گواهی می‌دهم ای مولای من که تو... زکات را پرداخت کردی». در زیارت جامعه کبیره نیز این‌گونه بر توجه ائمه اطهار علیهم السلام به پرداخت کردن زکات، گواهی می‌دهیم: «وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ»؛ «و زکات را پرداخت نمودید».

۶. جهاد در راه خدا

در بسیاری از مذاهب تحریف شده یا انحرافی، جهاد به هیچ وجه وجود ندارد و همه چیز بر محور توصیه‌ها و نصایح و اندرزها است. حتی بعضی هنگامی که می‌شنوند

۱. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۱۸.

۲. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۶۱.

۳. المزار، ص ۱۰۱.

۴. المزار الكبير، ص ۴۳۱.

۵. المزار، ص ۱۸۹.

۶. همان، ص ۱۹۷.

۷. همان، ص ۱۹۲.

۸. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۳۷۴.

۹. همان، ج ۹۹، ص ۶۷.

۱۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۲.

جهاد مسلحانه، از ارکان برنامه‌های اسلامی است، در تعجب فرو می‌روند که مگر دین می‌تواند، همراه با جنگ باشد.

اما با توجه به اینکه همیشه افراد زورمند و خودکامه و فرعون‌ها و نمرودها و قارون‌ها که اهداف انبیا را مزاحم خویش می‌دیده‌اند، در برابر آن ایستاده و جز به محو دین و آیین خدا راضی نبوده‌اند، روشن می‌شود که دینداران راستین باید در عین تکیه بر عقل و منطق و اخلاق، در مقابل این گردنکشان ظالم و ستمگر بایستند و راه خود را با مبارزه و در هم کوبیدن آنان، پیش برند.

از افتخارات ما مسلمانان، آمیختن دین با مسئله حکومت و داشتن دستور جهاد در برنامه‌های دینی است. اما باید دید جهاد اسلامی چه اهدافی را تعقیب می‌کند. در واقع آنچه ما را از دیگران جدا می‌سازد، همین است.^۱

آیات و روایات بسیاری در تشویق و تحریک به جهاد و اجر جهادگران بیان شده است. در این آیات و روایات، گاهی صریحاً دستور جهاد داده می‌شود، گاهی نیز فضیلت جهاد و اجر جهادگران بیان می‌شود و گاهی درباره ترک جهاد، هشدار داده می‌شود؛ برای مثال در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ (توبه: ۷۳)

ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است و چه بد فرجامی است!

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبِشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْمَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه: ۱۱۱)

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، صص ۲۵ و ۲۶.

خداوند از مؤمنان، جان و مالشان را خریداری کرده که [در برابرش] بهشت برای آنان باشد؛ [به این گونه که:] در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند؛ این وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید، شادمان باشید و این است همان رستگاری و پیروزی بزرگ!

همچنین از روایات بسیاری که در تشویق به جهاد وارد شده است می‌توان به موارد

زیر اشاره کرد:

امام علی علیه السلام فرمود:

الْجِهَادُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِحَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَدَرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَجَنَّةُ الْوَرِثَةِ.^۱

همانا جهاد یکی از درهای بهشت است که خداوند آن را برای اولیای خاص خود گشوده است. جهاد، جامه تقوا و زره استوار خداوند و سپر محکم اوست.

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به دلیل آنکه راهنمایان و الگوهای مردم‌اند و در همه فضایل سرآمد دیگران می‌باشند، بزرگ‌ترین عمل‌کنندگان به فریضه جهاد می‌باشند. آن بزرگواران، چه به صورت جهاد در میدان جنگ و چه به صورت جهاد با اموال و زبان، به بهترین وجه به این فریضه الهی عمل کرده‌اند. ایشان به دلیل آنکه به معارف دین اسلام آگاهی کامل داشتند، بهتر از هرکس دیگر توانایی دفاع از کیان دین و معارف قرآن را داشتند و از این رو در هر زمان، متناسب با فضای جامعه و مقتضیات آن زمان، به جهاد پرداختند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام، کنار جهاد مالی و فرهنگی، در راه خدا نیز بذل جان نمودند؛ تا جایی که امام حسین علیه السلام در راه دین خدا، خود و خویشاوندان و بهترین اصحاب خود را به قربانگاه برد. اما سایر امامان با

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

توجه به اوضاع زمان خود، به جهاد فرهنگی روی آوردند و تلاش کردند با تربیت شاگردان، مناظره‌های علمی، تبیین احکام دین، ارائه تفسیر صحیح قرآن و... معارف و آموزه‌های اسلام راستین را به مردم بنمایانند.

از این رو، اهل بیت علیهم‌السلام بزرگ‌ترین تلاشگران در عرصه جهاد، چه جهاد نظامی و چه جهاد فرهنگی می‌باشند. آنچه مهم است، دفاع از دین است که اهل بیت علیهم‌السلام به آن پرداختند و با همه وجود خود برای آن مایه گذاشتند؛ تا جایی که جان خود را در این راه فدا نمودند. به دلیل اهمیت این فریضه، لزوم توجه و آگاهی مؤمنان از آن و نیز شناخت اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه، می‌بینیم که در زیارتنامه‌های ایشان، به مسئله جهاد در راه خدا پرداخته شده است و زائران هنگام زیارت آن پیشوایان، به جهادگر بودن ایشان گواهی می‌دهند؛ برای مثال، تعبیر «أَشْهَدُ أَنَّكَ... جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» در زیارتنامه امامان متعددی از جمله امام علی علیه‌السلام^۱، امام حسین علیه‌السلام^۲، امام کاظم علیه‌السلام^۳ و امام جواد علیه‌السلام^۴ آمده است.

در زیارت امین‌الله نیز که درباره زیارت امام علی علیه‌السلام وارد شده است و در زیارت همه امامان معصوم علیهم‌السلام خوانده می‌شود، این تعبیر آمده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»^۵؛ «شهادت می‌دهم که تو آن‌گونه که شایسته است؛ در راه خدا جهاد کردی». همچنین در زیارتنامه امام علی علیه‌السلام می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ... جَاهَدَ النَّاكِثِينَ فِي سَبِيلِكَ وَالْقَاسِطِينَ فِي حُكْمِكَ وَالْمَارِقِينَ عَنِ
أَمْرِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا.^۶

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۷۰؛ کامل‌الزیارات، ص ۴۳.

۲. المزار الکبیر، ص ۴۱۵، زیارت امام حسین علیه‌السلام در شب‌های قدر.

۳. المزار، ص ۱۸۹.

۴. همان، ص ۱۹۲.

۵. همان، ص ۱۱۴.

۶. همان، ص ۴۲.

خدایا! من شهادت می‌دهم که امام علی علیه السلام... با پیمان‌شکنان (اصحاب جمل) در راهت و با زورگویان در حکمت (معاویه و همدستانش) و با بیرون‌رفتگان از دین تو (خوارج)، بردبارانه و پاداش‌جویانه پیکار کرد.

در زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام نیز آمده است:

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ... جَاهِدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَ مُسْتَشْهِداً.^۱

و گواهی می‌دهم که تو... در راه خدا جهاد کردی و به دنبال آن هدفی که داشتی با شهادت و در حال شهادت‌جویی عبور کردی.

همچنین در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَ ابْنُ وَلِيِّكَ... أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ... وَ جَعَلْتَهُ... ذَائِداً مِنَ الذَّادَةِ... وَ بَدَلَ مُهَجَّتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ... فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِراً مُحْتَسِباً حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَ اسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ.^۲

خدایا! من گواهی می‌دهم که امام حسین علیه السلام ولی [و نماینده] تو و فرزند ولیّ توست... او را با شهادت، گرامی داشتی... و او را مدافعی از مدافعان حق قرار دادی... او جان خود را در راه تو داد تا بندگان را از نادانی و سرگردانی در گمراهی برهاند... [آن حضرت] با شکیبایی و پاداش‌جویی در راه اطاعت تو، با دشمنان مبارزه کرد تا آن حد که خونسش در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش شکسته شد.

در زیارت جامعه کبیره نیز می‌خوانیم: «و جَاهِدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»^۳ «در راه خدا

آن‌گونه که حق جهاد در راه خداست، جهاد کردید». به امید آنکه ما نیز به پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام جزء جهادگران در راه خدا قرار گیریم.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۷۶.

۲. المزار الکبیر، صص ۵۱۴ و ۵۱۵.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۲.

۷. امر به معروف و نهی از منکر

انسان موجودی اجتماعی است و سرنوشتش با سرنوشت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، ارتباط دارد. سود و زیان کارهایی که از انسان سر می‌زند، هم به خود او باز می‌گردد و هم جامعه را متأثر می‌کند. افزون بر این، اعمال دیگران نیز در زندگی انسان خالی از تأثیر نیست.

از این رو، همان‌گونه که انسان در قبال اعمال و رفتار خود مسئولیت دارد، در برابر عملکرد افراد جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند نیز مسئول است. در بینش اسلامی، یک فرد مسلمان باید پا به پای اصلاح نفس خود، برای اصلاح دیگران نیز بکوشد. بی‌توجهی به اعمال و سرنوشت دیگران، در واقع بی‌اعتنایی به سرنوشت خویشان است.

اگر فساد، گناه، فحشا، منکر و انحراف، در جامعه شیوع یابد، آثار نامطلوب آن، دامنگیر همه افراد خواهد شد و حتی مؤمنان و پارسایان نیز از شعله آن در امان نخواهند ماند. رسول خدا ﷺ در تبیین این رسالت همگانی فرمود: «أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛ «آگاه باشید! همه شما سرپرستید و درباره زبردستان خود مسئولید».

از این رو، اسلام از پیروان خود می‌خواهد که خود را در برابر جامعه متعهد بدانند و با مشاهده ترک معروف، امر به معروف کنند و در صورت مشاهده کارهای زشت، نهی از منکر نمایند. تأکیدهای مکرر قرآن کریم درباره امر به معروف و نهی از منکر، بیانگر اهمیتی است که اسلام برای سالم‌سازی محیط اجتماع و مبارزه با عوامل فساد و گناه قائل می‌باشد. در اینجا به برخی از این آیات نظر می‌افکنیم:

خداوند می‌فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۴)

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگاران‌اند.

اینکه مطابق این آیه، امر به معروف و نهی از منکر چگونه می‌تواند موجب رستگاری یک جامعه شود، نیازمند توضیح است:

از تجربیات قطعی بشر این است که اندوخته‌های فکر انسان با گذشت زمان به دست فراموشی سپرده می‌شود؛ مگر آنکه پیوسته یادآوری گردد و در مرحله عمل، تکرار شود. از همین جاست که پیوند «علم و عمل» مشخص می‌شود. علم، انسان را به عمل راهنمایی می‌کند و عمل شایسته، بر آگاهی و بینش انسان می‌افزاید. از این رو، در یک جامعه سالم، همه باید برای پاسداری از فرهنگ و معرفت خویش بکوشند و نگهبانی از حریم مکتب به آن است که متخلفان از راه نیکی را از سقوط به ورطه هلاکت بازدارند و با امر به معروف و نهی از منکر، زمینه‌ساز رفتار شایسته و در نتیجه تقویت‌کننده افکار صحیح باشند. پس بی‌اعتنایی به این وظیفه، پایه رفتار را سست و اندیشه‌های والا را در معرض فراموشی قرار می‌دهد.^۱

در فرمایشات اهل بیت علیهم السلام نیز احادیث بسیاری در توصیه به امر به معروف و نهی از منکر، بیان آثار و نتایج و پیامدهای ترک آن، شرایط و جوب آن و... بیان شده است. به برخی از این احادیث که اهمیت و لزوم امر به معروف و نهی از منکر را برای ما روشن می‌سازند، توجه می‌کنیم:

امام علی علیه السلام فرمود:

وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ.^۲

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۷۲.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.

همه کارهای خوب و [حتی] جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، همچون آب دهانی است که در دریایی ژرف انداخته شود.

در این فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام، همه اعمال نیک به رطوبت دهان و امر به معروف و نهی از منکر به دریایی پهناور تشبیه شده است؛ تا عظمت این فریضه در مقابل دیگر اعمال شایسته، جلوه‌گر شود.

شاید سرّ برتری امر به معروف و نهی از منکر بر سایر عبادات و نیکی‌ها در این باشد که قوام، استواری و استمرار همه خوبی‌ها در گرو برپایی این دو فریضه بزرگ است. افزون بر آن، جهاد، مبارزه با مفسد و موانع خارجی است؛ فرد و جامعه وقتی می‌تواند در نبرد با دشمن خارجی موفق شود که موانع و مفسد داخلی را در پرتو امر به معروف و نهی از منکر ریشه‌کن کرده باشد.^۱

امر به معروف و نهی از منکر در سیره اهل بیت علیهم السلام

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بزرگ‌ترین آمران به معروف و ناهیان از منکر بودند. آن بزرگواران در راه احیای دین حق و هدایت انسان‌ها از هیچ تلاشی فروگذار نکردند؛ تا جایی که جان خود را در این راه فدا نمودند. تلاش‌های آنان در این زمینه، همگی ابعاد مختلف امر به معروف و نهی از منکر می‌باشند. مهم‌ترین ابعاد امر به معروف و نهی از منکر که اهل بیت علیهم السلام به آنها عمل کردند، عبارت‌اند از:

- توصیه‌های عام به رعایت تقوا، انجام دادن واجبات و مستحبات و ترک محرمات و

مکروهات؛

- توصیه افراد خاص به رعایت تقوا و دینداری؛

- هدایت افراد به مسیر اهل بیت علیهم السلام؛

۱. امر به معروف و نهی از منکر، ص ۲۰.

- مبارزه با خلفای غاصب و ظالم به روش‌های گوناگون؛

- مبارزه با فرقه‌های ضالّه و غالیان.

در اینجا به دو نمونه از امر به معروف و نهی از منکر اهل بیت علیهم السلام، اشاره می‌کنیم:

امام حسین علیه السلام فلسفه قیام خود را در برابر یزید بن معاویه، امر به معروف و نهی از

منکر ذکر می‌کند و در وصیتنامه خود به «محمد بن حنفیه» می‌نویسد:

وَ أَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ
جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ ...^۱

من از روی خودخواهی یا برای خوشگذرانی یا فساد و ستمگری، قیام نمی‌کنم. بلکه به

منظور اصلاح امت جدم قیام کردم و می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر نمایم.

همچنین در روایتی می‌خوانیم که «صفوان جمّال»، از اصحاب امام کاظم علیه السلام، می‌گوید:

بر امام موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم. امام علیه السلام فرمود: «ای صفوان! همه کارهای تو خوب

است؛ به جز یک کار». گفتم: «فدایت شوم! کدام کار؟» فرمود: «کرایه دادن شترها به

هارون الرشید، خلیفه عباسی».

گفتم: «من شترها را برای خوش‌گذرانی و تفریح یا کار حرامی به او کرایه نداده‌ام. بلکه

آنها را برای سفر حج به او کرایه داده‌ام. خودم نیز به همراه او نمی‌روم. بلکه غلامانم این

سفر را همراهی می‌کنند».

امام فرمود: «آیا کرایه شترها به برعهده آنها باقی می‌ماند؟» گفتم: «بلی فدایت شوم».

فرمود: «آیا دوست داری که آنان تا هنگام بازگشت، زنده بمانند تا هارون کرایه تو را

بپردازد؟» گفتم: «بلی». فرمود: «هرکس دوست داشته باشد آنان باقی بمانند، از آنان است

و هرکس از آنان باشد، وارد دوزخ می‌شود».

صفوان می‌گوید در نتیجه این سخن امام علیه السلام، رفتیم و همه شترهایم را فروختم. این خبر به

گوش هارون رسید؛ مرا خواست و گفت: «ای صفوان! به من خبر رسیده است که شترهایت را فروخته‌ای». گفتم: «آری». گفت: «چرا این کار را کردی؟» گفتم: «من فردی پیرم و غلامان هم کارها را درست انجام نمی‌دهند». هارون گفت: «هرگز چنین نیست. من می‌دانم چه کسی تو را به این کار سفارش کرده است؛ موسی بن جعفر این کار را به تو سفارش نموده است». گفتم: «مرا با موسی بن جعفر چه کار؟!» هارون گفت: «این حرف‌ها را کنار بگذار. به خدا قسم! اگر دوستی قدیم ما نبود، تو را می‌کشتم».^۱

به دلیل اهمیت زیاد امر به معروف و نهی از منکر، این فریضه در زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام مورد توجه واقع شده است؛ تا جایی که زائران در موارد متعددی، گواهی می‌دهند که اهل بیت علیهم‌السلام، امر به معروف و نهی از منکر نمودند؛ برای مثال، در زیارتنامه‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام علی علیه‌السلام، امام حسین علیه‌السلام، امام کاظم علیه‌السلام، امام رضا علیه‌السلام، امام جواد علیه‌السلام و امام حسن عسکری علیه‌السلام، این تعبیر آمده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ ... أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ «گواهی می‌دهم که تو... امر به معروف و نهی از منکر کردی».

همچنین در زیارت ائمه بقیع علیهم‌السلام (در زیارت امام باقر علیه‌السلام) می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَ لِيَّكَ ... الَّذِي بَقَّرَ الْعِلْمَ بِقَرَأٍ... وَ أَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَ نَهَى عَنِ مَعْصِيَتِكَ.^۹

خدایا! بر ولی خودت درود فرست... همان کسی که علم را به حقیقت شکافت... و به

اطاعت تو امر کرد و از نافرمانی تو بازداشت.

۱. سفینه البحار، ج ۵، ص ۳۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۶۱.

۳. المزار، ص ۱۰۱.

۴. المزار الكبير، ص ۴۱۵.

۵. المزار، ص ۱۸۹.

۶. همان، ص ۱۹۷.

۷. همان، ص ۱۹۲.

۸. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۶۷.

۹. همان، ج ۹۷، ص ۲۰۹.

در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام نیز می‌خوانیم:

فَاعْدِرْ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ النُّصْحَ وَ بَدَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجُهَالَةِ وَ حَيْرَةِ
الضَّلَالَةِ.^۱

او در دعوت مردم، جای عذر و بهانه‌ای نگذاشت و خیرخواهی کرد و جان خود را در راه تو داد؛ تا بندگان را از نادانی و سرگردانی در گمراهی برهاند.

در زیارت جامعه کبیره نیز این تعابیر آمده است:

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ... وَ الْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ... وَ نَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ
وَ دَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ... وَ أَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ...
إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ وَ عَلَيْهِ تَدُلُّونَ... وَ إِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ... وَ صَيِّتُكُمْ التَّقْوَى.^۲

سلام بر دعوت‌کنندگان به سوی خدا... و ظاهرکنندگان امر و نهی خدا... و ظاهرکنندگان امر و نهی خداوند... شما در نهان و آشکار، برای خدا، دیگران را نصیحت کردید و به سوی راه خدا با حکمت و موعظه نیکو دعوت کردید... و امر به معروف کردید و از منکر بازداشتید... مردم را به سوی خدا فرامی‌خوانید و به او راهنمایی می‌کنید... و به مسیر او هدایت می‌کنید... وصیت شما تقوا و پرهیزکاری است.

۸. نهراسیدن از سرزنش ملامتگران

گاه در جامعه، افراد بی‌ایمان و جسور، با قدرت و شدت تمام، مقابل حق و حقیقت موضع‌گیری می‌کنند و علیه مؤمنان جو سازی می‌نمایند و حق و باطل را وارونه جلوه می‌دهند و با این کار، مؤمنان و آگاهان به حقیقت را به همراهی با خود و دست‌کم به سکوت وامی‌دارند. در این وضعیت، بسیاری از مؤمنان، برخلاف یقین به حقانیت خود و بطلان آن یاوه‌سرایان، به علت ترس از به خطر افتادن جان، مال یا

۱. المزار، ص ۱۸

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، صص ۶۱۰ - ۶۱۶.

آبرو، جرئت اظهار حق را از دست می‌دهند.

با پیش آمدن چنین موقعیتی، کم‌اند کسانی که از جوسازی‌ها نهراسند و در مقابل اهل باطل بایستند و سخن حق را فریاد بزنند. به راستی که این کار، بسیار دشوار است؛ زیرا فرد باید افزون بر جان و مال، از آبروی خود نیز بگذرد و برای هرگونه فداکاری در راه دین، آماده باشد. با این حال، بیان حقیقت، بر عالمان واجب و لازم است و آنان حق ندارند به دلیل به خطر افتادن جان و مال و آبروی خود، از این کار خودداری کنند و در صورت اجتناب از بیان حقیقت، عاقبتی ناگوار در انتظار آنان است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.^۱

هنگامی که بدعت‌ها در امت من پدید آید، بر عالم است که دانش خود را آشکار کند. پس کسی که این کار را انجام ندهد، لعنت خداوند شامل حال او خواهد بود.

مؤمنان واقعی چنان شهادتی دارند که از شکستن سنت‌های غلط و مخالفت با اکثریت‌هایی که راه انحراف را پیش گرفته‌اند و با تکیه بر کثرت عددی خود، دیگران را استهزا می‌کنند، پروایی ندارند^۲ و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴾ (مائده: ۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، [به خدا زیانی نمی‌رساند؛] خداوند گروهی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان [نیز] او را دوست

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۴.

۲. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۱۶.

آزارها، تهدیدها و تطمیع‌ها هیچ هراسی به خود راه نداد. امام علی علیه السلام نیز در این راه، تمام کوشش خود را به کار گرفت. هنگام خلافت، آن‌گاه که در تقسیم بیت‌المال میان مسلمانان، مساوات برقرار کرد و مورد اعتراض قرار گرفت، از راه خود عقب‌نشینی نکرد. ایشان به علت سه جنگی که در زمان خلافت ظاهری خود با افراد به ظاهر مسلمان انجام داد، بسیار مورد اعتراض قرار گرفت. اما می‌بینیم که حضرت در درستی کار خود، لحظه‌ای تردید نکرد و از سرزنش ملامت‌گران نهراسید. از این رو فرمود: «إِنِّي لَمِنْ قَوْمٍ لَا تَأْخُذُهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ»؛ «همانا من از قومی‌ام که در راه خدا از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسند».

امام حسین علیه السلام در نامه‌ای که به برخی از شیعیان خود در کوفه نوشت، هم این ویژگی را به بهترین وجه به نمایش گذاشت و هم دیگران را به برخورداری از این صفت، سفارش کرد و فرمود:

أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا
لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ
يُغَيِّرْ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ قَدْ
لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَتَوَلَّوْا عَنِ طَاعَةِ الرَّحْمَنِ وَأَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَعَطَّلُوا الْحُدُودَ وَ
اسْتَأْثَرُوا بِالْقِيءِ وَأَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ وَحَرَّمُوا حَلَالَهُ وَإِنِّي أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ لِقَرَابَتِي مِنْ
رَسُولِ اللَّهِ.^۲

ای مردم! می‌دانید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس زمامدار قانون‌شکنی را نظاره کند که حرام خدا را حلال و روا می‌سازد و عهد و پیمان او را می‌شکند و با روش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مخالفت می‌ورزد و با این وصف، در برابر آن عنصر خودکامه و قانون‌گریز، با گفتار و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ (قاصعه).

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، صص ۳۸۱ و ۳۸۲.

عملکردش به مخالفت برنخیزد و در راه اصلاح جامعه و حکومت، تلاشی نکند، بر خداست که او را از همان راهی که آن ظالم را به دوزخ درمی‌آورد، به دوزخ درآورد.

ای مردم! آگاه باشید که رژیم حق‌ستیز اموی، فرمانبرداری شیطان را برگزیده و از قانون خدا و فرمانبرداری او سر برتافته است. کارگردانان آن، تبهکاری و بیداد را همه‌جا آشکار ساخته و مرزهای قوانین و مقررات خدا را به تعطیل کشانده و ثروت ملی را به انحصار خویش درآورده‌اند؛ حرام خدا را حلال و حلال او را حرام می‌کنند و من به دلیل نزدیکی‌ام به رسول خدا صلی الله علیه و آله، سزاوارترین مردم به حکومت‌ام.

اهل بیت علیهم السلام، جز از خدا نمی‌ترسیدند و چیزی جز انجام دادن مسئولیت خطیر الهی را در نظر نمی‌گرفتند و بدون هیچ واهمه‌ای، حق را فریاد می‌زدند و با این کار، توانستند اسلام واقعی را معرفی و به دیگران منتقل کنند.

از این رو در زیارتنامه‌ها نیز زائر کوی آن بزرگواران، با گواهی دادن به این مسئله، خود نیز درس نترسیدن از سرزنش ملامت‌گران را می‌آموزد و حتی حاضر می‌شود در راه دفاع از دین، خالصانه همه هستی خود را فدا نماید. در اینجا به برخی از زیارتنامه‌ها توجه می‌کنیم:

در زیارت علی علیه السلام می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنْ رَسُولِكَ مَا حُمِّلَ وَرَعَى مَا اسْتُحْفِظَ وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ...
لَا تَأْخُذُهُ فِيكَ لَوْمَةٌ لَأَنَّم.

خدایا! من گواهی می‌دهم که امام علی علیه السلام آنچه را از جانب رسول تو برعهده داشت، همه را رساند و آنچه را مأمور به حفظش بود، نگهداری کرد و آنچه به او سپرده شده بود، حفظ کرد... و در راه تو، باکی از سرزنش مردم نداشت.

همچنین در زیارت امام حسین علیه السلام این عبارت آمده است: «وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي

سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ لَمْ تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ»^۱؛ «گواهی می‌دهم که تو در راه خدا، حق جهاد را بجای آوردی و در راه خدا از سرزنش ملامتگران نهراسیدی». در صلوات بر امام باقر علیه السلام نیز می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْبَاقِرِ الطَّاهِرِ الطَّاهِرِ... لَمْ تَأْخُذْهُ فِيكَ لَوْمَةٌ لَائِمٌ»^۲؛ «خدا یا! بر محمد باقر پاک و مطهر درود فرست... همو که در راه تو، از سرزنش ملامتگران نهراسید».

همچنین در صلوات بر امام کاظم علیه السلام این گونه می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ... وَ لَمْ يَلْحَقْهُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَوْامِرِكَ وَ نَوَاهِيكَ لَوْمَةٌ لَائِمٌ»^۳؛ «خدا یا!... [امام کاظم علیه السلام] در هیچ یک از اوامر و نواهیات، از سرزنش ملامتگری نهراسید».

در زیارت جامعه نیز به امام عسکری علیه السلام این گونه سلام می‌دهیم:

السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الْمُنَزَّهِ عَنِ الْمَائِمِ، الْمُطَهَّرِ مِنَ الْمَظَالِمِ، الْحَسْرِ الْعَالَمِ، الَّذِي لَمْ تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ... أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.^۴

سلام بر امام منزّه از گناهان، پاک از ظلم و ستم، عالم و دانشمند، کسی که از ملامت هیچ سرزنشگری نهراسید؛ ... امام ابی محمد حسن بن علی عسکری علیه السلام.

۹. مهربانی و مهرورزی

یکی از کمالات روحی که در سایه غلبه عواطف بر غرائز، در انسان به وجود می‌آید، لطافت روح است. اصولاً روح انسان به سبب برخورداری از مواهب الهی و ملکوتی، از خشونت روحی بیزار و گریزان است و در حالت سلامت فطری، حداکثر لطافت و صفا را داراست که صفای فطری موجود در دوران کودکی شاهد این ادعاست. اما زیاده‌روی در ارضای امیال حیوانی، سبب می‌شود روز به روز از لطافت روحی

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۸۱.

۲. همان، ج ۹۹، ص ۲۲۳.

۳. همان، ص ۱۷.

۴. المنزار الكبير، ص ۱۰۷.

کاسته شود و بر خشونت روحی افزوده گردد و چه بسا انسان در ورطه حیوانیت و سبّیت سقوط کند.

رشد و پرورش عواطف در انسان از آن جهت که او را از عالم حیوانی دور می‌سازد و از شدت توجه انسان به خود می‌کاهد، موجب کاهش خشونت روحی می‌شود و آدمی را به لطافت روحی نزدیک‌تر می‌سازد. پیدایش این لطافت روحی، زمینه را برای برقراری ارتباط و پیوند قلبی با دیگران مساعد می‌کند.^۱

بدین ترتیب، می‌توان گفت یکی از صفات پسندیده اخلاقی و کمالات انسانی که برخاسته از لطافت روحی آدمی است، رأفت و مهربانی به دیگران می‌باشد. با توجه به آثار و نتایج مثبت محبت بین قلوب پاک و باایمان، در تعالیم اسلامی توجه ویژه‌ای به آن گردیده و حتی از امتیازات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله معرفی شده است؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (توبه: ۱۲۸)

به یقین، پیامبری از میان شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و به مؤمنان، رؤوف و مهربان است.

بر این اساس، مؤمنان نیز با الگو گرفتن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رفتار با یکدیگر، عطوفت و مهربانی را ابراز می‌کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

الرَّفْقُ يُمْنٌ وَ الْحُرْقُ شَوْمٌ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا أَدْخَلَ عَلَيْهِمْ بَابَ الرَّفْقِ فَإِنَّ الرَّفْقَ لَمْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَإِنَّ الْحُرْقَ لَمْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ.^۲

نرمی و ملایمت، مایه میمنت است و خشونت، شوم است و اگر خداوند برای اهل خانه‌ای،

۱ اخلاق اسلامی، محمدعلی سادات، ص ۱۰۷.

۲ نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۵۰۹.

نیکی بخواهد، آنها را با ملایمت قرین کند؛ زیرا ملایمت در هر چه باشد، آن را زینت دهد و خشونت در هر چه باشد، آن را خوار کند.

از آنجا که امامان معصوم علیهم‌السلام دارای برترین درجه کمالات انسانی‌اند، رأفت و رحمتشان نیز از همه مردم افزون‌تر است. بی‌تردید آنان که بهترین بندگان خداوندند، مهرورزی و دلسوزی را در ابعاد مختلف زندگی خود به بهترین شکل ممکن نشان دادند و بدین علت نیز الگوی پیروان خود بودند.

نقل است که شخصی به نام «اقرع بن حابس» به حضور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شرفیاب شد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نواده‌های عزیز خود (حضرت امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام) را بر زانو نشانده بود و گاهی بر صورت آنها بوسه می‌زد. اقرع که از این ملاطفت و مهربانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به شگفت آمده بود، گفت: «من ده فرزند دارم. ولی هرگز آنها را نبوسیده‌ام». رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ»؛ «هر کس به دیگران رحم نکند، رحم نخواهد شد».^۱

«جابر بن عبدالله انصاری»، از یاران رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نقل می‌کند که وقتی ابراهیم، فرزند خردسال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیمار شد و در حال جان دادن بود، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم او را در آغوش گرفت و با چشمانی اشکبار فرمود: «ما بر تو اندوه‌گینیم؛ چشم‌هایمان اشکبار و قلب‌هایمان سوزان است. اما چیزی که خدای را به خشم آورد، به زبان نمی‌آوریم».^۲

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیوسته به یاد اصحاب خود بود و از آنان دلجویی می‌کرد. اگر کسی را سه روز متوالی نمی‌دید، از دیگران درباره‌اش می‌پرسید؛ اگر به سفر رفته بود، برایش دعا می‌کرد و اگر در وطن بود، به دیدنش می‌رفت و اگر بیمار می‌شد، از او عیادت می‌کرد.^۳

در زمان امام سجاده علیه‌السلام، یزید بن معاویه (لعنة الله عليه)، لشکری را به فرماندهی

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۲.

۲. همان، ج ۷۹، ص ۹۰.

۳. سنن النبی، ص ۵۱.

«مسلم بن عقبه» برای کشتار و تاراج مدینه گسیل داشت. در این یورش، بیشتر مردم مدینه کشته شدند یا گریختند. امام سجاد علیه السلام در آن فاجعه، چهارصد خانواده را همراه خدمتکاران و حشم آنان سرپرستی نمود، از آنان نگهداری کرد و هزینه زندگی‌شان را پرداخت تا غارتگران از مدینه رفتند و شهر به حالت عادی بازگشت.^۱

«حبيب بن ابی ثابت» می‌گوید: در زمان امیرمؤمنان علیه السلام روزی غسل و انجیر فراوانی از نواحی «همدان» و «حُلوان» برای امام علی علیه السلام آوردند. حضرت فرمان داد تا یتیمان را آوردند و به آنان اجازه داد از دهانه مشک از غسل بخورند و خود غسل را کاسه‌کاسه میان مردم تقسیم می‌کرد. یکی از امام علیه السلام پرسید: «چرا یتیمان از دهانه مشک غسل می‌خورند؟» امام علیه السلام پاسخ داد: «امام، پدر یتیمان است و من به سبب رعایت حق پدرانشان، به آنان چنین اجازه‌ای دادم».^۲

مهرورزی اهل بیت علیهم السلام در زیارتنامه‌ها

به این ویژگی شاخص اهل بیت علیهم السلام نیز در زیارتنامه‌های ایشان، توجه شده است؛ چنان‌که زائر در فرازهای بسیاری از زیارتنامه‌ها، بر عطف و مهربانی اهل بیت علیهم السلام گواهی می‌دهد و گاهی نیز به ایشان پناهنده می‌شود تا از الطاف آنان بهره‌مند گردد. در اینجا به برخی از این فرازها اشاره می‌کنیم:

در زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «أَشْهَدُ... أَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غَلُظَتْ عَلَيَّ الْكَافِرِينَ»؛ «گواهی می‌دهم که... همانا تو به مؤمنان مهربان و به کافران غلیظ و شدید بودی».

در زیارت امام علی علیه السلام در شب مبعث این‌گونه آمده است:

كُنْتُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَبَا رَجِيماً إِذْ صَارُوا عَلَيْكَ عِيَالاً فَحَمَلْتَ أُنْقَالاً مَا عَنْهُ ضَعُفُوا وَ حَفِظْتَ

۱. بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۱.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۰۶.

۳. کامل‌الزیارات، ص ۱۵.

مَا أَضَاعُوا وَرَعَيْتَ مَا أَهْمَلُوا وَشَمَّرْتَ وَغَلَوْتَ إِذْ هَلِعُوا وَصَبَرْتَ إِذْ جَزَعُوا كُنْتَ
عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا صَبًّا وَغَلْظَةً وَغَيْظًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ غِنًى وَ خِصْبًا وَ عِلْمًا.^۱

برای مؤمنان، پدري مهربان بودی که تحت سرپرستی تو قرار گرفتند. بارهای سنگینی را که تحملش را نداشتند به دوش کشیدی و نگهداری کردی آنچه را ایشان ضایع کردند و مراعات کردی آنچه را اهماال کردند و دامن به کمر زدی وقتی ترسیدند و برآمدی هنگامی که بیتابی کردند و بردباری کردی وقتی جزع کردند. تو بر کافران، عذابی ریزان و با خشونت و خشم بودی و به مؤمنان بارانی پربرکت و نعمتی فراوان و دانش فراوان بودی.

در زیارت اربعین نیز آمده است:

فَأَعْدَرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ النَّصْحَ وَ بَدَّلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ
الضَّلَالَةِ.^۲

امام حسین علیه السلام در دعوت مردم، جای بهانه‌ای نگذارد و خیرخواهی کرد و جان خود را در راه تو داد؛ تا برهاند بندگان را از نادانی و سرگردانی در گمراهی.

در واقع این عبارت، اوج عطوفت و محبت امام حسین علیه السلام به بندگان خدا را نشان می‌دهد. در زیارت امام هادی علیه السلام نیز می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَليَ الصَّالِحِينَ ... السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ»^۳ «سلام بر تو ای مولای مؤمنان! سلام بر تو ای سرپرست صالحان... سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه».

همچنین در زیارت امام حسن عسکری علیه السلام می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُتَّقِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْفَائِزِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رُكْنَ
الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَرَجَ الْمَلْهُوفِينَ.^۴

۱. المنار، ص ۱۰۳.

۲. همان، ص ۱۸۶.

۳. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۶۴.

۴. همان، ص ۶۷.

سلام بر تو ای نگهبان پرهیزکاران! سلام بر تو ای پیشوای رستگاران! سلام بر تو ای پایه و رکن اهل ایمان، سلام بر تو ای گشایش‌ده اندوهناکان!

در زیارت جامعه کبیره نیز آمده است: «السَّلَامُ عَلَى أُمَّةِ الْهُدَى... وَ كَهْفِ الْوَرَى»^۱ «سلام بر پیشوایان هدایت... و پناهگاهان مردم». همچنین در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «وَسَأَلْنَاكَ الْحَقَّ وَالصَّدْقَ وَالرِّفْقَ»^۲ «و شأن و جایگاهتان حق و راستی و مهربانی است».

۱۰. صداقت

یکی از ویژگی‌های اخلاقی پراهمیت که در آیات و روایات، به آن توجه ویژه شده است، صدق و راستی در گفتار و کردار است. صداقت، عصاره جمیع خصال ستوده، نشانه بارز شخصیت و برجسته‌ترین صفت مؤمنان و پرهیزکاران است؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ (حجرات: ۱۵)

مؤمنان [واقعی] تنها کسانی‌اند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کرده‌اند؛ آنها راستگویان‌اند.

امام علی علیه السلام نیز فرمود: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَهَمَّهُ الصَّدْقُ»^۳ «هنگامی که خداوند بنده‌ای را دوست داشته باشد، راستی و صداقت [در گفتار و کردار] را به او الهام فرماید».

گفتنی است اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بزرگ‌ترین راستگویان‌اند و صداقت و راستی، سراسر وجود و زندگی‌شان را فراگرفته است؛ به حدی که خداوند متعال در

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۰.
۲. همان، ص ۶۱۶.
۳. شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۱۶۱.

قرآن کریم از ایشان با عنوان «صادق» نام می‌برد و از مردم می‌خواهد که از آنان پیروی کنند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید و با صادقان باشید» (توبه: ۱۱۹).

گرچه مفهوم صادقین، گسترده است، ولی از روایات بسیاری استفاده می‌شود که منظور از این مفهوم در اینجا تنها امامان معصوم علیهم‌السلام می‌باشند.

آیه مزبور، به طور مطلق، از مؤمنان می‌خواهد که با صادقان باشند و از سوی دیگر، «صادقین» را نیز به طور مطلق آورده است؛ یعنی این افراد، سراسر وجودشان را صدق و راستی فراگرفته است. بنابراین، به وضوح می‌توان برداشت کرد که «صادقین» انسان‌هایی معصوم‌اند که خداوند، مؤمنان را به همراهی با آنان و پیروی از ایشان دستور می‌دهد.^۱

امام صادق علیه‌السلام نیز فرمود: «منظور از صادقین در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ آل محمد علیهم‌السلام می‌باشند.^۲

در موارد متعددی از زیارتنامه‌های امامان معصوم علیهم‌السلام به صدق و راستی اهل بیت علیهم‌السلام اشاره شده است که زائر با خواندن آنها، بر صداقت و درستی ایشان شهادت می‌دهد. زائر کوی اهل بیت علیهم‌السلام با این کار، همسویی خود را با امامان معصوم علیهم‌السلام نشان می‌دهد و به پیروی خود از ایشان گواهی می‌دهد؛ تا در این راه تلاش بیشتری به عمل آورد و جایگاه خود را نزد اهل بیت علیهم‌السلام ارتقا بخشد. در اینجا به برخی از زیارتنامه‌ها توجه می‌کنیم:

در زیارت امام علی علیه‌السلام، در روز شهادت ایشان، می‌خوانیم: «شَأْنُكَ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ»^۳ «شأن و جایگاه تو، حق و راستی است». در زیارت ائمه بقیع علیهم‌السلام نیز چنین آمده است: «وَأَشْهَدُ... وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ»^۴ «و گواهی می‌دهم... که سخن شما راستی است».

۱. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۸۲.

۲. بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۴۱۷.

۳. المزار، ص ۱۰۴.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۹.

همچنین در زیارت ائمه بقیع علیهم السلام آمده است: «وَرَبَّائِكُمُ الصِّدْقُ»^۱؛ «صداقت شما را پرورش داد». در زیارت جامعه کبیره نیز می‌خوانیم: «وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةُ... الصَّادِقُونَ...^۲ وَ شَأْنِكُمُ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرَّفْقُ»^۳؛ «و شهادت می‌دهم که شما پیشوایان... و راستگویان می‌باشید... و شأن و جایگاه شما حق و راستی و مهربانی است».

۱۱. نیکی به مردم

یکی از واجباتی که برعهده هر فرد مسلمانی گذاشته شده، رعایت حقوق برادران دینی است. می‌دانیم که در جامعه اسلامی، جایگاه ارزشی افراد نزد خدا براساس لیاقت‌های دینی و ایمانی آنان می‌باشد و این یک اصل قرآنی است که می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ﴾؛ «آیا کسی که باایمان باشد، همچون کسی است که فاسق است؟! [نه، هرگز] آنها برابر نیستند» (سجده: ۱۸).

از سوی دیگر، مؤمنان نسبت به هم حقوق متقابلی دارند؛ آنان با یکدیگر برادرند^۴ و یار و یاور یکدیگر می‌باشند.^۵ بر این اساس، یکی از رفتارهای مهم دینی اخلاقی که همه افراد لازم است خود را به آن آراسته سازند، نیکی کردن به مؤمنان است. به این کار در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام بسیار سفارش شده است؛ برای نمونه، قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾؛ «و نیکی کنید که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد» (بقره: ۱۹۵).

۱. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۲۰۸.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۱، شاید اشاره به آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (توبه: ۱۱۹) داشته باشد.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۶.

۴. ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾؛ «مؤمنان برادر یکدیگرند» (حجرات: ۱۰).

۵. ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾؛ «مردان و زنان باایمان، ولی [و یار و یاور] یکدیگرند» (توبه: ۷۱).

امام علی علیه السلام فرمود: «رَأْسُ الْإِيمَانِ الْإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ»^۱ «سر ایمان، احسان کردن به مردم است». نیکی به دیگران، باعث جلب محبت خداوند، افزایش دهنده ایمان، دلیل بر خوبی فرد و کشیده شدن محبت دیگران به سوی فرد نیکوکار می‌گردد. اصولاً نیکی به دیگران، نشانه حسن ظن، تواضع، بخل نورزیدن، حریص نبودن برای جمع‌آوری مال دنیا، دلبستگی نداشتن به دنیا، اعتماد به وعده پروردگار برای جایگزین کردن اموالی که در راه خدا خرج می‌شوند، اعتقاد راسخ به بودن روزی در دست خداوند و نترسیدن از فقر و دلسوزی و دلرحمی فرد نیکوکار است. همچنین نیکی به دیگران، باعث افزایش و گسترش تعاملات مثبت اجتماعی می‌گردد، فقر را در جامعه کاهش می‌دهد و فاصله غنی و فقیر را کم می‌کند، اخلاق و سجایای مهم اخلاقی را در جامعه زنده نگه می‌دارد و نشر می‌دهد. کسانی که به این کار اقدام می‌کنند، کنار عمل به این توصیه مهم اخلاقی، رفتارهای اخلاقی را در جامعه گسترش می‌دهند و از این طریق، به اجرای بالاتر نزد پروردگار دست می‌یابند.

اهل بیت علیهم السلام در برخورداری از این فضیلت نیز در بالاترین درجه قرار دارند. آن بزرگواران آنچه را از دستشان برمی‌آمد، برای دیگران انجام می‌دادند؛ به گونه‌ای که حتی دشمنان و غیرمعتقدان به ایشان نیز از احسان آنان بهره‌مند می‌گردیدند. درباره احسان و نیکی اهل بیت علیهم السلام، داستان‌هایی نقل کرده‌اند که می‌تواند الگوی ما در زندگی باشد و ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

مردی نزد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از گرسنگی شکایت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله کسی را نزد همسرانش فرستاد تا غذایی بیابد و بیاورد؛ آنها گفتند جز آب، چیزی نزد ما نیست پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کیست امشب از این مرد پذیرایی کند؟» حضرت علی علیه السلام فرمود: «من یا رسول الله». آن‌گاه نزد فاطمه علیها السلام آمد و جریان را گفت. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «پیش ما چیزی جز

۱. غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۵۲.

غذای کودک نیست. اما ما میهمان را بر خود و کودک ترجیح می‌دهیم و ایشار می‌کنیم». حضرت علی علیه السلام فرمود: «فاطمه جان! تو بچه را بخوابان. من نیز چراغ را خاموش می‌کنم برای میهمان». سپس حضرت چراغ را خاموش نمود و به میهمان فرمود: «غذا بخور». میهمان نیز با کمال اشتها و میل غذا خورد و آنها گرسنه خوابیدند. چون صبح شد، خدا درباره آنها آیه: ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾^۱ را نازل فرمود.^۲

همچنین در روایت دیگری می‌خوانیم که ابن عباس می‌گوید:

با [امام] حسن بن علی علیه السلام در مسجد الحرام بودم و او درحالی که معتکف بود و طواف [مستحب] می‌کرد، مردی از شیعیانش به او گفت: «ای پسر پیامبر! به فلانی بدهکارم؛ آیا قرض مرا می‌پردازی؟» آن امام علیه السلام فرمود: «به خدای این کعبه سوگند! امروز چیزی نزد من نیست». آن مرد گفت: «اگر صلاح می‌دانی از او برای من مهلت بگیر؛ زیرا او مرا به زندان تهدید کرده است».

ابن عباس می‌گوید امام حسن علیه السلام طواف خود را رها کرد و با آن مرد برای تأمین نیازش حرکت کرد. گفتم: «ای پسر رسول خدا! مگر در حال اعتکاف نیستید؟» فرمود: «بله. ولی از پدرم شنیدم که به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: هرکس نیاز برادر مؤمن خود را برآورد، همانند کسی است که نه هزار سال با روزه‌داری روزها و نماز شب‌هایش خدا را عبادت کرده است».^۳

به دلیل این ویژگی ارزشمند اهل بیت علیهم السلام است که می‌بینیم در برخی از زیارتنامه‌ها به این مسئله توجه شده است و زائر، به اهل جود و کرم بودن ایشان، درود می‌فرستد.

در صلوات مخصوص امام کاظم علیه السلام می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ... صَلِّ عَلَىٰ مُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ... مَقَرَّ النَّهْيِ وَالْعَدْلِ وَالْخَيْرِ وَالْفَضْلِ وَالنَّدَىٰ وَالْبُدْلِ.^۴

۱. «دیگران را بر خود مقدم می‌دارند؛ هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند» (حشر: ۹).

۲. مجمع البیان، ج ۹، ص ۳۹۱.

۳. عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۱۹۲.

۴. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۷.

خدایا!... بر امام موسی بن جعفر علیه السلام... کانون عقل و خرد و عدالت و نیکی و فضیلت و بخشش و جود و عطا درود فرست.

همچنین در زیارت جامعه کبیره آمده است: «فِعْلُكُمْ الْخَيْرُ وَ عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ»^۱؛ «کارتان خیر، عادت شما احسان، و شیوه شما کرم و بزرگواری است».

۱۲. مهار خشم و گذشت از دیگران

یکی از صفات بسیار مهم در روابط بین فردی که تأثیر بسیاری در کمال آدمی و سامان یافتن روابط اجتماعی دارد، «حلم» و بردباری است. «حلم» کسی است که در عین توانایی، در هیچ کاری، قبل از وقتش شتاب نمی‌کند و در کیفر مجرمان عجله‌ای به خرج نمی‌دهد. روحی بزرگ دارد و بر احساسات خویش مسلط است. «راغب» در «مفردات» می‌گوید: حلم به معنای خویشتنداری هنگام هیجان غضب است و از آنجا که این حالت از عقل و خرد ناشی می‌شود، گاهی به معنای عقل و خرد نیز به کار رفته است؛ و گرنه معنای حقیقی حلم، همان است که در اول گفته شد.^۲

خداوند متعال، افزون بر اینکه در موارد متعددی خود را حلیم معرفی می‌کند^۳، حضرت ابراهیم را در آیه «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ»^۴، فرزندش اسماعیل را در آیه «فَبَشِّرْهُ بِبُحْلَامٍ حَلِيمٍ»^۵، و حضرت شعیب را در آیه «إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ»^۶، به دلیل داشتن این صفت نیکو ستایش می‌نماید.

این صفت با تعبیر «کظم غیظ» نیز در قرآن به کار رفته است؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید:

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۶.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۰.

۳. برای مثال، بقره: ۲۳۵، ۲۳۵؛ آل عمران: ۱۵۵؛ نساء: ۱۲؛ مائده: ۱۰۱.

۴. توبه: ۱۱۴.

۵. صافات: ۱۰۱.

۶. هود: ۸۷.

﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ
الْمُحْسِنِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۴)

[پرهیز کاران کسانی‌اند] که در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از [خطای] مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

فرو بردن خشم، بسیار خوب است. اما به تنهایی کافی نیست؛ زیرا ممکن است کینه و دشمنی را از قلب انسان، ریشه‌کن نکند. در این حال باید برای پایان دادن به حالت عداوت، کظم غیظ، با عفو و بخشایش همراه گردد. از این رو خداوند به دنبال صفت عالی خویشنداری و فروبردن خشم، گذشت را بیان نموده است.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَىٰ إِفْذَاهُ مَالًا اللَّهُ قَلْبُهُ أَمْنًا وَإِنَانًا»^۲ «آن کس که خشم خود را فروبرد، با اینکه قدرت بر اعمال آن دارد، خداوند دل او را از آرامش و ایمان پر می‌کند».

در سیره اهل بیت علیهم السلام نیز بسیار مشاهده می‌کنیم که آن بزرگواران هیچ‌گاه خشمگین و عصبانی نشده‌اند؛ چنان‌که نقل است در زمان امام حسن علیه السلام، مردی از اهالی شام در مدینه، آن حضرت را سوار بر مرکب مشاهده کرد و آنچه توانست به ایشان ناسزا گفت. حضرت پاسخی نداد تا او از سخنانش فارغ گردید. سپس امام علیه السلام به نزد او آمد و سلام کرد و تبسم نمود و فرمود:

ای پیرمرد! گمانم غریبی! گویا مطالبی بر تو اشتباه شده است؛ اگر از ما درخواست رضایت کنی، از تو خشنود می‌شویم. اگر چیزی از ما بخواهی، به تو عطا می‌کنیم. اگر از ما راهنمایی بخواهی، تو را راهنمایی می‌کنیم. اگر برای برداشتن باری از ما کمک بخواهی، بار تو را برمی‌داریم. اگر گرسنه باشی، تو را سیر می‌کنیم. اگر برهنه باشی، تو را می‌پوشانیم. اگر نیازمند باشی، تو را بی‌نیاز می‌کنیم. اگر گریخته باشی، به تو پناه می‌دهیم.

۱. تفسیر نمونه، ج ۳، صص ۹۷ و ۹۸.

۲. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۴۱۰.

اگر حاجتی داری، آن را ادا می‌نماییم. اگر مرکب خود را به سوی خانه ما روانه سازی و تا هر وقت بخواهی مهمان ما باشی، برای تو بهتر خواهد بود؛ زیرا ما خانه آماده و وسیع و مال فراوان داریم.

هنگامی که آن مرد، این سخنان مهرانگیز را از امام حسن علیه السلام شنید، منقلب شد و گریه کرد و گفت:

گواهی می‌دهم که تو خلیفه خدا در زمینش هستی. خداوند آگاه‌تر است که مقام رسالت خود را در وجود چه کسی قرار دهد. تاکنون تو و پدرت، مبعوض‌ترین افراد نزد من بودید. ولی اینک تو محبوب‌ترین انسان نزد من می‌باشی».

سپس او به خانه امام حسن علیه السلام وارد شد و مهمان آن بزرگوار شد تا پس از مدتی، درحالی که قلبش سرشار از محبت خاندان نبوت بود، از محضر امام حسن علیه السلام مرخص گردید.^۱ حلم و کظم غیظ، به قدری درخور اهمیت است که در زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام نیز به آن توجه شده است و زائران کوی ایشان، بر ایشان سلام می‌دهند، صلوات می‌فرستند و بر برخورداری آنان از این ویژگی شاخص، گواهی می‌دهند.

در زیارت امام علی علیه السلام در روز غدیر این گونه می‌خوانیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ... عَلَى كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا وَعَنِ النَّاسِ غَافِرًا عَافِيًا... وَأَنْتَ الْكَاطِمُ
لِلْغَيْظِ وَالْعَافِي عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.^۳

گواهی می‌دهم که تو همواره... بر فروخوردن خشم خود توانا بودی و مردم را می‌بخشیدی و از آنان درمی‌گذشتی... و تو [مصدق بارز] این آیه هستی: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَ

الصَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾.^۴

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۴.

۲. المزار، ص ۷۰.

۳. همان، ص ۷۸.

۴. آل عمران: ۱۳۴.

در زیارت حضرت زهرا علیها السلام نیز این گونه بر امام کاظم علیه السلام صلوات می فرستیم: «وَصَلِّ عَلَى كَاطِمِ الْغَيْظِ فِي اللَّهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ»^۱ «و بر فروخورنده خشم در راه خدا، امام موسی بن جعفر علیه السلام، درود فرست.»

همچنین در زیارتنامه امام کاظم علیه السلام این گونه به ایشان صلوات می فرستیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ مِنْ خَلْقِكَ... مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ... حَازِنِ الْحِلْمِ وَ كَاطِمِ الْغَيْظِ.^۲

خدایا! بر حجتت از میان بندگانت... موسی بن جعفر... گنجینه بردباری و فروخورنده خشم، درود فرست.

در زیارت امام عسکری علیه السلام نیز می گوئیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ الْحِلْمِ»^۳؛ «سلام بر تو ای کشتی حلم و بردباری». در زیارت جامعه کبیره هم می گوئیم:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبَوَّةِ... وَ مُتَتَّهِى الْحِلْمِ...^۴ وَ رَأَيْكُمْ عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ.^۵

دورد بر شما ای اهل بیت نبوت... [شما از] نهایت بردباری [برخوردارید]... رأی شما بر علم و بردباری و دوراندیشی، قرار گرفته است.

۱۳. امانتداری

امانتداری، نشانه بارز ایمان و نوعی رابطه اعتمادآمیز بین انسان‌هاست. قانون حفظ امانت، زیربنای جامعه سالم انسانی است و هیچ جامعه‌ای، خواه مادی یا الهی، بدون اجرای این اصل، سامان نمی‌یابد؛ به بیان دیگر، اساس نظام اجتماعی بر آن استوار و استحکام روابط شهروندان، به طور مستقیم، به آن وابسته است. امانتداری به مثابه صداقت و راستی در عمل است؛ همچنان که راستگویی نوعی امانتداری در گفتار به حساب

۱. المزار الکبیر، ص ۸۱.

۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۹.

۳. همان، ص ۶۷.

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۰.

۵. همان، ص ۶۱۶.

می‌آید.^۱ در آیات قرآن کریم و روایات امامان معصوم علیهم‌السلام بسیار بر امانتداری سفارش شده است؛ برای مثال خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ «خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید!» (نساء: ۵۸).

امانت گرچه معمولاً به امانت‌های مالی گفته می‌شود، ولی در منطق قرآن، مفهوم گسترده‌ای دارد که تمام شئون زندگی اجتماعی، سیاسی و اخلاقی را دربرمی‌گیرد.^۲ افزون بر امانت‌های مالی، مواردی از امانت‌هایی را که نباید انسان در آنها خیانت کند، عبارت‌اند از:

- حقایق علمی و دینی، دانشمندان در جامعه امانت‌دارانی‌اند که موظف‌اند حقایق را کتمان نکنند؛

- فرزندان امانت‌های الهی‌اند که اگر در تعلیم و تربیت آنان کوتاهی شود، خیانت در امانت شده است؛

- پست و مقام در دست صاحبان آنها، امانت‌اند و باید از آن به درستی استفاده کنند و به فرد شایسته بعد از خود تحویل دهند؛

- وجود و هستی خود انسان و تمام نیروهایی که خدا به او داده است، امانت پروردگارند که انسان موظف است در حفظ آنها بکوشد. در حفظ سلامت جسم و سلامت روح و نیروی سرشار جوانی و فکر و اندیشه کوتاهی نکند. از این‌رو انسان نمی‌تواند خودکشی کند یا به خویشتن ضرر بزند؛

- آب و خاک اسلام نیز در دست مسلمانان، امانت الهی است و همه باید از آن محافظت کنند؛

- دین اسلام، امانتی در دست مسلمانان است که باید از آن در مقابل دشمنان اسلام حفاظت نمایند؛

۱. فرهنگ صفات: بایدها و نبایدهای اخلاقی، عباس اسماعیلی یزدی، ص ۲۰۱.

۲. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۳۶.

- قرآن مجید و تعلیماتش نیز امانت بزرگ پروردگار محسوب می‌شود؛
- دستورالعمل‌های پیشوایان راه حق نیز امانت‌هایی در دست مسلمانان محسوب می‌شود که نباید افراد در عمل به آنها کوتاهی کنند؛
- حکومت از ودیعه‌های الهی مهم است که باید آن را به اهلش سپرد.
حتی از برخی احادیث اسلامی استفاده می‌شود که علوم و اسرار و ودایع امامت که باید هر امامی به امام بعد بسپارد، در آیه یادشده داخل است.^۱
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ إِلَّا وَهُوَ تَحْتَ قَدَمِي إِلَّا الْأَمَانَةَ، فَإِنَّهَا مُؤَدَّاةٌ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ.^۲
هیچ رسم و سنتی در جاهلیت نبود؛ مگر اینکه زیر دو پای من است (اعتبار ندارد)؛ مگر امانتداری، همانا امانت را باید به نیکوکار و بدکار برگرداند.

از این رو در برخی از زیارتنامه‌های ائمه علیهم السلام، از امانتداری آن بزرگواران، بسیار ستایش شده است و زائر نیز بر آن گواهی می‌دهد؛ برای مثال، در زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرَّسَالََةَ * وَ أَدَّيْتَ الْأَمَانَةَ»^۳؛ «گواهی می‌دهم که تو رسالت را ابلاغ فرمودی و امانت [الهی] را ادا کردی».

در زیارتنامه امام کاظم علیه السلام می‌خوانیم: «وَأَشْهَدُ... أَنَّكَ أَدَّيْتَ الْأَمَانَةَ وَ اجْتَنَبْتَ الْخِيَانَةَ»^۴؛ «گواهی می‌دهم... که تو امامت [الهی] را ادا کردی و از خیانت اجتناب ورزیدی». همچنین در زیارت امام رضا علیه السلام می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ... أَدَّيْتَ الْأَمَانَةَ»^۵؛ «گواهی می‌دهم که تو... امانت [الهی] را ادا کردی».

۱. کافی، ج ۱، صص ۲۷۶ و ۲۷۷؛ تفسیر نمونه، ج ۳، صص ۴۳۱ و ۴۳۲ و ج ۷، صص ۱۳۷ و ج ۱۴، صص ۱۹۹.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، صص ۳۵۴.

۳. المزار الکبیر، ص ۶۰.

۴. زاد المعاد - مفتاح الجنان، صص ۵۳۵.

۵. المقنعة، ص ۴۸۰؛ المزار الکبیر، ص ۵۵۱.

در زیارت جامعه کبیره نیز می‌خوانیم: «فَمَا أَحَلَّىٰ أَسْمَاءُكُمْ... وَ أَوْفَىٰ عَهْدَكُمْ»؛ «چه شیرین است نام‌هایتان... و وفا شود عهد‌هایتان». در زیارتنامه حضرت ابوالفضل‌العباس این‌گونه سلام می‌دهیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَبَّاسَ بْنَ عَلِيٍّ... أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالِغْتَ فِي النَّصِيحَةِ وَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ»؛ «سلام بر تو ای عباس بن علی... گواهی می‌دهم که تو در نصیحت و خیرخواهی مبالغه کردی و امانت [لهی] را ادا نمودی».

۱۴. صبر در برابر مشکلات

صبر و شکیبایی، عبارت است از ثبات و آرامش نفس در سختی‌ها و مصائب و پایداری در برابر آنها؛ به طوری که انسان گشادگی خاطر و آرامشی را که پیش از وقوع آن حوادث داشت، از دست ندهد و زبان خود را از شکایت، و اعضای خود را از حرکات نابهنجار حفظ کند.^۳

در منابع اسلامی به صبر بر مشکلات، بسیار توجه شده است. کمتر موضوعی را در قرآن می‌توان یافت که مانند صبر تکرار و تأکید شده باشد. در قرآن مجید حدود هفتاد مورد از صبر، سخن به میان آمده است؛^۴ برای مثال، قرآن کریم در توصیه مؤمنان به صبر می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾؛ «ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر [و استقامت] و نماز، کمک بگیرید! [زیرا] خداوند با صابران است» (بقره: ۱۵۳).

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «الصَّبْرُ خَيْرٌ مَّرْكَبٍ مَا رَزَقَ اللَّهُ عَبْدًا خَيْرًا لَهُ وَ لَا أَوْسَعَ مِنَ الصَّبْرِ»؛ «صبر، بهترین مرکب است و خداوند چیزی بهتر و باگشایش‌تر از آن را روزی هیچ بنده‌ای نکرده است».

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۶.

۲. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۵۲۳.

۳. علم اخلاق اسلامی، ص ۴۴۲.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۱۸.

۵. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۳۹.

تاریخ مردان بزرگ گواهی می‌دهد که یکی از عوامل مهم یا مهم‌ترین عامل پیروزی آنان، استقامت و شکیبایی بوده است. بی‌تردید افرادی که از این صفت بی‌بهره‌اند در گرفتاری‌ها بسیار زود از پا در می‌آیند و می‌توان گفت نقشی را که این عامل در پیشرفت افراد و جامعه‌ها ایفا می‌کند، نه فراهم بودن امکانات دارد و نه استعداد و هوش و مانند آن. اصولاً ویژگی استقامت و پایداری، این است که فضایل دیگر بدون آن ارج و بهایی نخواهد داشت که پشتوانه همه آنها صبر است. از این رو در نهج البلاغه در کلمات قصار می‌خوانیم:

عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ
وَلَا خَيْرَ فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ.^۱

بر شما باد به صبر و استقامت که صبر در برابر ایمان، همچون سر است در مقابل تن؛ تن بی‌سر فایده‌ای ندارد. همچنین ایمان بدون صبر، ناپایدار و بی‌نتیجه است.

تاریخ گواهی می‌دهد که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، بزرگ‌ترین سختی‌ها و مصیبت‌ها را در راه انجام دادن وظیفه و هدایت انسان‌ها متحمل شدند و هیچ‌گاه در برابر مشکلات و مصائب بی‌تابی نکردند؛ برای مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در مکه و پیش از هجرت به مدینه، بسیار آزار و اذیت کردند. هنگام نماز، شکمبه بر سرش می‌ریختند و او را مسخره می‌کردند. هنگام تلاوت قرآن، شعر و ترانه می‌خواندند و هلهله می‌کردند تا صدای او شنیده نشود و هنگامی که در اجتماعات و اماکن مختلف مردم را به اسلام دعوت می‌کرد، ابولهب خاک بر سر او می‌پاشید، سنگ به پای او می‌زد و پای او را زخم می‌کرد و می‌گفت: دروغ می‌گوید، حرف او را باور نکنید.

در مکه آن‌قدر ایشان را زدند که از تمام بدنشان خون جاری شد. حضرت خون را به صورت مالید و گفت: «خدایا! قوم مرا هدایت کن؛ آنها نادان‌اند».^۲ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را

۱. نهج البلاغه، حکمت ۸۲.

۲. اخلاق اجتماعی پیامبر صلی الله علیه و آله، محسن نبازی و مرتضی جعفرپور، ص ۲۹.

به حدی اذیت کردند که آن حضرت فرمود: «مَا أُذِي نَبِيٌّ مِثْلَ مَا أُذِيْتُ»؛ «هیچ پیامبری آن گونه که من اذیت شدم، اذیت نشد».

سخن در مصیبت‌های وارد بر اهل بیت پیامبر ﷺ بسیار و از حوصله این نوشتار خارج است. از این رو، تنها به برخی موارد در این باره اشاره می‌کنیم:

حضرت علی علیه السلام درباره قضایای غصب خلافت و سختی‌های آن دوران در خطبه ششقیه فرمود: «فَصَبْرُهُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحُلُقِ شَجَا»؛^۲ «شکیبایی پیشه کردم درحالی که گویی چشمم را خاشاک پر کرده و استخوان، راه گلویم را گرفته بود».

همچنین از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام روایت شده است که درباره حوادث پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

صَبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبٌ لَوْ أَنَّهَا صَبَّتْ عَلَى الْأَيَّامِ صَرْنَ لَيَالِيَا^۳

مصیبت‌هایی بر من فرو بارید که اگر بر روزها فرومی‌بارید، به شب بدل می‌گشت.

درباره مصیبت‌های وارده بر امام حسین علیه السلام تنها به همین فراز از زیارت عاشورا، اکتفا می‌کنیم:

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ
الْإِسْلَامِ، وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ.^۴

ای ابا عبدالله! همانا مصیبت تو بسیار عظیم است و مصیبت تو بر ما و بر همه مسلمانان بسیار بزرگ است و مصیبت تو در آسمان‌ها بر تمامی اهل آسمان‌ها بسیار بزرگ است.

امامان دیگر نیز هریک در زندگی شخصی و نیز بسته به اوضاع دوران خود، با مشکلات

۱. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۴۷.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۳ (ششقیه).

۳. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۰۶.

۴. المزار الکبیر، ص ۴۸۱.

و مصائب بسیاری مواجه بودند و در این راه، به بهترین وجه، صبر و شکیبایی می نمودند. به دلیل صبر عظیم اهل بیت علیهم السلام در مصیبت‌های وارد بر ایشان است که در بسیاری از زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام به این مسئله اشاره شده است و زائر با خواندن زیارتنامه، به صبر ایشان در برابر مشکلات و آزار و اذیت‌ها و مصیبت‌هایی که آن بزرگواران متحمل شدند، گواهی می‌دهد؛ برای مثال، در زیارت امام علی علیه السلام در روز غدیر آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ... لَا تَحْفُلُ بِالنَّوَابِ وَلَا تَهِنُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَلَا تُحْجِمُ عَنْ مُحَارِبٍ... وَ صَبْرَتَ عَلِيٍّ الْأَذَى صَبْرَ احْتِسَابٍ.^۱

سلام بر تو ای امیرمؤمنان!... باکی از پیشامدها نداشتی و در سختی‌ها سستی نکردی و از جنگجویان دشمن رو برنگرداندی... در مقابل اذیت‌ها، پاداش‌جویانه صبر کردی.

همچنین در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام در روز غدیر می‌خوانیم: «وَأَنْتَ حَائِزٌ دَرَجَةَ الصَّبْرِ فَائِزٌ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ»؛^۲ «و تو برخوردار از درجه صبوری و در نتیجه از پاداش بزرگی بهره‌مند می‌باشی». در زیارتنامه چند امام معصوم، از جمله امام حسین^۳، امام کاظم^۴ و امام جواد^{۵ علیهم السلام، این تعبیر آمده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ... وَ صَبْرَتَ عَلِيٍّ الْأَذَى فِي جَنِّهِ»؛^۶ «گواهی می‌دهم که تو... بر اذیت شدن‌ها در راه خدا، صبر کردی».}

در زیارت جامعه کبیره نیز همین تعبیر آمده است: «وَبَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرَضَاتِهِ وَ صَبْرْتُمْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنِّهِ»؛^۷ «جان خود را در راه خشنودی او تقدیم کردید و بر مصیبت‌هایی که در راه او بر شما وارد می‌شد، صبر کردید».

۱. المزار، ص ۷۱.

۲. همان، ص ۸۰.

۳. المزار الكبير، ص ۴۱۵.

۴. المزار، ص ۱۸۹.

۵. همان، ص ۱۹۲.

۶. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۲.

همچنین در زیارت ائمه بقیع علیهم‌السلام می‌خوانیم: «فَأَنْتُمْ الْعِبَادُ الْمُكْرَمُونَ... وَالصَّابِرُونَ فِي الْبُأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبُأْسِ»؛ «پس شما بندگان مورد احترام... و صبرکنندگان در دشواری‌ها و آسیب‌ها و نبردهایید».

در صلوات مخصوص امام موسی بن جعفر علیه‌السلام نیز می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ... وَصَلِّ عَلَيَّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ... مَأْلَفِ الْبُلُوَى وَالصَّبْرِ»؛ «خدایا!... بر امام موسی بن جعفر علیه‌السلام... خوگرفته به بلا و صبر، درود فرست».

به دلیل اهمیت صبر و منزلت بالای صابران نزد خداوند، زائر امامان علیهم‌السلام در زیارت امین الله، از خدا می‌خواهد که پیروی تبعیت از ایشان را در این زمینه به او عطا فرماید و در مقابل مشکلات به او صبر دهد: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي... صَابِرَةً عَلَى نَزُولِ بَلَائِكَ»؛ «خدایا! مرا... بر نازل شدن بلایت صابر قرار ده».

۱۵. شکرگزاری بر نعمت‌ها

یکی از مفاهیم عام اخلاقی که رابطه انسان را با پروردگار سامان می‌دهد، «شکر» است. در توضیح ماهیت شکر، عبارات متعددی به کار گرفته شده است: «تصور نعمت و اظهار آن»^۴، «شناخت نعمت مُنعم و شادمانی بر آن، عمل به مقتضای این شادمانی با عزم بر کارهای خیر، سپاسگزاری از مُنعم و استعمال نعمت در راه بندگی خداوند»^۵ و «اظهار نعمت»^۶، تعاریفی است که برای شکر بیان شده است. در جمع بین این تعاریف،

۱. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۲۰۸.

۲. همان، ج ۹۹، ص ۱۷.

۳. المزار، ص ۱۱۵.

۴. المفردات فی غریب القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، ص ۴۶۱.

۵. علم اخلاق اسلامی (گزیده کتاب جامع السعادات)، مولی مهدی نراقی، ترجمه و گزینش: سید جلال الدین مجتبیوی، ص ۴۳۳.

۶. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۸.

می‌توان گفت که حقیقت شکر، همان اظهار نعمت است.

اظهار نعمت، از سویی مستلزم ادراک و تصور آن است و از جانب دیگر، این اظهار دارای مراتب و چهره‌های مختلف است؛ زیرا اظهار نعمت، عبارت است از استعمال آن در راهی که منعم اراده کرده است و همچنین یادآوری و مدح و ثنای او برای نعمتش. بنابراین، شکر دارای مراتب سه‌گانه قلبی (به یاد داشتن)، زبانی (مدح و ثنا و تشکر) و عملی است.

مراد از شکر خداوند آن است که انسان اولاً، همواره در دل متوجه و یادآور نعمت‌های او باشد؛ ثانیاً، به هنگام استفاده از نعمت‌های بیکران الهی، زبان به حمد و سپاس الهی بگشاید؛ ثالثاً، نعمت‌ها و برکات خداوندی را در راهی که خداوند اراده کرده است، به کار گیرد.^۱ امام صادق علیه السلام فرمود: «شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَ تَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۲؛ «شکر نعمت عبارت است از پرهیز از گناهان و کمال شکر این است که انسان بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

ابوبصیر (از یاران امام صادق علیه السلام) می‌گوید:

به امام صادق علیه السلام گفتم: «آیا شکر حدی دارد که بنده با انجام دادن آن، شاکر محسوب شود؟» امام علیه السلام فرمود: «آری». گفتم: «آن حد چیست؟» امام علیه السلام فرمود: «يَحْمَدُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ عَلَيْهِ فِي أَهْلٍ وَ مَالٍ وَ إِنْ كَانَ فِيهَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ حَقُّ آدَاهُ وَ مِنْهُ قَوْلُهُ جَلَّ وَ عَزَّ «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ»^۳؛ «خدای را بر هر نعمتی که در زمینه خانواده و دارایی به او داده است، سپاس گوید و اگر در نعمت‌هایی که به او عطا کرده، حقی وجود دارد، ادا کند و از همین قبیل است فرمایش خداوند: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا

۱. اخلاق اسلامی، احمد دلیلی و مسعود آذربایجانی، صص ۱۲۶ و ۱۲۷.

۲. الکافی ج ۲، ص ۹۵.

۳. زخرف: ۱۳.

۴. الکافی ج ۲، ص ۹۶.

لَهُ مُقَرَّنِينَ ﴿۱۰﴾ «پاک و منزّه است کسی که این را مسخّر ما ساخت؛ و گرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم».

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بزرگ‌ترین شکرگزاران به درگاه خداوند بودند و هیچ‌کس را یارای هموردی با ایشان در این میدان نیست. عایشه، همسر پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به ایشان عرض کرد: «چرا این قدر خودتان را در عبادت به سختی می‌اندازید؛ درحالی که خدا گناهان گذشته و آینده شما را آمرزیده است؟» آن حضرت پاسخ داد: «يَا عَائِشَةُ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا!»؛ «ای عایشه! آیا بنده شکرگزاری نباشم؟».

به دلیل اهمیت شکر خداوند، می‌بینیم در زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام نیز به این مطلب توجه شده است و زائر کوی معصومین علیهم‌السلام خداوند را به دلیل نجات دادن او از شرک و گمراهی، توفیق ایمان، توفیق شناخت خدا، رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، توفیق زیارت، توفیق مصیبت‌زدگی برای مصیبت‌های اهل بیت علیهم‌السلام و... شکر و سپاس می‌گوید که در اینجا به گوشه‌ای از این موارد، توجه می‌کنیم:

در زیارت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خوانیم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشُّرْكِ وَالضَّلَالِ... أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ آتَيْتَ بِالْحَقِّ وَقُلْتَ بِالصِّدْقِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَقَفَّنِي لِلْإِيمَانِ وَالتَّصَدِيقِ، وَمَنْ عَلَيَّ بِطَاعَتِكَ وَاتِّبَاعِ سَبِيلِكَ، وَجَعَلَنِي مِنْ أُمَّتِكَ وَالمُحِبِّينَ لِدَعْوَتِكَ، وَهَدَانِي إِلَى مَعْرِفَتِكَ وَمَعْرِفَةِ الْأُمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ.^۲

سپاس خداوندی را که ما را از شرک و گمراهی نجات داد... گواهی می‌دهم که تو ای رسول خدا، به حق آمدی و سخن صادق گفتی. سپاس خدایی را که به من توفیق ایمان و پذیرش [اسلام] عنایت فرمود و با اطاعت تو و پیروی از مسیر تو بر من منت نهاد و مرا از

۱. الکافی، ج ۲، ص ۹۵.

۲. المزار الکبیر، صص ۷۰ - ۷۲.

امت تو و اجابت کنندگان دعوت تو قرار داد و مرا به سوی شناخت تو و امامان از ذریهات هدایت فرمود.

در زیارتنامه امیرمؤمنان علیه السلام نیز چنین آمده است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِهِ وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ رَحْمَةً مِنِّي لِي وَ تَطَوُّعاً مِنِّي عَلَيْهِ وَ مَنْ عَلَّى بِالْإِيمَانِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَيَّرَنِي فِي بِلَادِهِ وَ حَمَلَنِي عَلَى دَوَابِّهِ وَ طَوَى لِي الْبَعِيدَ وَ دَفَعَ عَنِّي الْمَكْرُوهَ حَتَّى أَذْخَلَنِي حَرَمَ أَخِي [رَسُولِهِ وَ] نَبِيِّهِ وَ أَرَانِيهِ فِي عَافِيَةِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ زُؤَارِ قَبْرِ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.^۱

سپاس خدایی را که مرا به شناختن خودش و رسولش و هر کس که اطاعتش را بر من واجب گردانیده، گرامی داشت، [و این از روی مهربانی و نیکی او به من است] و با توفیق ایمان به من منت نهاد. سپاس خدایی را که مرا در سرزمین‌هایی سیر داد و بر جنبندگان حمل کرد و دور را برای من نزدیک ساخت و امور نامطلوب را از من دور ساخت تا اینکه مرا وارد حرم برادر رسول و پیامبرش کرد و آن را در صحت و سلامتی به من نمایاند. سپاس خدایی را که مرا از زائران قبر جانشین رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار داد. ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این [همه نعمت‌ها] رهنمون شد و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما [به اینها] راه نمی‌یافتیم.

در زیارت امیرمؤمنان علیه السلام و نیز زیارت هریک از ائمه علیهم السلام در ماه رجب می‌خوانیم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ، وَ أَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ.^۲

سپاس خدایی را که در ماه رجب ما را در زیارتگاه اولیایش حاضر کرد و واجب کرد بر ما آنچه را از حق ایشان بر ما واجب بود.

۱. اعراف: ۴۳.

۲. کامل‌الزیارات، ص ۴۱.

۳. المزار الکبیر، ص ۲۰۳.

در سجده آخر زیارت عاشورا نیز می‌گوییم:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَىٰ مُصَابِهِمُ الْحَمْدُ اللَّهُ عَظِيمٍ رَزَيْتِي^۱.

خدایا! تو را سپاس به تعداد سپاس‌های سپاسگزاران برای تو بر مصیبت‌های ایشان، سپاس خدای را بر بزرگی مصیبتم.

همچنین در زیارت امام زمان علیه السلام در سرداب مقدس می‌خوانیم:

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ الْحَمْدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَعَرَّفَنَا
أَوْلِيَاءَهُ وَ أَعْدَاءَهُ، وَ وَفَّقَنَا لِرِيزَارَةِ أُمَّتِنَا، وَ لَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْمَعَانِدِينَ النَّاصِبِينَ، وَ لَا مِنَ الْعُلَاةِ
الْمُفَوِّضِينَ، وَ لَا مِنَ الْمُزْتَابِينَ الْمُقْصِرِينَ^۲.

در زیارت برخی از ائمه اطهار، مانند زیارت امام علی^۳، امام حسین^۴، امام کاظم^۵ و امام جواد علیه السلام، مستحب است که زائر پس از زیارت، به سجده رود و سجده شکر کند و صد مرتبه «شُكْرًا» بگوید.

۱۶. تسلیم و رضا

تسلیم بودن در برابر دستوره‌های خدا و رسولش و رضای به قضای الهی و آنچه او برای انسان مقدر فرموده است، چه در ظاهر خوشایند باشد یا نباشد، یکی از ویژگی‌های مهم مؤمنان دانسته شده است؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا

خَالِدُونَ﴾ (هود: ۲۳)

۱. المزار، ص ۱۸۴.

۲. المزار الكبير، ص ۶۵۷.

۳. المزار، ص ۵۲.

۴. المزار الكبير، ص ۳۸۷.

۵. المزار، ص ۱۹۱.

۶. همان، ص ۱۹۳.

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و در برابر پروردگارشان خاضع و تسلیم بودند، آنها اهل بهشت‌اند و جاودانه در آن خواهند ماند!

در این آیه، خداوند سه ویژگی مهم اهل بهشت را برمی‌شمارد: ایمان، عمل صالح و تسلیم و خضوع در برابر خداوند. بیان این سه وصف، در حقیقت بیان سه واقعیت مرتبط با یکدیگر است؛ زیرا عمل صالح میوه درخت ایمان است؛ ایمانی که چنین ثمری نداشته باشد، ایمان سست و بی‌ارزشی است که نمی‌توان آن را به حساب آورد. همچنین تسلیم و خضوع و اطمینان به وعده‌های پروردگار، از آثار ایمان و عمل صالح می‌باشد؛ چراکه اعتقاد صحیح و عمل پاک، سرچشمه پیدایش این صفات و ملکات عالی در درون جان انسان است.

البته می‌دانیم که تسلیم بودن در برابر دستورهای خداوند، بدون هیچ اعتراض و کدورتی، تنها بخشی از این صفت است. بخش دیگر این صفت، عبارت است از راضی بودن به خواست خداوند در زندگی روزمره و شکایت نکردن از مشکلات و سختی‌ها و بلاهایی از قبیل فقر، بیماری سخت خود یا عزیزان و مرگ نزدیکان؛ که این درجه‌ای بالاتر از صبر است که پیش‌تر به آن پرداختیم.

از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده است که حضرت فرمود:

الإِيمَانُ لَهُ أَرْكَانٌ أَرْبَعَةٌ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَ تَفْوِيضُ الْأَمْرِ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.^۱

ایمان بر چهار پایه استوار است: توکل بر خدا، واگذار کردن امور زندگی به خدا، رضایت به قضا و خواست خدا و تسلیم بودن در برابر دستورهای خداوند عزوجل.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ أَمْرٌ يَسْرُهُ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هَذِهِ النُّعْمَةِ» وَإِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ أَمْرٌ يَغْتَمُّ بِهِ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ».^۲

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۷.

۲. همان، ص ۹۷.

هرگاه مطلب خوشحال کننده‌ای به رسول خدا ﷺ می‌رسید، می‌گفت: «خدای را بر این نعمت، سپاس می‌کنم». هرگاه مطلب ناراحت کننده‌ای بر او وارد می‌شد، می‌گفت: «خدای را در هر حال سپاسگزارم».

امام حسین علیه السلام ضمن خطبه‌ای که پیش از حرکت از مکه به سوی عراق ایراد کردند،

چنین فرمود:

... وَ خَيْرِي مَصْرَعٌ أَنَا لِأَقِيهِ كَأَنِّي بِأَوْصَالِي يَنْقَطِعُهَا عَسَلَانُ الْفَلَوَاتِ بَيْنَ النَّوَاوِيسِ وَ
كَرْبَلَاءَ فَيَمْلَأُنْ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا وَ أَجْرِبَةً سُغْبًا لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ رَضَى اللَّهُ
رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ.^۱

مقتلی برای من برگزیده شده است که آن را ملاقات خواهم کرد. گویا گرگ‌های بیابان‌های نوایس و کربلا را می‌بینم که بندبند تنم را از هم می‌گسلند و شکم‌های خالی و مشک‌های تهی خود را از من می‌آکنند. از آنچه تقدیر شده، گریزی نیست. خشنودی خدای، مایه خشنودی ما اهل بیت است.

آن حضرت هنگامی که در آخرین ساعات و لحظات زندگی از هر طرف هدف تیر و تیغ دشمن قرار گرفته بود، فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ هَذَا قَتِيلٌ فِي رِضَا اللَّهِ»^۲؛ «به نام خدا؛ هیچ توان و قدرتی جز به دست خدا نیست و این (خود آن حضرت)، کشته در راه رضای خداست».

حضرت زینب نیز در پاسخ به «عبیدالله بن زیاد» که به او گفت: «رفتار خدا را با برادر و دودمانت چگونه دیدی؟!» فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا»^۳؛ «من چیزی جز زیبا ندیدم». این تعبیر، به بهترین وجه، رضای او به قضای پروردگار را نشان می‌دهد.

شاید بزرگ‌ترین مصیبتی که بر اهل بیت علیهم السلام وارد شد، ماجرای غصب خلافت و

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۷.

۲. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۱۱۱.

۳. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶.

کنار گذاشته شدن ایشان از جایگاهی بود که خداوند برای ایشان تعیین کرده بود. با این حال، آن بزرگواران در مقابل این پیشامد، هرگز زبان به شکوه از خداوند باز نکردند؛ سختی‌های این راه را با رضایت خاطر تحمل کردند و تنها به فکر انجام دادن وظیفه خود در این مسیر بودند.

این گونه است که زائر در برخی از زیارتنامه‌ها، بر این مقام بالای اهل بیت علیهم السلام گواهی می‌دهد و آنان را به دلیل برخورداری از این فضیلت بزرگ، ستایش می‌کند؛ برای مثال در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

وَأَمْرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيُهُم عَنِ الْمُنْكَرِ... وَ سَنَّتُهُمْ سُنَّتَهُ وَ صِرْتُهُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرَّضَا وَ سَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ.^۱

امر به معروف و نهی از منکر کردید... و سنت الهی را مقرر داشتید و در این کارها به دنبال رضایت او بودید و در مقابل قضا و قدر الهی تسلیم گشتید.

در زیارت امام علی علیه السلام در روز شهادت آن حضرت، این گونه رضایت خود را به قضای خداوند ابراز می‌کنیم:

فَجَلَلْتَ عَنِ الْبُكَاءِ وَ عَظَّمْتَ رَزِيَّتَكَ فِي السَّاءِ وَ هَدَّتْ مُصِيبَتِكَ الْأَنَامَ... رَضِينَا عَنِ اللَّهِ قَضَاءَهُ وَ سَلَّمْنَا لِلَّهِ أَمْرَهُ.^۲

تو برتر از آنی که گریه بر تو، ما را تسکین بخشد. مصیبت تو در آسمان، بزرگ جلوه نمود و مردم را درهم شکست... به قضای الهی راضی هستیم و تسلیم امر او می‌باشیم.

برای زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که زیارت‌کننده، این ذکر را بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ رِضًا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ»^۳؛ «ما از آن خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم؛ راضی به قضای خداوندیم و تسلیم امر او می‌باشم».

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۲.

۲. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۴۸۶.

۳. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۷۸۳.

در زیارت امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز این گونه بر برخورداری آن حضرت از مقام رضا، گواهی می‌دهیم:

اللَّهُمَّ وَكَمَا صَبَرَ عَلَى غَيْظِ الْمِحْنِ وَتَجَرَّعَ فِيكَ غُصَصَ الْكُرْبِ وَاسْتَسَلَّمَ لِرِضَاكَ... صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً مُبِيغَةً زَاكِيَةً.^۱

خدایا! همان‌طور که [امام کاظم علیه السلام] بر خشم برخاسته از سختی‌ها صبر کرد و جرعه‌های سختی‌ها را سرکشید و در مقابل خشودی تو تسلیم بود... بر او درود فرست؛ درودی بابرکت، بلندمرتبه و پاکیزه.

همچنین زائر در زیارت امین‌الله، از خداوند می‌خواهد که نفس او را راضی به رضای او قرار دهد و می‌گوید: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ»؛ «خدایا! مرا به تقدیرت، آرام و به قضایت، راضی نما».

۱۷. زهد و بی‌اعتنایی به دنیا

یکی از صفات مهم اخلاقی که لازم است همگان در راه رسیدن به آن تلاش کنند، زهد و بی‌اعتنایی به دنیا است. از نظر اهل لغت، زهد ورزیدن به یک چیز، به مفهوم اعراض از آن شیء و به مقدار اندکی از آن رضایت دادن است.^۳

علمای اخلاق نیز زهد را چنین تعریف می‌کنند: اعراض قلبی و عملی از دنیا؛ مگر به مقداری که آدمی بدان نیاز ضروری دارد؛ به عبارت دیگر، زهد یعنی روی گردانیدن از دنیا برای آخرت و از غیرخدا دل بریدن. از این تعریف برمی‌آید که اولاً، زهد درباره کسی صادق است که امکان تحصیل دنیا و برخورداری از آن را داشته باشد. ثانیاً، روی‌برداشتن او از دنیا، به دلیل پستی و حقارت دنیا نسبت به آخرت باشد.

۱. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۷.

۲. المزار، ص ۱۱۵.

۳. ر.ک: مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، ماده زهد.

بنابراین هرگاه ترک دنیا به دلیل نداشتن امکان تحصیل آن یا به هدفی غیر از رضایت خداوند و تحصیل آخرت باشد، مانند جلب رضایت مردم یا به علت فرار از سختی تحصیل دنیا، به آن زهد گفته نمی‌شود.^۱

امام علی علیه السلام در تعریف ماهیت زهد فرمود:

الرُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾^۲ وَ مَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الرُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ.^۳

تمام زهد، میان دو جمله از قرآن است؛ آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «این به سبب آن است که برای آنچه از دست داده‌اید، تأسف نخورید، و به آنچه خدا به شما داده است، دل بسته و شادمان نباشید». بنابراین هر کس بر گذشته تأسف نخورد و به آنچه در دست دارد، دل بسته نباشد، هر دو طرف زهد را در اختیار گرفته است.

نگاهی گذرا به تعبیر آیات و روایات درباره زهدورزی و آثار آن، همگی بیانگر جایگاهی بلند برای وارستگی و زهدورزی به دنیا، در نظام اخلاقی اسلام است. در اینجا ما به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌نماییم:

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ﴾ (آل عمران: ۱۴)

محبت امور مادی، از [قبیل] زنان و فرزندان و اموال فراوان از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است؛ [تا در پرتو آن، آزمایش و

۱. علم اخلاق اسلامی، ص ۱۹۷.

۲. حدید: ۲۳.

۳. نهج البلاغه، ص ۵۵۴، حکمت ۴۳۹.

تربیت شوند. ولی [اینها وسایل گذران زندگی دنیاست [و هدف نهایی نمی‌باشد] و سرانجام نیک [و زندگی والا و جاویدان]، نزد خداست.

در این آیه، خدای متعال، همه اقسام دنیا را بیان کرده است. سپس افراد را به بیرون رفتن از آنها و رو کردن به سوی خدا فرا می‌خواند. امام صادق علیه السلام فرمود: «جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا»؛ «همه خوبی در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن، زهدورزی در دنیاست».

علمای اخلاق، زهد را به لحاظ میزان شدت و ضعف اعراض از دنیا، به سه درجه تقسیم می‌کنند:

الف) فرد به دنیا پشت می‌کند؛ درحالی‌که به آن تمایل دارد و در واقع با زحمت و مشقت و تکلف، خود را از دنیا دور می‌کند.

ب) شخص با میل و رغبت و به آسانی، از دنیا اعراض می‌کند؛ بدون آنکه تمایلی به آن داشته باشد؛ زیرا در نظر او، دنیا نسبت به لذت‌های اخروی، کوچک و حقیر است. در واقع او به یک معامله مبادرت کرده است و چیز کم‌ارزش‌تری را به انتظار رسیدن به کالای ارزنده‌تر، از دست می‌دهد و البته از این معامله خشنود است.

ج) بالاترین درجه زهد آن است که با رغبت و اشتیاق، دنیا را ترک نماید و هیچ‌گاه احساس از دست دادن چیزی نکند و احساس ننماید که معامله‌ای صورت گرفته است؛ همان‌گونه که اگر کسی از مُشتی خاک بگذرد تا به یاقوتی دست یابد، هرگز احساس نمی‌کند که چیزی به قیمت دستیابی به شیء ارزنده‌تر از دست داده و معامله‌ای کرده است.^۲

دنیا و زهدورزی

همان‌طور که گفتیم زهدورزی، یعنی بی‌اعتنایی به دنیا و آسوده‌بال گذشتن از کنار آن. آیات و روایات بسیاری در نکوهش دنیا و سفارش اکید به برکنار ماندن از آن وارد

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۳۲.

۲. اخلاق اسلامی، صص ۱۵۴ - ۱۵۶.

شده است؛ برای مثال، خداوند متعال در قرآن، تصویر گویایی از وضع زندگی دنیا و مراحل مختلف و انگیزه‌های حاکم بر هر مرحله، ارائه می‌دهد و می‌فرماید:

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾
(حدید: ۲۰)

بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است؛ همانند بارانی که محصولش، کشاورزان را در شگفتی و سرور فرومی‌برد. سپس خشک می‌شود به گونه‌ای که آن را زردرنگ می‌بینی. سپس تبدیل به کاه می‌شود! [آری! دنیا نیز به همین سرعت می‌گذرد] و در آخرت، عذاب شدید یا آمرزش و رضای الهی است و زندگی دنیا، چیزی جز متاع فریب نیست.

امام علی علیه السلام نیز فرمود:

وَإِنَّمَا الدُّنْيَا مُتَهَيِّ بِصَرِّ الْأَعْمَى لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَّرَاءَهَا شَيْئاً وَالبصيرُ يَنْفُذُهَا بَصْرُهُ وَيَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَّرَاءَهَا فَالبصيرُ مِنْهَا شَاخِصٌ وَالأعمى إِلَيْهَا شَاخِصٌ وَالبصيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ وَالأعمى لَهَا مُتَزَوِّدٌ^۱.

به راستی که دنیا منتهای دید کوردلان است که در ماورای آن چیزی نمی‌بینند، اما شخص بصیر دیدش در آن نفوذ می‌کند و از آن می‌گذرد و می‌داند که سرای جاویدان در ورای آن است. بنابراین شخص بصیر در دنیا آماده کوچ است و کوردل چشمش را به آن دوخته، بینایان از آن زاد و توشه می‌گیرند و کوردلان برای آن زاد و توشه می‌اندوزند.

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، نه تنها به دوری نمودن از دنیا و فریب نخوردن از نعمت‌های آن سفارش می‌کردند، بلکه خود بهترین عمل‌کنندگان به این فرمایشات

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳.

بودند. آن پیشوایان، حتی زمانی که بهترین نعمت‌های دنیوی را هم در اختیار داشتند، سعی می‌کردند در حد پایین‌ترین سطح افراد جامعه زندگی کنند و هیچ‌گاه آخرت خود را فدای دنیای زودگذر و فانی ننمایند.

پیشوای پارسایان و امیرمؤمنان علیه السلام که دوست و دشمن را وادار به اعتراف ساخته است، جامه‌اش درشت و کهنه بود که گاهی با لیف خرما وصله می‌شد و هیچ‌گاه از دو لباس بیشتر نداشت. خوراک روزانه‌اش، دو قرص نان جو بود که غالباً به آن بسنده می‌کرد. «ابورافع» می‌گوید:

روز عیدی به حضور امیرمؤمنان علیه السلام شرفیاب شدم. آن بزرگوار کیسه نان خشک سربسته‌ای را که بر آن مهر زده بود، گشود و از آن تناول فرمود. پرسیدم: «مولای من! چرا آن را مهر می‌زنی؟» فرمود: «می‌ترسم دو فرزندم زینب و ام‌کلثوم نان‌ها را به روغن آغشته کنند». گاهی هم که حضرتش نان را با خورش می‌خورد، خورش آن، سرکه یا نمک یا سبزیجات بود و چنانچه بهتر از اینها اراده می‌فرمود، اندکی از شیر شتر تناول می‌کرد. گوشت، بسیار کم می‌خورد و می‌فرمود: «شکم‌هایتان را مدفن حیوانات قرار ندهید».

از همه مردم نیرومندتر و قدرت بازویش از هرکس قوی‌تر بود و با این حال، گرسنگی و خوراک اندک، از قدرت و نیرویش نمی‌کاست.^۱

بی‌اعتنایی به دنیا در زیارتنامه‌ها

در موارد متعددی از زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام می‌بینیم که به بی‌اعتنایی به دنیا اشاره شده است و زائر از سویی برای رهایی خود از دنیاطلبی دعا می‌کند و از سوی دیگر، بر عظمت مقام امامان معصوم علیهم السلام در بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی، گواهی می‌دهد و دنیاطلبی را علت مخالفت با ایشان معرفی می‌کند؛ چنان‌که در زیارت امین‌الله

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۲۶.

می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي... مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ ثَنَائِكَ»؛ «خدایا! مرا... از توجه به دنیا، به ستایش و ثنای خودت مشغول کن».

در زیارت امام علی علیه السلام نیز در روز غدیر چنین آمده است:

اعْتَصَمْتَ بِاللَّهِ فَعَزَّزْتَ وَ انْتَرْتَ الْآخِرَةَ عَلَى الْأُولَى فَزَهَدْتَ... وَ لَا شَرِهْتَ إِلَى الْحُطَامِ وَ لَا دَنَسْتِكَ الْأَنَامُ.^۲

به خدا متوسل شدی پس عزیز گشتی و آخرت را بر دنیا برگزیدی پس زهد ورزیدی...
آزمند متاع ناچیز دنیا نشدی و گناهان، تو را آلوده نساخت.

همچنین در زیارت وداع امام حسین علیه السلام می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَشْغَلْنِي عَنْ ذِكْرِكَ بِإِكْتِثَارِ عَلَيٍّ مِنَ الدُّنْيَا تُلْهِبُنِي
عَجَائِبَ بَهْجَتِهَا وَ تَفْتِنُنِي زَهْرَاتِ زِينَتِهَا وَ لَا بِإِقْلَالٍ يَضُرُّ بِعَمَلِي كُدُّهُ وَ يَمْلَأُ صَدْرِي هُمُّهُ
وَ أَعْطِنِي بِدَلِكِ غِنًى عَنِ شَرَارِ خَلْقِكَ وَ بَلَاغاً أَنَا لُ بِهِ رِضَاكَ.^۳

خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا با فراوانی نعمت‌های دنیا که خوشی‌های چشمگیرش مرا سرگرم کند و جلوه‌گری زینت‌هایش مرا فریب دهد یا با کمی نعمت‌های دنیوی که تلاش برای آن، باعث وارد شدن آسیب به عملم گردد و نگرانی درباره آن، سینه‌ام را فراگیرد، از یاد خودت غافل نکن و به این وسیله، مرا از بندگان بدت بی‌نیاز ساز و به قدر کفایت، عطایم کن تا به رضای تو دست یابم.

در زیارت امام کاظم علیه السلام نیز آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الصَّالِحُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

أَيُّهَا الْإِمَامُ الزَّاهِدُ»^۴؛ «سلام بر تو ای امام صالح! سلام بر تو ای امام زاهد!» همچنین در دعای ندبه می‌خوانیم:

۱. المزار، ص ۱۱۵.

۲. المزار، ص ۷۲.

۳. کامل‌الزیارات، ص ۲۵۵.

۴. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ إِذَا اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النِّعَمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا اضْمِحْلَالَ بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الرُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ وَزُخْرُفِهَا وَزِبْرَجِهَا فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ.^۱

خدایا! ستایش مخصوص توست بر آنچه از قضا و قدرت جاری شد در حق دوستان؛ آن کسانی که آنان را برای خود و دینت خالص گردانیدی؛ آن‌گاه که برای آنان، نعمت شایان و پایداری را که نزد توست و نابودی ندارد، برگزیدی [و این] پس از آن [بود] که با آنها شرط کردی تا از درجات این دنیای پست و از زیورش کناره گیرند؛ آنها این شرط تو را پذیرفتند و تو نیز وفای آنان به این شرط را دانستی و آنان را پذیرفتی و مقرب خود گردانیدی.

در زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین و نیز در عید فطر و قربان، ویژگی دشمنان

امام حسین علیه السلام، دنیاطلبی و برگزیدن دنیا در عوض دادن آخرت، معرفی شده است:

وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَرَّثَهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَاسْحَطَكَ وَاسْحَطَ نَبِيَّكَ وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالتَّفَاقِ وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّىٰ سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَاسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ.^۲

همدست شدند علیه او (امام حسین علیه السلام)، کسانی که دنیا فرییشان داد و فروختند بهره سعادت خود را به بهای پست ناچیز و آخرت خود را در مقابل بهایی اندک و بی‌مقدار دادند و بزرگی کردند و خود را در چاه هوا و هوس سرنگون کردند و تو و پیامبرت را به خشم آوردند و از میان بندگان، از آن‌هایی پیروی کردند که اهل نفاق بودند و بارهای سنگین

۱. إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۹۵.

۲. المزار، ص ۱۸۶.

گناه را به دوش می‌کشیدند و مستوجب دوزخ بودند. آن حضرت، با شکیبایی و پاداش جویی، در راه تو با آنها جهاد کرد تا خونش در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش شکسته شد.

فصل هشتم: پیام‌های اخلاقی - تریبیتی زیارت و زیارتنامه‌ها

مقدمه

همان‌طور که در فصول پیشین مشاهده کردیم، زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام آکنده از معارف اسلامی در عرصه‌های گوناگون اعتقادی، عبادی، رفتاری و اخلاقی است. بی‌شک، خواندن این زیارتنامه‌ها و نیز مطالعه آنها، هر انسان معتقدی را از سویی به عظمت اهل بیت علیهم‌السلام آگاه می‌کند و از سوی دیگر، بندگی و اطاعت از خدا را به او می‌آموزد.

زیارت آن بزرگواران، با برقرار کردن پیوند معنوی و عاطفی با ایشان و تقویت این پیوند، تأثیر شگرفی بر ایمان و تقوای زائران بر جای می‌گذارد و راه را برای نزدیک شدن هر چه بیشتر آنان به خدا آماده می‌سازد. این همه روایت که در تشویق افراد به زیارت امامان معصوم علیهم‌السلام و بیان اجر و پاداش آن بیان گردیده، بهترین شاهد بر این مدعاست.

یکی از راه‌های تأثیرگذاری زیارت بر روح و روان زائران، خواندن زیارتنامه‌های امامان معصوم علیهم‌السلام است. پیش‌تر نیز گفتیم که زیارتنامه‌ها آکنده از آموزه‌های اخلاقی و معارف بلندی است که توجه به آنها هنگام قرائت زیارتنامه‌ها، هر انسانی را به سوی رعایت اخلاق اسلامی دعوت می‌کند.

در زیارتنامه‌ها، کنار محتوای غنی اخلاقی و تربیتی که در متون آنها به وضوح مشاهده می‌شود، پیام‌های اخلاقی و تربیتی ارزشمندی وجود دارد که توجه به آنها می‌تواند بهره معنوی و اخلاقی زائران را افزایش دهد و وصول به سعادت ابدی را آسان‌تر کند. از این‌رو، در این فصل به بررسی پیام‌های اخلاقی و تربیتی موجود در زیارت و زیارتنامه‌ها می‌پردازیم.

۱. حسن ظن

حسن ظن از جمله فضایل مهمی است که در رشد و تکامل انسان و نیز در تکامل مادی و معنوی جامعه نقش بسزایی دارد. حسن ظن در لغت به معنای «گمان نیک و خوش‌بینی»، در مقابل سوء ظن به معنای «بدگمانی و بدبینی» می‌باشد. هنگامی ارزش این فضیلت معلوم می‌شود که بدانیم امید و نشاط در زندگی و جامعه، در سایه آن حاصل می‌شود. پیشوایان دین، این موضوع را در روایات خود تأکید کرده و بزرگان و فقیهان نیز به طور مستقل به آن پرداخته‌اند.

گفتنی است که اسلام، به طور صریح با بدبینی و بدگمانی مبارزه می‌کند و مسلمانان را از این بیماری خطرناک برحذر می‌دارد و به حسن ظن رهنمون می‌سازد. قرآن کریم و احادیث امامان معصوم علیهم‌السلام کاملاً روشن‌گر این مطلب می‌باشد که بدبینی و سوءظن میان مسلمانان، بسیار ناپسند می‌باشد و حسن ظن که نقطه مقابل آن است، بسیار نیکو و مورد تأیید و تأکید است.

در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌خوانیم که فرمود: «حُسْنُ الظَّنِّ مِنْ أَفْضَلِ السَّجَايَا وَ أَجْزَلِ الْعَطَايَا»؛ «حسن ظن، از بهترین صفات انسانی و پربارترین مواهب الهی است».

اقسام حسن ظن

می‌توان حسن ظن را به لحاظ موضوع آن، به اقسام متعددی تقسیم کرد که دو قسم مهم آن عبارت‌اند از:

الف) حسن ظن به بندگان

اگر در جامعه اسلامی، بلکه در جامعه انسانی، برنامه‌ها و دستورهای اسلامی که از جمله آنان حسن ظن است، اجرا شود، بسیاری از نابسامانی‌ها، شایعه‌سازی‌ها، قضاوت‌های عجولانه و بی‌مورد، اخبار مشکوک، دروغ و... که همگی از گمان بد سرچشمه می‌گیرد، برچیده می‌شود. در غیر این صورت، جامعه در هرج و مرج به سر خواهد برد و هیچ‌کس از گمان بد دیگران در امان نخواهد ماند و به یکدیگر اطمینان نخواهد داشت؛ چنان‌که امام علی علیه السلام فرمود:

صَعُ أَمْرُ أَحِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَلَا تَظُنَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَحِيكَ سُوءًا وَأَنْتَ تَجِدُهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمُولًا.^۱

اعمال برادر دینی‌ات را بر نیکوترین وجه تفسیر و توجیه کن مگر اینکه دلیلی بر خلاف آن قائم شود؛ و هرگز درباره سخنی که از برادر مسلمانان صادر شده است، در صورتی که می‌توانی برای آن توجیهی مناسب و نیکویی داشته باشی، گمان بد مبر.

ب) حسن ظن به خداوند

منظور از حسن ظن به خدا آن است که به وعده‌های الهی امیدوار باشیم؛ وعده رزق و روزی، یاری کردن یارانش، پیروزی مجاهدان، آمرزش گناهان و همانند اینها. معنای سوء ظن به خدا نیز آن است که هنگام بروز مشکلات، اعتقاد بنده به وعده‌های الهی متزلزل شود و هنگام پیش آمدن امتحانات دشوار در مسائل مالی و غیر آن، وعده‌های خداوند را فراموش کند و رو به گناه آورد.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ارزش حسن ظن به خدا فرمود: «رَأْسُ الْعِبَادَةِ حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ»^۳؛

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۶۲.

۲. اخلاق در قرآن، ص ۳۳۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۵۸.

«بالاترین عبادت، حسن ظن به خداست». از این رو می‌بینیم یکی از دعاهای مهم اهل بیت علیهم‌السلام به درگاه خداوند، درخواست حسن ظن به اوست؛ چنان‌که روایت شده است که امام موسی بن جعفر علیه‌السلام، هنگام سعی بین صفا و مروه، همواره این دعا را بر لب داشتند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ فِي كُلِّ حَالٍ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ»^۱ «خدایا! از تو حسن ظن به تو در همه حال و درستی نیت در توکل بر تو را خواستارم».

زیارت و حسن ظن به خدا

خداوند از سویی معصوم علیه‌السلام را مقربان درگاه خود معرفی می‌کند و از سوی دیگر، با وسیله و شفیع قراردادن ایشان در پیشگاه خود، از مؤمنان می‌خواهد که با زیارت و عرض ارادت به درگاه آن بزرگواران، از این طریق به دنبال استجابت دعاهای خود برای دنیا و آخرتشان باشند. بدین ترتیب، خداوند در برخورد با بندگان، نه تنها سخت‌گیری نمی‌نماید، بلکه با آنان با مهربانی رفتار می‌کند و برای آمرزش گناهان و رسیدن به حاجت‌های دنیوی و اخروی ایشان راه آسانی نیز مشخص کرده است. یکی از پیام‌های مهمی که می‌تواند این امر برای زائران دربرداشته باشد، خوش‌بینی به خداوند است. انسان مؤمن که به زیارت پیشوایان معصوم خود می‌رود، وجودش سرشار از حسن ظن به خداوند است؛ او می‌داند که خداوند رئوف و مهربان است، با وجود کوتاهی‌ها و نافرمانی‌هایش، او را دوست دارد و برای توبه به درگاه خداوند، راه آسانی معرفی کرده است. همه اینها حسن ظن زائر اهل بیت علیهم‌السلام را به پروردگار عالمیان بیشتر می‌کند.

۲. توجه به لزوم خودسازی و تزکیه نفس

هویت انسانی در ابتدای تکوین، چیزی جز استعداد نیست. در واقع انسان، مجموعه‌ای از توانایی‌ها و استعدادهای فراوانی است که باید در طول زندگی به فعلیت و

۱. الکافی، ج ۴، ص ۴۳۳.

شکوفایی برسند. انسانیت همانند هسته‌ای است که باید شکوفا گردد؛ برای مثال هسته خرما استعداد تبدیل شدن به درخت و میوه خرما را درون خود دارد که در صورت فراهم بودن شرایط مناسب، استعداد درونی‌اش به فعلیت می‌رسد و دانه، به درخت خرما و سپس به میوه شیرین تبدیل خواهد شد. خدای متعال در انسان نیز استعداد برخوردارگی از کمال و رسیدن به اوج قله انسانیت و سعادت را به ودیعت نهاده است؛ استعدادی که با برنامه‌ریزی دقیق و جذب و انجذاب مناسب تربیتی، شکوفا خواهد شد.

بنابراین خودسازی، یعنی فراهم آوردن زمینه برای پرورش استعدادهای درونی و به ظهور و فعلیت رساندن امکانات بالقوه‌ای که خدای متعال در فطرت انسان قرار داده است. در این صورت، زندگی نیز یعنی فرصتی برای به ظهور رساندن استعدادهای انسانی و شکوفا شدن سرشت آدمی از طریق خودسازی و پرستش آزادانه خداوند (عبادت احرار).

به عبارت دیگر، خودسازی مجموعه فعالیت‌های اصلاحی و سازنده‌ای است که انسان به صورت منظم و برنامه‌ریزی شده، بر نفس خود اعمال می‌نماید تا در نتیجه آن، به کمال حقیقی برسد و از سعادت در دنیا و آخرت برخوردار گردد.^۱

تعبیر دیگری که از خودسازی ارائه می‌گردد، «تزکیه نفس» است. قرآن کریم این مفهوم را در مقابل «تدسیه» به کار برده است؛ آنجا که می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»^۲ تزکیه دو بُعد اثباتی و سلبی دارد. بُعد اثباتی تزکیه زمینه‌های لازم برای رشد موجودی که این قابلیت را دارد، فراهم می‌نماید و در بعد سلبی نیز موانع بیرونی و درونی این رشد از سر راه برداشته می‌شود.^۳

۱. به سوی خودسازی، ص ۲۱.

۲. «به‌راستی که هرکس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است». (شمس: ۹ و ۱۰)

۳. به سوی او، ص ۲۷.

از توصیفی که برای خودسازی و تزکیه نفس ارائه گردید، به خوبی می‌توان اهمیت خودسازی را دریافت. تزکیه یکی از مفاهیم مورد توجه قرآن است و از جمله اهداف و وظایف اساسی پیامبران دانسته شده است:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (جمعه: ۲)

خداوند کسی است که در میان جمعیت درس‌نخوانده، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را تزکیه کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت بیاموزد. امام علی علیه السلام نیز فرمود:

نَزَّهُ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ نَفْسَكَ وَابْدُلْ فِي الْمَكَارِمِ جُهْدَكَ تَخْلُصَ مِنَ الْمَائِمِ وَتُحْرَزِ الْمَكَارِمِ.^۱
نفس خود را از هر پستی و آلودگی پاک کن و تلاش خود را در راه تحصیل مکارم و بزرگواری‌ها به کار ببر تا از گناهان آسوده شوی و مکارم را برای خویش فراهم آوری.

زیارت و تهذیب نفس

زیارت پیشوایان معصوم علیهم السلام که عمل عبادی مهمی است، زائران را به سوی خودسازی و تهذیب نفس فرامی‌خواند. در واقع زیارت پیشوایان علیهم السلام و نیز خواندن زیارتنامه، ذکر خداست. زائران اهل بیت علیهم السلام، این عمل را عبادت و نشانه بندگی پروردگار به حساب می‌آورند.

همچنین زیارت‌کنندگان ائمه معصوم علیهم السلام این نکته را در نظر دارند که با این کار به دنبال آموزش گناهان، نزدیکی به خدا و افزایش تقوا و پرهیزکاری‌اند و بی‌تردید، عرض ارادت به ساحت قدس آن بزرگواران، ما را در این مسیر یاری می‌کند. زائران مشاهد مشرفه، هنگام حضور در آن مکان‌ها، خود را در سایه رحمت خداوند

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴۰.

احساس می‌کنند، به یاد روز جزا و حسابرسی اعمال در آن روز می‌افتند، گناهان و کم‌کاری‌های خود را در عبادت و بندگی و نیز رفتارهای ناپسند خود را به یاد می‌آورند و از این بابت احساس پشیمانی و شرمندگی می‌نمایند و به جبران گذشته و انجام دادن رفتار صحیح در ادامه زندگی تصمیم می‌گیرند.

در نتیجه، زیارت امامان معصوم علیهم‌السلام و نیز قرائت زیارتنامه، افراد را به تقوا و خودسازی و تزکیه نفس می‌کشد و این درس را به آنان می‌دهد که راه رسیدن به رستگاری و سعادت ابدی، خودسازی، زدودن رذایل اخلاقی و کسب فضایل اخلاقی و معنوی است. تنها در این صورت است که می‌توانیم به هدفی برسیم که برای آن آفریده شده‌ایم.

۳. بنا گذاشتن بر بخشوده شدن خطاهای گذشته و آغاز به عمل برای آینده

برخی از اعمال، از چنان ارزش و بهایی برخوردارند که مطابق برخی از روایات، باعث می‌شوند همه گناهان گذشته و گاه حتی گناهان آینده فرد نیز بخشوده شود؛ اعمالی از قبیل روزه ماه رمضان، صبر بر مصیبت، وقوف در عرفات. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلَّذِينَ كَرِهُوا﴾ (هود: ۱۱۴)

در دو طرف روز و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چراکه حسنات، سیئات [و آثار آنها را] از بین می‌برد؛ این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند!

در اینجا نیز به برخی از روایاتی اشاره می‌کنیم که در صورت انجام دادن عمل خاصی، بر آمرزش گناهان دلالت می‌کنند:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَ احْتِسَابًا غُفِرَ اللَّهُ مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ.^۱

۱. فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۴۳.

کسی که ماه رمضان را از روی ایمان و به منظور رسیدن به پاداش الهی روزه بگیرد، خداوند گناهان گذشته او را می‌آمرزد.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

مَا مِنْ عَبْدٍ يُصَابُ بِمُصِيبَةٍ فَيَسْتَرْجِعُ عِنْدَ ذِكْرِهِ الْمُصِيبَةَ وَ يَصْبِرُ حِينَ تَنْجَاهُ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ.^۱

هر بنده‌ای که مصیبتی بر او وارد شود و او هنگام مواجه شدن با آن، استرجاع ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ﴾ بگوید، خداوند تمام گناهان گذشته او را می‌آمرزد.

همچنین امام سجاده علیه السلام فرمود:

حُجُّوا وَ اعْتَمِرُوا تَصِحَّ أَبْدَانُكُمْ وَ تَسْعَ أَرْزَاقُكُمْ وَ تُكْفُونَ مَثُونَاتِ عِيَالِكُمْ وَ قَالَ الْحَاجُّ مَغْفُورٌ لَهُ وَ مُوجِبٌ لَهُ الْجَنَّةَ وَ مُسْتَأْنَفٌ لَهُ الْعَمَلُ وَ مُحْفُوظٌ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ.^۲

حج و عمره بجای آورید تا بدن‌هایتان سالم بماند و روزی‌تان وسیع گردد و هزینه اهل و عیالتان تأمین گردد و نیز فرمود: حاجی (یک قسم از حجاج) گناهانش آمرزیده و بهشت بر او واجب می‌شود؛ [قسم دیگر]، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود و ثبوت اعمالشان از نو آغاز می‌شود؛ [و قسم سوم]، اهل و عیال و اموالش محفوظ می‌ماند.

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خود نقل نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَضَائِلَ لَا يُحْصِي عَدَدَهَا غَيْرُهُ فَمَنْ ذَكَرَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ مُقَرَّأً بِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ لَوْ وَاقَى الْقِيَامَةَ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ.^۳

خدای متعال برای برادرم علی بن ابی‌طالب علیه السلام آن قدر فضیلت قرار داده است که هیچ کس جز خودش نمی‌تواند تعداد آنها را بشمارد. پس هر کس فضیلتی از فضایل او را بازگوید و

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۲۴.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۵۲.

۳. الامالی، صدوق، ص ۱۳۸.

به آن اقرار داشته باشد، خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد؛ هرچند که با گناهان جن و انس وارد صحرای قیامت شود.

در این میان، یکی از اعمال مهمی که می‌تواند موجبات آمرزش گناهان را فراهم آورد، زیارت امامان معصوم علیهم‌السلام است. در این باره، روایات بسیاری بیان شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

مَنْ أَتَى قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ^۱.

کسی که قبر ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام را با معرفت به حق او زیارت کند، خداوند، گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد.

امام جواد علیه‌السلام نیز فرمود: «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ»^۲؛ «کسی

که قبر پدرم (امام رضا علیه‌السلام) را در طوس زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد».

بدین ترتیب، می‌توان گفت یکی از پیام‌های مهم زیارت امامان معصوم علیهم‌السلام این است که وقتی گناهان گذشته به واسطه زیارت بخشوده می‌شود و حتی امید آن وجود دارد که گناهان آینده نیز بخشوده شود، باید زائران مراقب رفتارهای بعدی خود باشند تا مبادا به گناه و نافرمانی خدا که موجبات آزرده‌گی خاطر اهل بیت علیهم‌السلام را فراهم می‌آورد، آلوده شوند. در واقع زیارت امامان معصوم علیهم‌السلام درس توبه، پاکی و پاکدامنی می‌دهد و باید زائران ایشان، این درس را هرگز فراموش نکنند.

۴. کوشش و تلاش در راه خدا

یکی از نکات مهمی که باید همگان در همه لحظات زندگی بدان توجه نمایند، سعی و تلاش در راه انجام‌دادن وظایف بندگی است. اصولاً هنگامی انسان می‌تواند ادعا

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۲.

۲. کامل‌الزیارات، ص ۳۰۴.

کند که به هدف از خلقت خود جامه عمل پوشانده و آنچه را بر عهده او نهاده شده بوده، عمل کرده است که نهایت سعی و تلاش خود را در این راه به کار برده باشد. قرآن کریم و احادیث امامان معصوم علیهم‌السلام ما را به سعی و تلاش در راه اطاعت خدا و انجام دادن وظیفه بندگی دعوت می‌کنند؛ برای نمونه، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ «کسی که جهاد [و تلاش] کند، به سود خود جهاد می‌کند؛ چرا که خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است» (عنکبوت: ۶).

همچنین در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل: ۹۷)

هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، به طور مسلم او را حیات پاکیزه‌ای می‌بخشیم و پاداش آنها را مطابق بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.

همچنین خدای متعال، در حدیث معراج، در توصیف اهل آخرت می‌فرماید:

يَتَعَبُونَ أَنْفُسَهُمْ وَلَا يُرْجُوْنَهَا وَإِنَّ رَاحَةَ أَهْلِ الْجَنَّةِ فِي الْمَوْتِ وَالْآخِرَةِ مُسْتَرَاْحُ الْعَابِدِينَ.^۱

خود را به سختی و زحمت می‌اندازند و آن را راحت نمی‌گذارند؛ آسایش بهشتیان در مرگ است و آخرت، محل استراحت عبادت‌کنندگان می‌باشد.

زیارت اهل بیت علیهم‌السلام یادآور تلاش‌ها و کوشش‌های آن بزرگواران در راه انجام دادن وظایف فردی و اجتماعی آنان است. اولیای معصوم ما مراقب بودند که هیچ لحظه‌ای از عمر شریفشان را بیهوده و به باطل سپری نکنند و از لحظه‌لحظه عمر خود برای انجام دادن وظایف مربوط به خود، خانواده و جامعه استفاده نمایند. آنان از هر فرصتی برای ذکر و یاد خدا بهره می‌بردند و دائم الذکر بودند. برای تأمین مخارج خانواده به

کشاورزی یا تجارت می‌پرداختند و برای هدایت جامعه، تبیین احکام دین، تفسیر قرآن و تربیت شاگردان عالم به دین، از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. از این رو، بابرکت‌ترین عمر و زندگی را آن پیشوایان معصوم داشتند.

زائر مشاهد مشرفه با یادآوری این ویژگی مهم اولیای دین، درس تلاش و کوشش در راه خدا، غنیمت شمردن لحظات عمر و انجام دادن وظیفه را از ایشان می‌آموزد و تلاش می‌کند در ادامه زندگی، پیرو آنان در این زمینه باشد.

۵. آرامش فقط در سایه ارتباط با خدا و اولیای دین

اضطراب و نگرانی، یکی از بلاهای بزرگ زندگی انسان می‌باشد؛ به طوری که عوارض ناشی از آن، در زندگی فردی و اجتماعی، کاملاً محسوس است. آرامش، همواره یکی از گم‌شده‌های مهم بشر بوده است و در واقع تاریخ بشر آکنده از تلاش و کوشش انسان‌ها برای یافتن آرامش می‌باشد.

به طور کلی، آرامش و دلهره، نقش بسیار مهمی در سلامت و بیماری فرد و جامعه و سعادت و بدبختی انسان‌ها دارد؛ به همین دلیل، تاکنون کتاب‌های زیادی نوشته شده است که موضوع آنها، نگرانی و راه‌های مبارزه با آن و شیوه به دست آوردن آرامش است.

قرآن با یک جمله کوتاه و پرمغز، مطمئن‌ترین و نزدیک‌ترین راه را نشان می‌دهد و می‌فرماید: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾؛ «آگاه باشید! تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد».

برای روشن شدن این حقیقت قرآنی، به بیان عوامل نگرانی و اضطراب می‌پردازیم. در واقع می‌توان برخی از عوامل مهم اضطراب و نگرانی را در این موارد خلاصه کرد:

الف) گاهی اضطراب و نگرانی به علت آینده تاریک و مبهمی است که در فکر انسان خودنمایی می‌کند؛ احتمال زوال نعمت‌ها، گرفتاری در چنگال دشمن، ضعف و بیماری و ناتوانی و درماندگی و احتیاج. همه اینها آدمی را رنج می‌دهد. اما ایمان به خداوند قادر متعال، خداوند رحیم و مهربان، خدایی که همواره کفالت بندگان خویش

را برعهده دارد، می‌تواند این‌گونه نگرانی‌ها را از میان ببرد و به انسان آرامش دهد که در برابر حوادث آینده، درمانده نخواهد بود.

ب) گاهی گذشته تاریک زندگی، فکر انسان را به خود مشغول می‌دارد و همواره او را نگران می‌سازد؛ نگرانی از گناهان انجام داده و از کوتاهی‌ها و لغزش‌ها. اما توجه به اینکه خداوند، آمرزنده، توبه‌پذیر و مهربان است، به او آرامش می‌دهد؛ به طوری که از گذشته‌اش عذرخواهی می‌کند و در مقام جبران برمی‌آید.

ج) گاهی ضعف و ناتوانی انسان در برابر عوامل طبیعی یا دشمنان داخلی و خارجی، او را نگران می‌سازد. اما هنگامی که به یاد خدا می‌افتد و به قدرت و رحمت او پناه می‌برد؛ قدرتی که برترین قدرتهاست و هیچ چیز در برابر آن یارای مقاومت ندارد، قلبش آرام می‌گیرد و با خود می‌گوید که من تنها نیستم و من در سایه خدا، بی‌نهایت قدرت دارم. بی‌تردید قهرمانی مجاهدان راه خدا در جنگ‌ها و سلحشوری‌های اعجاب‌انگیز و خیره‌کننده آنان، چه در گذشته و چه در حال، بیانگر آرامشی است که در سایه ایمان به دست می‌آید.

د) گاهی نیز ریشه نگرانی‌های آزاردهنده انسان، احساس پوچی زندگی و بی‌هدف بودن آن است. ولی آن کسی که به خدا ایمان دارد و مسیر تکاملی زندگی را هدف بزرگ خود می‌داند و تمام برنامه‌ها و حوادث زندگی را در همین مسیر می‌بیند، نه احساس پوچی می‌کند و نه همچون افراد بی‌هدف، سرگردان و مضطرب است.

ه) عامل دیگر نگرانی آن است که گاهی انسان برای رسیدن به هدفی، زحمت زیادی می‌کشد، اما کسی را نمی‌بیند که برای زحمت او ارج نهد و قدردانی و تشکر کند. در واقع این ناسپاسی او را به شدت رنج می‌دهد و در حالت اضطراب و نگرانی فرومی‌برد. اما هنگامی که احساس کند کسی از تمام تلاش‌ها و کوشش‌هایش آگاه است و به همه آنها ارج می‌نهد و برای همه پاداش می‌دهد، دیگر جایی برای نگرانی

و ناآرامی باقی نمی‌ماند.

و) یک عامل مهم دیگر برای نگرانی، ترس و وحشت از مرگ است که همیشه روح انسان‌ها را آزار می‌داده است و از آنجا که مرگ تنها در سنین بالا نیست، بلکه در هر سنی و هنگام بیماری، جنگ و ناامنی وجود دارد، می‌تواند این نگرانی عمومی باشد.

اگر ما از نظر جهان بینی، مرگ را به معنای فنا و نیستی و پایان همه چیز بدانیم، همان‌گونه که مادی‌گرایان جهان می‌پندارند، این اضطراب و نگرانی کاملاً بجاست و باید از چنین مرگی که نقطه پایان همه آرزوها و موفقیت‌ها و خواست‌های انسان است ترسید. اما هرگاه در سایه ایمان به خدا مرگ را دریچه‌ای به یک زندگی وسیع‌تر و والاتر بدانیم و گذشتن از گذرگاه مرگ را همچون عبور از دالان زندان و رسیدن به یک فضای آزاد بشماریم، دیگر این نگرانی بی‌معناست. بلکه اگر چنین مرگی، در مسیر انجام دادن وظیفه بوده باشد، دوست‌داشتنی و خواستنی است.

پس می‌توان گفت که این عوامل، در برابر ایمان به خدا، بی‌رنگ و بی‌تأثیر می‌گردد و تصدیق خواهیم کرد که یاد خدا، مایه آرامش دل‌هاست: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۱ گفتنی است یکی از مظاهر یاد خدا، یاد اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام است و بی‌تردید، یاد اهل بیت، جدای از یاد خداوند نیست. روایات متعددی بر این مطلب گواهی می‌دهد؛ برای مثال، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عِبَادَةٌ وَ ذِكْرِي عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ عِبَادَةٌ.^۲

یاد خدای عزوجلّ عبادت است و یاد من عبادت است و یاد علی عبادت است و یاد امامان از فرزندان او عبادت است.

همچنین رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۰، صص ۲۱۰ - ۲۱۴.

۲. بحارالانوار، ج ۳۶، صص ۳۷۰ و ۳۷۱.

وَأَمَّا نَفَثَاتُهُ (أَي نَفَثَاتُ الشَّيْطَانِ) فَإِنَّ يَرَى أَحَدَكُمْ أَنَّ شَيْئًا بَعْدَ الْقُرْآنِ أَشْفَى لَهُ مِنْ
ذِكْرِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَمِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَيْنَا؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ ذِكْرِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءً
لِلصُّدُورِ وَجَعَلَ الصَّلَوَاتِ عَلَيْنَا مَاحِيَةً لِلْأَوْزَارِ وَالدُّنُوبِ وَمُطَهِّرَةً مِنَ الْعُيُوبِ وَ
مُضَاعِفَةً لِلْحَسَنَاتِ.^۱

یکی از وسوسه‌های شیطان این است که به انسان چنین القا می‌کند که بعد از قرآن کریم، چیزی شفا دهنده‌تر از یاد ما اهل بیت و صلوات بر ما وجود دارد. به درستی که خدای عزوجل یاد ما را مایه شفای سینه‌ها و صلوات بر ما را زداینده گناهان و پاک‌کننده عیوب و افزایش‌دهنده حسنات قرار داد.

امام علی علیه السلام نیز فرمود:

ذِكْرُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءٌ مِنَ الْوَعَكِ وَالْأَسْقَامِ وَوَسْوَاسِ الرَّبِّ وَحُبْنَا رِضَى الرَّبِّ
تَبَارَكَ وَتَعَالَى.^۲

یاد ما اهل بیت، مایه شفای دردها و بیماری‌ها و وسوسه و شک می‌باشد و محبت به ما، مایه خشنودی پروردگار متعال است.

اعتقاد ما به اهل بیت علیهم السلام و ویژگی‌های منحصر به فرد ایشان و جایگاهشان نزد خداوند و نیز زیارت آن بزرگواران، به زائران ایشان احساس آرامش و اطمینان خاطر می‌دهد. زائر اهل بیت علیهم السلام می‌داند که در این دنیا، تنها و بی‌تکیه‌گاه نیست. بلکه خداوند و بندگان مقرب او، وی را زیر نظر دارند و در صورت لزوم به یاری‌اش می‌شتابند. این نگرش، احساسی وصف‌ناپذیر از لذت معنوی و نزدیکی به خدا و اهل بیت علیهم السلام را در پی خواهد داشت.

۱. بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۳۳.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۴۵.

۶. اهل بیت علیهم‌السلام واسطه میان خلق و خالق

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، به دلیل ارج و مقامی که نزد خداوند دارند، واسطه میان خدا و خلق می‌باشند و از این بابت، توسل به ایشان نه تنها جایز، بلکه ممدوح دانسته شده است. اصولاً جواز توسل و شفیع قرار دادن ایشان به درگاه خدا که پیش‌تر به آن اشاره کردیم، چیزی جز وساطت آنان میان خالق و خلق نیست. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾ (مائده: ۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید! و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید! و در راه او جهاد کنید؛ باشد که رستگار شوید!

مطابق این آیه، خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد که به سوی او وسیله‌ای بجویند و آن را میان خود و خدا، واسطه قرار دهند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز فرمود:

و نَحْنُ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ وَالْوَسِيلَةُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ... وَ نَحْنُ... بَابُ الرَّحْمَةِ... وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى الَّتِي مَنِ مَمَسَّكَ بِهَا نَجَا.^۱

ما (اهل بیت) وسیله به سوی خدا و راه وصول به رضوان الهی هستیم و ما... باب رحمت خداوند... و ریسمان محکم الهی هستیم که هرکس به آن تمسک جوید، نجات یابد.

زیارات امامان معصوم علیهم‌السلام مملو از تعبیراتی است که به وضوح بر وساطت اهل بیت علیهم‌السلام میان خدا و خلق، دلالت می‌کنند؛ برای نمونه، در زیارت مطلقه امیرمؤمنان علیه‌السلام چنین آمده است:

اللَّهُمَّ هَذَا قَبْرُ وَلِيِّكَ الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَ جَعَلْتَ فِي أَعْنَاقِ عِبَادِكَ مُبَايَعَتَهُ وَ خَلِيفَتِكَ الَّذِي بِهِ تَأْخُذُ وَ تُعْطِي وَ بِهِ تُثِيبُ وَ تُعَاقِبُ... فَبِعَظِيمِ قَدْرِهِ عِنْدَكَ وَ جَلِيلِ خَطَرِهِ لَدَيْكَ

وَ قُرْبٍ مِّنْزِلَتِهِ مِنْكَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلٍ بِى مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ الْكَرَمِ
وَ الْجُودِ.^۱

خدایا! این قبر ولی توست که اطاعتش را واجب فرمودی و بیعتش را در گردن بندگانت قرار دادی و خلیفه‌ات که به وسیله او اخذ می‌کنی و عطا می‌کنی و به واسطه او پاداش یا کیفر می‌دهی... پس تو را قسم می‌دهم به آن مرتبه عظیمی که نزد تو دارد و آن موقعیت شایانی که در پیش تو از آن برخوردار است و جایگاه مقربی که نزد تو دارد، بر محمد و آل محمد درود فرست و درباره من آن‌گونه عمل کن که تو خود شایسته آنی که به راستی تو اهل کرم و بخششی.

در زیارت امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز می‌خوانیم:

بِأَيِّ أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَتَيْتُكَ مُتَّقِرًا بِزِيَارَتِكَ إِلَى
اللَّهِ تَعَالَى وَ مُسْتَشْفِعًا بِكَ إِلَيْهِ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ يَغْفُوَ عَن جُرْمِي وَ
يَتَجَاوَزَ عَن سَيِّئَاتِي وَ يَمْحُوَ عَنِّي خَطِيئَاتِي وَ يُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ وَ يَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ
يَغْفِرَ لِي وَ لِأَبَائِي وَ لِإِخْوَانِي وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا
بِفَضْلِهِ وَ جُودِهِ وَ مَنَّةٍ.^۲

پدر و مادرم و خودم و کسانم و مالم و فرزندانم به قربانت؛ ای فرزند رسول خدا! به سوی تو آمدم درحالی که به وسیله تو به خدای متعال تقرب می‌جویم و به واسطه تو به سوی او طلب شفاعت می‌کنم پس برای من نزد پروردگارت شفاعت کن تا گناهان مرا ببامرزد و جرمم را ببخشد و از بدی‌هایم درگذرد و خطاهایم را از نامه عملم پاک کند و مرا داخل بهشت کند و بر من به آن صورتی که او سزاوار آن است احسان نماید و مرا و پدران و برادرانم و همه مردان و زنان مؤمن در شرق و غرب زمین را به فضل و بخشش و احسانش ببامرزد.

۱. المزار، ص ۴۲.

۲. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵.

زیارت اهل بیت علیهم‌السلام دربردارنده این پیام است که آن بزرگواران، واسطه میان خدا و مخلوق‌اند و می‌توان با توسل به ایشان، خواسته‌های دنیوی و اخروی خود را مطرح کرد و با واسطه قرار دادن آنان نزد خداوند، به حوائج خود دست یافت. بنابراین، نباید از این مسئله غفلت کرد و خود را از این فرصت محروم نمود. رحمت ایشان جلوه‌ای از رحمت خداوند است و تمسک به آنان و واسطه قرار دادن ایشان میان خود و خداوند سعادت دنیا و آخرت را برای افراد به دنبال خواهد داشت.

۷. محبت اهل بیت علیهم‌السلام و پذیرش ولایت ایشان، تنها راه نجات

اهل بیت پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم طراز قرآن‌اند؛ به گونه‌ای که اطاعت از ایشان و عمل به دستوراتشان، بر همه مسلمانان واجب است. حدیث ثقلین که با احادیث بسیار متعدد در کتب اهل سنت و شیعه نقل شده، بزرگ‌ترین شاهد بر این مدعاست. مطابق این حدیث، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ، كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي، فَإِنَّمَا لَنْ يَمُوتَ قَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.^۱

همانا من دو چیز گرانبها را میان شما باقی می‌گذارم که یکی بزرگ‌تر از دیگری است: کتاب خدا که ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین است و خاندان و اهل بیتم؛ به درستی که این دو، هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

از این رو، محبت اهل بیت علیهم‌السلام و اعتقاد به امامت علی علیه‌السلام و فرزندان معصومش، شرط نجات از دوزخ و ورود به بهشت است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَشْكَنَّ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ.^۲

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۴۰.

۲. الخصال، ج ۲، ص ۵۱۵.

کسی که خداوند، محبت امامان از اهل بیت من را روزی او کرده باشد، بدون شک، خیر دنیا و آخرت را به دست آورده است. پس هیچ شکی نداشته باشد که او در بهشت خواهد بود.

همچنین پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

الرَّوْحُ وَالرَّاحَةُ وَالْفَلَجُ وَالْفَلَاحُ وَالنَّجَاحُ وَالْبَرَكَاتُ وَالْعَفْوُ وَالْعَافِيَةُ وَالْمُعَافَاةُ وَالْبُشْرَى وَالنُّصْرَةُ وَالرِّضَا وَالْقُرْبُ وَالْقَرَابَةُ وَالنَّصْرُ وَالظَّفَرُ وَالْتَّمَكِينُ وَالسُّرُورُ وَالْمُحَبَّةُ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى مَنْ أَحَبَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَحَقَّ عَلَيَّ أَنْ أُدْخِلَهُمْ فِي شَفَاعَتِي وَحَقَّ عَلَى رَبِّي أَنْ يَسْتَجِيبَ لِي فِيهِمْ وَهُمْ أَتْبَاعِي وَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي.^۱

آسایش و راحتی و پیروزی و رستگاری و نجات و برکت و عافیت و سلامت و بشارت و یاری [خداوند] و رضایت [پروردگار] و قرب و نزدیکی [به خداوند] و نصرت و پیروزی و برخورداری و شادی و محبت از سوی خداوند، بر کسی است که علی بن ابی‌طالب عَلَيْهِ السَّلَام را دوست داشته باشد [و او را ولی خود قرار دهد و امام خود برگزیند و به فضایل او اقرار داشته باشد و جانشینان پس از او را ولی خود قرار دهد] و حقی است بر من که این افراد را در شفاعتم داخل کنم و حق است بر پروردگار من که دعای من را در حق آنان مستجاب کند و آنان پیروان من می‌باشند، و کسی که از من پیروی کند، از من است.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بیان کیفر اعتقاد و محبت نداشتن به ولایت علی عَلَيْهِ السَّلَام، فرمود:

يَا عَلِيُّ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ مِثْلَ مَا قَامَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ وَكَانَ لَهُ مِثْلُ أُحُدٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمُدَّ فِي عُمُرِهِ حَتَّى حَجَّ أَلْفَ حِجَّةٍ ثُمَّ قُتِلَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ ثُمَّ لَمْ يُؤَالِكَ يَا عَلِيُّ لَمْ يَشْمَرْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ.^۲

ای علی! اگر بنده‌ای خدای را به اندازه‌ای که نوح میان قوم خود مردم را به سوی خدا دعوت می‌کرد، عبادت کند و به اندازه کوه احد طلا داشته باشد و آن را در راه خدا انفاق کند و

۱. المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۲.

۲. بشارة المصطفى لشعبة المرتضى، ص ۹۴.

آن قدر عمر او طولانی شود که هزار حج بجای آورد و بین صفا و مروه کشته شود، اما به ولایت تو ای علی معتقد نباشد، بوی بهشت به مشام او نخواهد رسید.

بدین ترتیب، همان‌طور که اعتقاد به قرآن کریم، به عنوان کتاب الهی و معجزه جاویدان رسول خدا ﷺ و عمل به دستورهای آن واجب است، اعتقاد به اهل بیت پیامبر ﷺ و پیروی از ایشان نیز واجب و لازم است و بدون آن، انسان نمی‌تواند سعادت‌مند گردد. در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ
أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ.^۱

کسی که از شما اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده و کسی که شما را نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است و کسی که شما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و کسی که شما را دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است.

از این رو بدون محبت به اهل بیت ﷺ و ارتباط با آنان، امکان نجات و رسیدن به سعادت ابدی ممکن نیست. هر قدر محبت به اهل بیت ﷺ و ارتباط با ایشان و عمل به دستوراتشان بیشتر باشد، مقام و درجه فرد نزد خداوند نیز بالاتر خواهد بود. زیارت اهل بیت ﷺ راهی است برای بیان اعتقاد به ایشان و ابراز محبت به آنان. فردی که خود را از راه دور با تحمل سختی و با شوق و علاقه به حرم اهل بیت ﷺ می‌رساند و در محضر آنان به ادب می‌ایستد و زیارتنامه می‌خواند، برای برآورده شدن خواسته‌های دنیوی و اخروی‌اش، ایشان را بین خود و خدا شفیع قرار می‌دهد و اعتقاد خود را با ایشان در قالب زیارتنامه‌ها بیان می‌کند. همه این کارها، نشانه محبت به اهل بیت ﷺ و نشان‌دهنده ارتباط زائر با آنان است.

بدین ترتیب، پیامی که زیارت اهل بیت ﷺ می‌تواند در این رابطه داشته باشد این است

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۷.

که راه نجات و سعادت ابدی، از مسیر محبت اهل بیت علیهم‌السلام و برقراری ارتباط با ایشان که اطاعت از آنان را در پی داشته باشد، می‌گذرد. از این رو در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

وَفَارَ الْفَائِزُونَ بِوَلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسَلَّكَ إِلَى الرَّضْوَانِ وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَا يَتَّكُمُ غَضَبُ الرَّحْمَنِ^۱.

رستگاران، به سبب ولایت شما رستگار شدند؛ با [اعتقاد به ولایت] شما به سوی رضوان الهی طی مسیر می‌شود و بر کسی که ولایت شما را انکار کند، خشم پروردگار حتمی است.

زیارت، حقیقتی دوسویه

بدیهی است که زیارت و ابراز ارادت، زمینه ارتباط و همراهی اهل بیت علیهم‌السلام با زائران و محبان را فراهم می‌آورد که در نتیجه، ولایت، شفاعت و مصاحبت در دنیا و برزخ و قیامت را به همراه خواهد داشت و این، همان سعادت‌مندی ابدی است که خداوند از آن با عنوان ﴿عُقْبَى الدَّارِ﴾ یاد می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ... أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ﴾ (رعد: ۲۱ و ۲۲)

و کسانی که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار می‌دارند... سرانجام [نیک] سرای آخرت، از آن آنهاست.

بر این اساس، زیارت هرگز یک‌سویه نبوده و نیست؛ به ویژه زیارت اولیای بزرگواری که خیر و کرامت آنها، ابتدایی و بدون سابقه است. قانون و سنت الهی در این رابطه، آن است که گرچه من و کرامت خداوند، ابتدایی است: «وَإِذْ كُلُّ نِعْمِكَ ابْتِدَاءً»^۲ و «وَيَا مَنْ لَا يُكَافِي عَبْدَهُ عَلَى السَّوَاءِ. مَنَّكَ ابْتِدَاءً»^۳. و خداوند، کریمی است که کرامتش ازلی و ابدی است: «إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالْمَنِّ الْقَدِيمِ»^۴، «يَا مَنْ هُوَ فِي إِحْسَانِهِ

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۶.

۲. الصحيفة السجادية، دعای ۱۲، ص ۶۴.

۳. همان، دعای ۴۵، ص ۱۹۲.

۴. همان، دعای ۲۴، ص ۱۱۸.

قدیم^۱ و «يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ»^۲، اما تا بنده از کرامت و رحمت عام الهی: «وَرَحْمَتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»^۳ استفاده نکرده و به هدایت عام الهی هدایت نیافته است، از رحمت خاص و هدایت ویژه، بهره‌ای نمی‌برد. از این‌رو، همواره بهره‌مندی از نصرت ویژه پروردگار، مشروط به نصرت دین خدا و اولیای الهی است: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۴ و یاد خدا باعث توجه خدا به بنده است: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»^۵.
 اولیای الهی نیز به اقتضای آنکه مظهر خداوندند، کرامت و محبتی ابتدایی، همیشگی و فراگیر دارند. اما برای بهره‌مندی کامل‌تر و راهیابی به ولایت و شفاعت آنها و نیز توجه خاص و همراهی آنها در مقاطع حساس زندگی، پیروی‌ها و زیارت‌ها نقش اساسی و اصلی دارد.
 از این‌رو در منطق دین، این توجه و دستگیری بهنگام، «حق زائر» معرفی شده و در روایات فراوان، اصل حق بودن آن اثبات شده است؛ چنان‌که در یکی از زیارت‌نامه‌های حسینی می‌خوانیم:

وَلِكُلِّ زَائِرٍ حَقٌّ عَلَى مَنْ آتَاهُ، وَأَنَا زَائِرُكَ وَمَوْلَاكَ وَصَيْفُكَ، النَّازِلُ بِكَ.^۶

و برای هر زائر، حقی است برعهده کسی که به دیدار او رفته است و من زائر و دوست و مهمان شمایم که بر شما وارد شده‌ام.^۷

بدین ترتیب زیارت، حقیقتی دوسویه است؛ به طوری که زائر با انجام دادن این عبادت، خود را به اولیای دین پیوند می‌دهد و در مقابل، آنان نیز به زائر خود، توجه ویژه‌ای می‌کنند.

۱. بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۳۹۶.

۲. المصباح، کفعمی، ص ۶۴۷.

۳. «و رحمتم همه چیز را فراگرفته است» (اعراف: ۱۵۶).

۴. «اگر [آیین] خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد» (محمد: ۷).

۵. «پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم» (بقره: ۱۵۲).

۶. المزار الکبیر، ص ۳۸۲.

۷. فلسفه زیارت و آیین آن، صص ۸۴ و ۸۵.

۸. امامان معصوم علیهم‌السلام ناظر اعمال انسان

یکی از عواملی که می‌تواند آدمی را به انجام‌دادن وظایف خود وادار کند و تحمل سختی‌های این مسیر را بر او آسان نماید، توجه به این نکته است که خداوند او را می‌بیند و او نمی‌تواند به هیچ طریقی خود را از دید خداوند مخفی کند؛ چنان‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

يَا ابْنَ مَسْعُودٍ اِحْسِ اللهَ تَعَالَى بِالْغَيْبِ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَرَهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ يَقُولُ اللهُ تَعَالَى: ﴿مَنْ حَسَبِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ﴾ * ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ﴿١﴾ ٢.

ای ابن مسعود! از خدا آن‌چنان در نماند که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. خدای متعال می‌فرماید: «آن کس که از خداوند رحمان در نماند و با قلبی پر انابه در محضر او حاضر شود، [به آنان گفته می‌شود:] به سلامت وارد بهشت شوید؛ امروز روز جاودانگی است.

امام صادق علیه‌السلام نیز فرمود:

حَفِيَ اللهُ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَرَهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ وَإِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّهُ لَا يَرَاكَ فَقَدْ كَفَرْتَ وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَرَاكَ ثُمَّ اسْتَشْرَفْتَ عَنِ الْمَخْلُوقِينَ بِالْمَعَاصِي وَبَرَزْتَ لَهُ بِهَا فَقَدْ جَعَلْتَهُ فِي حَدِّ أَهْوَنِ النَّاطِرِينَ إِلَيْكَ. ٣

از خدا آن‌چنان خوف داشته باش که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند؛ اگر اعتقاد داری که خدا تو را نمی‌بیند، کافر شده‌ای و اگر می‌دانی که او تو را می‌بیند و گناهانت را از مخلوقان پوشانده‌ای و برای خدا آشکار ساخته‌ای، در این صورت خدا را در حد نازل‌ترین نگاه‌کنندگان به تو قرار داده‌ای.

١. ق: ٣٣ - ٣٤.

٢. جامع الاخبار، ص ٩٧.

٣. مشكاة الأنوار فی غرر الاخبار، ص ١١٧.

توجه به این واقعیت که هر کاری را انسان انجام می‌دهد، در پیشگاه خداوند است و اصولاً تمام عالم هستی، محضر خداست و چیزی از اعمال و حتی نیات آدمی از او پنهان نیست، می‌تواند روی برنامه زندگی انسان، اثر زیادی بگذارد و او را از خلافکاری‌ها باز دارد؛ مشروط بر اینکه ایمان به این مطلب واقعاً در دل او جای گیرد و به صورت باور قطعی درآید.

در حدیثی می‌خوانیم: «أُعْبِدُ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»؛ «خدا را آن‌چنان عبادت کن که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند».

نقل می‌کنند بیداردلی بعد از گناهی توبه کرده بود و پیوسته می‌گریست، گفتند: «چرا اینقدر گریه می‌کنی؟! مگر نمی‌دانی خداوند متعال، غفور است؟» گفت: «آری. ممکن است او مرا ببخشد ولی این خجالت و شرمساری را که او مرا دیده است، چگونه از خود دور سازم؟!»

گیرم که تو از سر گنه درگذری زن شرم که دیدی که چه کردم چه کنم؟^۱

همان‌طور که پیش‌تر مورد توجه قرار گرفت، خدای متعال این ظرفیت و استعداد را در اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام نیز قرار داده است که حتی پس از رحلت و مرگ ظاهری، بر تمامی مسائل عالم آگاهی دارند و می‌توانند در آن دخل و تصرف کنند. ایشان ناظر اعمال بندگان‌اند و به احوالات و وضعیت ایشان آگاهی دارند؛ از رفتارهای نیک آنان خشنود می‌شوند و از رفتارهای ناپسندشان، اندوهگین می‌گردند. سخن آنان را می‌شنوند، سلام آنان را پاسخ می‌دهند و برایشان دعا می‌کنند.

در روایتی نقل است که امام صادق علیه‌السلام فرمود:

۱. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۰۴.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۷، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.

«مَا لَكُمْ تَسْوُؤَ وَرَسُولَ اللَّهِ ﷺ؟» «چرا رسول خدا ﷺ را ناراحت می‌کنید؟!» مردی سؤال کرد: «ما چگونه پیامبر اکرم ﷺ را ناراحت می‌کنیم؟» امام صادق علیه السلام پاسخ داد: «أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَأَى فِيهَا مَعْصِيَةً سَاءَهُ ذَلِكَ فَلَا تَسْوُؤُوا رَسُولَ اللَّهِ وَسُرُوءَهُ»؛ «آیا نمی‌دانید که اعمال شما به ایشان عرضه می‌شود. پس اگر میان آنها معصیتی ببیند، او را اندوهگین می‌سازد؟! پس رسول خدا ﷺ را ناراحت نکنید. بلکه او را خوشحال کنید».

«يعقوب بن شعيب» می‌گوید که از امام صادق علیه السلام درباره آیه «اعْمَلُوا فَسِيرَى اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولَهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»^۲ پرسیدم. آن حضرت فرمود: «منظور [از «مؤمنون» در این آیه]، ائمه علیهم السلام می‌باشند».^۳

مسئله عرض اعمال، اثر تربیتی بسیاری بر معتقدان به آن دارد؛ زیرا هنگامی که بدانم افزون بر خداوند که همه‌جا با من است، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پیشوایان محبوب من نیز هر روز یا هر هفته از عملی که انجام می‌دهم، در هر نقطه و هر مکان، اعم از خوب و بد، همه آگاه می‌شوند، بدون شک بیشتر رعایت می‌کنم و مراقب اعمال خود خواهم بود. درست مثل اینکه کارکنان مؤسسه‌ای بدانند همه روز یا همه هفته گزارش تمام جزئیات اعمال آنها به مقامات بالاتر داده می‌شود و آنها از همه آن اعمال باخبر می‌گردند.^۴

یکی از پیام‌های مهم زیارت اهل بیت علیهم السلام این است که آن بزرگواران ما را می‌بینند و ناظر اعمال ما می‌باشند. زائری که از راه دور خود را به حرم پیشوای خود می‌رساند، به او سلام می‌دهد، او را محرم اسرار خود می‌داند و مسائل و مشکلات زندگی خود را با او در میان می‌گذارد و از او برای رفع مشکلات و برآورده شدن حاجاتش کمک می‌طلبد،

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲. «عمل کنید، خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند» (توبه: ۱۰۵).

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۲۸.

به خوبی به این مسئله توجه دارد که پیشوای معصوم او، از همه رفتارها و حتی نیت‌های او خبر دارد و رفتارهای خوب و بد او را می‌داند. توجه به این مسئله، می‌تواند در ادامه زندگی، رفتارهای او را تحت تأثیر قرار دهد و او را بر پابندی بیشتر به انجام دادن واجبات و ترک محرمات وادارد.

۹. اهل بیت، الگوی کامل انسان‌ها

یکی از شیوه‌های مهم آموزش و یادگیری که در روان‌شناسی و علوم تربیتی مطرح است و مطالعات بسیاری درباره آن انجام گرفته است، آموزش از طریق استفاده از الگو و سرمشق می‌باشد. در این روش، یادگیرنده با سرمشق قرار دادن دیگری، از رفتار و گفتار او سرمشق می‌گیرد و سعی می‌کند همانند او رفتار کند یا تا حد امکان، رفتار خود را به رفتار او نزدیک گرداند.

الگو یکی از روش‌هایی است که در دین مبین اسلام به عنوان یکی از بهترین راه‌های تربیت مطرح شده و تأکید بسیاری به آن شده است. اما تفاوتی که الگو در دین مبین اسلام با دیگر مکاتب دارد، این است که از دیدگاه اسلام، خود الگو باید از شخصیت و کمالی برخوردار باشد تا تربیت‌شونده به صورت صحیح تربیت شود. بنابراین، هرکسی شایستگی الگوشدن برای دیگران را ندارد. قرآن کریم، پیامبر گرامی اسلام ﷺ را به عنوان الگو برای مؤمنان معرفی می‌کند و می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ

كَثِيرًا﴾ (احزاب: ۲۱)

به یقین برای شما در زندگی پیامبر خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

«أسوة» در اصل به معنای آن حالتی است که انسان هنگام پیروی از دیگری به خود می‌گیرد و به تعبیر دیگر، همان تاسی کردن و اقتدا نمودن است و جمله ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ

فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ﴿۱﴾ مفهومش این است که برای شما در پیامبر ﷺ سرمشق خوبی است؛ می‌توانید با اقتدا کردن به او، رفتار و برنامه خود را اصلاح کنید و در مسیر «صراط مستقیم» قرار گیرید.^۱

امام علی علیه السلام نیز پیامبر اکرم ﷺ را الگوی مسلمانان معرفی می‌کند و از همه می‌خواهد که به ایشان تاسی جویند:

فَتَأْسُ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ ﷺ فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِمَنْ تَأْسَى وَ عَزَاءً لِمَنْ تَعَزَى وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأْسِي بِنَبِيِّهِ وَ الْمُقْتَصِ لِأَثَرِهِ وَ الْمُقْتَصِ لِأَثَرِهِ فَضَمَّ الدُّنْيَا فَضْماً وَ لَمْ يُعْرِهَا طَرْفًا أَهْضَمَ أَهْلَ الدُّنْيَا كُنْشَاً وَ أَحْضَمَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا بَطْناً عَرَضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا وَ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَبْغَضَ شَيْئاً فَأَبْغَضَهُ وَ حَقَّرَ شَيْئاً فَحَقَّرَهُ وَ صَغَّرَ شَيْئاً فَصَغَّرَهُ.^۲

از پیامبر پاک و پاکیزه‌ات ﷺ پیروی کن؛ زیرا راه و رسمش، سرمشقی است برای آن کس که بخواهد تاسی جوید و انتسابی است [عالی] برای کسی که بخواهد منتسب گردد و محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند کسی است که از پیامبرش سرمشق گیرد و قدم به جای قدم او گذارد؛ پیامبر ﷺ بیش از حداقل نیاز، از متاع دنیا استفاده نکرد و به آن تمایلی نشان نداد. پهلویش از همه لاغرتر و شکمش از همه گرسنه‌تر بود. دنیا به وی عرضه شد [تا آنچه می‌خواهد انتخاب کند] اما از پذیرفتن آن امتناع ورزید. او از آنچه مبعوض خداوند است، آگاهی داشت. از این رو خود نیز آنها را منفور می‌شمرد و آنچه خداوند آن را حقیر شمرده بود، او نیز حقیر می‌دانست و کوچک‌ها را کوچک و کم‌اهمیت می‌شمرد.

بنابراین، بهترین الگو برای مسلمانان در تمام زندگی، شخص پیامبر ﷺ است. روحیات عالی او، استقامت و شکیبایی او، هوشیاری و درایت و اخلاص و توجه به خدا و تسلط او بر حوادث و زانو نزدن در برابر سختی‌ها و مشکلات، هر کدام می‌تواند

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۷، صص ۲۴۲ و ۲۴۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۹.

الگو و سرمشقی برای همه مسلمانان باشد. این ناخدای بزرگ هنگامی که سفینه‌اش گرفتار سخت‌ترین طوفان‌ها می‌شود، کمترین ضعف و سستی به خود راه نمی‌دهد. او هم ناخداست و هم لنگر مطمئن این کشتی. هم چراغ هدایت است و هم مایه آرامش و راحت روح و جان سرنشینان. همراه دیگر مؤمنان، کلنگ به دست می‌گیرد، خندق می‌کند، با بیل جمع‌آوری می‌کند و با ظرف از خندق بیرون می‌برد. برای حفظ روحیه و خونسردی یارانش، با آنها مزاح می‌کند. مرتب آنان را به یاد خدا می‌اندازد و به آینده درخشان و پیروزی‌های بزرگ نوید می‌دهد. از توطئه منافقان برحذر می‌دارد و هوشیاری لازم را به آنها می‌دهد. از آرایش جنگی صحیح و انتخاب بهترین روش‌های نظامی، لحظه‌ای غافل نمی‌ماند. آری او بهترین مقتدا و اسوه مؤمنان در این میدان و در همه میدان‌هاست.^۱

اهل بیت رسول خدا ﷺ نیز بهترین الگوی مؤمنان معرفی شده‌اند و به الگوپذیری از ایشان تأکید فراوان شده است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام فرمود:

أَنْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالْزَمُوا سَمْتَهُمْ وَاتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى وَلَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا وَإِنْ تَهَضُّوا فَانْمِضُوا وَلا تَسْقُتُوهُمْ فَتَضَلُّوا وَلا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا.^۲

به اهل بیت پیامبرتان علیهم السلام نظر کنید و ملتزم جهت الهی آنان باشید؛ راه و روش آنها را پیروی نمایید که آنان شما را از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به گمراهی باز نمی‌گردانند. اگر از چیزی بازایستادند، شما هم بازایستید و اگر به جهتی حرکت کردند، شما هم حرکت نمایید. از آنان پیشی مجوید که گمراه می‌گردید و عقب‌نماید که هلاک می‌شوید.

آن بزرگواران در همه امور، اعم از اعتقادی، عبادی و اخلاقی، بهترین الگو و اسوه

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۴۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۷.

برای دیگران می‌باشند و هرکس تصمیم واقعی برای حرکت در مسیر سعادت و خوشبختی داشته باشد، باید به آنان اقتدا کند و با الگوگیری از ایشان در همه مسائل زندگی، خود را به سرمنزل مقصود برساند.

یکی از پیام‌های مهم زیارت اهل بیت علیهم‌السلام و خواندن زیارتنامه این است که آن پیشوایان، اسوه و الگوی ما می‌باشند و باید در همه مسائل زندگی به ایشان اقتدا کنیم. مسلمانی که اهل بیت علیهم‌السلام را از مقربان درگاه خداوند می‌داند؛ به حدی که برای زیارت مراقد ایشان و حضور در زیارتگاه‌های آنان، رنج سفر را بر خود هموار می‌نماید و تلاش می‌کند با نزدیکی به ایشان، به حاجات دنیوی و اخروی خود نایل شود و سعادت در دنیا و آخرت را نصیب خود سازد، بی‌تردید آن بزرگواران را الگو و مقتدای خود می‌داند و تلاش می‌کند در عبادت، اخلاق و همه رفتارها از آنان پیروی کند و این، یکی از اثرات مهم و پیامدهایی است که می‌تواند زیارت برای زائران در پی داشته باشد.

۱۰. همدردی با اولیا و تسلیت به ایشان

یکی از آداب اجتماعی و اخلاقی مؤمنان آن است که در مصیبت‌ها، به یکدیگر تسلیت می‌گویند و صبر بر مصیبت و اجر اخروی را برای مصیبت‌دیدگان از خداوند طلب می‌کنند. در روایات، به این مسئله، سفارش و تأکید بسیار شده است؛ برای مثال پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «مَنْ عَزَى مُصَابًا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ»؛ «هرکس سوگواری را تسلی دهد، همانند اجر او را دارد».

همچنین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

مَنْ عَزَى أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ مُصِيبَةٍ كَسَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ حُلَّةَ خَضْرَاءَ يُخَبَّرُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۲

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۰۵.

۲. مسکن الفؤاد عند فقد الاحبة و الاولاد، ص ۱۱۶.

هر که برادر مؤمن خود را در سوگی تسلی دهد، خدای عزوجل در روز قیامت حله‌ای سبزرنگ و شادی آور بر او بپوشاند.

همچنین رسول خدا ﷺ فرمود:

مَنْ عَزَى حَزِينًا أَلْبَسَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ لِبَاسِ التَّقْوَى وَ صَلَّى عَلَى رُوحِهِ فِي الْأَرْوَاحِ.^۱

کسی که فرد اندوهگینی را تسلیت دهد، خداوند متعال او را با جامه‌ای از لباس تقوا بپوشاند و بر روح او میان ارواح درود فرستد.

امام صادق علیه السلام از پدرش و او از جدش روایت کرده است که فرمود:

هنگامی که رسول خدا ﷺ رحلت کرد، جبرئیل علیه السلام فرو آمد؛ درحالی که روی آن حضرت پوشیده بود و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام در خانه حضور داشتند. جبرئیل به آنها گفت: سلام بر شما ای اهل بیت نبوت! سپس این آیه را تلاوت کرد: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...﴾^۲ «هر کسی مرگ را می‌چشد و شما پاداش خود را به طور کامل در روز قیامت خواهید گرفت». سپس گفت: «بدانید که آرامش دل در برابر مصیبت و جانشین هر چیزی را که از میان رفته است و تدارک هر امر فوت‌شده‌ای را باید در خدا جست‌وجو کرد. بنابراین به خدا اتکا کنید و به او امیدوار باشید؛ زیرا مصیبت‌زده [واقعی] آن کسی است که از ثواب و پاداش الهی محروم می‌باشد»^۳.

تسلیت به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در مصیبت‌هایشان از این قاعده مستثنا نیست. آن بزرگواران، بزرگ‌ترین مصیبت‌های عالم را تحمل کرده‌اند و سخت‌ترین اندوه‌ها و مصیبت‌ها بر ایشان وارد شده است. از این‌رو، تسلیت به آنان در این مصیبت‌ها، عملی شایسته و نیکو است.

به یاد آوردن مصیبت‌های وارد بر اهل بیت علیهم السلام دل هر ارادتمندی را به درد

۱. مسکن الفؤاد عند فقد الاحبة و الاولاد، ص ۱۱۵.

۲. آل‌عمران: ۱۸۵.

۳. مسکن الفؤاد عند فقد الاحبة و الاولاد، صص ۱۱۸ و ۱۱۹.

می‌آورد و سینه او را فشار می‌دهد؛ به گونه‌ای که اثر آن، در اشک‌های جاری بر چهره آنان در مراسم عزاداری و نیز هنگام زیارت در مشاهد مشرفه، بسیار دیده می‌شود. در احادیث نیز به گریه و عزا در مصیبت اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه در عزای اباعبدالله الحسین علیه‌السلام سفارش شده است؛ امام صادق علیه‌السلام فرمود: «نَفْسُ الْمُهْمُومِ لَظُلْمِنَا تَسْبِيحٌ وَ هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ»^۱.

همچنین نقل شده است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امام حسین علیه‌السلام را بر دامن خود نشانید و فرمود:

إِنَّ لِقَتْلَ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا... لَا يَذْكُرُهُ مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى^۲.

همانا برای کشته شدن حسین علیه‌السلام شور و حرارتی در دل‌های مؤمنان وجود دارد که هیچ‌گاه به سردی نخواهد گرایید... هیچ مؤمنی او را یاد نمی‌کند؛ مگر اینکه می‌گرید.

گریه و عزاداری در عزای امامان معصوم علیهم‌السلام، حضور در مشاهد مشرفه و زیارت آن بزرگواران، نوعی تسلیت به ایشان و شریک شدن در غم و اندوه آنان محسوب می‌شود. بیان مصیبت‌ها و ذکر مظلومیت آنان نیز که در برخی از زیارتنامه‌ها آمده است، نوعی تسلیت و همدردی با ایشان می‌باشد؛ برای مثال، در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «وَبَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَ صَبَرْتُمْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنَبِهِ»^۳ «در راه خشنودی خدا جان خود را فدا کردید و بر مصیبت‌هایی که به خاطر او بر شما وارد گردید، صبر کردید».

در زیارت اربعین امام حسین علیه‌السلام نیز می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ عَشْتَسَ سَعِيداً وَ مَضَيْتَ حَمِيداً وَ مِتَ فَقِيداً مَظْلُوماً شَهِيداً وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَدَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّىٰ أَتَاكَ

۱. الامالی، مفید، ص ۳۳۸.

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۲.

الْيَقِينَ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِدَلِكِ فَرَضِيَّتْ بِهِ
اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ.^۱

سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیا! گواهی می‌دهم که تو امانتدار خدا و فرزند امانتدار اویسی؛ سعادت‌مند زیستی و ستوده از دنیا رفتی و فقید و مظلوم و شهید درگذشتی و گواهی می‌دهم که خدا به آنچه به تو وعده داد، عمل کرد و هرکس که تو را یاری نمود، هلاک نمود و هرکس تو را کشت، عذاب کرد و شهادت می‌دهم که تو به عهد خود با خدا وفا کردی و در راه او جهاد نمودی تا مرگت فرارسید. پس خداوند لعنت کند کسانی را که تو را کشتند و خداوند لعنت کند کسانی را که به تو ستم کردند و خداوند لعنت کند کسانی را که آن را شنیدند و بدان راضی بودند. خدایا! من گواهی می‌دهم که دوست دوستان او و دشمن دشمنان اویم.

در زیارت امام کاظم علیه السلام نیز می‌گوییم:

وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً مُجْتَهِداً مُحْتَسِباً حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ أَهْلِهِ أَفْضَلَ
الْجَزَاءِ وَ أَشْرَفَ الْجَزَاءِ.^۲

و خدای را از روی اخلاص و با تلاش و پاداش جویانه عبادت کردی تا آن‌گاه که مرگت فرارسید. پس خداوند از اسلام و مسلمانان، جزای نیکویت دهد.

همچنین در صلوات مخصوص امام کاظم علیه السلام می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ وَ كَمَا صَبَرَ عَلَى غَيْظِ الْمِحْنِ وَ تَجَرَّعَ فِيكَ غُصَصَ الْكُرْبِ وَ اسْتَسَلَّمَ لِرِضَاكَ... صَلِّ
عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً مُبِيْفَةً زَاكِيَةً.^۳

خدایا! همان‌طور که امام کاظم یر خشم برخاسته از سختی‌های وارد بر او صبر کرد و غصه‌های بلایا را جرعه‌جرعه نوشید و در راه رضای تو تسلیم بود... بر او درودی بابرکت و بلندمرتبه و پاکیزه بفرست.

۱. مصباح‌المتهد و سلاح‌المتهد، ج ۲، ص ۷۸۹.

۲. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵.

۳. همان، ص ۱۷.

همچنین در زیارت امام جواد علیه السلام می‌خوانیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ... جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ حَتَّى أَتَاكَ
الْيَقِينُ.^۱

گواهی می‌دهم که تو... در راه خدا حق جهاد را بجا آوردی و در راه او بر اذیت‌هایی که بر تو وارد شد، صبر کردی تا اینکه مرگت فرارسید.

یکی از پیام‌های مهم این گونه از فرازهای زیارتنامه‌ها، همدردی و مشارکت در غم و اندوه و مصیبت‌های اهل بیت علیهم السلام است.

کتابنامه

✽ قرآن کریم

۱. الاحتجاج علی اهل اللجاج، ابومنصور احمد بن علی طبرسی، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۲. اخلاق اجتماعی پیامبر ﷺ، محسن نیازی و مرتضی جعفرپور، کاشان، انتشارات قانونمدار، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۳. اخلاق اسلامی، احمد دیلمی و مسعود آذربایجانی، قم، انتشارات معارف، ۱۳۷۹ هـ.ش.
۴. اخلاق اسلامی، محمدعلی سادات، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۵. اخلاق در قرآن، ناصر مکارم شیرازی با همکاری جمعی از فضلا، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۵ هـ.ق.
۶. ادب فنای مقربان، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۷. ارشاد القلوب إلى الصواب، حسن بن محمد دیلمی، قم، انتشارات الشریف الرضی، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۸. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد شیخ مفید، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق.

۹. اقبال الاعمال (ط- القديمة)، علی بن موسی ابن طاووس، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۰. الامالی، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶ ه.ش.
۱۱. الامالی، محمد بن حسن طوسی، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ ه.ق.
۱۲. الامالی، محمد بن محمد شیخ مفید، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۳. امر به معروف و نهی از منکر، محمد سروش و سید محمد مقدس‌نیا، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۶ ه.ش.
۱۴. بازگشت به دنیا در پایان تاریخ (تحلیل و بررسی مسئله رجعت)، خدامراد سلیمیان، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ه.ش.
۱۵. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه.ق.
۱۶. البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم بحرانی، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ه.ق.
۱۷. بشارة المصطفی لشيعة المرتضى (ط- القديمة)، عمادالدين ابی جعفر محمد بن أبی القاسم طبری آملی، نجف اشرف، المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۳ ه.ق.
۱۸. البلد الأمين و الدرع الحصين، ابراهيم بن علی عاملی کفعمی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ ه.ق.
۱۹. به سوی او، محمدتقی مصباح یزدی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۲ ه.ش.
۲۰. به سوی خودسازی، محمدتقی مصباح یزدی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۰ ه.ش.
۲۱. تحف العقول، حسن بن علی ابن شعبه حرانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ه.ق.
۲۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم، انتشارات دفتر

- تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶ هـ. ش.
۲۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ هـ. ش.
۲۴. تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۲۵. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸ هـ. ق.
۲۶. توسل به اهل بیت علیهم السلام از نگاه قرآن و سنت، سید مصطفی مناقب، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۰ هـ. ش.
۲۷. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۲۸. جامع الاخبار، محمد بن محمد شعیری، نجف، مکتبه حیدریه، بی تا.
۲۹. جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، علی بن موسی ابن طاووس، قم، دار الرضی، ۱۳۳۰ هـ. ق.
۳۰. الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)، محمد بن حسن شیخ حرّ عاملی، تهران، انتشارات دهقان، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۳۱. جبل متین: شناخت ارکان دین (شرح زیارت جامعه کبیره)، سید محمد ضیاء آبادی، تهران، انتشارات بنیاد خیریه الزهراء، ۱۳۹۰ هـ. ش.
۳۲. الحج والعمرة فی الكتاب والسنة، محمد محمدی ری شهری، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶ هـ. ش.
۳۳. حیاة الامام حسین بن علی علیه السلام باقر شریف قرشی، بیروت، دار البلاغه، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۳۴. الخصال، محمد بن علی ابن بابویه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ هـ. ش.
۳۵. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ هـ. ق.

۳۶. الدروس الشرعية في فقه الإمامية، (شهيد اول)، محمد بن مكى عاملی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ه.ق.
۳۷. دعائم الاسلام، نعمان بن محمد مغربی ابن حیون، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۳۸۵ ه.ق.
۳۸. دلائل الصدق لنهج الحق، محمد حسن مظفر نجفی، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۲۲ ه.ق.
۳۹. دلائل عصمت امام از دیدگاه عقل و نقل، حجت منگنه‌چی، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، ۱۳۹۱ ه.ش.
۴۰. دیوان حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی.
۴۱. رجعت از نگاه عقل و دین، غلامرضا مغیثی، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، ۱۳۹۲ ه.ش.
۴۲. رهبری در اسلام، محمد محمدی ری‌شهری، قم، انتشارات دار الحدیث، ۱۳۷۵ ه.ق.
۴۳. زاد المعاد - مفتاح الجنان، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ ه.ق.
۴۴. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ ه.ق.
۴۵. سنن النبی، علامه سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه و تحقیق: محمدهادی فقهی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۸ ه.ش.
۴۶. سیره اخلاقی معصومین عليهم السلام، علی اصغر الهامی نیا، تهیه‌کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۵ ه.ش.
۴۷. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، محمد بن حسین آقاجمال خوانساری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ه.ش.
۴۸. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبة‌الله ابن ابی‌الحدید، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ه.ق.
۴۹. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، عبیدالله بن عبدالله حسکانی، تهران، التابعة لوزارة الثقافة و

- الارشاد الاسلامی، مجمع احیاء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۵۰. الصحیفة السجادية، امام علی بن الحسین علیه السلام، قم، دفتر نشر الہادی، ۱۳۷۶ هـ.ش.
۵۱. عدة الداعی و نجاح الساعی، احمد بن محمد ابن فہد حلی، تہران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۵۲. علم اخلاق اسلامی (گزیدہ کتاب جامع السعادات)، مولی مہدی نراقی، ترجمہ و گزینش: سید جلال الدین مجتبوی، تہران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۵۳. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیدة النساء إلی الإمام الجواد، ج ۲۳ - الجواد علیه السلام)، عبد اللہ بن نور اللہ بحرانی اصفہانی، قم، مؤسسۃ الامام المہدی علیہ السلام، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۵۴. عوالمی اللثالی العزیزية فی الأحادیث الدینیة، محمد بن زین الدین ابن ابی جمہور، قم، دار سیدالشہداء للنشر، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۵۵. عیون اخبار الرضا علیہ السلام، محمد بن علی ابن بابویہ، تہران، نشر جہان، ۱۳۷۸ هـ.ق.
۵۶. غرر الاخبار، حسن بن محمد دیلمی، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۴۲۷ هـ.ق.
۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶ هـ.ش.
۵۸. فرہنگ زیارت، جواد محدثی، تہران، نشر مشعر، ۱۳۸۶ هـ.ش.
۵۹. فرہنگ صفات: بایدها و نبایدهای اخلاقی، عباس اسماعیلی یزدی، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۹۰ هـ.ش.
۶۰. فضائل الأشهر الثلاثة، محمد بن علی ابن بابویہ، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۹۶ هـ.ق.
۶۱. فضائل الشیعة، محمد بن علی ابن بابویہ، تہران، انتشارات اعلمی، بی تا.
۶۲. فلسفہ زیارت و آیین آن، مرتضی واعظ جوادی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۶۳. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تہران، دار الکتب الاسلامیہ، ۱۴۰۷ هـ.ق.

٦٤. كامل الزيارات، جعفر بن محمد ابن قولويه، نجف، دار المرتضويه، ١٣٥٦هـ. ش.
٦٥. كتاب سليم بن قيس الهلالي، سليم بن قيس هلالی، قم، الهادي، ١٤٠٥هـ. ق.
٦٦. كتاب المزار - مناسك المزار، محمد بن محمد شيخ مفيد، قم، كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد، ١٤١٣هـ. ق.
٦٧. كفاية الأثر في النص على الأئمة الاثني عشر، علي بن محمد خزاز رازی، قم، انتشارات بيدار، ١٤٠١هـ. ق.
٦٨. كمال الدين و تمام النعمة، محمد بن علي ابن بابويه، تهران، انتشارات اسلاميه، ١٣٩٥هـ. ق.
٦٩. كنز الفوائد، محمد بن علي كراچكي، قم، دارالذخائر، ١٤١٠هـ. ق.
٧٠. لسان العرب، محمد بن مكرم ابن منظور، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع دار صادر، ١٤١٤هـ. ق.
٧١. اللهوف على قتلى الطفوف، علي بن موسى ابن طاووس، ترجمه احمد فهري زنجاني، تهران، انتشارات جهان، ١٣٤٨هـ. ش.
٧٢. مثنوى معنوى، مولانا جلال الدين محمد بلخي (مولوى)، تهران، انتشارات اميركبير، ١٣٧٥هـ. ش.
٧٣. مجمع البيان فى تفسير القرآن، فضل بن حسن طبرسى، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ١٣٧٢هـ. ش.
٧٤. مجموعه ورام (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر)، مسعود بن عيسى ورام بن ابى فراس، قم، مكتبة فقيه، ١٤١٠هـ. ق.
٧٥. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقى، قم، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٧١هـ. ق.
٧٦. المزار فى كيفية زيارات النبى و الأئمة (عليه السلام)، محمد بن مكى عاملى (شهيد اول)، قم، مدرسه امام مهدي (عليه السلام)، ١٤١٠هـ. ق.
٧٧. المزار الكبير، محمد بن جعفر ابن مشهدى، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه

- مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۷۸. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسين بن محمدتقی نوری، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۷۹. مُسَكِّنُ الْفُؤَادِ عِنْدَ فَقْدِ الْاِحْبَابِ وَ الْاَوْلَادِ، زين الدين بن علي شهيد ثاني، قم، انتشارات بصيرتي، بی تا.
۸۰. مشکاة الانوار في غرر الاخبار، علي بن حسن طبرسي، نجف، المكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ هـ.ق.
۸۱. مصباح الشريعة، منسوب به امام جعفر صادق عليه السلام، بيروت، اعلمي، ۱۴۰۰ هـ.ق.
۸۲. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، محمد بن حسن شيخ طوسي، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۸۳. المصباح (جنة الأمان الواقية)، ابراهيم بن علي عاملي كفعمي، قم، دارالرضي (زاهدي)، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۸۴. معاني الأخبار، محمد بن علي بن ابن بابويه، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۸۵. معراج السعادة، ملا احمد نراقي، قم، نشر بهار دلها، ۱۳۸۸ هـ.ش.
۸۶. المفردات في غريب القرآن، حسين بن محمد الراغب الاصفهاني، دمشق - بيروت، دارالعلم/الدارالشامية، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۸۷. مقام ولايت (در شرح زيارت جامعه كبيره)، احمد زمرديان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۸۸. المقنعة، محمد بن محمد شيخ مفيد، قم، كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۸۹. مكارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسي، قم، الشريف الرضي، ۱۴۱۲ هـ.ق - ۱۳۷۰ هـ.ش.
۹۰. مناقب آل ابی طالب عليهم السلام، محمد بن علي، ابن شهر آشوب مازندراني، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹ هـ.ق.

۹۱. من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي ابن بابويه، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۹۲. منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، ميرزا حبيب الله هاشمي خوئي، تهران، مكتبة الاسلامية، ۱۳۵۸ ه.ق.
۹۳. ميزان الحكمه، محمد محمدی ری شهری، تهران، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۳۶۷ ه.ش.
۹۴. الميزان في تفسير القرآن، علامه سيد محمد حسين طباطبائي، قم، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۷ ه.ق.
۹۵. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، حسين بن محمد بن حسن بن نصر حلواني، قم، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۸ ه.ق.
۹۶. نقطه‌های آغاز در اخلاق عملي، محمدرضا مهدوي كني، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ۱۳۷۶ ه.ش.
۹۷. نهج البلاغة (للصبحي صالح)، محمد بن حسين شريف الرضي، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۴ ه.ق.
۹۸. نهج الفصاحة (مجموعه كلمات قصار حضرت رسول صلى الله عليه وآله)، ابوالقاسم پاينده، تهران، دنياي دانش، ۱۳۸۲ ه.ش.
۹۹. وسائل الشيعه، محمد بن حسن شيخ حر عاملي، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۰۰. ولايت در پرتو آيات، علي جان محمدی (قره‌باغی)، قم، مركز جهاني علوم اسلامي، ۱۳۸۳ ه.ش.
۱۰۱. هدية الزائرین، شيخ عباس قمی، قم، مؤسسه جهاني سبطین، ۱۳۸۳ ه.ش.